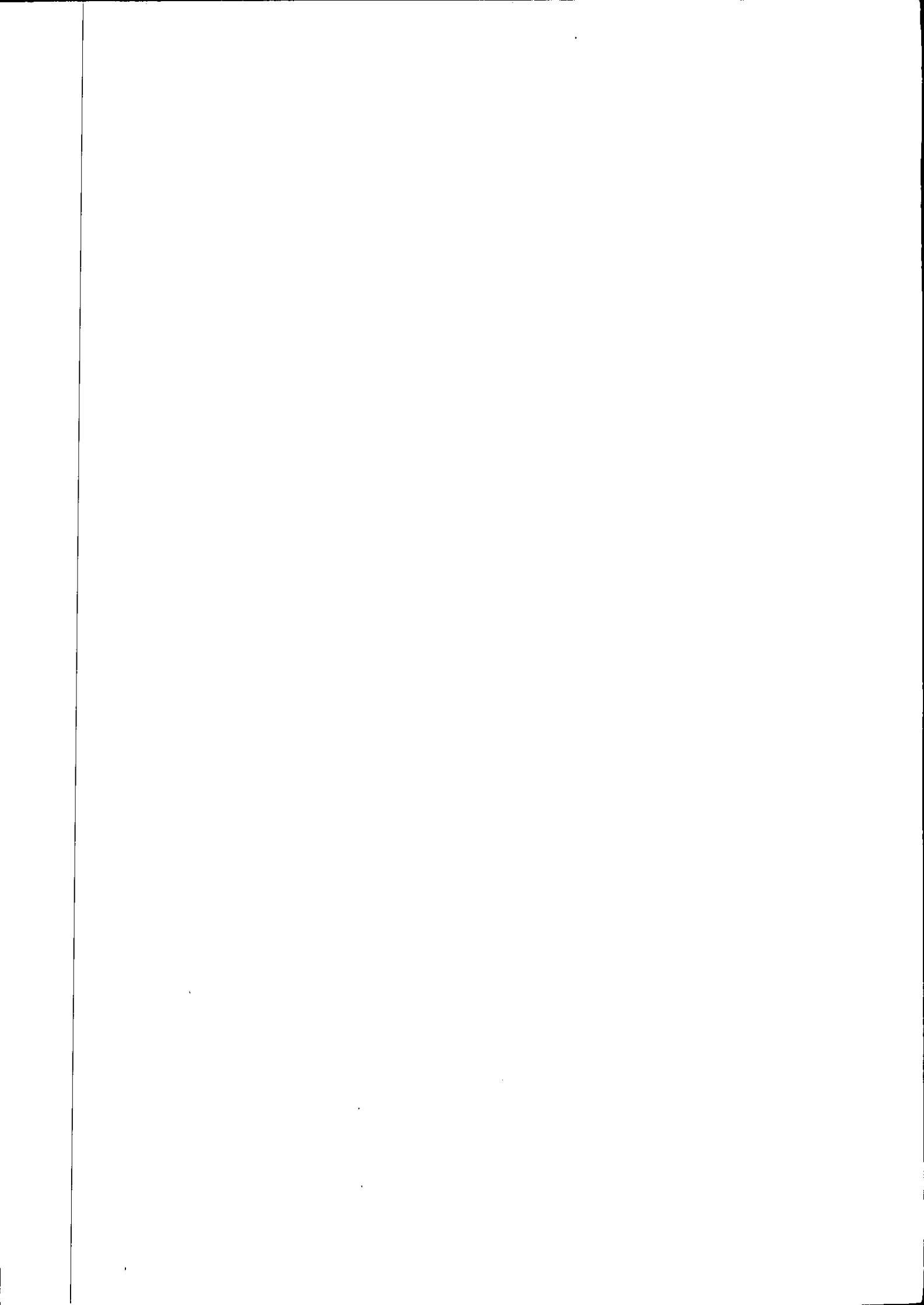


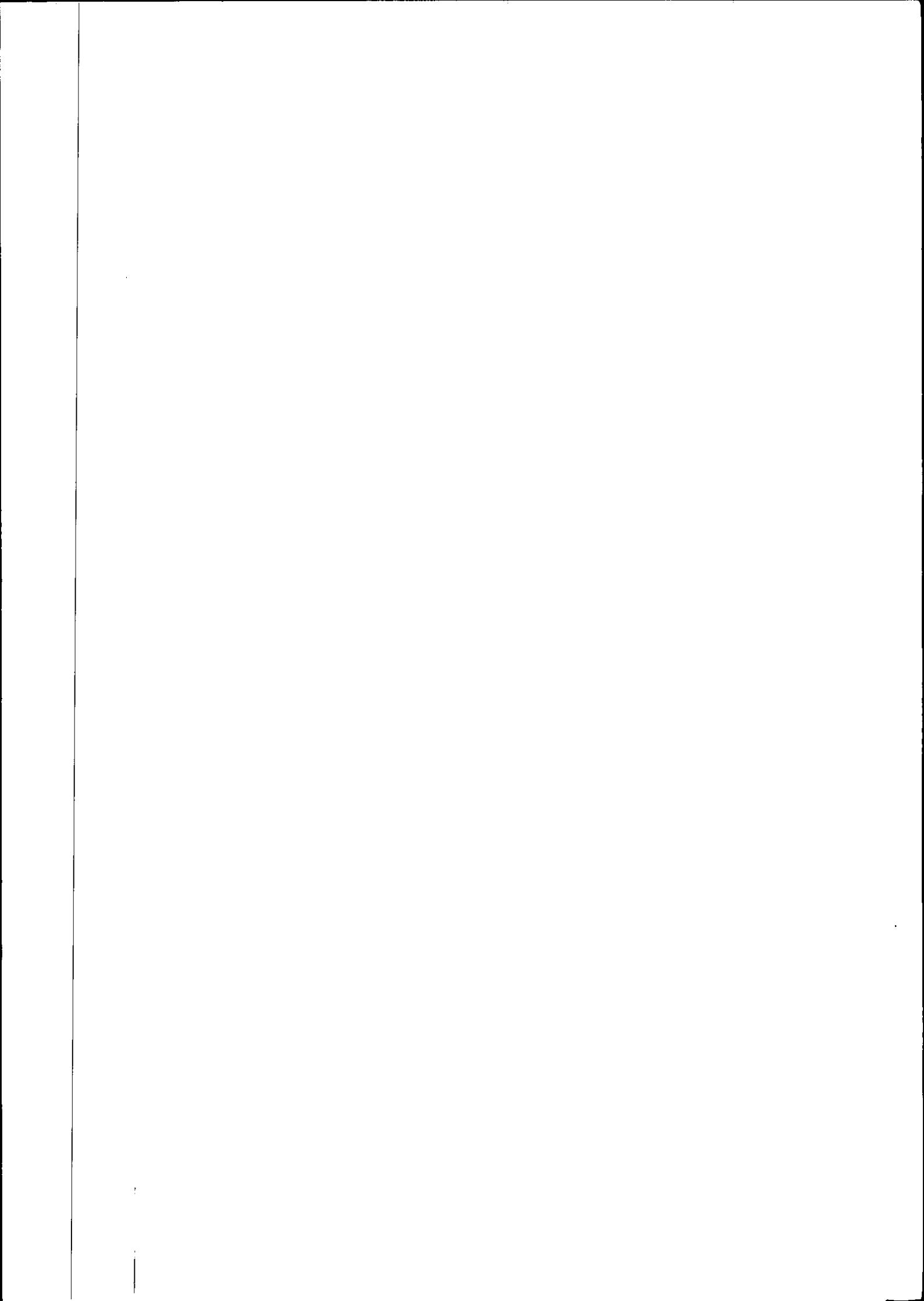
اصول و مبانی برنامه ریزی منطقه ای

نام استاد: جناب آقای دکتر طالبی



فهرست مطالب

- مفاهیم و سوابق برنامه ریزی توسعه منطقه ای - فصل (۱) - دکتر مراد ۳۳ تا ۹۴
- اصول و مبانی برنامه ریزی منطقه ای ۳۱ تا ۵۹
- برنامه ریزی منطقه ای هدف اساسی طرح آمایش سرزمین ۶۳ تا ۸۰
- برنامه ریزی منطقه ای در ایران ۲۳۳ تا ۲۹۵
- روش تعیین سطح توسعه یافتگی ۱ تا ۲۴
- تحلیل نظام سکونتگاهی و ساماندهی آن ۲۲۹ تا ۲۶۰



فصل دوم

مفاهیم و سوابق بر نامه ریزی توسعه منطقه‌ای

۱- مفاهیم توسعه

۱-۱- توسعه ای عملی از رشد اقتصادی

۱-۲- توسعه علاوه بر دستی به خود

۱-۳- تمرکز بر رشد و توسعه پایدار

۱-۴- توسعه ای با بهره از توسعه در منطقه

۲- توسعه پایانه توسعه منطقه ای در ایران

۳- توسعه پایانه توسعه منطقه ای در ایران

۴- بررسی مفاهیم در پایانه توسعه ای

توضیح: انواع پایانه در پایانه منطقه ای

پایانه منطقه ای هدف از آن است که زیربنای

کسب کار را توسعه دهد و سرمایه گذاری آن

مفاهیم توسعه منطقه ای

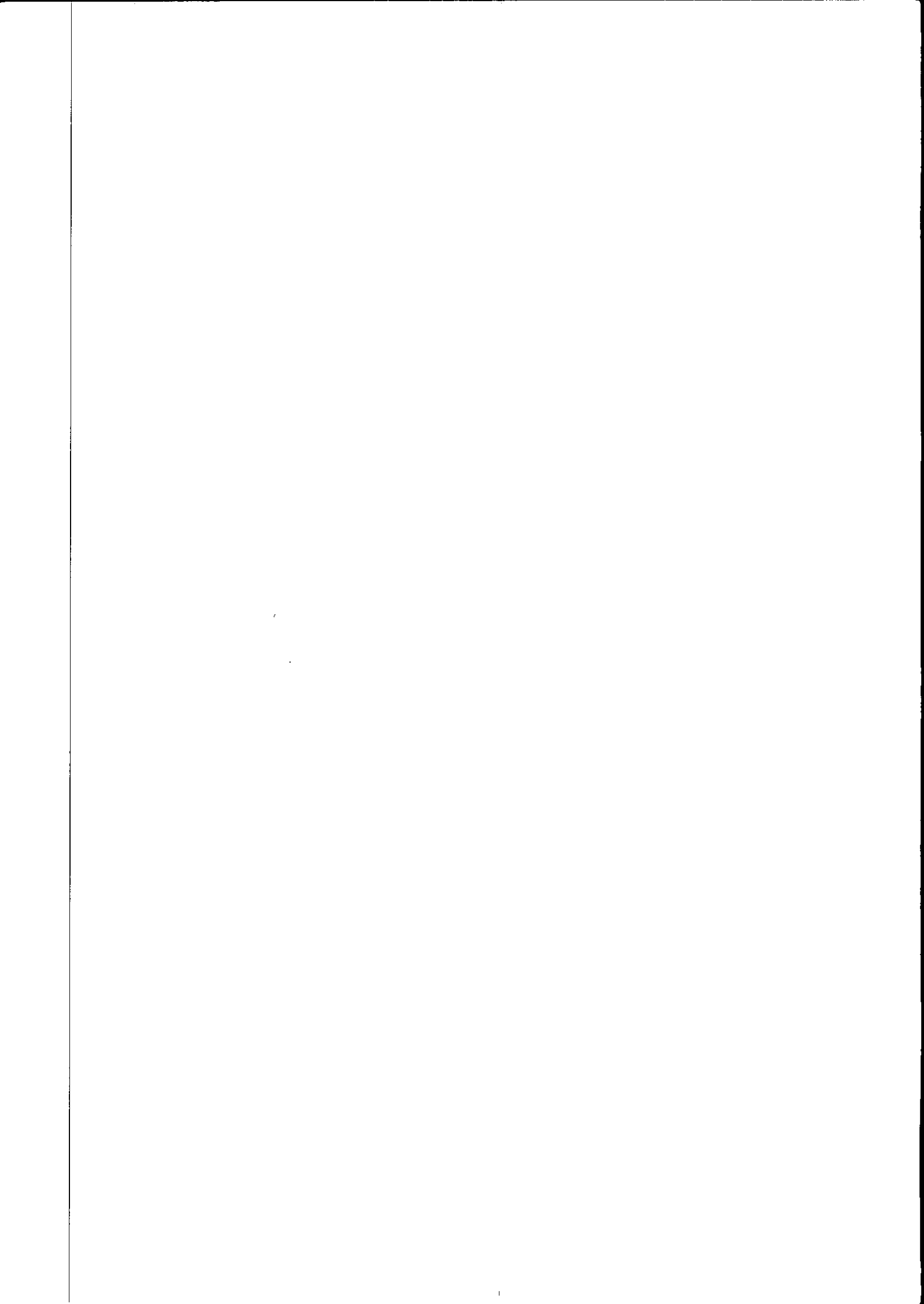
پایانه توسعه ای در ایران

۱ - مفاهیم توسعه

برنامه‌ریزی منطقه‌ای در پرتو نظریه‌های توسعه منطقه‌ای صورت می‌گیرد و این نظریه‌ها برآمده از مفاهیم توسعه به طور کلی و توسعه منطقه‌ای به طور مشخص است. از این رو، پیش از پرداختن به نظریه‌های توسعه منطقه‌ای لازم است که مفاهیم توسعه مورد بررسی قرار گیرند و پس از آن مصادیق مربوط در سوابق و تجارب توسعه منطقه‌ای در جهان بررسی شوند.

۱-۱ - توسعه‌ای فراتر از رشد اقتصادی
همانگونه که در نوشتار بخش گذشته اشاره شد، معنای فراگیر توسعه تا دهه ۱۹۶۰ مترادف ایجاد و تداوم رشد اقتصادی بود که اغلب با رشد تولید ناخالص ملی (GNP) و درآمد سرانه کشور سنجیده می‌شد. (۳۹) چنین درک محدود و تک سویه‌ای با مشاهده ناکامیهای اجتماعی - زیست محیطی و حتی در برخی موارد اقتصادی، مورد انتقاد و بازنگری واقع شد. اگر چه در وجه فلسفه سیاسی، مهاتما گاندی رهبر برجسته مبارزه ضد استعماری هند اولین کسی بود که در دهه ۱۹۳۰ به نفی انگاره توسعه غربی (بویژه به دلیل اشاعه روح زیاده خواهی فردی به جای قناعت اجتماعی و برقراری مناسبات صرفاً اقتصادی به جای انسانی و ترویج وابستگی در عوض خوداتکائی)

۳۹ - تودارو، مایکل (۱۳۶۴). توسعه اقتصادی در جهان سوم (جلد اول). مترجم: غلامعلی فرجادی. تهران: مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات وزارت پرنامد و بودجه. صفحه ۱۳۳.



۱۹۶۰ دست یافته بود. به بیان سیرز: "در حقیقت به نظر می‌رسد که رشد اقتصادی در حل مشکلات اجتماعی و سیاسی ناتوان بوده و در واقع برخی از آنها را باعث شده است." (۴۳)

۲-۱ - توسعه‌ای عادلانه و متکی به خود
نیاز به تغییر ماهیت روند توسعه در جریان، از دهه ۱۹۷۰ در همایشها و فراخوانهای جهانی متعددی سفارش شد. رخدادهای سیاسی این دهه، زمینه را بیش از پیش مساعد کرد. رکود جهانی در پی افزایش بهای نفت توسط اعضا "اوپک" (OPEC)، شکست ایالات متحده آمریکا در جنگ ویتنام، انقلابهای در کشورهای وابسته مانند ایران و نیکاراگوئه، از جمله رخدادهایی بودند که امیدهایی برای نظم نوین و متعادل جهانی شکوفا ساخت و کشورهای "جنوب" بسیاری را اندیشه اصلاحات و رهیافتی جدید برای توسعه از راه همکاری و سازماندهی میان خود (مانند: جنبش غیرمتعهدها و گروه ۷۷) فراگرفت. از نمونه‌های بارز مقبولیت جهانی لزوم بازنگری در توسعه متداول، اعلامیه کوکویاک (Cocoyoc) توسط جمع مشهوری از دانشمندان بین‌المللی و سیاستمداران در ۱۹۷۴ است که "جنوب" را به توسعه انسانی (و نه اشیاء) و به خوداتکائی فراخواند. (۴۴) در همین ارتباط، می‌توان از گزارش پرنفوذ بنیاد داگ هامرشولد (Dag Hammarskjold) خطاب به سازمان ملل متحد، تحت عنوان "حالا چی؟ توسعه‌ای دیگر" در سال ۱۹۷۵ نام برد که اولویت نیازهای پایه تهیدستان، خوداتکائی و عدم تقلید کورکورانه انگاره توسعه "شمال" را برای کشورهای

۴۳ - منبع پیشین، صفحه ۲۰.

۴۴ - Hajnal, A & I. Kiss (1988). "System Approach to Planning Intergrated Development in: Unesco. Innovative Approaches to Development Planning. Paris, Unesco.

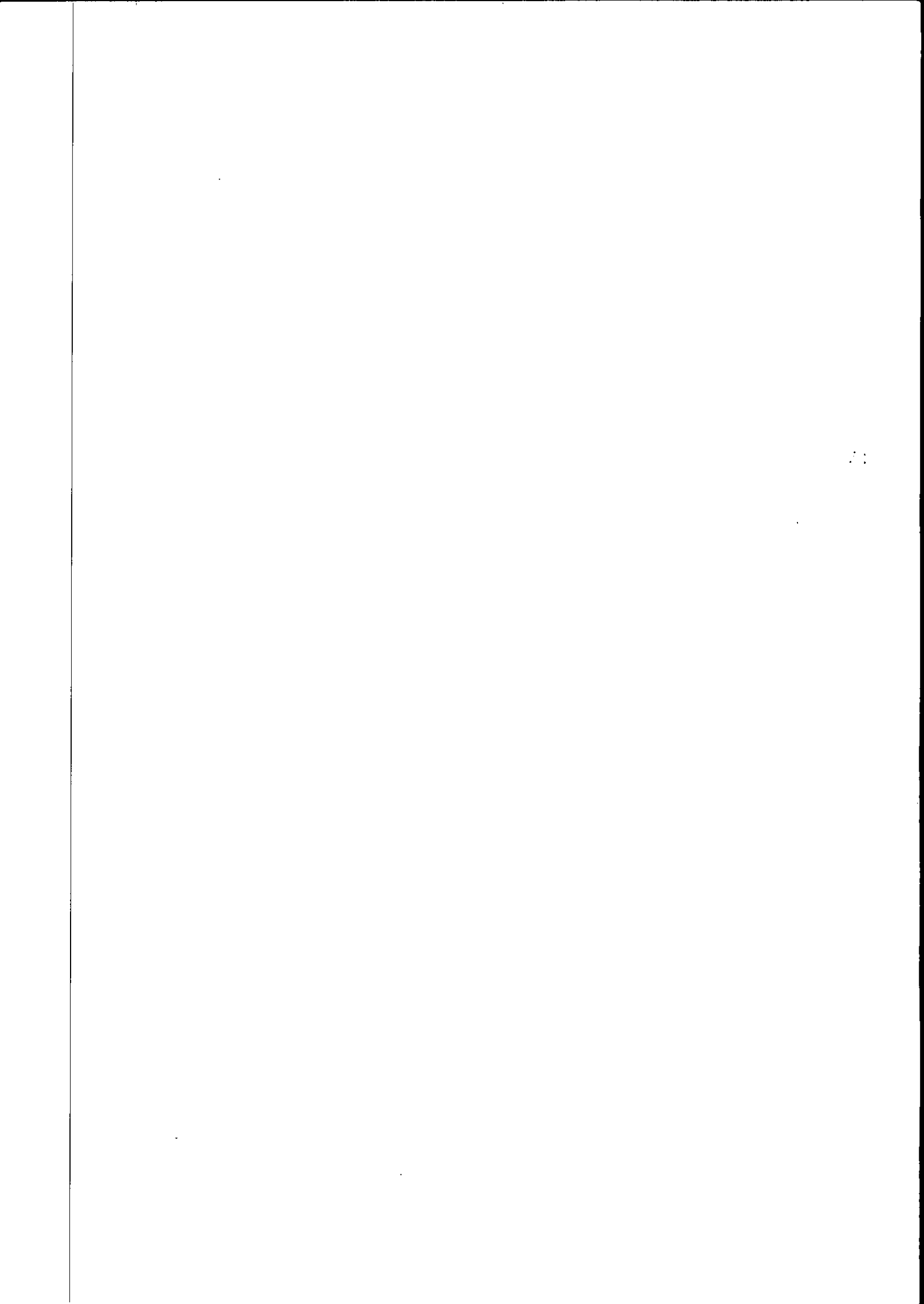
اقدام کرد، (۴۰) لیکن در میان پژوهشگران دانشگاهی، نقد دادلی سیرز (Dudley Seers)، رئیس وقت انستیتی تحقیقات توسعه در دانشگاه ساسکس (Sussex) انگلستان، نقطه چرخشگاه نظری در باور متداول توسعه محسوب می‌شود. سیرز بر سهولت بیانی در باره مفهوم توسعه پیش کشید و معیار رشد اقتصادی آنهم با سنجش رشد تولید ناخالص ملی راناکافی شمرده و معیارهای دیگری مانند: توزیع درآمد، اشتغال و فقر را لازم دانست. او به صراحت بیان کرد که اگر درآمد سرانه کشوری دو برابر شود ولی یکی از معیارهای گفته شده بدتر شود، نمی‌توان آنچه را دست یافته‌اند، توسعه نامید. (۴۱)

بدین سان مفهوم نوینی از توسعه در جهان، همراه با استقبال کشورهای مستقل "جنوب" ریشه دوانید که نظریات توسعه منطقه‌ای را نیز دگرگون کرد و دیگر تنها بر رشد اقتصادی و توسعه قطبی کمابیش ملازم آن، متکی نبود. در واقع، پس از دو دهه تلاش جهانی برای توسعه از اواخر دهه ۱۹۶۰ روشن شد که فقری گسترده‌تر، فاصله عقب ماندگی بیشتر، بی‌عدالتی اجتماعی شدیدتر و خیل بیکارانی انبوه‌تر، رویاروی اکثریت "جنوب" است، آن هم با چشم‌اندازی تیره و امید کمی سو به بر طرف کردن آنها؛ (۴۲) و این در حالی بود که "جنوب" به نرخ رشد‌های اقتصادی کم سابقه‌ای در دهه

۴۰ - Agazzi, E. (1988). "Philosophical Anthropology and the Objectives of Development" in: Unesco. Goals of Development. Paris, Unesco.

۴۱ - Seers, D. (1969). "The Meaning of Development" in: International Development Review. December, P.2-6.

۴۲ - آخرین اطلاعات در دسترس نیز برآیند فاصله کشورهای "شمال" و "جنوب" دلالت دارد. در سال ۱۹۵۰ نسبت میانگین درآمد سرانه کشورهای "شمال" به "جنوب" ده برابر بوده و در سال ۱۹۶۰ به پانزده برابر رسیده‌است و برآوردها برای سال ۲۰۰۰ گویای سی برابر است (ماخذ: صفحه ۳ کتاب: Global Issues نوشته J.L. Seitz چاپ ۱۹۹۵ توسط Blackwell در Cambridge). از نظر توزیع درآمد نیز الگوری غیرعادلانه‌ای به چشم می‌خورد. گروه درآمدی ۲۰ درصد اول ۱۵۰ برابر گروه درآمدی ۲۰ درصد آخر در جهان درآمد داشته که این نسبت طی ۲۰ سال گذشته دو برابر شده‌است (ماخذ: صفحه ۱۱ کتاب: Human Development Report در سال ۱۹۹۳ که توسط UNDP تهیه شده‌است). کمیته فقرا نیز از کمتر از ۱ میلیارد نفر در حدود ۱۹۸۰ به بیش از ۱/۲ میلیارد نفر در حدود ۱۹۹۰ بالغ شده است (ماخذ: صفحه ۳۰ کتاب World Development Report در سال ۱۹۹۲ که توسط World Bank تهیه شده است).



است، به حلش پیروان دارند... اطمینان دارم که در میان علل فقر عواملی از قبیل فقدان ثروت طبیعی، یا نبود سرمایه، یا نابسندگی زیربنا، کلاً در مرتبت دوم قرار دارند. علل اصلی فقر در نهایت امر، عللی غیرمادی هستند و در پاره‌ای نابسامانیهای موجود در آموزش، سازمان و انضباط، نهفته‌اند." (۴۹) این اندیشه به توجهم‌زدانی از صدها میلیون فقیر جنوبی "که در رویای وصال بخش نوین (مدرن) و توسعه غربی بودند، یاری رساند. (۵۰)

۳-۱ - محدودیت رشد و توسعه‌ای پایدار

به موازات نارضایتی‌هایی که غالباً از دیدگاه عدالت اجتماعی (Social Equity) در رابطه با انگاره توسعه متداول مطرح می‌شود، از دیدگاه تعادل بوم شناسانه (Ecological Balance) نیز اعتراضهای فزاینده‌ای از اواخر دهه ۱۹۶۰ شکل گرفت که نقطه اوج آن تشکیل کنفرانس جهانی استکهلم برای محیط زیست در سال ۱۹۷۲ بود. (۵۱) مشاهده تولید آلودگی و تخریب زیست محیطی و رویه اتمام گذاشتن منابع کلیدی در توسعه صنعتی (مخصوصاً انرژی‌های فسیلی و مس در چشم‌انداز آن سالها) همراه با رشد شتابان جمعیت و نیازهای تولیدی جهان، نگرانی زرفی در کشورهای "شمال" پدید آورد.

از موثرترین تلاشهای اولیه در این زمینه به نوشته‌های اقتصاددانان سنت شکنی همچون: وارد (B.Ward)، دویو (R.Dubos) و دیلی (H.Daly) و مهمتر از همه به گزارشهای

- ۴۹ - شوماخر (۱۹۶۰)، صفحه ۱۳۱ تا ۱۳۲.
 ۵۰ - این اشاره لازست که در اثرموجهای سیاسی - اجتماعی و نظری گفته‌شده، در اواخر دهه ۱۹۷۰، لندن جدیدی در برخی کشورهای "شمال" برای پذیرش مسئولیتهای خود در توسعه جهانی و همکاری با کشورهای "جنوب" مشاهده شد که با پیروزیهای متوالی جناحهای راست در اکثر کشورهای سردمدار غرب (ناچر در انگلستان، ریگان در ایالات متحده آمریکا، کهل در آلمان، مارونی در کانادا...) بعداً به فراموشی سپرده شد. برای نمونه لندن صلح جوینانه و پذیرش پیوند بهروزی و رفاه "شمال" با توسعه "جنوب" به گزارش‌های کمیسیون برانت مراجعه شود (کمیسیون مستقل بررسی مسائل توسعه جهان - ۱۹۶۴. شمال - جنوب: برنامه‌ای برای بقا. و نیز: بحران عمومی: همکاری برای بهبود وضع جهان، مترجم: هرمز صباغی‌پور، تهران، (کتاب).

جنوب "توصیه کرد: (۴۵)

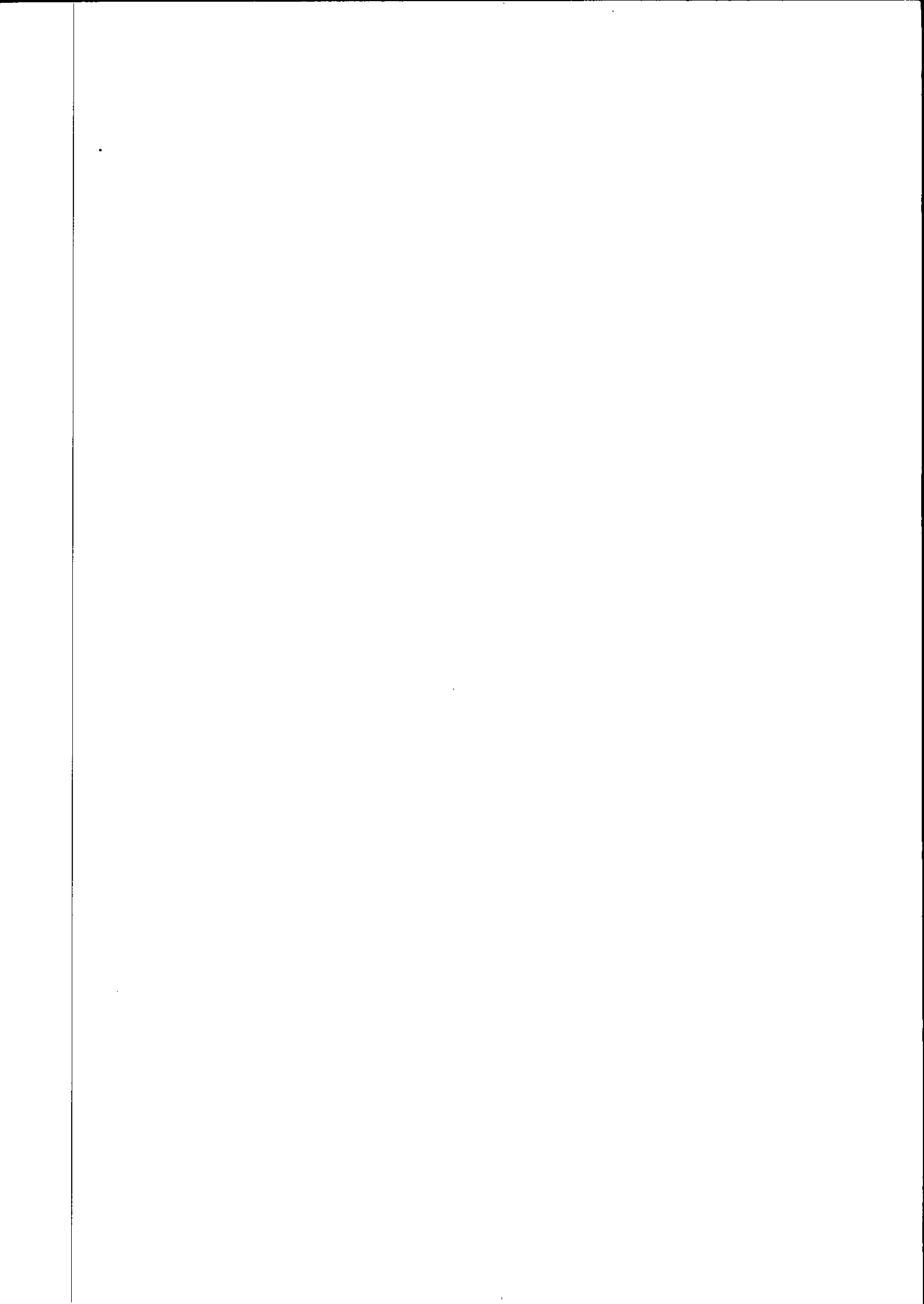
در همین زمان، در یک سر طیف بازنگریها در نظریات توسعه اقتصادی، شاهد نظریاتی مانند نظریه چتری (H.Chenery) هستیم که باز توزیع را همراه رشد لازم دانسته و عدالت را به آینده‌ای دور موکول نمی‌کند. (۴۶) در ادامه پذیرش اهمیت عوامل غیراقتصادی در توسعه، نظر نودارو درباره سه جزء اساسی توسعه نیافتگی قابل ذکر است که آنها را "سطح پایین زندگی (معاش زندگی)، سطح پایین اعتماد به نفس و آزادی محدود می‌داند." هر چند او براین باور است که "در انتقال از حالت توسعه نیافتگی مزمن به توسعه، بهبود در سطح زندگی مردم باید از بالاترین اولویت برخوردار باشد و به همین دلیل، اقتصاد باید نقش اصلی را در فرآیند توسعه بازی کند." (۴۷)

در سر دیگر طیف بازنگریهای به نظریات بنیادی شوماخر (E.F.Schumacher) برومی‌خوریم که مسیر کاملاً متفاوتی برای توسعه اقتصادی پیشنهاد کرد. او نوشت: "توسعه اقتصادی چیزی بسیار وسیع تر و عمیق تر از علم اقتصاد است، تا چه رسد به اقتصاد سنتجی. ریشه‌های آن در خارج از حوزه اقتصاد، یعنی در آموزش، سازمان، انضباط و فراتر از آن، در استقلال سیاسی، و احساس ملی به خود متکی بودن قرار دارد. نمی‌توان آن را از طریق عملیات پیوندزنی ماهرانه فن سالاران (تکنوکراتهای) خارجی یا برگزیدگان داخلی که تماس خود را با مردم عادی از دست داده‌اند، تولید کرد." (۴۸) و ادامه می‌دهد: "حاصل کلام این است که توسعه، اساساً "مسئله ای نیست که اقتصاددانان یا دست کم اقتصاددانانی که تخصصشان بریک فلسفه مادی خام استوار

۴۵ - Dag Hammarskjold Foundation. What Now: Another Development.

Uppsala, The Dag Hammarskjold Foundation.

- ۴۶ - غلامعلی فرجادی (۱۳۷۰)، صفحه ۶۹ تا ۷۵. همچنین به کتاب: فرجادی جهان سوم، صفحات ۲۲ و ۴۴ و نیز کتاب: انتقال به توسعه عادلانه، نوشته کیت گرینین و جفری جیمز، از انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی دوسال ۱۳۶۸، مترجم: محمدرضا رفتی، مراجعه شود.
 ۴۷ - نودارو (۱۳۶۴)، صفحه ۱۴۲.
 ۴۸ - شوماخر (۱۳۶۰)، حک: اقتصاد با ابعاد انسان. مترجم: علی رامین.



موجود جهان) کافی پنداشته می‌شد. (۵۵) لیکن به تدریج ضرورت همراهی دیدگاه‌های عدالت اجتماعی با تعادل‌های بوم‌شناسانه روشن گردید. از نیمه دهه ۱۹۸۰ میلادی به بعد، این باور بین پژوهشگران رواج روز افزونی یافته است که در اثر اقدامات به اصطلاح توسعه جامعه بشری با روال کنونی، ظرفیت حامل (Carrying Capacity) کره زمین لبریز شده و به گونه‌ای برگشت ناپذیر، فرآیند افت کیفیت محیط زیست و کاهش منابع طبیعی، دنیا را به پرتگاه نیستی می‌کشاند. (۵۶) از این رو، توقف رشد کنونی اقتصاد جهان ضرورتی مبرم است. اما نمی‌توان از محدودیت و توقف رشد برای اکثریت چهارم جهان در شرایطی سخن به میان آورد که از پاسخگویی به حداقل نیازهای خود و برخوردارگی از زندگی در شان انسان محروم هستند. مسئله این است که تولید و مصرف کشورهای "شمال" با اقلیتی از جمعیت جهان، چندین برابر اکثریت "جنوبی" ها بر جهان آسیب رسانده و تمدن و توسعه بشر را ناپایدار ساخته است. (۵۷) بنابراین اگر مسئولیتی برای جوامع "جنوب" در مهار رشد جمعیشان وجود دارد، به نسبت بیشتری مسئولیت برای جوامع "شمال" اینست که به تغییر تکنولوژی‌های تولید ضد محیط زیست و کاهش مصرف در تمامی ابعاد آن همت گمارند. مفهوم راستین توسعه پایدار (Sustainable Development) چنین است. (۵۸)

۵۵ - بنیادی‌ترین راه حل در همین چارچوب فکری در کشورهای اسکاندیناوی در دهه ۱۹۷۰ مطرح شد که برنامه توسعه ملی با رشد اقتصادی صفر در دستور کار قرار گرفت.

۵۶ - صرافی، مظفر (۱۳۷۵). "توسعه پایدار و مسئولیت برنام‌ریزان شهری" در مجله: معماری و شهرسازی، شماره ۳۵. انتشار مهرماه، صفحات ۲۸ تا ۴۵.

۵۷ - به عنوان نمونه یک فرد آمریکایی بیش از ۴۰ برابر یک فرد هندی به طور میانگین از مواد انرژی کره زمین استفاده می‌کند و ضایعات به محیط، می‌ریزد (صرافی - ۱۳۷۵، صفحه ۴۱).

۵۸ - بحث کاربردی مفهوم توسعه پایدار به طور جداگانه در بخش نظریه‌های توسعه منطقه‌ای این نوشتار آورده خواهد شد. لازم به یادآوری است که کنفرانس جهانی زمین در یوروژانیرو، سال ۱۹۹۲ که با حضور بیشترین تعداد سران جهان نسبت به هر کنفرانس دیگر در قرن حاضر تشکیل شد، مقبولیت جهانی به مفهوم توسعه پایدار (اگرچه با برداشتی محافظه کارانه) داده است.

باشگاه رم (Club of Rome) می‌توان اشاره کرده که محدودیتهای رشد (برای جمعیت، صنعتی شدن، تولید مواد غذایی و آلودگی را در رابطه با ظرفیت کره زمین (برای بازتولید منابع، بازیافت آلاینده‌ها و پشتیبانی نظام‌های حیاتی) تبیین کرده‌اند. (۵۲) هشدارهای گفته شده به عرصه سیاسی نیز کشیده شد و برای مثال در گزارش جهانی (Golbat 2000) برای رئیس جمهور وقت ایالات متحده آمریکا، سفارش موکد به راه نونی جهت توسعه جهان شده است؛ زیرا آینده‌نگریها با فرض تداوم روند موجود، به فاجعه‌ای زیست محیطی پیش از پایان قرن بیست و یکم منتهی می‌شد. (۵۳)

گسترش آگاهی شهروندان در مورد خطرات زیست محیطی نیز موجب پایه گرفتن سریع گروه‌های سیاسی با برنامه‌های نوین (مانند: صلح سبز - Green Peace، دوستان زمین Friends of the Earth) در اروپا شد که به نوبه خود فشاری مردمی برای تغییر مفهوم سنتی توسعه را به بار آورد. (۵۴)

لکنه قابل توجه اینست که اندیشمندان موانع دیدگاه‌های تعادل بوم‌شناسانه از حاشیه ضرورت تغییرات ساختاری کشورها و لزوم تحول نظام جهانی برای تحقق توصیه‌هایشان گذر نمی‌کردند و به توصیه‌های صرفاً "بوم‌شناسانه اکتفا می‌نمودند. در نتیجه راه‌حل‌های فن‌سالارانه بشر و تعدیل مدیریت منابع (آنهم به نفع حفظ وضع

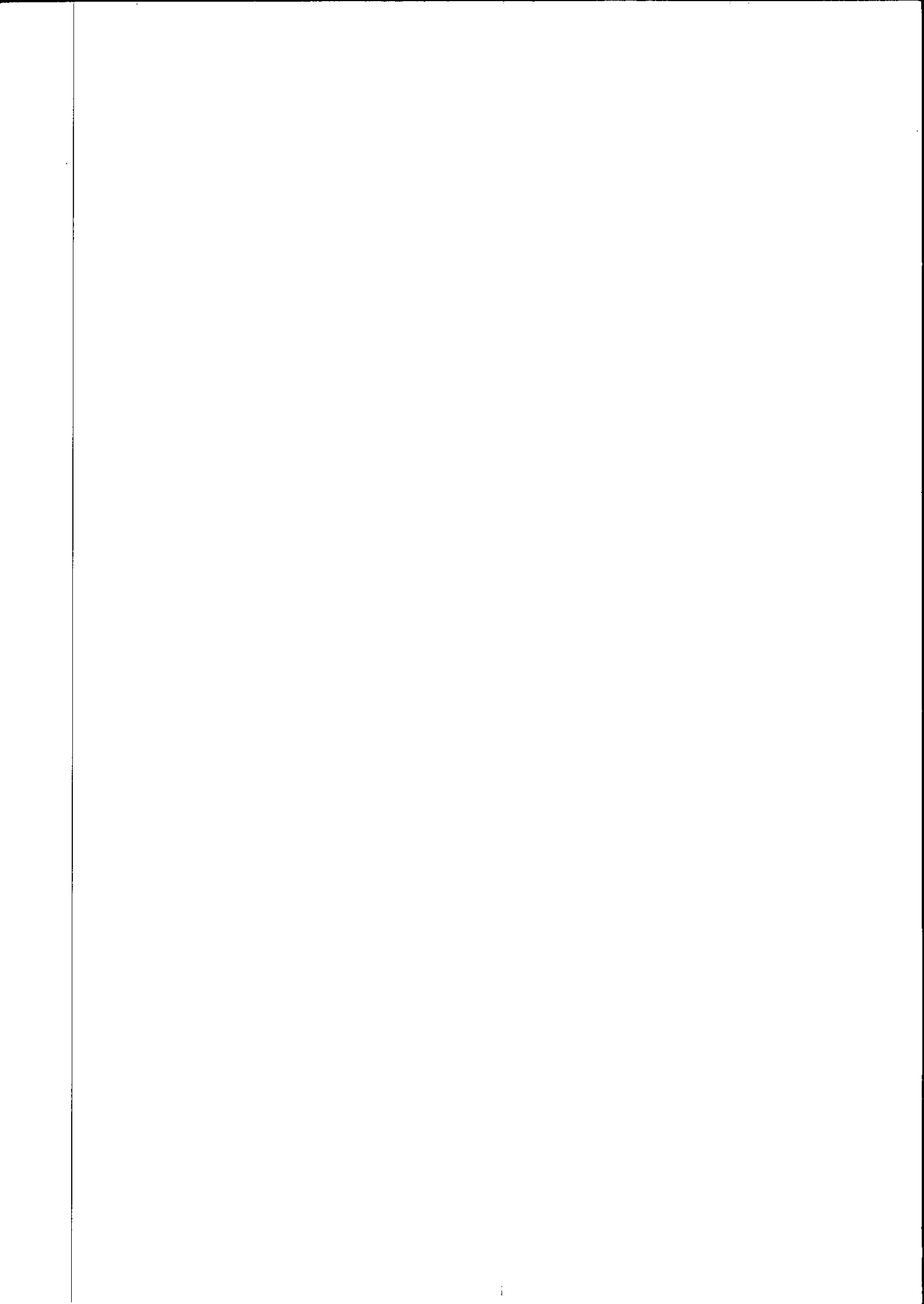
۵۲ - وارده، باربارا و ربه دوبر (۱۳۵۲). **تهدایک زمین: حفاظت سیاره‌ای کوچک از آلودگی**. مترجمین: محمود بهزاد و محمد حیدری ملایری. تهران، کتابهای چینی.

Daly, Herman E. (1977). **Study - Steady Economics**. San Francisco, W.H. Freeman. میلدوز، دنیس و دیگران (۱۳۵۳). **محدودیت‌های رشد (گزارش باشگاه رم)**. مترجم: محمود بهزاد. تهران، کتابهای چینی.

پچی، آنتونیو و دیگران (۱۳۶۷). **جهان در آستانه قرن بیست و یکم**. مترجم: علی اسدی. تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

۵۳ - خلاصه‌ای از گزارشات ۳ جلدی به زبان فارسی در منبع زیر یافت می‌شود:

بارنی، جرالد و دیگران (۱۳۶۵). **جهان در سال ۲۰۰۰**. مترجم: احمد اشراقی. گزیده مسائل اقتصادی - اجتماعی. شماره ۱، صفحه ۱ تا ۶۷.



و بینشهای پایداری جهان، پالایش یابد. (۶۱) این گونه توسعه، نیازهای کنونی را بدون کاهش توانایی نسل‌های آتی در برآوردن نیازهایشان، برآورده می‌کند و توسعه‌ای پایدار است. (۶۲)

توسعه منطقه‌ای عبارت از مفهوم گفته شده توسعه برای مردم در محدوده فضایی مورد نظر است. روند توسعه می‌بایست همراه با افزایش توانایی‌ها به گسترش انتخاب‌های ساکنین منطقه در حوزه‌های اجتماعی - اقتصادی و سیاسی بیانجامد تا توسعه‌ای انسانی باشد. (۶۳)

۲- سابقه برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای در جهان

مفهوم نوین توسعه که در بالا اشاره شد، پیامدهای مهمی برای نظریه‌ها و اقدامات توسعه منطقه‌ای دارد. لیکن بجاست پیش از آن، سابقه و وضعیت برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای در برخی کشورهای پیشگام این امر را مرور کنیم تا مصادیق تحول مفاهیم توسعه گفته شده و نظریه‌های منتج از آن (که در فصل بعد گفته خواهد شد)، در عمل اجتماعی آشکار شود.

۱-۲- بریتانیا

بریتانیا (شامل کشورهای انگلستان / ولز و اسکاتلند) اولین جامعه‌ای بود که از

۶۱ - Discussion "Planning Theory and Development", Sarrafi, Mozaffar (1992). Paper No.32. Vancouver, UBC School of Regional Planning. P.19.

۶۲ - این تعریف پذیرفته شده "توسعه پایدار" از منبع زیر است:
World Commission on Environment and Development (WCED)(1987). Our Common Future. Oxford, Oxford University Press. P.43.

۶۳ - United Nations Development Program(1994). Human development Report

اشاره به مثال معمول توسعه، یاور درک بهتر مفهوم بالاست: اگر نمی‌توان "کیک توسعه" را به دلیل محدودیتهای بوم شناسانه به قطرش افزود، نیاز به بازتوزیع و تغییر تخصیص برش‌های کیک برای بهره‌مندی عادلانه است؛ و اضافه کنیم که همزمان نیز باید به فکر شیوه پخت نوینی بود که منابع تهیه کیک رو به اتمام نگذارد و نیز به فکر کنترل تعداد افرادی بود که باید از کیک سیر شده و کفایتشان نماید.

۴-۱- تعریفی دوباره از توسعه در منطقه

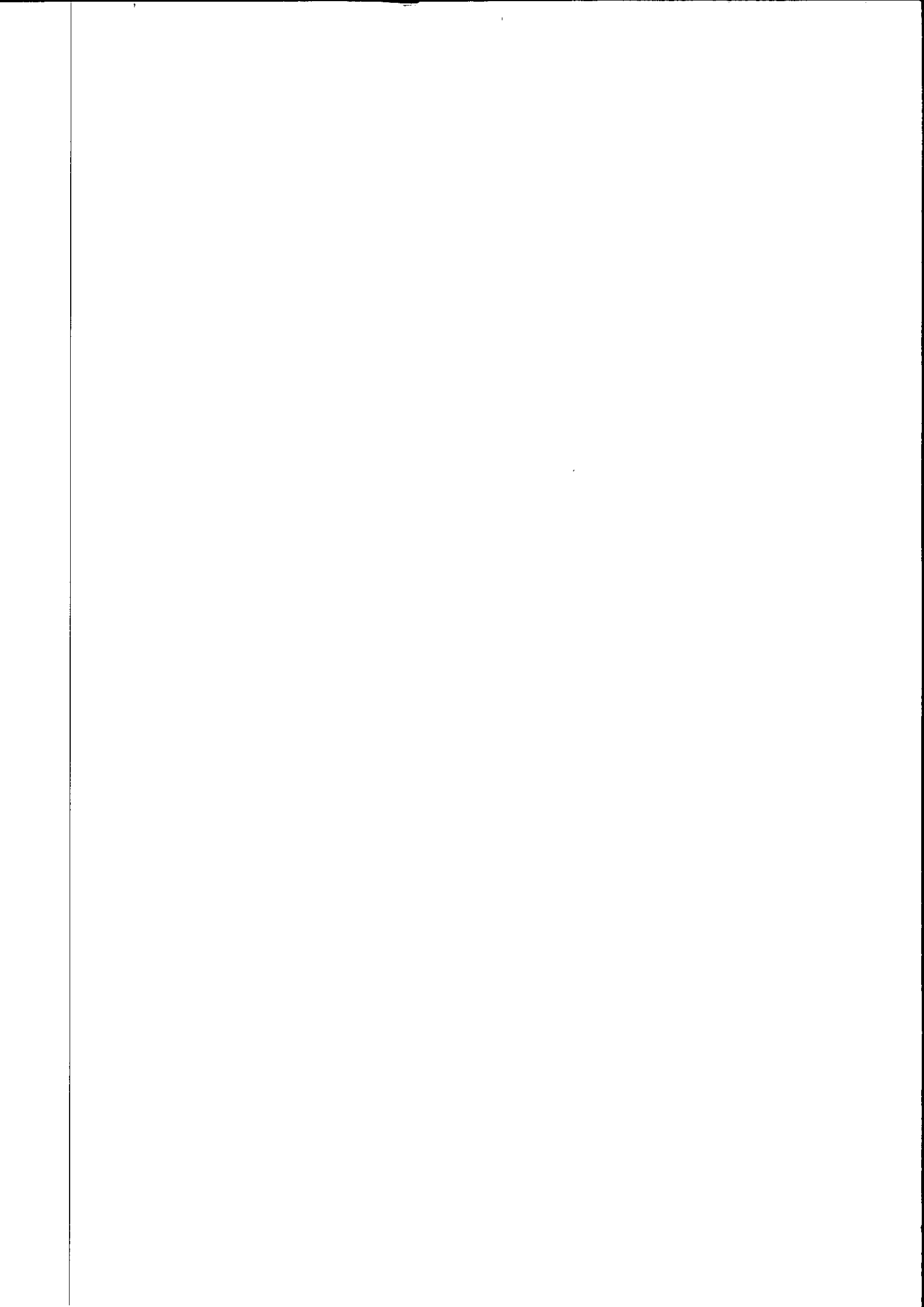
فشرده کلام، مفهوم توسعه طی چند دهه اخیر، از انحصار دیدگاههای رشد اقتصادی و انگاره غربی خارج شده است و دیگر هدف توسعه، افزایش مصرف سرانه نیست. (۵۹) دیدگاههای عدالت اجتماعی، خوداتکائی و تعادل‌های بوم شناسانه با مفهوم نوین توسعه پیوند یافته‌اند. کشورهای "جنوب" بیش از هر زمان دیگری پی برده‌اند که از یک سو راه توسعه کشورهای "شمال" برای تمامی آنها تکرار شدنی نبوده و از سوی دیگر محصور توسعه ایشان نیز آمال و آرزوی آنها نیست. (۶۰)

برشالوده همه سویه نگری و کل گرایی، تعریف توسعه را می‌توان چنین دانست: روندی است فراگیر در جهت افزایش تواناییهای انسانی - اجتماعی برای پاسخگویی به نیازهای انسانی - اجتماعی، ضمن آنکه نیازها پیوسته در پرتو ارزشهای فرهنگی جامعه

۵۹ - البند هنوز بسیاری از تفکرات رایج اقتصادی از مفهوم نوین توسعه عقب مانده‌اند. برای نمونه توضیح نویسنده مقاله "توسعه اقتصادی از آغاز نارتسو" (صفحه ۵ گزیده مسائل اقتصادی - اجتماعی شماره ۱۲۷، مهر و آبان ۱۳۷۱) در زیر نویس را بخوانید که معتقد است بین رشد و توسعه اقتصادی تفاوتی نبوده و هدف همه نظریه پردازان رشد اقتصادی، افزایش مصرف سرانه است!

۶۰ - برای بحث جامعی در مورد معنای توسعه در فارسی به منابع زیر مراجعه شود:
میسرا، رامش و دیویرساد(۱۳۶۴). "برداشتی نوزاد مسائل توسعه". در: گزیده مسائل اقتصادی - اجتماعی، شماره ۲۶، انتشار آذر ماه، صفحات ۵ تا ۲۸.

برنامه توسعه سازمان ملل، متحد(۱۳۷۴). گزارش توسعه انسان، ۱۹۹۴. مترجم: قدس‌الله معما، ا.ا.د.



برنامه‌ریزی منطقه‌ای هنگامی در بریتانیا به سطح دولت مرکزی رسید که نرخ بالای بیکاری در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ در مناطق قدیمی صنعتی (که دیگر رونق سابق را نداشتند) اتفاق افتاد. (۶۶) براین مبنای، تأمین اشتغال به دلایل سیاسی - اجتماعی و به عنوان هزینه‌ای اجتماعی برای رشد اقتصادی (که در مناطق جدیدی اتفاق می‌افتاد) پیگیری شد. در سال ۱۹۳۴ اولین قانون توزیع فضائی فعالیت‌های اقتصادی به سود نواحی محنت زده (Depressed Areas) در سطح کشور تصویب شد و پایه سیاست‌گذاری منطقه‌ای گذاشته شد. (۶۷)

مهمترین حرکت در سابقه برنامه‌ریزی منطقه‌ای بریتانیا به اثرات گزارشی نسبت داده می‌شود که توسط کمیسیون سلطنتی ویژه توزیع جغرافیائی صنایع و جمعیت در سال ۱۹۴۰ انتشار یافت و به نام ریاست آن به گزارش "بارلو" (Barlow Report) مشهور شد. (۶۸) در این گزارش تمرکز بیش از حد جمعیت و صنایع در نواحی جنوب و میانه انگلستان، بویژه در منطقه شهری لندن، با توجه به تداوم و تشدید قابل پیش بینی آن، به زیان کشور ارزیابی شد. در این مورد، برخلاف مورد مناطق قدیمی صنعتی، مسئله منطقه‌ای ناشی از رونق اقتصادی و رشدی در نتیجه مزیت‌های تجمع بود که به گسترش بی‌رویه و آمیخته با بی‌نظمی ختم شده بود. (۶۹) از این رو درخواست خدمات رسانی بهتر و کارآئی بیشتر و نظمی عمده بود که بیشتر با برنامه‌ریزی کالبدی (فیزیکی) در سطح

PP. 63-66.

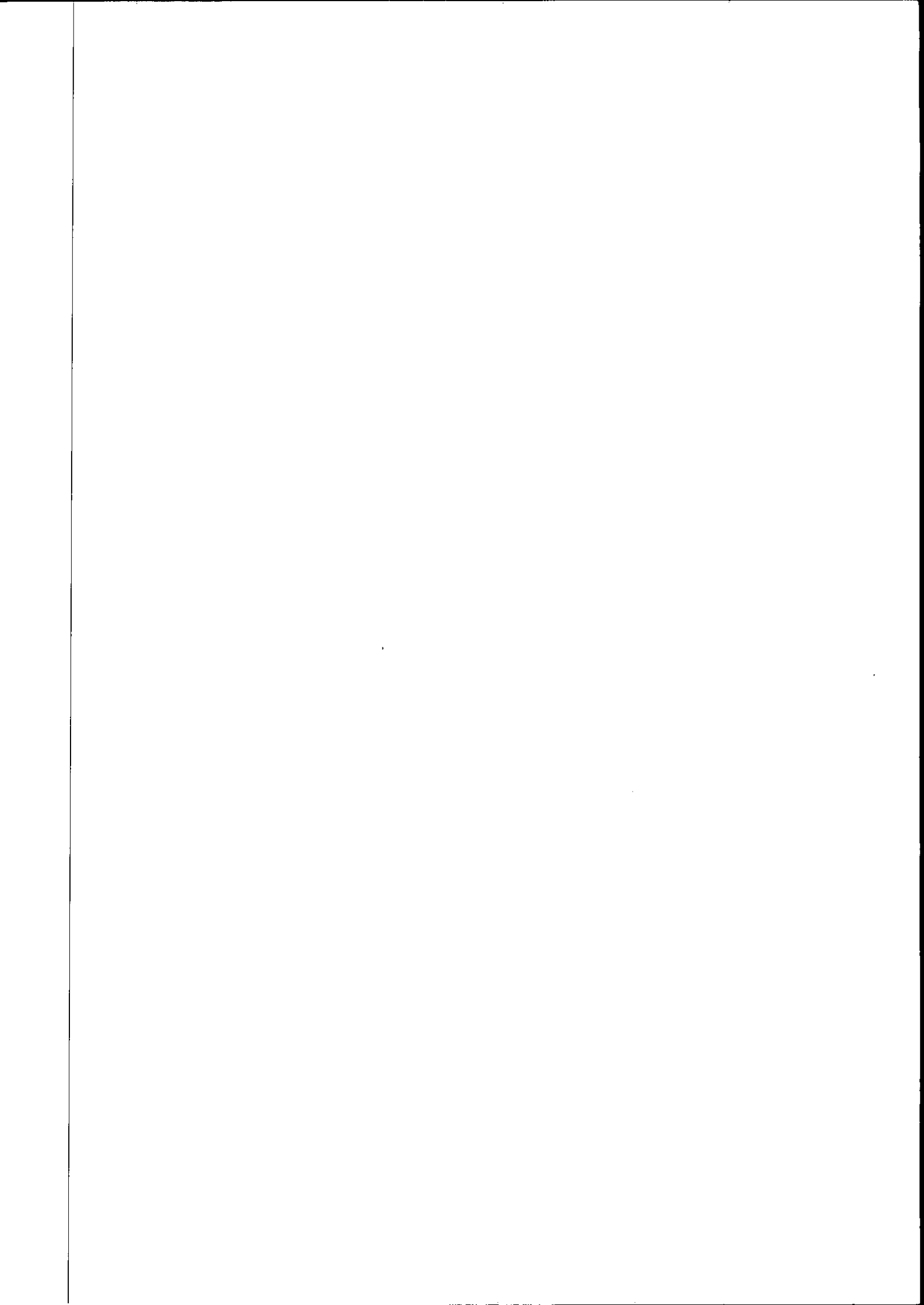
۶۶ - شمال انگلستان و مناطقی از ویلز و اسکاتلند در فاصله دو جنگ جهانی شاهد نزول معادن زغالسنگ، صنایع نساجی، کشتی سازی و دیگر صنایع سنگین مربوط به آغاز انقلاب صنعتی بودند. چرخشی در صنایع به سوی نفت بجای زغالسنگ، ایاف مصنوعی بجای پنبه و ساختن خودرو بجای قطار اتفاق افتاد و رشته‌های جدیدی همچون صنایع برقی، پتروشیمی و هواپیمائی به مکان‌های متفاوتی روی آوردند. این تغییرات ساختاری تولید منجر به رکود و رونق در مناطق مختلف کشور شدند.

Alden & Morgan (1974), PP. 16-17.

Hall, Peter (1992) Urban and Regional Planning (Third Edition). London

نیمه قرن هجدهم انقلاب صنعتی در آن پاکرفت و اثرات بی سابقه‌ای از نظر حجم، گستره‌ی، گوناگونی و شتاب تغییرات در محیط پدیدار شد. از این رو، پیش از اکثریت قریب به اتفاق کشورها، اقدامات اجتماعی و برنامه‌ریزی شده‌ای (نظیر برنامه‌ریزی شهری از حدود نیمه قرن نوزدهم و برنامه‌ریزی منطقه‌ای از حدود ربع اول قرن بیستم) در بریتانیا برای مهار و هدایت این اثرات آغاز گشت. از اولین نمونه‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای، طرح "دان کاستر" (Doncaster) در سال ۱۹۲۲ است که برای منطقه‌ای دارای معادن بزرگ ذغالسنگ و در معرض رشد سریع صنایع و شهرنشینی و با نیازهای فزاینده حمل و نقل داده شد و ضرورت برنامه‌ریزی یکپارچه برای مجموعه‌ای از تقسیمات محلی مستقل و مجزا در قالب منطقه شهری "دان کاستر" (در ناحیه مرکزی انگلستان) مطرح شد. (۶۴)

از دیدگاه نظری (تئوریک)، طرح لزوم برنامه‌ریزی در مقیاسی بزرگتر از شهر و در هماهنگی با محیط پیرامون و اصول بوم شناسی (اکولوژی) در بریتانیا به آخر قرن نوزدهم باز می‌گردد که نوشته‌های گدیس (P. Geddis) در تبیین روابط شهر و منطقه و معرفی پدیده رشد مجموعه نیوسته شهری (conurbation) و نیز طرح شهر اجتماعی (مجموعه‌ای از باغشهرها - Garden Cities) توسط هوارد (E. Howard) انتشار یافتند. گرایش پایه در این نظریات اولیه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، گرایش ضد شهرهای آلوده صنعتی با محیط غیر انسانی برای توده‌های مردم بود و تلاش می‌کرد تا با ایجاد فاصله بین صنعت و سکونت، مجموعه‌ای از فواید شهر و روستاها را آمیخته کرده و طبیعت را حفظ کند. البته در کنار چاره‌جویی‌های کالبدی، توصیه‌های اقتصادی - اجتماعی با تفکرات جامعه‌گرایانه (سوسیالیستی) مانند اعمال مالکیت عمومی بر زمین‌های منطقه برای تحقق کاربری‌های مورد نظر، نیز مطرح شدند. (۶۵)



منطقه‌ای فرانسه، دواقدام مهم در ارتباط با توسعه منطقه‌ای انجام گرفت از یک سو راببرد "قطب رشد" (Growth Pole) برای مناطق عقب مانده کشور انتخاب شد و از سیاستهای توزیع منطقه‌ای گذشته که گویا سد رشد شده بودند، انتقاد می‌شود. در این راستا چند قطب رشد در نواحی شمال شرقی انگلستان و نواحی مرکزی اسکاتلند انتخاب شدند که مراکز مورد اقبال صنایع جدید بودند و دولت به سرمایه‌گذاری متمرکز در آنها پرداخت. این راهبرد در دهه بعدی استمرار نیافت. (۷۳) در همین دوره کماکان تمایل به تحدید رشد جمعیت در منطقه شهری لندن بود و این بار قانون کسترلی برای رشد بخش سوم و مشخصاً از زیاد دفاتر شرکتها وضع شد. (۷۴)

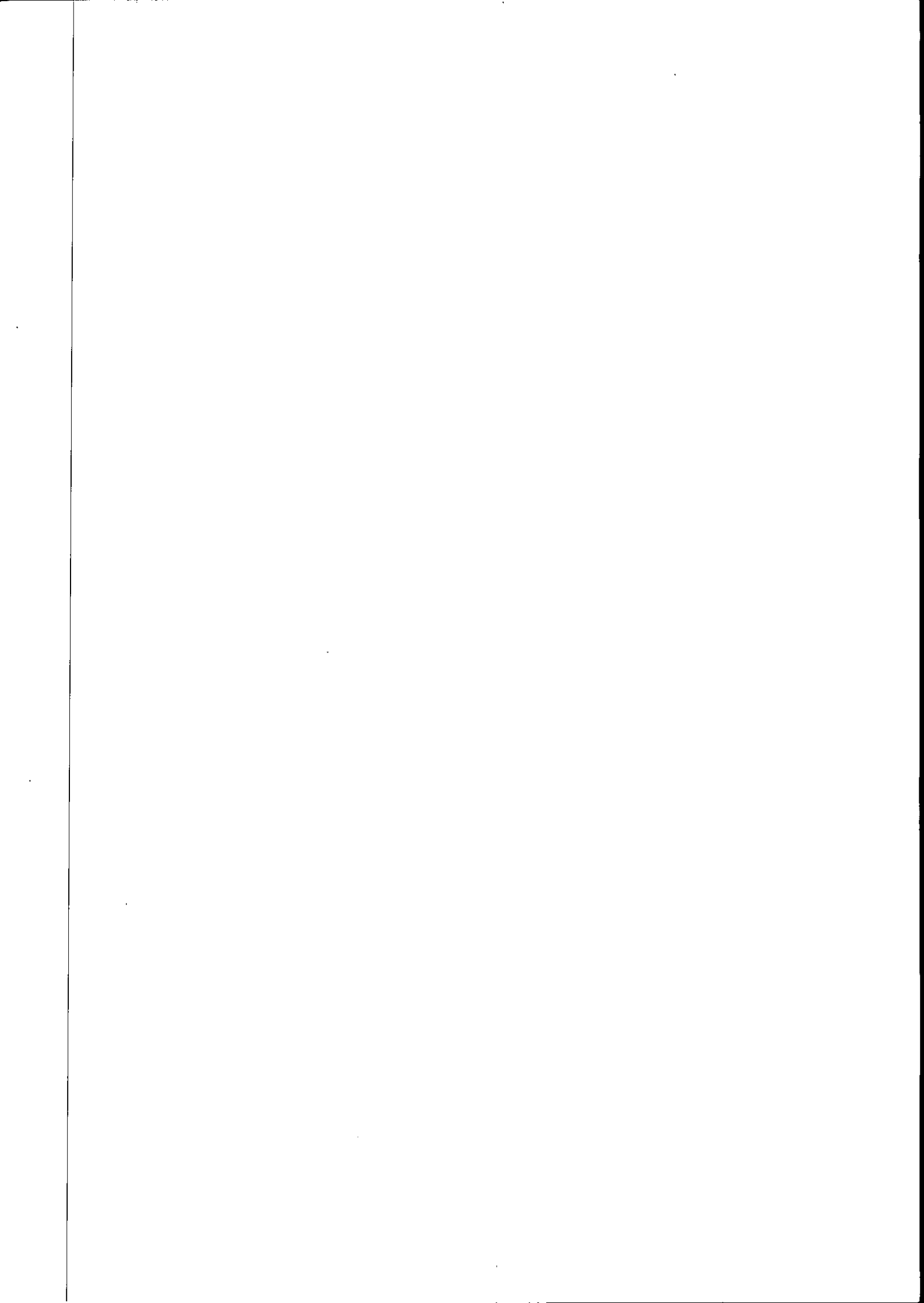
از سوی دیگر در سال ۱۹۶۵ شوراهای اقتصاد منطقه‌ای برای هماهنگی و سیاستگذاری توسعه مناطق ایجاد شد. این شوراها مشکل از: نمایندگان صنوف مهم، صاحبان صنایع، بازرگانان و انستگاهیان بودند و تهیه طرح جامع توسعه مناطق به عهده آنها واگذار شد. در کنار این شوراها، هیئتهای برنامه‌ریزی اقتصادی، متشکل از کارشناسان ادارات دولتی مرتبط، به عنوان بازوی حرفه‌ای و اجرایی شورا در هر منطقه ایجاد شد. این اقدامات در افزایش کارآئی خدمات جهت توسعه منطقه‌ای چندان موفق نبود و باروی کارآمدن دولت حزب محافظه‌کار در دهه بعدی (به دنبال دوره نسبتاً طولانی دولت حزب کارگر)، شوراها ملغی شدند. (۷۵)

از دهه ۱۹۷۰ به بعد مشکل حاد دیگری رخ نمود و آناری همچون متروکه شدن (و نه جابجا شدن) صنایع و کاهش مشاغل در مرکز شهرهای بزرگ و به دنبال آن کاهش شدید جمعیت در نواحی مرکزی شهر که موجب چرخش توجه از مناطق عقب مانده به سوی این مراکز منطقه‌ای و ملی در حال رکود بود، از خود باقی گذاشت. دولت محافظه‌کار "تاچر" با تشدید سیاستهای خصوصی سازی و آزاد سازی، حمایتهای اعلام

منطقه پاسخ داده می‌شد تا آنکه به اشتغال و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی - اجتماعی پرداخته شود. باین حال در سال ۱۹۴۵ قانونی که بر هدایت صنایع به جای نواحی پر رونق و اشباع شده به سوی نواحی راکد و متروکه تاثیر می‌گذاشت، وضع شد. نکته دیگر حائز اهمیت در گزارش این بود که به لزوم ارتباط برنامه‌ریزیهای شهری و روستایی برای مهار رشد کالبدی شهرها سفارش شده بود. (۷۰)

از دیگر آثار گزارش بارلو، تهیه طرح منطقه شهری لندن توسط آبرکرمبی (Abercrombie) در سال ۱۹۴۴ بود که با پذیرش لزوم تحدید رشد کالبدی شهر و بازتوزیع جمعیت و صنعت در منطقه، اقدام به برنامه‌ریزی یکپارچه‌ای در تامین کاربریهای زمین مورد نیاز در منطقه شهری لندن نمود. به رغم موفقیت نسبی طرح در زمینه کالبدی، پیش‌بینی‌های کنترل جمعیت به واقعیت نیوست و جمعیت لندن بزرگ تا نیمه دهه ۱۹۶۰ به سرعت افزایش یافت. اشتباه از آنجا ناشی می‌شد که کنترل جمعیت بر مبنای کنترل رشد صنایع در منطقه و در نتیجه محدودیت اشتغال و جمعیت مترتب بر آن فرض شده بود. حال آنکه با گرایشهای جدید اقتصادی و تغییرات ساختاری کلانشهرها، رشد اصلی در مشاغل بخش سوم (خدماتی و اداری) صورت گرفت که به همراه دوره‌ای از نرخ بالاتر از انتظار موالید در دهه ۱۹۵۰ و پذیرش مهاجرت‌های بین‌المللی، رشد سریع لندن را موجب شدند. (۷۱)

از دهه ۱۹۶۰ که اهداف توسعه ملی بیش از دهه گذشته بر رشد اقتصادی تاکید نمود و بویژه نا کالمنی اقتصادی بریتانیا در مقایسه با دیگر رقیب هویدا شد (برای نمونه طی ۱۹۵۸-۶۷ رشد تولید ناخالص ملی سرانه ۲/۵ درصد بوده که از تمامی کشورهای بازار مشترک کمتر بوده است) سیاستگذاران عدالت خواهانه منطقه‌ای، کم رنگ و منطقه‌ای کردن برنامه‌های رشد طلب ملی، پر رنگ شد. (۷۲) در این راستا، نعمت تاثیر تجارب



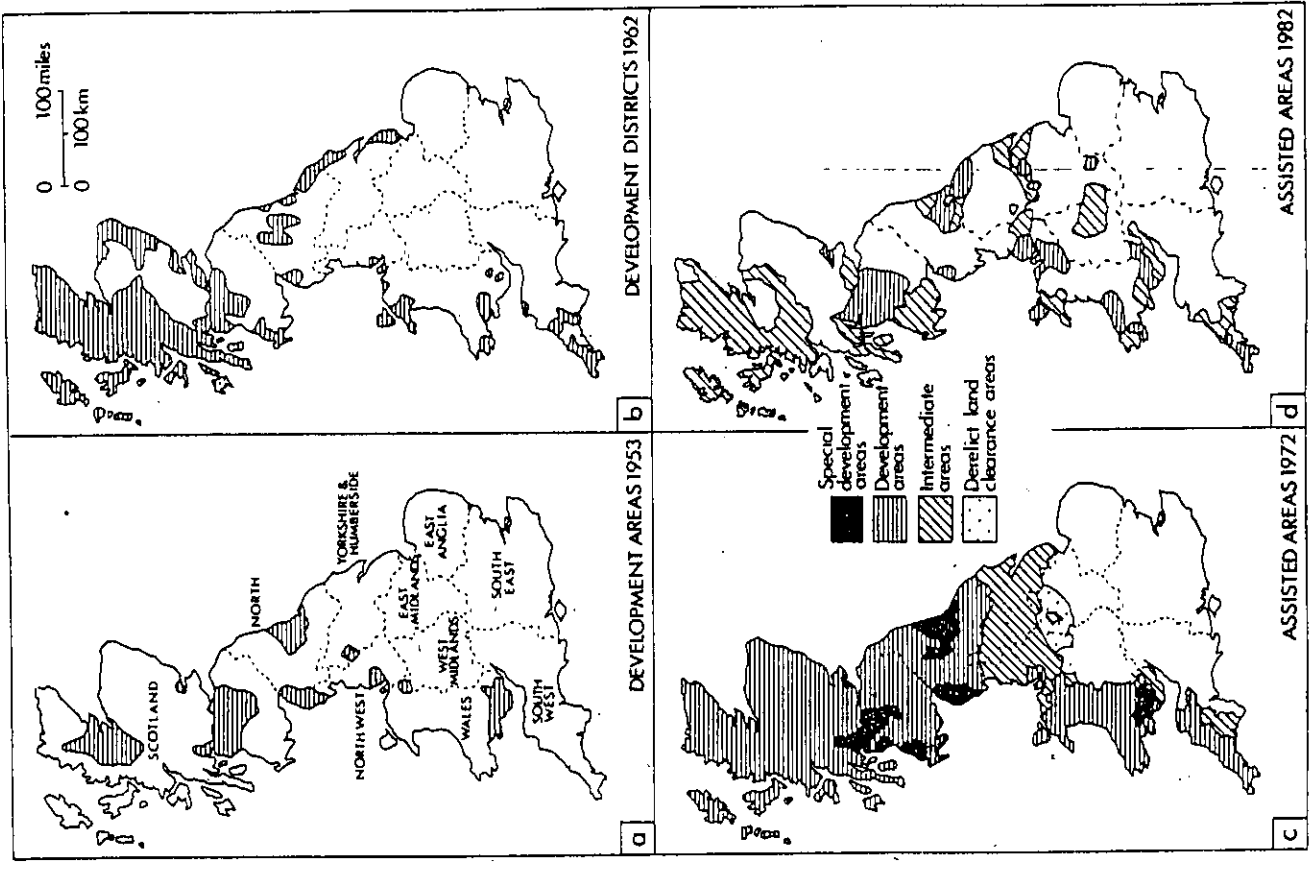
شده برای مناطق عقب مانده بریتانیا را به طور چشمگیری در دهه ۱۹۸۰ کاهش داد و در عوض برای توسعه منطقه‌ای به راهبرد ایجاد "نواحی مستعد فعالیت" (Enterprise Zones) روی آورد. مکان ۲۴ ناحیه کارآفرین، طیف وسیعی از مراکز شهرهای رو به افول تا حومه شهرهای اشباع شده و نیز از نواحی قدیم صنعتی و متروکه تا نواحی جدید صنعتی و زیر ظرفیت را دربر گرفته است. این نواحی از کسترهای برنامه‌ریزیهای متداول رها بوده و از امتیازات ویژه مالی و اعتباری و معافیت مالیات مستغلات برخوردار هستند. اگر چه هنوز برای جمع‌بندی این تجربه زمان بیشتری نیاز است، لیکن به نظر می‌رسد که از نظر ایجاد شغل‌های جدید موفقیت‌انگیزی داشته و در برابر از نظر کاهش سرمایه‌گذاری به ازای ایجاد هر شغل موفق بوده‌اند. (۷۶)

آنچه به طور خلاصه گفته شد، دلایل چهارگانه برای تکرین برنامه‌ریزی منطقه‌ای در بریتانیا را آشکار می‌کند. اولین و مهمترین دلیل، ایجاد فرصت‌های برابر اشتغال در مناطق عقب مانده از میانگین ملی بود. دومین دلیل ساماندهی رشد شتابان و تجمع‌های زیاد از حد در منطقه شهری بود. دلیل سوم تلاش برای دستیابی به رشد اقتصادی بیشتر با منطقه‌ای کردن برنامه‌های ملی بود و چهارمین دلیل برای کارآئی بیشتر در خدمات رسانی بود که برای برخی خدمات در سطح منطقه دنبال می‌شد. (۷۷)

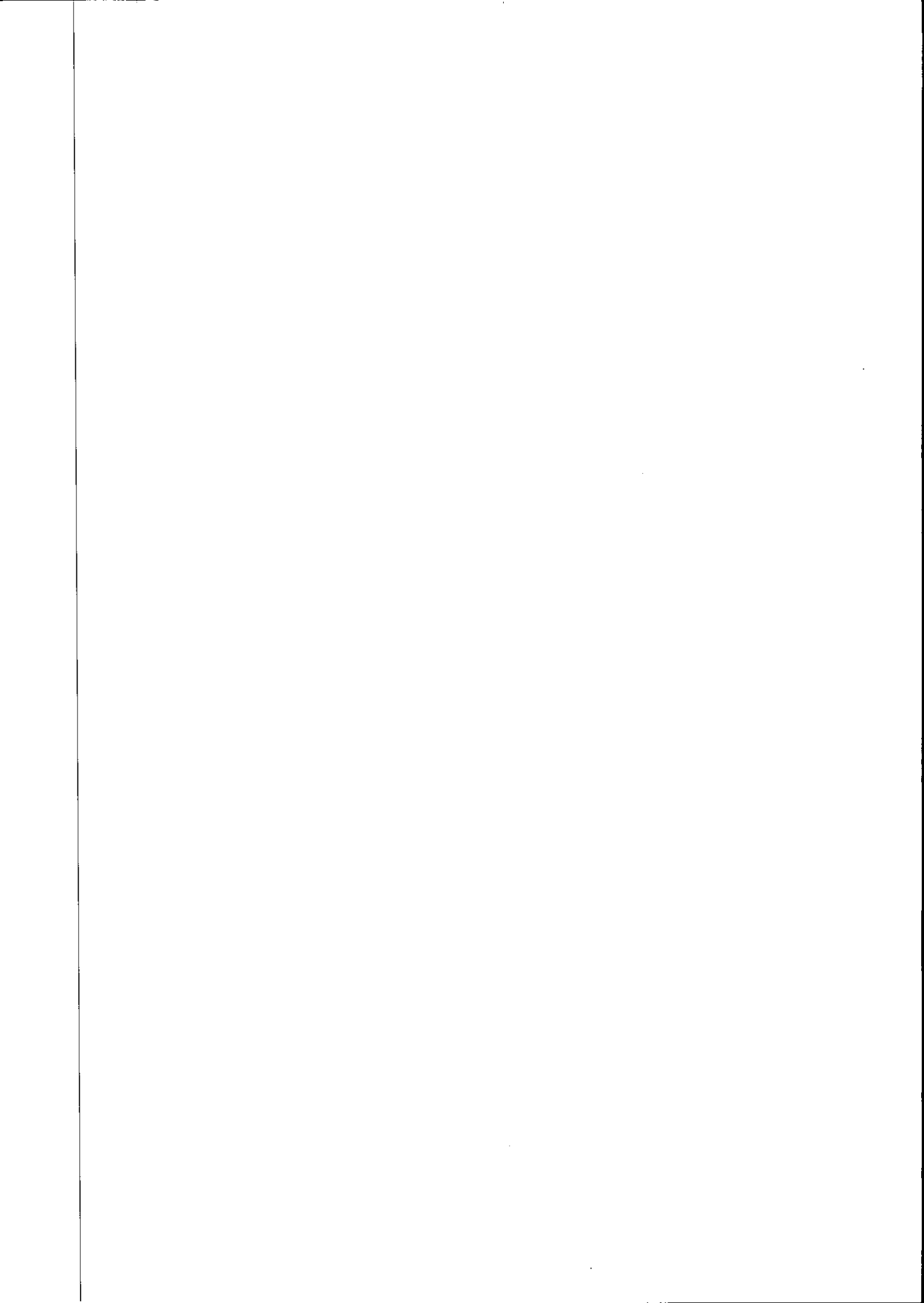
۲-۲ - ایالات متحده آمریکا

از آنجا که تحولات ناشی از انقلاب صنعتی در آمریکا به قدمت و فشرده‌گی بریتانیا نبوده، مسائلی همچون آلودگیهای متمرکز، نابسامانی محیط‌های مصنوع و رکود صنایع قدیمی، خاستگاه برنامه‌ریزی منطقه‌ای نبودند و برنامه‌ریزی منطقه‌ای همانند بریتانیا بر بستر مصلحت‌گرایی (پراگماتیسم) دولتی شکل نگرفت؛ بلکه بیشتر مستقل از دولت و در اثر دو جریان روشنفکری آرمان‌گرا (ایده‌آلیست) طی دهه ۱۹۲۰ پایه گذاشته شد.

۷۶ - منه نش، صفحه ۱۵۲.



شکل ۱ - نواحی مورد نظر دولت بریتانیا برای حمایت در جهت ایجاد نمادها،



طبیعت و برای تعالی فرهنگی، علاوه بر بهبود وضعیت مادی اجتماعات در منطقه ضروری می‌دانستند. (۸۰) لیکن هر دو جریان در برابر گرایش مسلط شهری شدن (Metropolitanization) به روال سرمایه‌داری آمریکا اتریش نبودند و تحلیل رفتند. (۸۱) به غیر از دو جریان یاد شده، پیدایش مجموعه شهرهای وسیع، بروز مشکلات شهرنشینی سریع و درمقیاس عظیم در شمال شرقی ایالات متحده آمریکا (همچون نیویورک و شیکاگو)، برنامه‌ریزی شهری را که از ابتدای قرن بیستم جایگاهی برای مدیریت شهرهای بزرگ یافته بود، به ضرورت برنامه‌ریزی در سطحی گسترده‌تر واقف نمود. پیش از این حرکتی در جهت حفظ و تامین فضای سبز طبیعی در ایالات آمریکا شروع شده بود که نوعی اقدام منطقه‌ای از طرف شهرهایی که آنها را به دست می‌آوردند، محسوب می‌شد (اولین این سلسله پارکهای ملی، "یلو استون" Yellowstone در سال ۱۸۷۲ ایجاد شد). اما لزوم برنامه‌ریزی برای حومه شهری، اولین بار توسط "برنهام" (D. Burnham) در مورد شهر شیکاگو به سال ۱۹۰۹ مطرح شد (۸۲) و اولین طرح منطقه شهری پس از ۹ سال کار با مشارکت برنامه‌ریز شهری مشهور انگلیسی، "آدامز" (T. Adams) در سال ۱۹۲۹ برای نیویورک داده شد. این طرح برای تسهیل رشد بیشتر و تامین شبکه راه‌ها و کتلی کلی بر کاربریهای زمین تهیه گردید. آدامز فردی مصلحت‌گرا بود که در نهادهای شدن برنامه‌ریزی شهری در آمریکا، کانادا نقش به‌سزائی داشت. در طرح نیویورک، او در پی انطباق ساختار منطقه با ضرورت‌های نوین تمدن صنعتی بود و از همین رو در رویارویی با رهیافت آرمان‌گرایان (دو جریان اشاره شده) قرار گرفت. یادآور می‌شود که مامفورد و آدام با طرد ضرورت‌های نوین صنعتی در فکر ایجاد تمدنی بر پایه‌های فرهنگی منطقه در قلمروهایی با ویژگیها و مقیاس انسانی بودند. (۸۳)

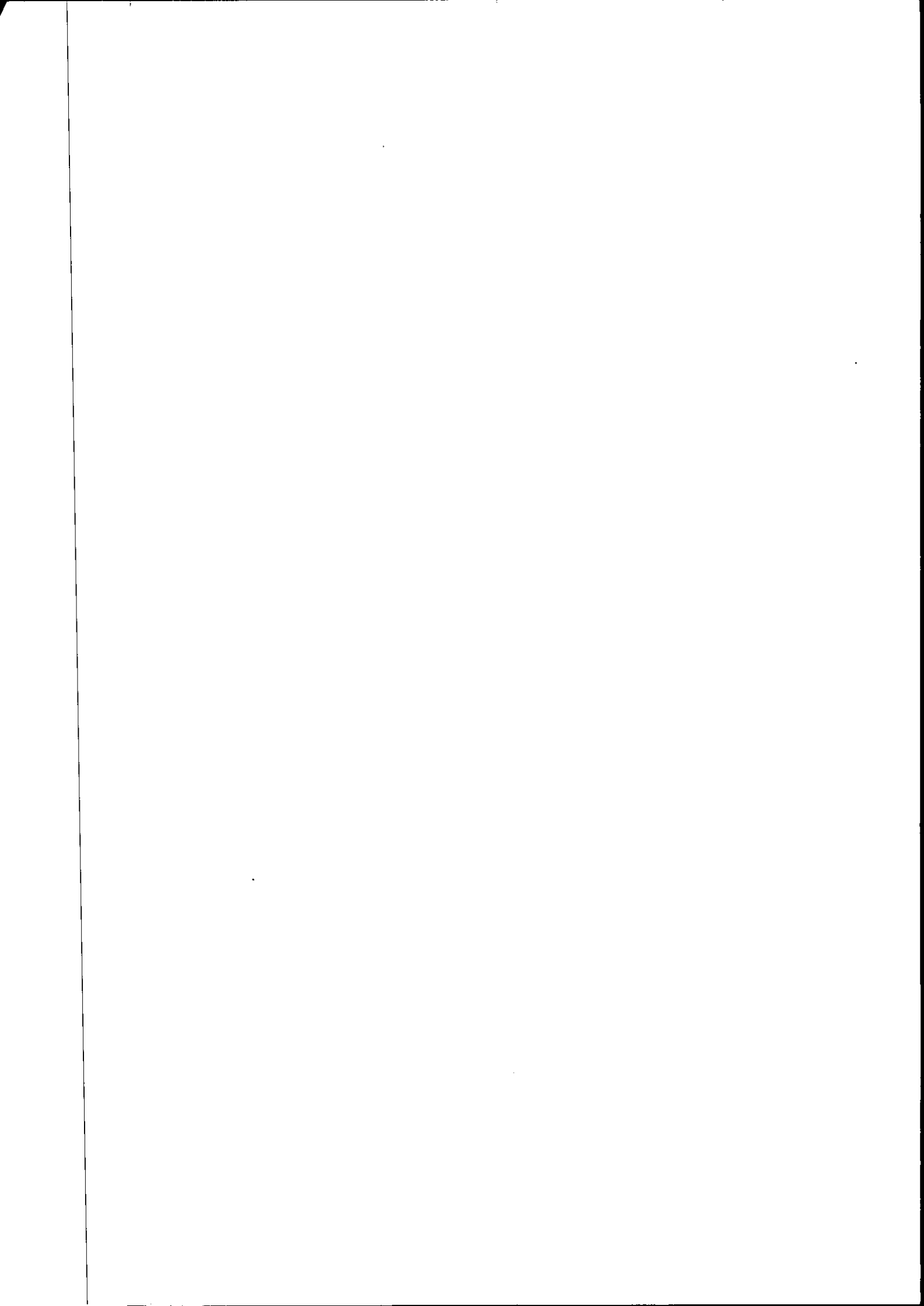
۸۰- منبع پیشین، صفحه ۴۱.

۸۱- منبع پیشین، صفحه ۵.

۸۲- Sarrcliffe (1981) P 93 P 110.

جریان اول تحت تاثیر تفکرات برنامه‌ریزی "هوارد" و "گدیس"، فلسفه آموزشی "دیوئی" (J. Dewey)، فلسفه سیاسی "کروپاتکین" (P. Kropotkin) و نظریات جامعه‌شناسی "کولی" (C.H. Cooley) شکل گرفت و اخلاقیات جدیدی را مبنای دانست که برای دخالت انسان در روندهای طبیعی محدودیت قائل بود، رشد بی‌مهابای شهر و صنعت را سرطانی می‌دانست و نیز به برتری مردم سالاری (دموکراسی) در سطح محلی نسبت به دیوان سالاری (بوروکراسی) ناشی از سطح ملی باور داشت. این جریان در سال ۱۹۲۳ اتحادیه برنامه‌ریزی منطقه‌ای آمریکا (RPAA) را تاسیس کرد که از اعضا معروف آن: "ماهمفورد" (L. Mumford)، "اشتاین" (C. Stein)، "رایت" (H. Wright) و "مک‌کی" (B. Mackaye) بودند. از راهبردهای مورد نظر آنها، مرز بندی منطقه براساس طبیعت، توزیع شهر بزرگ در منطقه، استفاده از فن آوری جدید هماهنگ با بوم‌شناسی، اولویت تعامل منطقه‌ای و محوریت آموزش فرهنگی در منطقه بودند. (۷۸)

جریان دوم که معروفترین سخنگوی آن جامعه‌شناسی به نام "آدام" (H. Odum) از دانشگاه کارولینای شمالی و بازتابی از شکست "جنوبی" ها در جنگ‌های داخلی آمریکا (۱۸۶۱-۱۸۶۵ میلادی) بود، تحت تاثیر منطقه‌گرایی فرهنگی (Cultural Regionalism) خواهان ایستادگی در برابر یورش صنعتی شدن و یکسان سازی فرهنگی توسط "شمالی" ها بود. بهترین راهبردهای این جریان، خودیاری (Self-Help) و توسعه با تکیه بر اجتماعات منطقه‌ای، عدم وابستگی به صدور محصولات کشاورزی از "جنوب" و اولویت دادن به تولید نیازهای منطقه، مرز بندی منطقه براساس فرهنگ و تاریخ و طبیعت، اولویت تعامل منطقه‌ای و ایجاد فرصتهای برابر درآمدی بودند. (۷۹) هر دو جریان گفته شده، برنامه‌ریزی منطقه‌ای را کمابیش برای احیاء تعامل اجتماعی و بوم‌شناسی بین شهر و روستا، بین فرهنگ مردمی و تمدن جدید، بین زندگی انسانی و



جدید (در غرب و جنوب ایالات متحده) دچار رشد شتابان شدند. به دلیل نیروی کار ارزان، جابجایی صنایع از شمال توسعه یافته به جنوب عقب مانده آغاز شد و در همین زمان، مهاجرت نیروی کار اضافی (عمدتاً سیاهپوست) نیز به سوی مراکز شهری شمال، به جریانی حجیم بدل گشت. دیدگاه رشد اقتصادی و فرض بهبود توزیع در اثر تداوم رشد در دستگاه حاکمه مسلط شد و نظریه توسعه ناموزون منطقه‌ای در پرتو دیدگاه رشد و وعده تعادل در نهایت، مقبولیت یافت. شهر و صنعت اساس برنامه‌ریزیها بود و ترک روستا و کشاورزی، طبیعی تفسیر شد. یکپارچگی فضای ملی به کمک شبکه شهرها و روابط بخش (Sectoral)، بر نیازهای ویژه مناطق و حفظ قلمروهای سنتی چیره شد. (۸۶)

در این دوره زمانی رشته جدیدی در اثر آنچه بر شمرده شد برای مکان‌یابی پروژه‌های ملی و سازمان دادن یکپارچه فضای ملی و حل مسائل فضایی (و نه لزوماً منطقه‌ای) رشد اقتصادی به نام "علم منطقه‌ای" (Regional Science) پایه گذاشته شد. پژوهشگران این رشته به رهبری "آیزارد" (W. Isard) "اتحادیه علم منطقه‌ای" (RSA) را در پایان سال ۱۹۵۴ بنیاد نهادند. (۸۷) "علم منطقه‌ای" توسط افرادی مانند "بری" (B. J. L. Berry) در جهت وحدت اقتصاد و جغرافیا حرکت کرد و دیدگاه "آنیات‌گرایی" (Positivism) و روشهای کمی را در دهه ۱۹۶۰ برای تحلیل‌های فضایی رایج کرد. (۸۸) در این رشته منطقه عملکردی و عمدتاً "حول مرکز شهری - City (Centred Region) دیده شد و برنامه‌ریزی فضایی در خدمت بهینه‌سازی روابط عملکردی به کار گرفته شده است و مباحث منطقه‌گرایی، تعادل منطقه‌ای، سیاستهای اجتماعی و فرهنگی در آن جایی پیدانکرده است. "علم منطقه‌ای" در دهه ۱۹۶۰ برنامه‌ریزی

۸۶ - منبع پیشین، صفحات ۸۸ تا ۹۴.

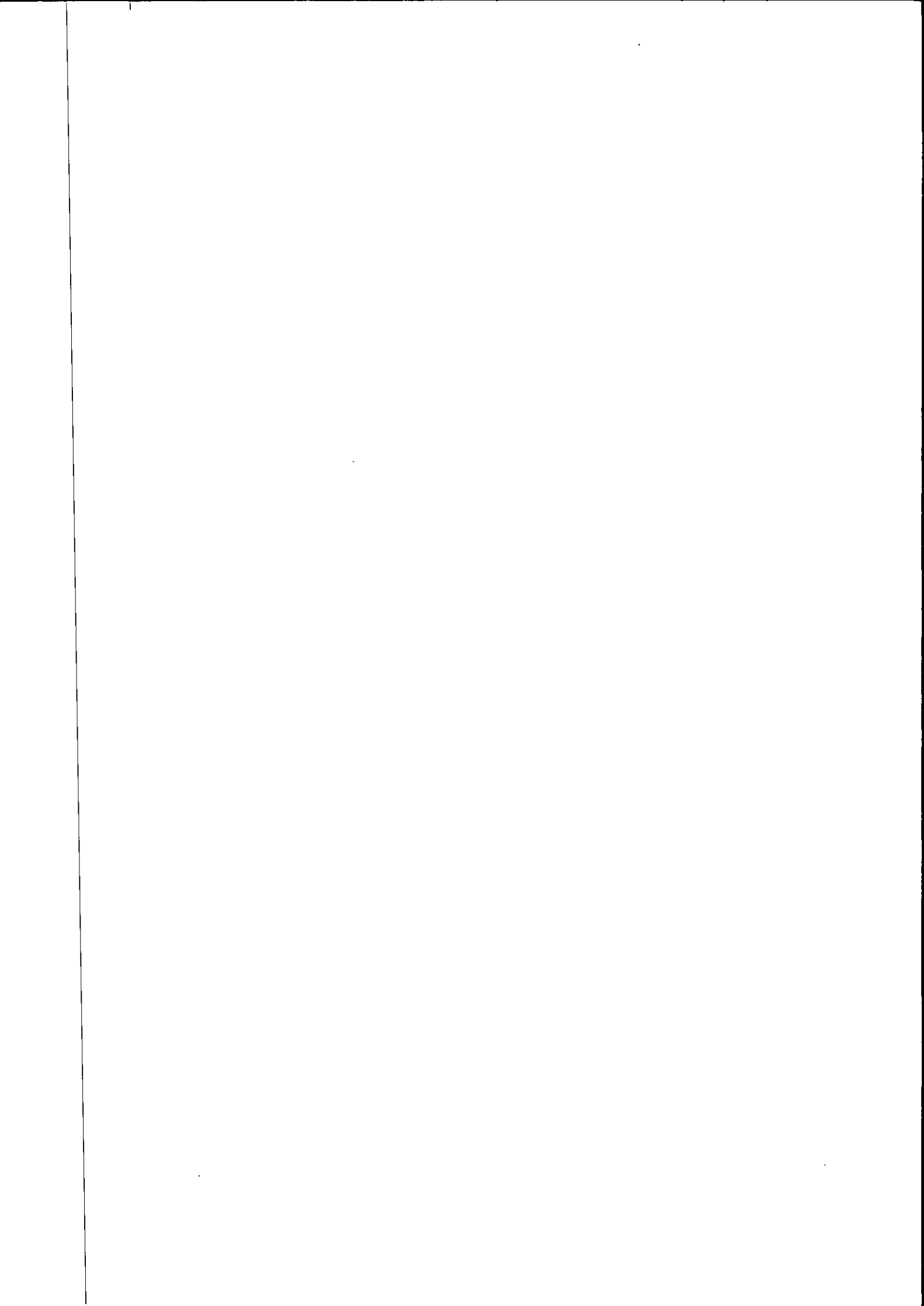
۸۷ - منبع پیشین، صفحات ۹۴ تا ۹۸.

۸۸ - برای نمونه، بری "تحقیقات کمی زیادی بر روی قانوندهیهای نظام شهری و روند بخش فضایی

باروی کار آمدن "روزولت" (F.D. Roosevelt) در ۱۹۳۲، برنامه جدیدی (New Deal) برای چاره‌جویی رکود بزرگ (که یکبارگی یک چهارم نیروی کار، حدود ۱۳ میلیون نفر را در ایالات متحده موجب شده بود) آغاز شد. (۸۲) از مهمترین عناصر این برنامه، احداث زیرساختهای عمومی در سطح گسترده‌ای بود که در همین ارتباط نهاد مسئولی برای دوره تنسی (Tennessee Valley Authority) در یکی از فقیرترین نواحی کشور که قسمتهایی از هفت ایالت را شامل می‌شد، مستقل از دولت فدرال ایجاد شد. این نهاد، احداث زیرساختها را در چارچوب طرح جامعی برای توسعه منطقه پیگیری کرد و به اجرای طرحهای عظیم مدیریت منابع آب و سدسازی، تولید برق، ساختن شهرهای جدید، احداث صنایع، توسعه کشاورزی و... پرداخت. این حرکت یکپارچه در آمریکا، برنامه‌ریزی منطقه‌ای را برای سالها، مترادف طرحهای جامع توسعه حوضه رودخانه‌ها قلمداد نمود.

طرح دره تنسی در ابتدا شدیداً تحت تاثیر نظریات دو جریان روشنفکری پیش گفته و با مشارکت گروهی از ایشان بود؛ لیکن به زودی به سمت "صنعتی کردن شهری" و انگاره متداول اقتصاد و جامعه آمریکا کشانده شد. هرچند قرار به تکرار این رهیافت برای حوضه‌های دیگر رودخانه‌های اصلی در ایالات متحده بود، ولی با مقاومت ناشی از مخالفت روحیه آمریکایی با دخالت دولت در سطح وسیع و نیز خروج از بحران رکود بزرگ، دیگر طرح‌ها به تصویب ننگر نرسیدند و تجربه موفق دره تنسی منفرد باقی ماند. (۸۵)

طی جنگ جهانی دوم، برنامه‌ریزی منطقه‌ای کنار گذاشته شد و دولت فدرال با قدرت بیشتر به برنامه‌ریزی ملی پرداخت و در این رهگذر سهمی از طرحهای جدید که به مناطق می‌رسید ناشی از مزایای نسبی در تقسیم کاری ملی بود. پس از جنگ، مناطق



میانگین درآمد سرانه ۱۰۰ برای کشور، اختلاف درآمدی بین مناطق مختلف در آمریکا بین ۷۰ تا ۱۳۴ در سال ۱۹۸۴ بود؛ درحالی که همین ارقام برای بریتانیا بین ۷۳ تا ۱۲۵ در سال ۱۹۸۶ بوده است. (۹۱)

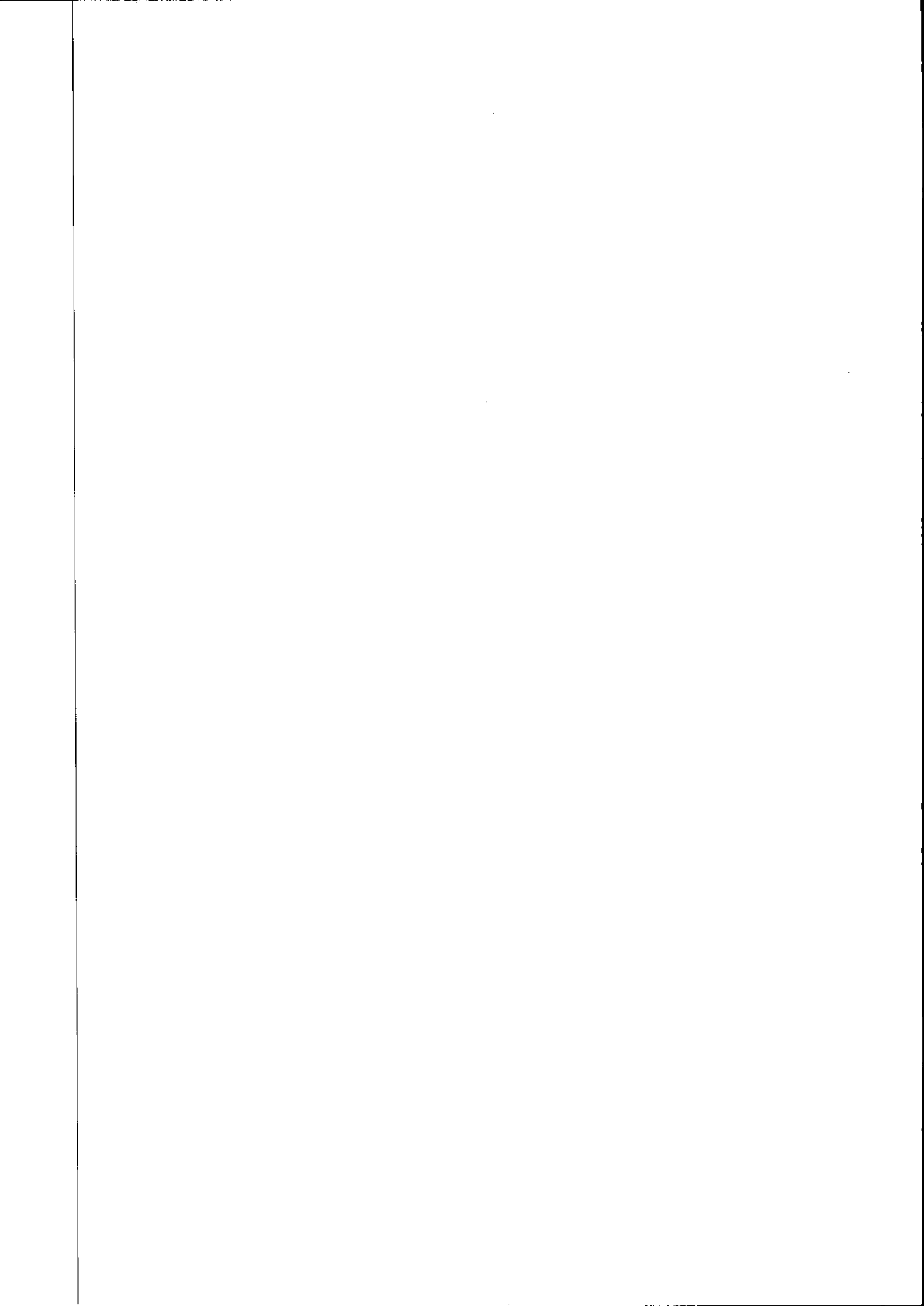
مرور تاریخچه گفته شده، چند دلیل زیر را برای تکوین برنامه‌ریزی منطقه‌ای در آمریکا برجسته می‌سازد. دلیل اول، علایق منطقه و حفظ هویت فرهنگی در برابر یکسان‌سازی فرهنگی بود. دلیل دوم، رشد سریع و گسترده مجموعه شهرهای بزرگ که نیاز به ساماندهی منطقه شهری پیدا کردند. دلیل سوم، حداکثر بهره‌برداری از قابلیت‌های مناطق در جهت تحقق رشد اقتصاد ملی بود و آخرین دلیل، تلاش در رفع فاصله عقب ماندگی و فقر منطقه‌ای بود که ابتدا با رهیافت طرح یکپارچه توسعه منابع طبیعی عمل می‌شد و بعدها، بیشتر با رهیافت بازگشایی فضای مناطق در حاشیه مانده برای یکپارچگی با فضای ملی پیگیری شد.

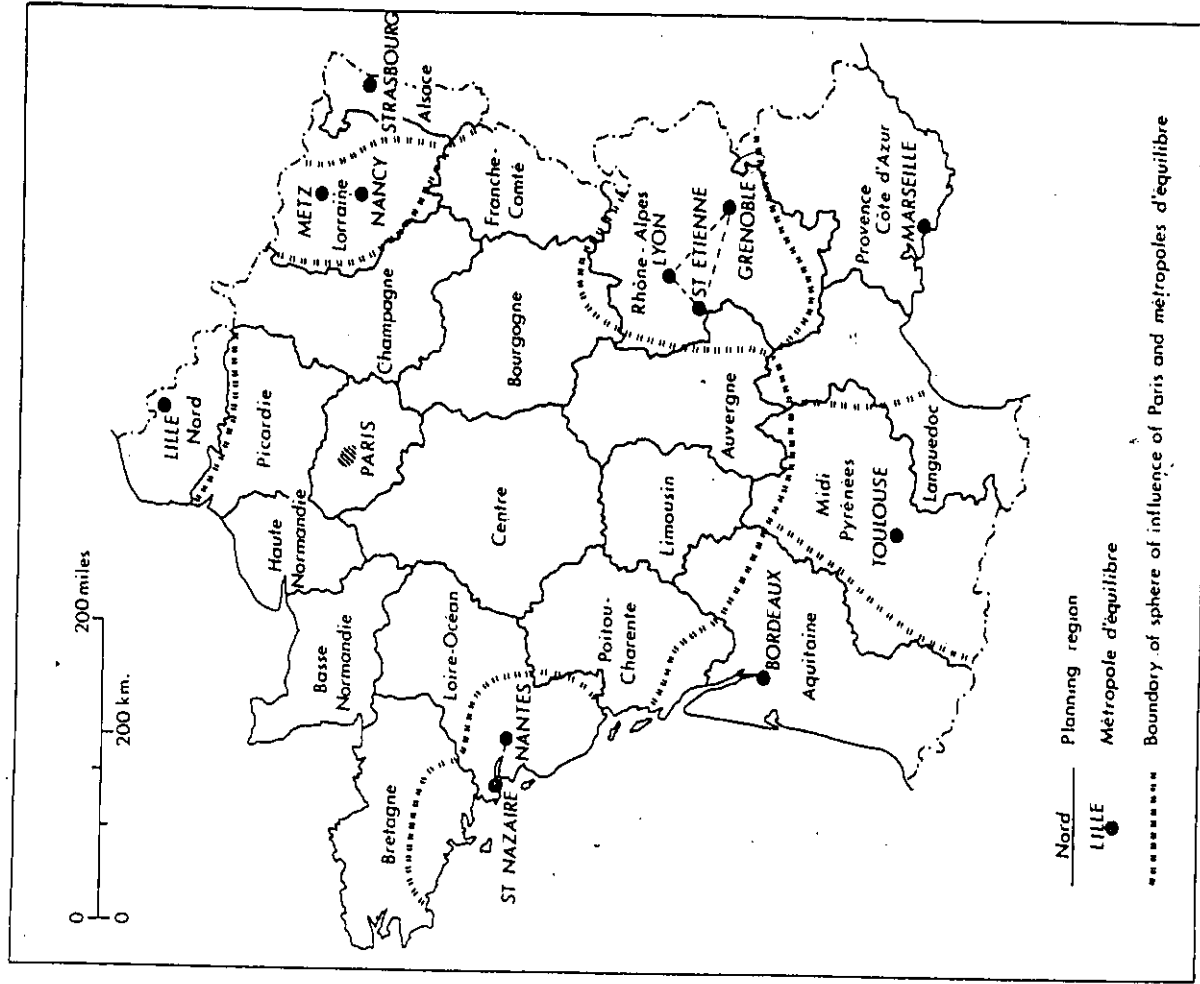
۲-۳- فرانسه

فرانسه در قرن نوزدهم میلادی با رشد سریع جمعیت مواجه نبود و صنعت نیز تنها در شمال کشور و محدود رشد کرده بود. لیکن به دلیل سنت تمرکزگرایی سیاسی، پاریس رشد سریعی داشت؛ درحالی که باقی کشور درجا زده و حتی دارای رشد منفی بود. بهرحال تا پایان جنگ جهانی دوم ضرورت سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی منطقه‌ای آشکار نشده بود. از رویدادهای موثر در پرداختن به برنامه‌ریزی منطقه‌ای، انتشار کتاب "پاریس و بیابان فرانسه" در سال ۱۹۴۷ توسط جغرافیادانی به نام "گراویه" (J.F. Gravier) بود که رشد پاریس به قیمت باقی کشور را گوشزد کرد. (۹۲) بین سالهای ۱۸۸۰ تا ۱۹۳۶ منطقه پاریس ۳/۳ میلیون نفر مهاجر از دیگر نواحی کشور پذیرفت و باقی کشور کاهش مطلق جمعیتی داشتند. بین سالهای ۱۸۹۶ تا ۱۹۳۶ اشتغال صنعتی در فرانسه ۳ درصد

منطقه‌ای را به سوی برنامه‌ریزی فضائی برای رشد اقتصاد ملی سوق داد و گرایش گذشته توسعه منابع طبیعی در خدمت مردم و فرهنگ منطقه را نادیده گرفت. (۸۹)

به موازات پیشبرد راجبردهای رشد ملی، مشکلات مناطق محنت زده ایالات متحده همچنان پائشاری می‌کرد. با انتخاب "کندی" (J.F. Kennedy) به ریاست جمهوری در ۱۹۶۰، نهاد مسئول توسعه نواحی (Area Redevelopment Authority) در دولت فدرال جهت سیاست‌گذاری به نفع مناطق محنت زده به اقدامات محدودی دست زد. اما اوج توجه زمانی بود که قانونی برای توسعه منطقه وسیع "آپالاشین" (Appalachian) به تصویب رسید. منطقه مذکور که قسمتهائی از ۱۳ ایالت آمریکا را دربرگرفت، کم درآمدترین شهر و نژادان کشور را شامل شد و منطقه از نظر معیارهای آموزشی، بهداشت، مسکن و... در پائین ترین سطح کشوری بود. منابع غنی چوب، خاک، زغالسنگ و دیگر مواد با بهره‌برداری بی‌رویه نزول شدیدی کرده بود. رهیافت کلی برای برون رفت منطقه آپالاشین، بازگشایی فضای منطقه و بسط همه جانبه ارتباطات با سرمایه‌گذاری دولت فدرال و یکپارچه کردن آن با فضای ملی بود. مشابه بسیاری از تجارب دیگر، این رهیافت بیشترین منابع را برای افراد و شرکتهای خارج از منطقه داشت. (۹۰) در حالی که هفت منطقه دیگر نیز به تقلید از آن برای توسعه منطقه‌ای تعیین شدند، لیکن تمامی آنها از نیمه دهه ۱۹۷۰ با روی کار آمدن جمهوری خواهان، شروع رکود ۱۹۷۳ و تشدید جنگ ویتنام، متوقف شدند. طی دهه ۱۹۸۰ که دوره چیرگی دست راستی‌ترین سیاستها بر آمریکا بود، کمترین توجه برای اعمال تعادل منطقه‌ای و سیاست‌گذاری در سطح منطقه شد. بهرحال فقدان توجه جدی به مسئله منطقه‌ای باعث بروز اختلالات منطقه‌ای بیش از بسیاری دیگر کشورهاى "شمال" در ایالات متحده شده است. برای نمونه نسبت به





شکل ۲ - مناطق برنامه ریزی فرانسه و شهرهای متعادل کننده

(Hall-1992 : ۱۵۰، ۱)

رشد کرده، لیکن همین رقم در پاریس ۴۵ درصد بود و جمعیتش سه برابر شد. (۹۳) جمعیت منطقه پاریس از ۵ درصد در سال ۱۸۸۱ به ۱۹ درصد کشور در سال ۱۹۷۰ بر ۲ درصد سطح فرانسه بالغ شد. ۲۹ درصد مشاغل صنعتی کشور در این منطقه استقرار داشت و در سطح کوچکتری یعنی شهر پاریس، یک چهارم مشاغل اداری - دولتی، یک سوم دانشجویان و دوسوم دفاتر تجاری کشور را در خود جای داده بود.

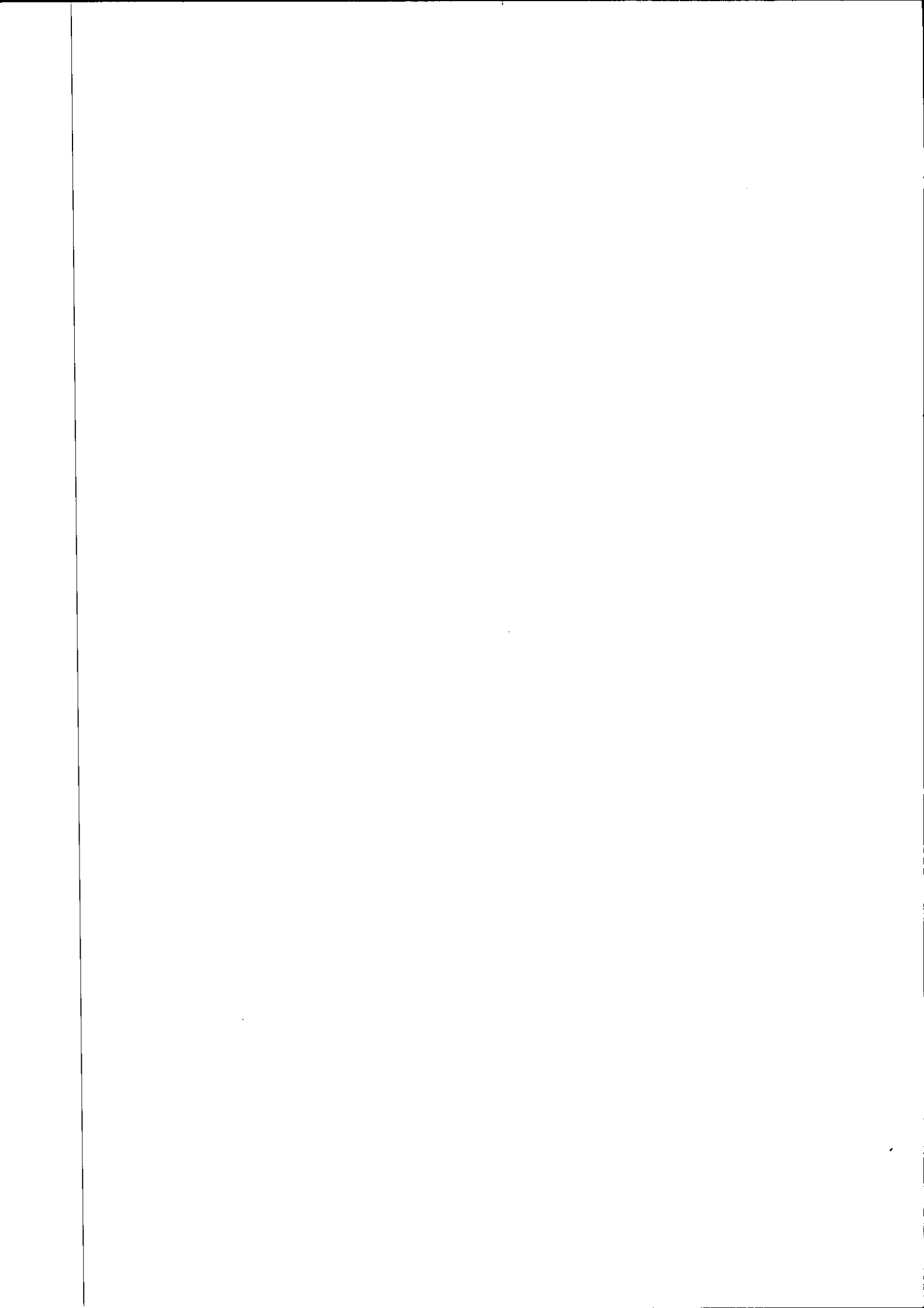
از این رو، با سرعت گرفتن رشد جمعیت و آهنگ شهرنشینی پس از پایان جنگ جهانی دوم، تمرکززدایی از پاریس در دستور کار قرار گرفت. (۹۴) البته اولویت در این زمان بازسازی اقتصادی با به کارگیری برنامه‌ریزی ارشادی (Indicative Planning) در سطح ملی بود که با موفقیت، تولید ناخالص ملی را به سرعت از ۱۹۴۶ تا ۱۹۶۳ رشد داد و تنها سیاستگذاری محدودی جهت تمرکززدایی پاریس (مانند محدودیت احداث صنایع در پایتخت یا معافیت‌های مالیاتی برای خارج منطقه پاریس) انجام گرفت که آنچنان موثر نبود و به انتشار تمرکز بیش از فاصله ۲۰۰ کیلومتری از پاریس کمک نکردند. (۹۵) اما از ۱۹۳۶ طرز تلقی جامعی برای تمرکززدایی پاریس در سطح کشور مطرح شد و با زوری آمایش سرزمین (DATAR) (۹۶) با هدف اصلی تبیین اثرات منطقه‌ای برنامه‌های توسعه اقتصاد ملی ایجاد شد. برای برنامه‌ریزی در سطح منطقه‌ای ۷ شهر بزرگ تشکیلاتی به وجود آمد که در مورد پاریس (GCPU) از یک با زوری پژوهشی - فنی توانا (IAURIF) بهره‌مند بود. (۹۷) خارج از حوزه نفوذ پهناور پاریس، شهرهای متعادل کننده - (Metropoles - d'équilibre) در مرکزیت ۸ منطقه برای تمرکز زدایی ملی و تحت

Hansen, N. et al. (1990). *Regional Policy in a Changing World*. New York, Plenum Press. P. 47.

Hall (1992), P. 168. - ۹۴

Hansen et al. (1990), P. 48. - ۹۵

Délegation à l'aménagement du territoire et Location Régional DATAR-۹۶



است که احتمالاً "بار دیگر تمرکز پاریس را تشدید خواهند کرد." (۱۰۰)

بنابر شرح بالا، دلیل اساسی در روی آوردن به سطح منطقه‌ای در برنامه‌ریزیهای فرانسه، چاره‌جویی ساختار "مرکز - حاشیه" و تأمین تعادلهای ملی در برابر تمرکز روزافزون پاریس بوده و در مرحله بعد، برنامه‌ریزی فضایی جهت تحقق هدفها و برنامه‌های توسعه ملی و نیز برنامه‌ریزی فضایی جهت مدیریت و ساماندهی منطقه شهری مد نظر بوده‌است و کمتر به برنامه‌ریزی منطقه‌ای قائم به خود و با اولویتهای هدفهای منطقه‌ای و نه ملی، برمی‌خوریم.

۴-۲- آلمان

روند انقلاب صنعتی در آلمان، اگرچه دیرتر از انگلستان آغاز شد، لیکن سریع‌تر و متحول‌کننده‌تر پیشرفت کرد و رشد ناگهانی شهرنشینی در نیمه قرن نوزدهم را موجب شد. به طوری که آلمان از پایه‌گذاران برنامه‌ریزی شهری با تصویب قانون مربوطه (Stadtebau) در ۱۹۱۴ محسوب می‌شود. (۱۰۱)

برنامه‌ریزی منطقه‌ای براساس فرارویش سطح محلی و درک پیوند برنامه‌ریزی شهری با منطقه پیرامون، اولین بار با ایجاد نهاد مسئول برلین بزرگ در ۱۹۲۰ شکل گرفت. در این سالها، برای پیشگیری از ناآرامیهای کارگری به دخالت در تعدیل محیط شهری، کنترل قیمت زمین و عرضه خانه‌سازهای عمومی توجه ویژه‌ای می‌شد و محدودیتهای کالبدی شهرهای بزرگ و انبوه، دخالتهای بخش عمومی را به سطح منطقه می‌کشاند. (۱۰۲)

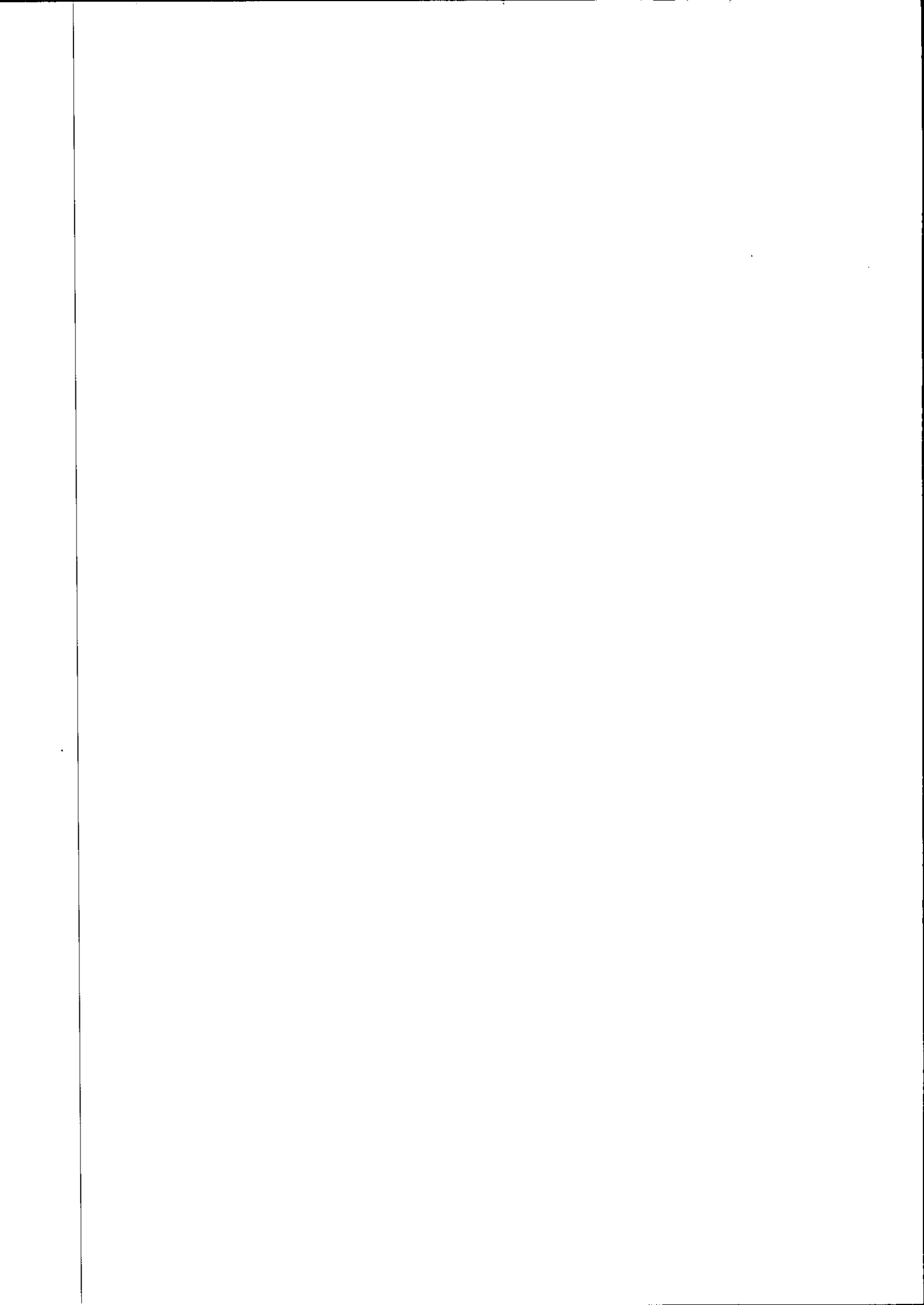
هر چند درجه تمرکز و تجمع شهری به نسبت فرانسه زیاد نبوده، اما جمعیت مجتمع‌های شهری (Urban Agglomerations) از نیم میلیون نفر در ۱۸۷۰ به بیست میلیون نفر در ۱۹۷۰ بالغ شد و یک سوم جمعیت آلمان غربی (قبل از وحدت) در ۳ درصد سبزین مستقر بودند که اقدامات ویژه‌ای را

تأثیر نظریه قطب رشد برای بازتوزیع اشتغال صنعتی، خدمات رسانی بهتر و تمرکز سرمایه‌گذاری دولت انتخاب شدند. برخی از شهرهای متعادل‌کننده برای احیاء صنایع و معادن قدیمی، برخی برای هدایت رشد در منطقه‌ای با درآمد بالا و رونق و برخی برای تحرک بخشیدن به منطقه عقب مانده کشاورزی، در نظر گرفته شده بودند که در هر حال به عنوان مرکز رشد اقتصادی با تزریق سرمایه‌های دولتی وامید به جذب سرمایه‌های خصوصی در مناطق حاشیه کشور پیش‌بینی شده بودند. (۹۸)

در این زمینه، از برنامه پنجم فرانسه (۱۹۶۶-۷۰) توجه ویژه‌ای به تفاوت بین سیاستهایی که توسعه‌های خود به خودی و سازگار با برنامه در مناطق غنی را حمایت می‌کند با سیاستهایی که به القاء توسعه در مناطق ضعیف می‌پردازند، شد. از جمله گرایش جدید استقرار صنایع با فن‌آوری سطح بالا (High-Tech) در نزدیکی "نیس" با ایجاد مجموعه‌ای از زیربنایها، مراکز تحقیقاتی و خدماتی مورد نیاز آنها به صورت متمرکز، تشویق شد و در واقع ایجاد شرایط "سیلیکون ولی" (Silicon Valley) آمریکا و ایده تکنوپولیس (Technopolis) ژاپن تقلید شد. (۹۹)

مجموعه اقدامات گفته شده در کنترل رشد پاریس و کاهش اختلافات منطقه‌ای موفق بوده‌است.

با بحران اقتصادی ۱۹۷۴ (عمدتاً) به دلیل گران شدن نفت در سطح جهان) برنامه ریزی منطقه‌ای کم‌رنگ و توسل به سازوکار بازار پررنگ شد. تا آنکه با پیروزی سوسیالیست‌ها در دهه ۱۹۸۰ مجدداً "برنامه‌ریزی منطقه‌ای و تمرکز داین تقویت شد. اما بازم با پیروزی احزاب راست بودجه برنامه‌ریزی منطقه‌ای به نصف کاهش یافت و به سطح محلی و آزادسازیهای بازار بیش از سطح منطقه‌ای و برنامه‌ریزی ارشادی اهمیت داده شد. همچنین در سالهای اخیر در سیاست کنترل رشد پاریس بازنگری شده و به علت رقابت پاریس با لندن، میلان، فرانکفورت و... بر سر مرکزیت بازار اتحادیه اروپا (EU) سرمایه‌گذاریهای وسیعی در بخشهای سوم و چهارم اقتصاد صورت گرفته



محدودیت‌هایی را برای پرداخت یارانه‌های دولتی به نواحی کشور (بنا بر اصل ایجاد شرایط مساوی در رقابت آزاد بین کشورها) ایجاد می‌کرد. (۱۰۵)

در مجموع برنامه‌های کمک به مناطق در آلمان بسیار موفق بود و در نیمه دهه ۱۹۸۰ اعلام شد که اختلافات منطقه‌ای از نظر زیربنای اساسی و شرایط زندگی برطرف شده‌است. متعاقب آن در رابطه با جلوگیری از نزول برخی مناطق به زیر سطح عمومی کشور، حفظ سطح اشتغال برابر در مناطق ونیز ارتقاء کیفیت محیط زیست، سیاستگذاری منطقه‌ای جدید انجام یافت. با وحدت دو آلمان از دهه ۱۹۹۰ برنامه‌های گسترده‌ای در جهت تعادل منطقه‌ای (به دلیل اختلافات فاحش دو نیمه شرقی و غربی از نظر توسعه اقتصادی، وجود زیربنای، فرصتهای اشتغال، کیفیت محیط زندگی و...) در دستور کار دولت فدرال قرار گرفته است. (۱۰۶) همچنین پیوستن به اتحادیه اروپا باعث شده است که تلاش ویژه‌ای برای مرکزیت یافتن شهرهای بزرگی چون برلین و فرانکفورت در رقابت با دیگر شهرهای مطرح اروپا صورت گیرد که، برنامه‌ریزی منطقه شهری جزئی از این تلاش است. در مورد منطقه "رور-راین" (Ruhr-Rhine) که علاوه بر قابلیت‌های خود از موقعیت جغرافیایی برتری به عنوان ستون فقرات ناحیه توسعه سراسری اروپا (شامل: لندن، پاریس، بروکسل، آمستردام، کلن، فرانکفورت، مونیخ، میلان) برخوردار است نیز برنامه‌های توسعه منطقه‌ای جدیدی آغاز گشته است. (۱۰۷)

بدین ترتیب، برنامه‌ریزی منطقه‌ای در آلمان با فرارویش برنامه‌ریزی شهری برای منطقه شهری و مجموعه‌های متعدد شهری باگرفت ایجاد تعادل ملی در ارتباط با مناطق توسعه سابق و رکود یافته و نیز مناطق توسعه نیافته و کنار مانده، دلیل دیگری برای سیاستگذارهای منطقه‌ای بود که از سطح ملی آغاز شد. و در حال حاضر، بسترگشائی توسعه نوین و جلب منابع اروپا از طریق برنامه‌ریزی برای مناطق شهری بزرگ و ارتقاء

ایجاب می‌کرد. (۱۰۳)

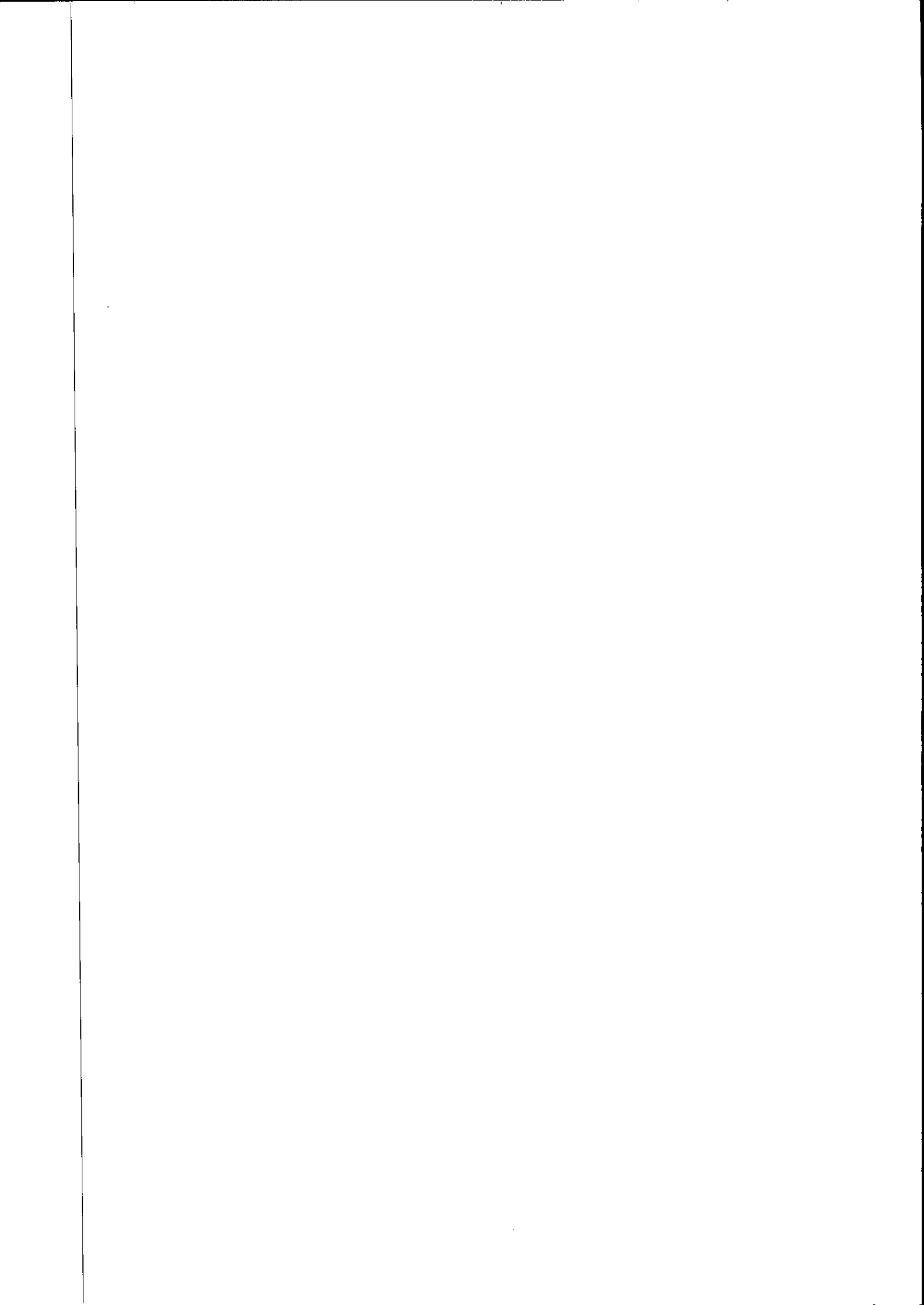
از جمله مناطق مسئله دار، منطقه "رور" (Ruhr) در شمال آلمان بود که از نواحی پیشگام انقلاب صنعتی با مفاد ذغالسنگ غنی بوده‌است. برای کنترل ناپایمانیهای کاربری زمین و مدیریت رشد مجموعه شهرهای متعدد و متداخل آن، نهاد مسئول مشترکی به نام "اتحادیه اسکان نواحی دارای ذغالسنگ روز" - (Siedlungsverband : SVR) Ruhrkohlenbezirk از اوایل دهه ۱۹۲۰ تشکیل شد. این منطقه طی دهه‌های بعدی، بویژه پس از خاتمه جنگ جهانی دوم با نزول و توقف صنایع قدیمی و معادنش در مقابل رشد و توسعه نواحی جنوب آلمان مواجه شد که دولت فدرال را به دخالت و ادانت. (۱۰۴) در تلاش برای ایجاد تعادل‌های منطقه‌ای، مهمترین اقدام، سیاستگذاری منطقه‌ای در کمک به سه گونه فضاهای زیر بوده که در دهه ۱۹۷۰ به رسمیت شناخته شدند:

نواحی توسعه، مراکز توسعه و نواحی مرزی با آلمان شرقی سابق.

قسمت عمده نواحی توسعه همان نواحی مرزی بودند که زیربنای ضعیفی داشتند و از نظر منابع طبیعی نیز فقیر بودند. نواحی محنت زده دارای معادن ذغالسنگ عمدتاً "جزو نواحی توسعه قرار گرفتند. اقدامات توسعه برای این دو نوع ناحیه شامل:

اصلاحات (فرم) کشاورزی، توسعه گردشگری (توریسم) و صنعت بود. مراکز توسعه تحت تاثیر نظریه مکان مرکزی و برای پوشش کارآی خدماتی در نظر گرفته شدند که بیشتر آنها درون نواحی توسعه و نواحی مرزی تعیین شدند.

باید توجه داشت که برای دخالت دولت فدرال در امور ایالات نیاز به مشروعیتی بود که با تکیه بر وظیفه ایجاد امکانات و شرایط برابر در همه جای کشور استدلال شد. دولت فدرال با تهیه طرح منابع لازم جهت تحقق سیاستگذاری منطقه‌ایش، اجرا را به عهده ایالات محول می‌کند. البته عضویت آلمان غربی در آن سالها در بازار مشترک اروپا،



سطح ملی قرار داد. وسعت زیاد شوروی موجب می‌شد که جداگانه اتکاء به منابع هر منطقه با هدف خودکفائی نسبی پیگیری شود، ضمن آنکه بر اساس ویژگیهای منحصر هومنطقه، تخصصی شدن در جهت رفع نیازهای ملی نیز در دستور کار قرار داشت. برنامه‌ریزان توسعه ملی در شوروی با در اختیار داشتن عنوان عوامل تولید، اساس منطق برنامه‌ریزی منطقه‌ای را بهینه‌سازی سازمان فضائی تولید، آنها در چارچوب تقسیم کار و برنامه‌هایی که در سطح ملی ریخته می‌شد، می‌دانستند. (۱۰۹) این رهیافت، تفاوتی ماهوی با برنامه‌ریزی مستقل در سطح منطقه و برگرفته از نیازها و ارزشهای محلی داشت.

منطقه‌بندی پیشنهادی بر مبنای تخصص اصلی مراکز عمده تولید (معمولاً) شهرهای بزرگ و مراکز اصلی صنعتی) و روابط آنها با مهمترین و بیشترین منابعی که در پیرامون خود نیاز داشتند، با توجه به جغرافیای طبیعی و تاریخی و قابلیت‌های تازه‌ای تعیین می‌شدند که با مطالعه پیوندهای حمل و نقل و مراکز تولید انرژی، منطقه، مجموعه‌ای از این مراکز و حوزه‌هایشان، یک منطقه اقتصادی را بوجود می‌آوردند. این مناطق در مورد جمهوریهای کوچک، چندتای آنها را دربر می‌گرفتند. در برخی از جمهوری‌ها این مناطق با مرزهای سیاسی آنها تطبیق داده می‌شدند و برای جمهوری‌های بزرگ مانند سبیری، چندتای آنها در یکی قرار می‌گرفتند. نظریه پرداز منطقه‌ای کردن در کمیته برنامه‌ریزی دولتی، بارانسکی (N.N. Baransky) پایه‌گذار جغرافیای اقتصادی شوروی در دهه ۱۹۲۰ بود. (۱۱۰)

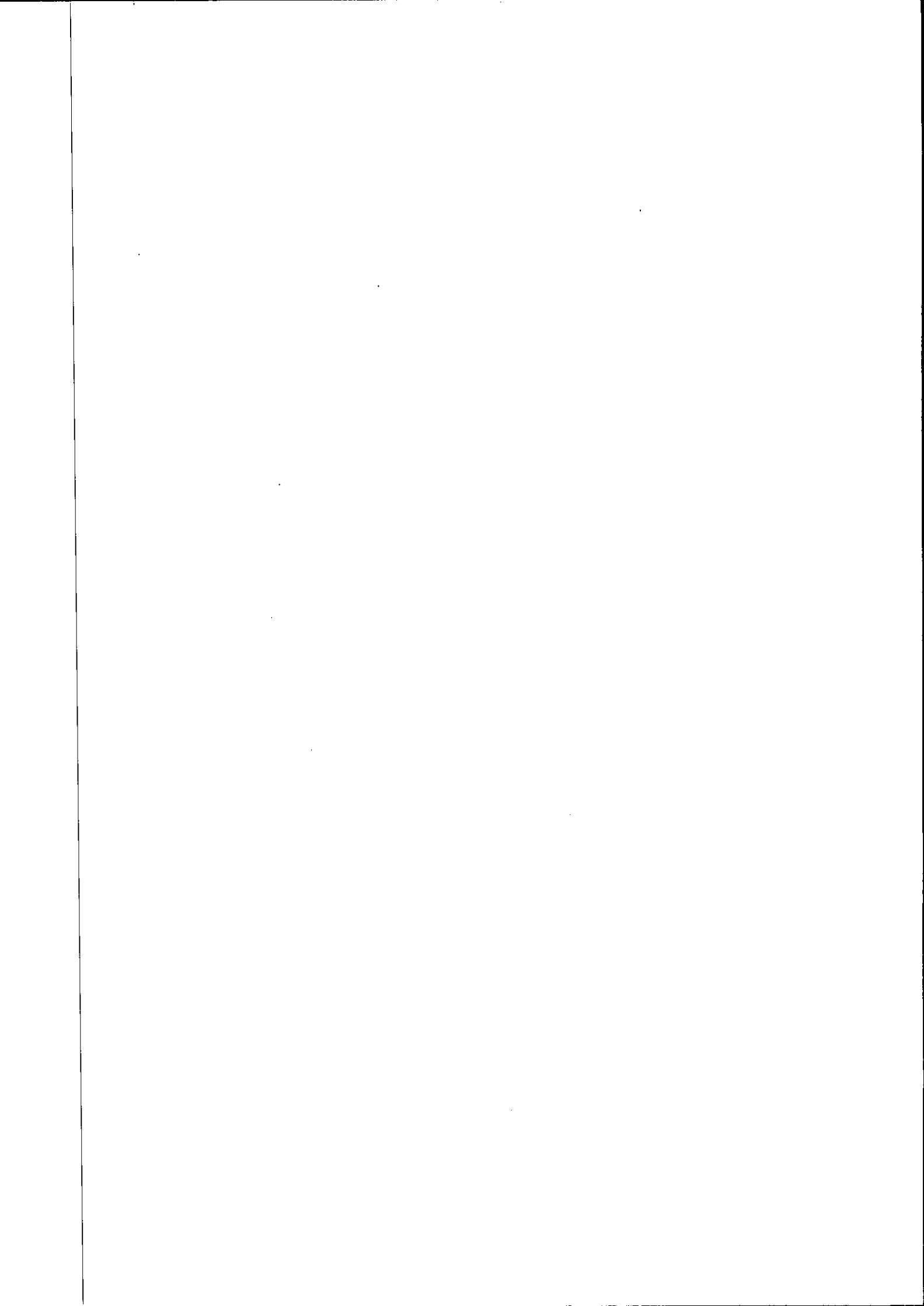
از دهه ۱۹۳۰ در چارچوب مناطق اقتصادی، نظریه ایجاد "مجموع‌های تولید منطقه‌ای" (TPC: Territorial Production Complexes) مطرح شد که تا انحلال اتحاد جماهیر شوروی از مهمترین ابزار برنامه‌ریزی منطقه‌ای محسوب می‌شد. مجتمع تولید منطقه‌ای که سطحی کوچکتر از منطقه اقتصادی را دربر می‌گرفت و شامل یک یا چند

کارآیی و ارتباطات و کیفیت زندگی مناطق مورد اقبال توسعه اروپا، جدیدترین دلیل به کارگیری برنامه‌ریزی منطقه‌ای محسوب می‌شود.

۵-۲- شوروی سابق

از زمان پتریکیر که قلمروهای متعددی را ضمیمه روسیه کرد، ضرورت منطقه‌بندی برای مدیریت این سرزمین پهناور آشکار شد و از قرن هجدهم منطقه‌بندی بر اساس همگونی جغرافیائی به کار گرفته شد. لیکن در پی انقلاب اکتبر و روی آوردن همه جانبه به برنامه‌ریزی کلان ملی، رهیافت نوینی در استفاده از برنامه‌ریزی منطقه‌ای پدیدار گشت. تفاوت اساسی این رهیافت از مالکیت عمومی ابزار تولید و منابع و نیز اهداف و سیاست‌ها، جدیدی ناشی می‌شد که خواهان سیر سریع اجتماعی شدن تولید بویژه از طریق صنعتی شدن در سراسر اتحاد جماهیر شوروی بود. در این راستا از اوایل دهه ۱۹۲۰ برنامه ملی برق زنیائی روسیه (GOELRO) بی‌درنگ شروع شد. بنا بر محدودیت منابع برنامه و گستردگی کشور، منطقه‌ای کردن (Regionalization) برنامه در پیش گرفته شد. او به جای مناطق همگون (Homogeneous) قبل از انقلاب، مناطق عملکردی (Functional) بر اساس مراکز تولید نیرو و حوزه‌های برق‌رسانی تعیین شدند. باید توجه داشت که در این رهیافت برنامه توسعه ملی در بخش نیرو، سهم و نقش مناطق را مشخص می‌کرد و برعکس. (۱۰۸)

در ادامه برنامه گفته شده، کمیته برنامه ریزی دولتی شوروی (GOSPLAN) برای تهیه برنامه توسعه پنجم، لزوم اتکاء به منطقه‌بندی اقتصادی کشور را طرح کرد و با به کار بردن روشهای علمی، ۲۱ منطقه (شامل ۱۳ منطقه در بخش بیشتر توسعه یافته اروپائی و ۸ منطقه در بخش پهناور و کمتر توسعه یافته آسیائی) را مبنای برنامه‌ریزی در



تفاوت‌های منطقه‌ای، کاهش بیشتری یافته بود. (۱۱۲) آنچه مسلم است، برنامه‌ریزی منطقه‌ای در شوروی سابق در خدمت تولید ملی بود و این فرض که نظام اجتماعی آن کشور توزیع عادلانه منطقه‌ای و مشارکت برابر مردم در موهب آن را خودبه خود باعث خواهد شد، صحت نداشت و اختلافات منطقه‌ای از جمله دلایل مهم فروپاشی اتحاد شوروی بود. بی‌توجهی به ابعاد بوم‌شناسی علاوه بر ابعاد اجتماعی در برنامه‌ریزی منطقه‌ای شوروی نیز امروزه مورد انتقاد شدید وارثان آنست.

۶-۲- گزیده‌های از کشورهای "جنوب"
برنامه‌ریزی منطقه‌ای در کشورهای "جنوب" بسیار دیرتر از کشورهای "شمال"

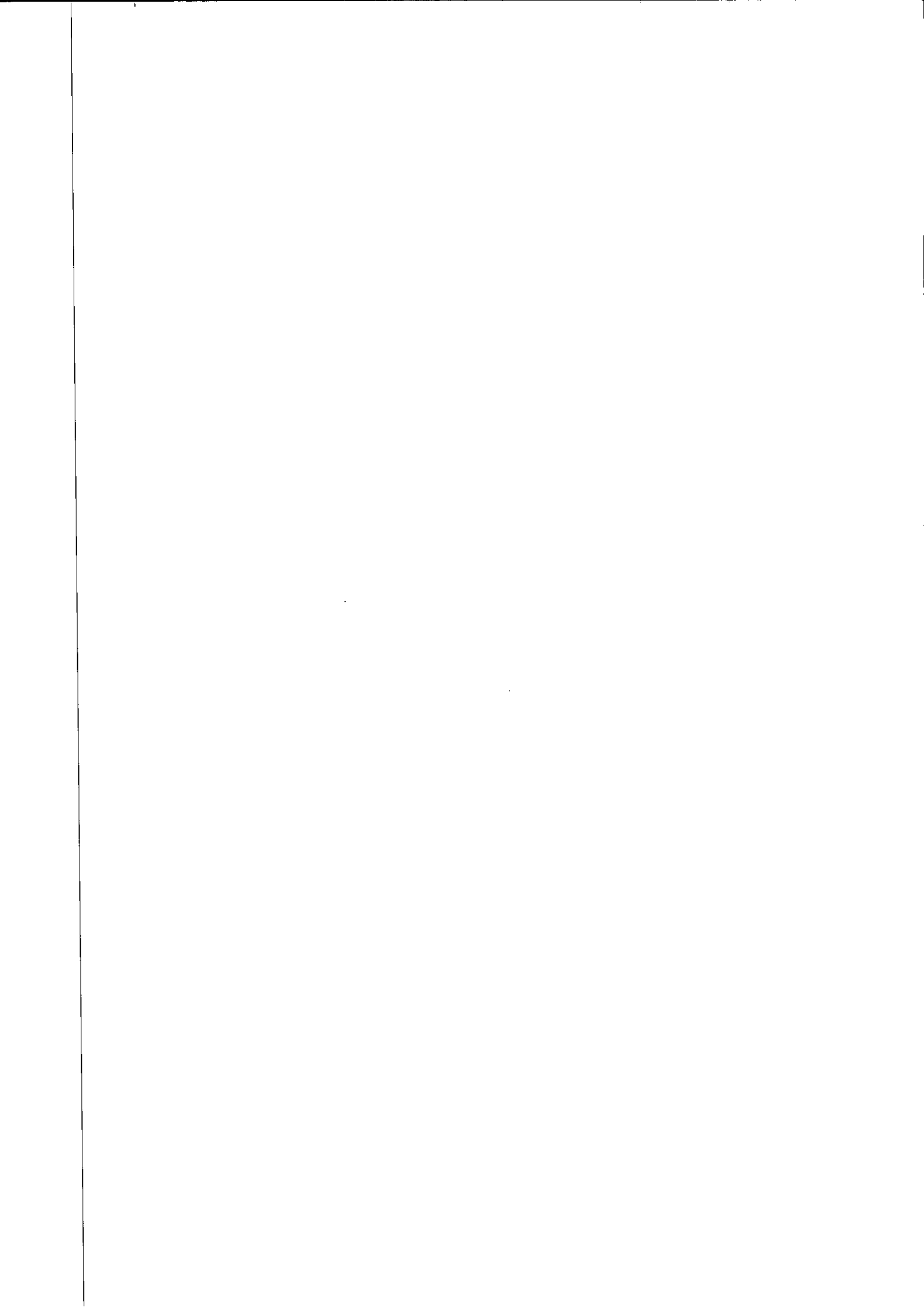
و همچون آنها، سالها پس از برنامه‌ریزی ملی و برنامه‌ریزی شهری پا گرفت. هرچند دلایل گوناگونی در کشورهای مختلف برای ایجاد سطح منطقه‌ای در برنامه‌ریزی وجود داشته است، اما به دو حرکت عمده از سطح ملی و سطح محلی، کمابیش در تمامی کشورها برمی‌خوریم که ضرورت برنامه‌ریزی منطقه‌ای را به اثبات رسانده است. در سطح ملی که برنامه‌ریزی با برتری نگرش اقتصادی صورت می‌گرفت، هنگامی که با عدم بخش منافع رشد در فضای کشور مواجه شدند، سیاستگذاری منطقه‌ای و به صورت جامع‌تر، برنامه‌ریزی منطقه‌ای مطرح شد. (۱۱۳) تجربه دره‌تسنی آمریکا (T.V.A) با محوریت توسعه منابع حوزه آبریز به طور گسترده‌ای مورد تقلید قرار گرفت و نهادی مسئول توسعه یکپارچه و چندمنظوره منطقه کلیدی محسوب می‌شد. از جمله این موارد عبارتند از: دره کانوکا (Cauca) در کلمبیا، حوضه رودخانه‌ای در ناحیه گویانا (Guyana) از ونزوئلا، حوضه آمازون در شمال‌شرق برزیل، حوضه رود ولتا (Volta) در غنا، حوضه رود

۱۱۲ - پاولنکو، و.ف. (۱۳۶۶). "برنامه‌ریزی ناحیه‌ای در اتحاد جماهیر شوروی". مباحث و روشها در

برنامه‌ریزی در شوروی. پاولنکو و دیگران. مترجم: محمد ابراهیم امین. تهران: انتشارات پیشرو. صفحات

مرکز تولید منطقه‌ای می‌شد، در ارتقاء سطح کارآئی (مانند نسبت داده‌ها به ازا هر واحد ستانده) سهم مهمی ایفا می‌کرد. در مواردی مانند سبیری برنامه‌ریزی این مجتمع‌ها کلیدی تلقی شد زیرا توسعه سبیری با بهره‌برداری منتخب و پراکنده منابع شکل گرفته بود و سازماندهی فضائی اقتصاد چند پارچه با روابط غیر منطقی آن صرفه‌جوییهای زیادی باعث شد و نظام‌های تولیدی جدیدی را در فضای منطقه بیان گذاشت. تمرکز سرمایه‌گذارها، کاهش هزینه‌های حمل و نقل و دیگر موارد عملیاتی با برنامه‌ریزی جامع و یکپارچه مجتمع‌ها عمامه عمل پوشید که نظریه‌پرداز مشهور آن (N.N.Kolossky) نام داشت: اگرچه مجتمع تولید منطقه‌ای عمدتاً "برای تخصصی شدن تولید صنعتی درون منطقه به کار گرفته شد ولی برای بخش کشاورزی نیز احداث گردید. برای این مجتمع‌ها اثرات "رخنه به پایین" و انتشار توسعه نیز متصور بود. (۱۱۱)

مرور تاریخچه گفته شده نشان می‌دهد که آنچه به نام برنامه‌ریزی منطقه‌ای در اتحاد جماهیر شوروی سابق وجود داشت، بیشتر منطقه‌ای کردن برنامه‌ریزی ملی بود و پیوسته از دیدگاه ایجاد تخصص منطقه‌ای درون نظام تقسیم‌کار ملی دیده می‌شد. خودکفائی نسبی مناطق نیز در اولویت بعد قرار داشت. پس از جنگ جهانی دوم که منطقه‌ای کردن با خدیت بیشتر دنبال شد، هدف هم‌سطح سازی (Levelling) جمهوریها که مترادف ایجاد نهادهای منطقه‌ای بود، به صورتی کم‌رنگ مطرح شد. در این زمینه تفاوت میان بیشترین و کمترین تولید سرانه صنعتی مناطق که قبل از سال ۱۹۲۰، ۳۸ برابر بود، در نیمه دهه ۱۹۸۰ به ۱۰ برابر کاهش یافت که در مقایسه با اختلافات منطقه‌ای در کشورهای اروپای غربی همچنان فاحش بود؛ هر چند از نظر شاخصهای اجتماعی



پایین تری به موازات فوق با رهنمودهای گاندی وجود داشت که صنایع کوچک و کشاورزی را برشالوده روستایی با مشارکت همگانی و روندی از پایین پای وری می‌نمود.

پس از سه برنامه پنجساله، توسعه متعادل منطقه‌ای در کنار رشد اقتصادی گنجانده نمی‌شود و تامین نیازهای پایه اولویت یافت. طرح توسعه رودخانه "دامودار" (Damodar) به عنوان اولین تجربه برنامه‌ریزی منطقه‌ای در سال ۱۹۶۱ آغاز شد و نیز طرحهایی برای محرومیت زدایی اقلیت‌نشین‌هایی (از جمله در حوالی مدرس) تصویب شد. باین وجود طی سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ بازم اختلاف سرانه تولید داخلی در مناطق افزایش یافت. (۱۱۶) در نتیجه راهبردهای زیر برای توسعه متعادل منطقه‌ای در هند به کارگرفته شدند: اختصاص کمک مالی به ایالات برپایه وزن جمعیت، اختلاف درآمد سرانه و پرداخت مالیات و هزینه‌های عمرانی دولت - تخصیص اعتبارات ویژه نواحی عقب مانده - اقدام به مکانیابی طرحهای بزرگ صنعتی در نواحی عقب مانده صنعتی از طریق سرمایه‌گذاری دولت فدرال و نیز سیاستهای تشویقی برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی. (۱۱۷) برنامه‌ریزی منطقه‌ای برای نواحی مسئله دار (مانند نواحی در معرض خشکسالی یا سیل و دورافتاده تپه ماهور) به صورت مجزا نیز صورت می‌گیرد. همچنین برای مناطق شهری بزرگ مانند بمبئی، برنامه‌ریزی در سطح بالاتر از شهرانجام می‌شود. (۱۱۸)

● برزیل: برزیل نیز مانند هندوستان کشور پهناور با ترکیب جمعیتی متنوعی است که برنامه‌ریزی منطقه‌ای در آن جایگاه ویژه‌ای دارد. حدود ۶۰ درصد برزیل را منطقه

Misra, R.P. & V.K.Natraj(1981). "India: Blending Central and Grass-Roots Planning" in : Stohr & Fraser (eds.), Development from Above or Below? Chichester, John Wiley & Sons. PP.259-279.

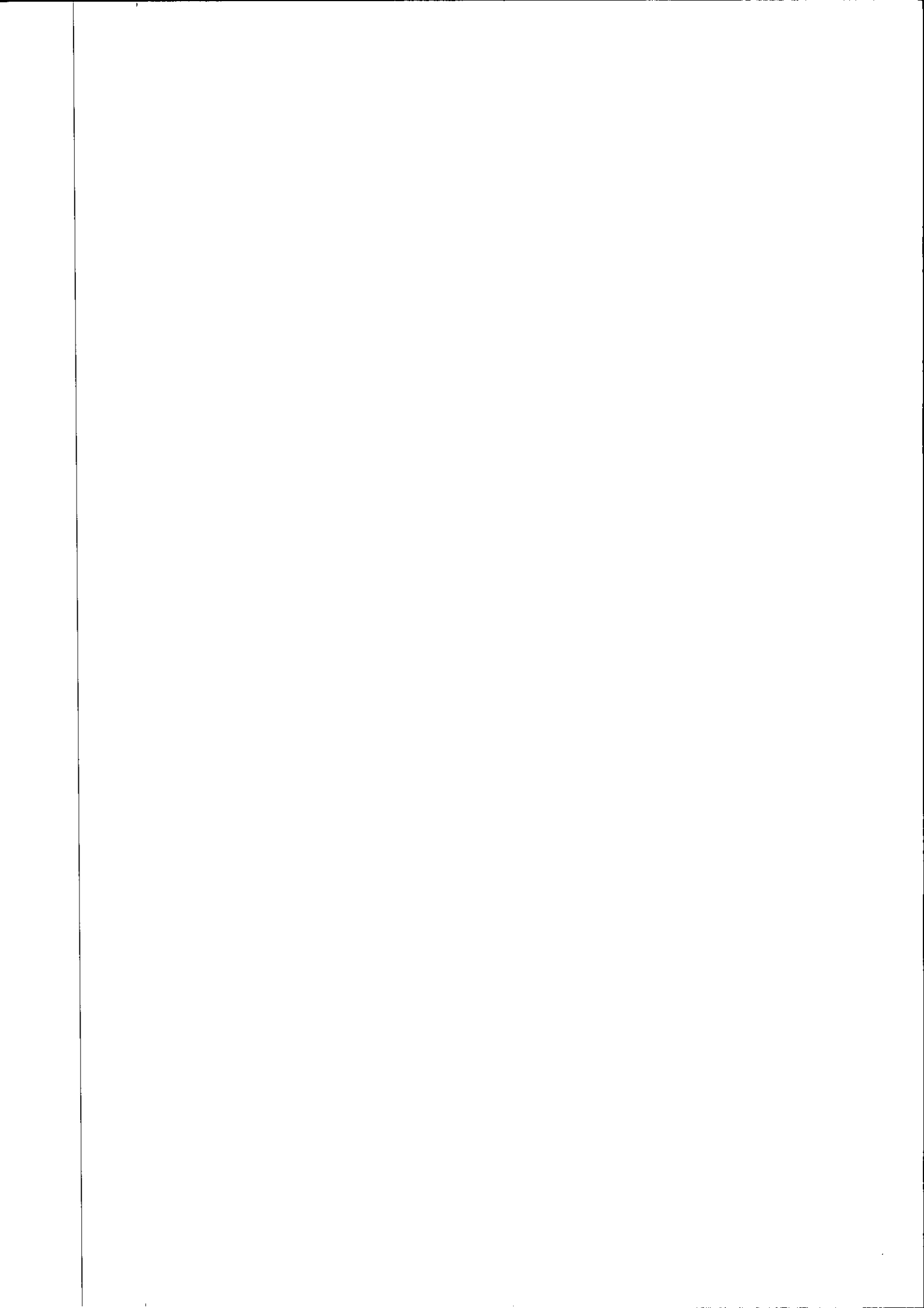
دامودار (Damodar) در هندوستان و حوضه رود گال اویا (Gal Oya) در سریلانکا. (۱۱۴) در سطح محلی که برنامه‌ریزیهای شهری با برتری نگرش کالبدی (فیزیکی) حتی پیش از برنامه‌ریزی ملی صورت می‌گرفت، هنگامی که به رشد بنی‌رویه کلانشهرها و برتری شهری (Urban Primacy) برخورد شد، پرداختن به سیاستگذاری منطقه‌ای و بازم به نحو جامع‌تر، برنامه‌ریزی منطقه‌ای برای منطقه شهری (که به صورت گسترده‌ای از تجربه لندن بزرگ با ایجاد شهرهای جدید و کمربند سبز تقلید می‌شد) و/یا ایجاد مراکز شهری رقیب در جهت تمرکززدایی از شهر اصلی (که از تجربه پاریس و قطبهای متعادل کننده در فرانسه به صورت گسترده تقلید می‌شد) از جمله چاره‌جویی رشد سریع شهرهای ساتویلو، بمبئی، قاهره و سنول چنین عمل شد. (۱۱۵)

اینک به مرور سابقه برنامه‌ریزی منطقه‌ای در گذشته‌های از کشورهای جنوب می‌پردازیم:

● هندوستان: هندوستان از پیشگامان کاربرد برنامه‌ریزی منطقه‌ای در نظام چند سطحی برنامه‌ریزی ملی در بین کشورهای "جنوب" محسوب می‌شود. قلمروهای متعدد فرهنگهای قومی در این کشور موجب پرداختن به برنامه‌های ویژه هر منطقه توسط احزاب مختلف از دوره مبارزه برای استقلال کشور شده بود. اما از آنجا که پیش از بیست سال پس از استقلال به طور مداوم حزب کنگره در سراسر هند دست بالا داشت، برنامه‌ریزی ملی در سطح فدرال با برنامه‌ریزی منطقه‌ای در سطح ایالات هماهنگ بوده و اولویت با برنامه‌ریزی ملی تحت تاثیر انگاره شوروی و به رهبری نهری بود که وی به ایجاد صنایع بزرگ با دخالت وسیع دولت اعتقاد داشت. خط فکری دیگری در سطح

Friedmann & Weaver(1980), P.153,P.172.

۱۱۴ - Lefebvre, L. & M.Datta-Chaudhuri (1971). Regional Development : Experiences and Prospects in South and Southeast Asia. The Hague, Mouton. P:217.



مطلوب، متحول کردن اقتصاد نواحی نیمه خشک، و گسترش کشاورزی در نواحی جدید (Agricultural Frontier) و مطلوب شمال شرق. این نهاد بیش از ۲۰ سال با موفقیت نسبی کار کرده و اقتصاد منطقه به طور میانگین سالانه ۷ درصد رشد کرده است و بتدریج بر خوردهای عمدتاً اقتصادی به سوی اجتماعی-زیست محیطی تغییر جهت داده است. (۱۲۳) همچنین طرح توسعه منطقه‌ای عظیمی برای بهره‌برداری از منابع آمازون از طریق تراشیدن جنگلها و ایجاد محور توسعه‌ای به پهنای ۱۰۰ کیلومتر و شامل بزرگراه سراسری و مراکز اسکان جدید پی‌گیری شده است که از نظر پیامدهای زیست محیطی شدیداً مورد انتقاد جهانی است. (۱۲۴) ۱

● **کره جنوبی:** کره جنوبی اغلب به عنوان نمونه موفق تمرکز سیاستگذاری و برنامه‌ریزی منطقه‌ای نامبرده می‌شود. پس از پایان جنگ با کره شمالی در سال ۱۹۵۳، با پشتیبانی همه جانبه ایالات متحده آمریکا برنامه‌ریزی رشد اقتصادی کشور بر پایه تمرکز فضای توسعه و بدون توجه به توزیع درآمد و تعادل منطقه‌ای آغاز شد. دو شهر بزرگ ستول و پوسان با استلال کارآیی اقتصادی در برنامه‌ریزی مرکزی کره به عنوان قطب رشد در اولویت قرار گرفتند و رشد شتابانی کردند. (۱۲۵) حساسیت پدافندی کشور در کنار تراکم بالای جمعیت در شبه جزیره‌ای محدود، لزوم تنظیم فضای رشد را از طریق برنامه‌ریزی جامع توسعه زمینهای ملی در سال ۱۹۶۳ به اثبات رساند.

همچنین از اواخر دهه ۱۹۶۰ تمرکز بیش از حد در دو شهر بزرگ و تشدید شکاف درآمدی و فاه اجتماعی بین جوامع شهری و روستایی به زیان توسعه کشور ارزیابی شد.

۱۲۳ - Fernando de Santana, Jorge (1985). "Experience and Prospects of a Spatial Policy in Northeast Brazil" in: Misra et al. (1985), pp. 137-184.

۱۲۴ - Kohlhepp, Gerd (1985). "Regional Development Strategies and Economic Exploitation Policies in Amazonia" in: Misra et al. (1985), pp. 1-34.

۱۲۵ - Prantila, Ed. B. (ed) (1984). *Regional Development: Problems and Policy Responses in five Asian and Pacific Countries*. Nagoya, United Nations Center for

آمازون به وسعت ۵ میلیون کیلومتر مربع در شمال اشغال کرده و موجب تقسیم کشور به دویاره شده است. (۱۱۹) این دویارگی جغرافیایی با دوگانگی بخشهای اقتصادی تشدید شده و برنامه‌ریزی ویژه منطقه غنی و دست نخورده آمازون و دیگر نواحی با اقتصاد معیشتی را جهت یکپارچگی فضائی (Spatial Integration) کشور ضروری کرده است.

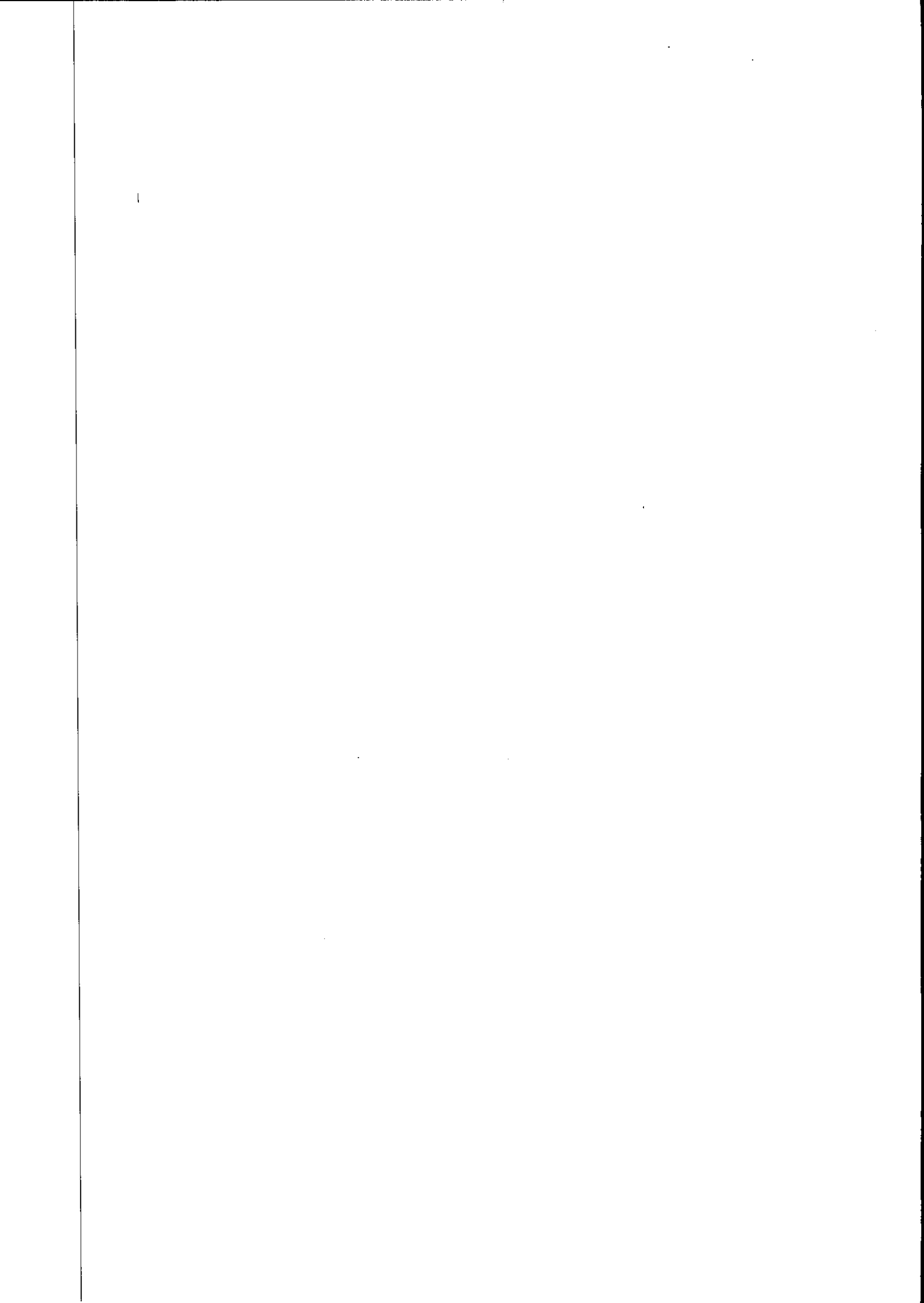
۱ راهبرد توسعه برزیل پس از سالها اتکاء به کشاورزی تجاری و صادراتی، در پی جنگ جهانی دوم به سوی صنعتی شدن شهری با جهتگیری جایگزینی واردات چرخش نمود. (۱۲۰) پیامد این چرخش ایجاد ساختار دوگانه‌ای بین بخشهای کشاورزی و صنعت در کشور بود که فن آوری مدرن حول بخش صنعت و شهرها متمرکز شد و در نتیجه بخش معیشتی در کشاورزی و روستاها راکد ماند. (۱۲۱) نوار ساحلی جنوب شرقی برزیل با مادر شهرهای بی‌رقیب و غول‌پیکرش (سائوپولو ریودوژانیرو) کانون توسعه نوین صنعتی و خدماتی کشور و پذیرای سرمایه‌های شرکتیهای چندملیتی شدند. از دهه ۱۹۶۰ رابطه مرکز-پیرامون (Core-Periphery) جانشین رابطه متقابل و تکمیل شهر-روستا شد که پیامد آن توسعه منطقه‌ای ناموزون بود. (۱۲۲)

از جمله اقدامات کاهش این عدم تعادل ایجاد نهاد مسئول توسعه منطقه‌ای برای شمال شرقی برزیل (به نام SUDENE) تحت نظر ریاست جمهور فدرال و در سطحی بالاتر از ایالات بود. این نهاد راهکارهای زیر را برای توسعه منطقه‌ای اتخاذ کرد: صنعتی کردن مراکز شهری بویژه در نوار ساحلی، افزایش فعالیتهاى مزربعه داری در نواحی

۱۱۹ - Misra, R.P. et al. (1985). *Regional Development in Brazil: The Frontier and its People*. Nagoya, United Nations Center for Regional Development. P.IX

۱۲۰ - برای اطلاع بیشتر از منبیر توسعه برزیل به کتاب زیر مراجعه کنید: فرانک، آندره گوند (۱۳۵۹). *توسعه توسعه زیانگمی در برزیل*. مترجم: سهراب بهداد. تهران: مؤسسه انتشارات علمی دانشگاه صنعتی شریف.

۱۲۱ - بکر، برناتک (۱۳۶۸). *کشاورزی و توسعه در برزیل*. گسترش مرکز کشاورزی در توسعه منطقه‌ای - و ششانی نو آل. مایوگنج و آرمی. میسرالو (رواستاران) مترجم: عباس مخبر. تهران: مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات وزارت برنامه‌ریزی و توسعه. صفحات ۱۷۷ تا ۲۱۳.



گردید. در برنامه چهارم توسعه (۱۹۷۷-۸۱) نظریه قطب رشد قویاً دنبال شد و شهرهای میانی (با اندازه متوسط) متعددی برای تمرکززدایی از برتری شهری بانکوک به عنوان مراکز رشد و ایجاد فرصت‌های اشتغال برای نیروی کار فزاینده کشاورزی و جلوگیری از مهاجرت به سوی بانکوک تعیین شدند.

برنامه پنجم توسعه (۱۹۸۲-۸۶) در بعد منطقه‌ای به نواحی مسئله‌دار ویژه برنامه‌ریزی منطقه شهری بانکوک و نیز برنامه‌ریزیهای استانی (کوچکتر از مناطق قبلاً تعیین شده) تاکید نمود. (۱۲۹) در این برنامه پنج استان برای تمرکز اقدامات رشد اقتصادی انتخاب شدند که برای تحقق مراکز رشد آنها راهکارهای زیر پیگیری شدند: ساختن صنایع پایه در آنها، ساخت سریع زیربنای مورد نیاز صنایع، تهیه برنامه کاربری زمین آنها، ارتقاء وضعیت مالی و توان اداری شهر داریهای مرتبط با آنها، عدم ایجاد مراکز رقیب خارج از برنامه برای آنها. طی این سالها نقطه ضعف مهم، تداوم سیاستهای با گرایش شهری صنعتی دولت بود که قیمت محصولات مهم کشاورزی (برنج، نیشکر و لاستیک طبیعی) را پایین نگاهداشته و امتیازات بزرگی به حضور سرمایه‌های خارجی در بخش مدرن داده و در نتیجه سیاستهای تعادل منطقه‌ای در برابر تبعیضهای سیاستهای بخشی کفایت نکرده است. (۱۳۰) در نتیجه همچنان منطقه بانکوک در اختلافات فاحشی با دیگر مناطق باقی مانده است و منابع طبیعی و کشاورزی کشور مورد بهره‌برداری غیربایداری قرار گرفته‌اند که تغییر گسترده کاربری زمینها بازتاب آنست.

● مالزی: تجربه مالزی در روی آوردن به برنامه‌ریزی منطقه‌ای از یک سوبه تمرکززدایی از پایتخت خود (کوالالامپور) و از سوی دیگر به محرومیت زدایی و ایجاد تعادل منطقه‌ای مربوط می‌شود. در مالزی نیز نظریه قطب رشد از برنامه سوم پنجساله (۱۹۷۶-۸۰) مورد انکاء قرار گرفت و سیاستهای عدم تمرکز صنایع و کاهش اختلافات

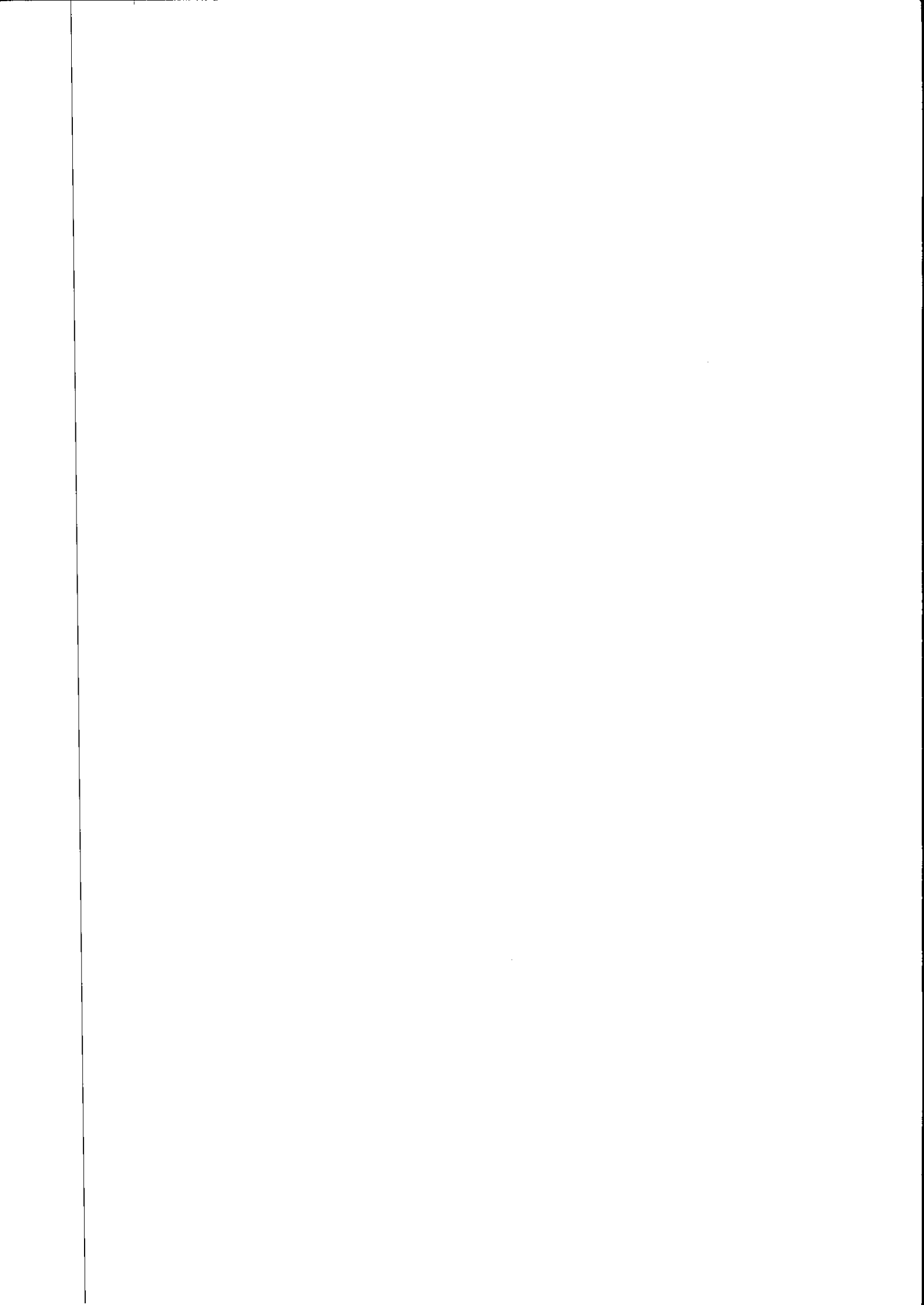
از این رو سیاستگذاری منطقه‌ای برای پخش فضای توسعه و در نتیجه نیل به تعادل‌های منطقه‌ای به کارگرفته شد. مجتمع‌های صنعتی همراه با پیش‌بینی معافیتهای مالیاتی، یارانه و تامین خدمات زیربنایی و کنترل قیمت زمین آنها در کشور توزیع شدند. طرح "جنبش اجتماع جدید" (Saemaul Undong) با بسیج نیروهای ملی برای بهبود زندگی روستائیان آغاز شده که تجربه موفقی در بین کشورهای "جنوب" معرفی شده است. قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی به نفع روستائیان چرخش پیدا کرد و سیاستهای موثری در تحدید رشد جمعیت و فعالیت در دوشهر بزرگ اعمال شد. (۱۲۶) در واقع دولت که همیشه نقش کلیدی در هدایت توسعه کره جنوبی را به عهده داشت، در زمانی برنامه‌ریزی منطقه‌ای را به کارگرفت که ثمرات رشد اقتصادی ظاهر شده بود و همزمان با کاهش اختلافات منطقه‌ای، تداوم رشد اقتصادی را قویاً در نظر داشت. تجربه نمود؛ وضعیت که برای اغلب کشورهای "جنوب" متصور نیست.

● تایلند: تایلند که در دهه‌های اخیر پیوسته با مشکل اختلافات شدید منطقه‌ای و رشد برتری شهری (Urban Primacy) بانکوک مواجه بوده است، (۱۲۷) اولین بار طی برنامه پنجساله دوم کشور (۱۹۶۷-۷۱) برنامه‌ریزی منطقه‌ای برای نواحی مسئله دار و ویژه را تایلند در چارچوب برنامه ملی تجربه کرد. نواحی کوهستانی و جنگلی، شمال شرقی کشور که در معرض ناامنی سیاسی به دلیل جنگ و تنام و تغییر حکومت‌های کشورهای همسایه بود مورد برنامه ریزی قرار گرفتند. در برنامه پنجساله سوم کشور (۱۹۷۲-۷۶) طرح توسعه منطقه‌ای گسترده‌ای برای منطقه شمال شرقی در نظر گرفته شد و اساساً برنامه‌ریزی منطقه‌ای پذیرفته شد. (۱۲۸) و تایلند به مناطق بزرگتر از استانها تقسیم شد و در هر یک قطب‌های رشدی در نظر گرفته شد و طرح‌های منطقه‌ای پیشنهاد

۱۲۶ - Kim, H.K. (1984). "Regional Development Policy Response in a Rapidly Growing Economy: The Case of Korea" in : Prantilia (1984), PP.23-79.

Prantilia (1984), P.12 - ۱۲۷

Atikriti, I. (1984). Regional Development Problems and Policy response: the



۳- سابقه برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای در ایران

۱-۳- پیش از انقلاب اسلامی

پیشینه برنامه‌ریزی منطقه‌ای در دوران معاصر ایران را باید همچون دیگر کشورهای "جنوب" در تکوین برنامه‌ریزی توسعه ملی جستجو کرد. در پی انقلاب مشروطیت و تحولاتی که برانگیخته از خواست مردم در جبران فاصله عقب‌ماندگی از ملل مترقی جهان بود و همچنین با احساس خطر از گسترش انقلاب روسیه به ایران، زمینه مساعد برای ایجاد حکومتی متمرکز و مقتدر با حمایت بیگانگان فراهم شد. با استقرار دولت خودکامه و "شبه نوگرایی" (شبه مدرنیستی) رضاشاه، اشاعه و حمایت از سرمایه‌داری نوین در کشور فراگیر شد. (۱۳۳) قدرت مرکزی با به کارگیری دیوانسالاری نوین و ارتش جدید به سرکوب قدرتهای منطقه‌ای و یکپارچگی بازار ملی اهتمام ورزید که پیامد آن نظام اداره جدیدی بر مبنای انصباب مسئولین مناطق کشور (استانها) توسط مرکز و تکیه بر سازمانهای بخشی به جای منطقه‌ای و نظم سلسله مراتبی به جای همپایی بود. با افزایش تدریجی درآمدهای متمرکز نفتی و کاهش اتکاء به جریان مازاد از مناطق به مرکز، این شیوه اداری کشور تحکیم و تقویت شد. (۱۳۴)

پس از پایان جنگ جهانی دوم، ایران در زمره اولین کشورهایایی از "جنوب" بود که برنامه‌ریزی اقتصادی در سطح ملی را آغاز نمود (حتی پیش از چین و هند). اولین قانون برنامه هفت ساله عمرانی کشور که منتهی به گزارش شرکت مشاوره آمریکائی مورسین نودسن (Morrison Knudsen International) و وامی در حدود یک سوم

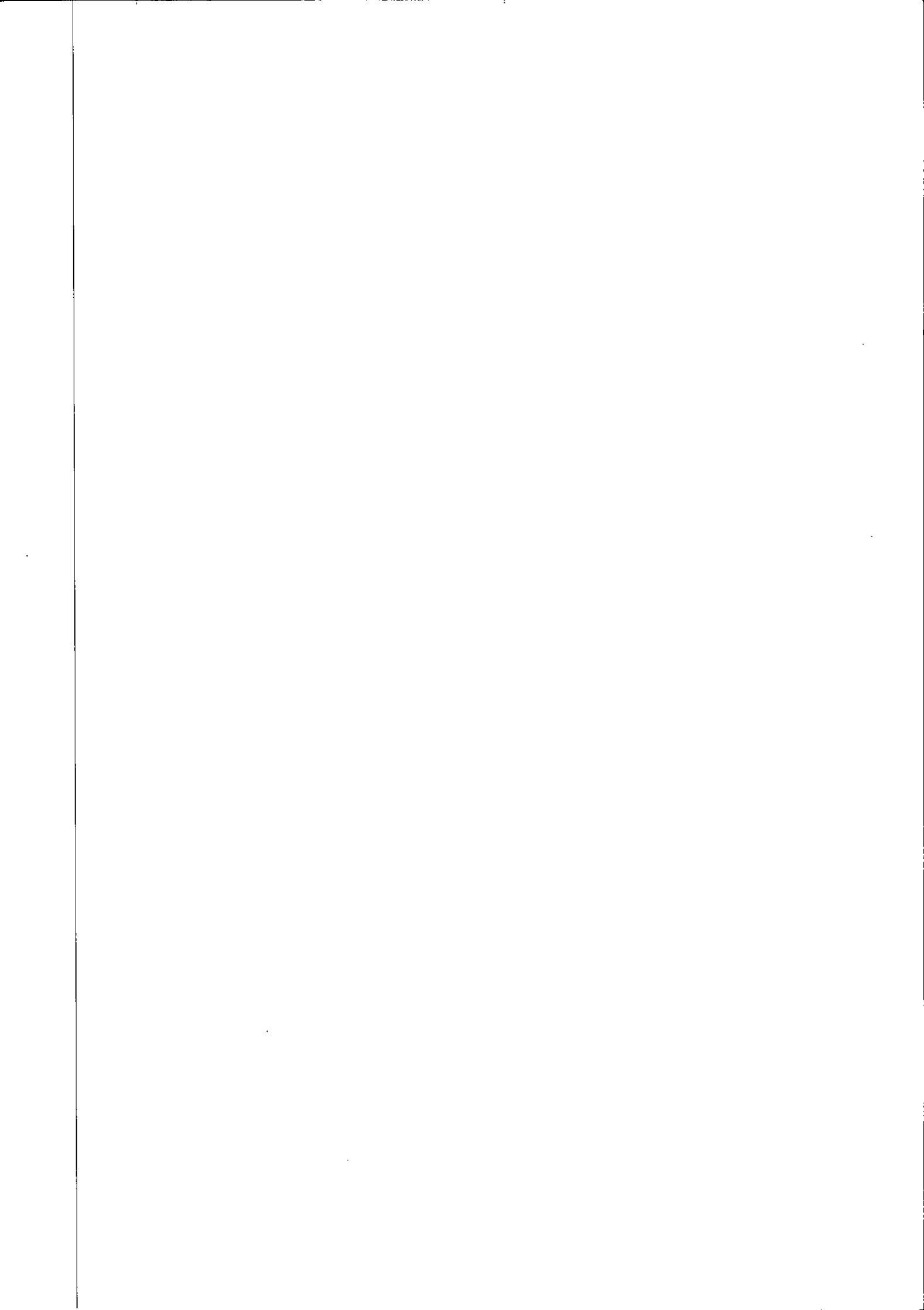
اعتبارات برنامه از بانک جهانی بود، در سال ۱۳۲۷ تصویب شد و برای تفصیل برنامه نیز

۱۳۳- کاتوزیان، محمدعلی (همایون) (۱۳۷۲). اقتصاد سیاسی ایران - از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی. مترجم: محمدرضا شفیعی کامبیز پرنوری. چاپ دوم، تهران، نشر مرکز، صفحات ۱۴۵ تا ۱۵۱.

۱۳۴- Amirahmadi, Hooshang (1986). "Regional Planning in Iran: A Survey of Problems and Policies" in: The Journal of Developing Areas. Vol.20,

منطقه‌ای با ایجاد مراکزی که رشد اقتصادی را در منطقه خود برانگیزانند، چاره‌جویی شد. (۱۳۱) با حساسیت بالائی که نسبت به فقر و عقب‌ماندگی رایج میان مالائی‌ها در برابر چینی‌ها و هندی‌های ساکن مالزی وجود داشته، تعادلهای منطقه‌ای با تعادل در توزیع درآمد بین قومیت‌ها هماهنگ شده است. راهبردهای توسعه منطقه‌ای در مالزی عمدتاً شامل موارد زیر است:

- ۱- توسعه منابع و بهره‌برداری از سرزمینهای جدید (کشاورزی، معدن، جنگل) برای تداوم رشد اقتصادی
 - ۲- توزیع صنایع برای تعادل منطقه‌ای و دسترسی توسط مالائی‌ها.
 - ۳- توسعه روستاهای موجود برای رفع فقر و کاهش اختلاف درآمدی و کیفیت زندگی شهرو و روستا
 - ۴- ایجاد مراکز رشد جدید برای مناطق محروم و جلوگیری از تراکم شهرهای بزرگ و هدایت جمعیت و فعالیت به این مراکز.
- در این ارتباط اصراری بر تضعیف قطب ملی، کوالالامپور و پنانگ (Penang) نبوده، بلکه تاکید بر سلسله مراتبی از شهرهای میانی و مراکز جدید شهری برای بخش فضای توسعه شده است. (۱۳۲) دوره طولانی رشد بالای اقتصاد مالزی همراه با توجه ویژه دولت به تعادلهای اجتماعی و منطقه‌ای، بتدریج نمودهایی از توسعه موزون را به نمایش گذاشته است.



ایده طرح توسعه منطقه‌ای خوزستان توسط مدیران طرح دره تنسی (که در قسمت سابقه برنامه ریزی منطقه‌ای در آمریکا شرح داده شد) بر مبنای توسعه یکپارچه منابع در حوزه آبریز شکل گرفت. و سپس اختیارات همه جانبه طرح، مدیریت، اجراء به شرکت آمریکائی توسعه منابع و منابع (Development & Resources Corporation) داده شد. و نهایتاً سازمان آب و برق خوزستان عهده دار آن گردید. در این طرح عظیم از جمله ۱۴ سد بزرگ، مزراع کشت نیشکر، کارخانجات قند، شبکه توزیع نیرو... پیشنهاد شده بود که تنها بخش کوچکی از آن مانند سد دز در برنامه اجرا شده که آنهم با عدم پیش بینی و اجراء به موقع شبکه توزیع نیرو و شبکه های آبیاری تا مدت‌ها از کارایی کافی برخوردار نبود. (۱۳۹)

برنامه عمرانی دوم نیز در برخورد با رکود اقتصادی کشور در سالهای ۱۳۲۹-۱۳۳۹ ناقص اجرا شد و حدود یک چهارم منابع مالی آن به کمکهای آمریکائی و استقراض خارجی (در برابر یک سوم در برنامه عمرانی اول) و باقی عمدتاً به درآمدهای نفتی و قسمت کوچکی به پس اندازهای ملی متکی بود. (۱۴۰)

برنامه عمرانی سوم (۲۶-۱۳۴۱) متفاوت با برنامه های گذشته به شیوه جامع و نه مجموعه ای از پروژه های مجزای دولتی، برای بخشهای اقتصادی - اجتماعی کشور برنامه ریزی کرد. سازمان برنامه مسئولیت تنظیم بودجه کشور و برنامه ریزی و نظارت طرحهای توسعه را عهده دار شد و برخلاف برنامه های گذشته، نقش اجرایی و مستقل از دیگر ارگانهای دولتی را رها نمود. (۱۴۱) سهم بالای بخش دولتی در تشکیل سرمایه ثابت افزایش یافته و طی سالهای ۱۳۳۵-۵۶ از ۴۱ درصد به ۵۵ درصد در کشور رسید که در مقام مقایسه با میانگین آن در همین دوران آمریکای لاتین که از ۲۰ تا ۳۷ درصد بوده، اهمیت آن برجسته می شود. اگر چه از یاد درآمدهای نفتی نقش مهمی در این بین

از شرکت مشاوره "ماوراء دریاها" (Overseas Consultants Incorporated) استفاده شد. این برنامه با برخورد به نهضت ملی شدن نفت به طور ناقص اجرا شد. به رغم ادعای دو اصل پایه در تهیه برنامه اول (بالا بردن واحد سطح زندگانی... و تعدیل در توزیع ثروت...) که بازتاب فضایی داشتند، جز پایه گذاری، نخستین قطب کشاورزی در ناحیه دشت مغان اقدام چشمگیر دیگری در جهت تعادل منطقه‌ای صورت نگرفت. مطالعات شناسایی ناحیه مغان نیز توسط شرکت مشاوره آمریکائی "هاوائیان اگرونومیکس" با هدف ارزیابی منابع طبیعی و استفاده از آب رود ارس، اسکان عشایر و ایجاد اقتصاد مختلط زراعت و دامداری انجام یافت. (۱۳۶)

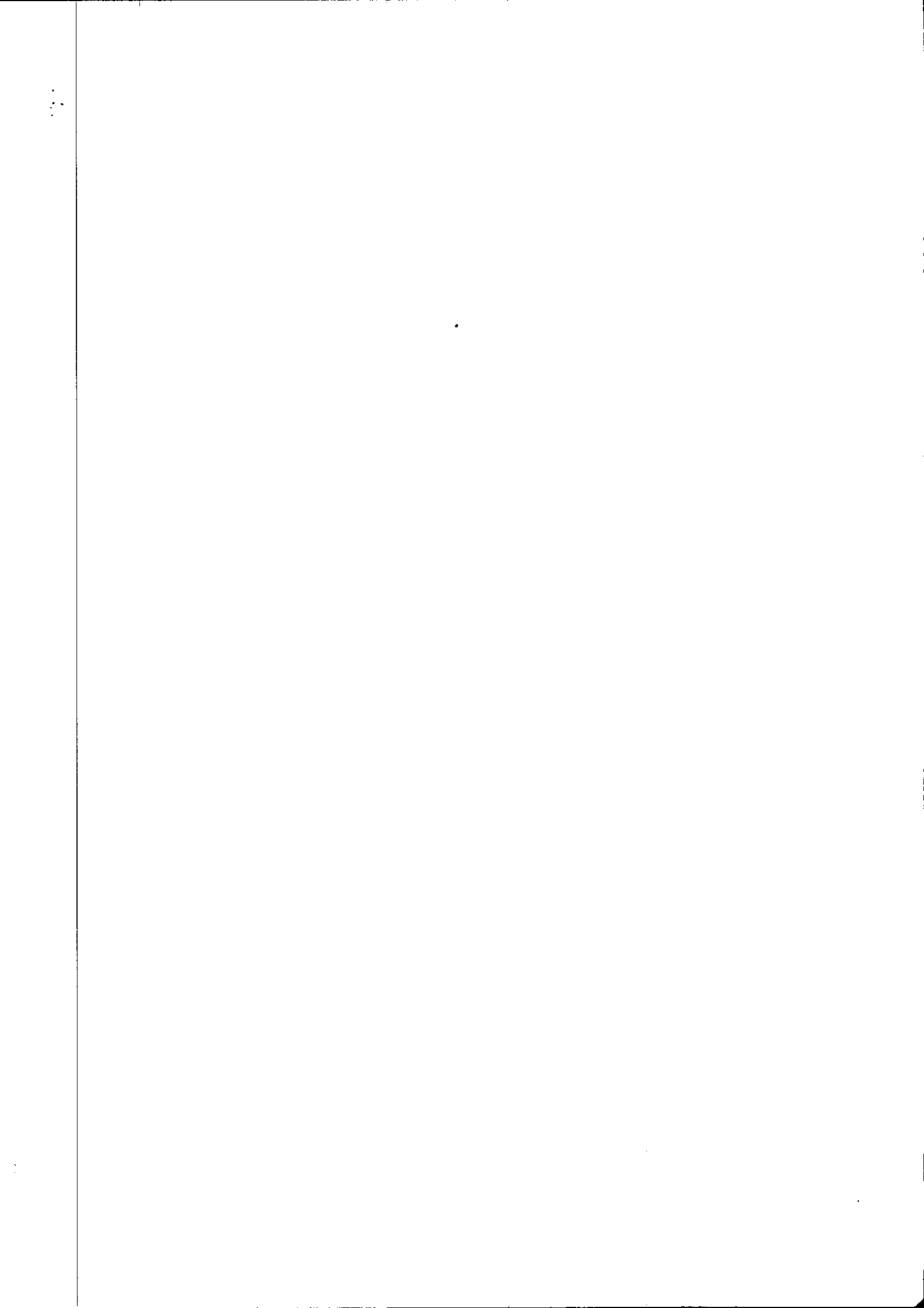
دومین برنامه هفت ساله عمرانی (۴۱-۱۳۳۴) مانند برنامه اول عمرانی مجموعه ای از طرحهای مشخص بود که باید توسط بخش دولتی تامین اعتبار و اجرا می شد و حتی برای بخش دولتی جامعیت نداشت. در این برنامه نیز از خدمات هیئتی آمریکائی به نام "گروه مشاوره هاروارد" (Harvard Advisory Group) برای تهیه و اجرای برنامه استفاده شد. (۱۳۷) به رغم تاکید این برنامه به توزیع "عملیات عمرانی بین استانها و شهرستانهای کشور" همچنان تحول مهمی جز شروع طرح توسعه منطقه‌ای خوزستان در آن جامه عمل نپوشاند. هر چند محدودی مطالعات منطقه‌ای توسط مهندسين مشاور خارجی (مانند "آیال کسولت" برای سیستان و بلوچستان و قسمت شرقی کرمان و آکن ایاسکو" برای استان کرمان) انجام شد، اما تنها چند طرح آبیاری آنها (مانند سدهای کوچک اطراف زابل و ایرانشهر) تحقق یافت. (۱۳۸)

۱۳۵ - توفیق، فیروز (۱۳۵۹). درآمدی بر برنامه ریزی اقتصادی - بانگامی به وضع ایران. تهران، مجموعه آموزش و توسعه. صفحات ۱۵ تا ۱۷.

Bostock, F. & G. Jones (1989). Planning and Power in Iran. Development under the shah. Totawa, Frank Cass. PP. 88-97.

۱۳۶ - نسوری، شمسعلی (۱۳۶۴). "برنامه ریزی منطقه‌ای در گذشته" در: مجموعه اول - سیاقه برنامه ریزی منطقه‌ای در ایران. تهران، دفتر برنامه ریزی منطقه‌ای سازمان برنامه و بودجه، صفحه ۲.

۱۳۷ - توفیق، فیروز (۱۳۵۹). صفحات ۱۸، ۱۲۷. Bostock & Jones (1989), P. 127.



پیش‌بینی گردید که برخی نتایج آنها در برنامه بعدی مورد استفاده قرار گرفت. (۱۴۴) طی این برنامه کاهش اختلافات منطقه‌ای و تمرکززدایی از ناحیه پایتخت که سهم فزاینده‌ای از رشد جمعیت و فعالیت را به خود اختصاص داده بود، بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. در این ارتباط علاوه بر "طرح‌های مجتمع عمرانی" که در همکاری با استاندارانها می‌بایست تهیه و اجرا می‌شد، نخستین برنامه منطقه‌ای سراسری ایران توسط موسسه آمریکائی بتل (Battelle Memorial Institute) آغاز شد تا زیربنای فصل عمران مناطق در برنامه عمرانی پنجم شود. (۱۴۵) مطالبات بتل با پایه دیدگاه‌های اقتصاد منطقه‌ای و نگاهی به برخورداری مناطق از خدمات اجتماعی، به تقسیمات ۱۱ گانه‌ای از فضای ملی رسید که هریک را منطقه برنامه‌ریزی نامید و عبارت بودند از: منطقه یک (استانهای گیلان و مازندران)، منطقه دو (آذربایجان شرقی و غربی)، منطقه ۳ (تهران، سمنان و زنجان)، منطقه چهار (خوزستان و کهگیلویه)، منطقه پنج (همدان و لرستان)، منطقه شش (اصفهان و یزد)، منطقه هفت (فارس)، منطقه هشت (سیستان و بلوچستان و کرمان)، منطقه نه (خراسان)، منطقه ده (باختران، کردستان و ایلام)، منطقه یازده (هرمزگان و بوشهر). این مناطق به نوبه خود به ۳۰ منطقه کوچکتر و ۱۴۰ ناحیه با مرکزیت شهرها تقسیم شدند تا در برنامه‌ریزی فضایی در سطح پائین تر مورد استفاده قرار گیرند. (۱۴۶)

پیشنهادات منطقه‌ای بتل در تقابل با برنامه در دست تهیه مرکز و یادیدگاه‌های بخشی قرار گرفت و در نتیجه به ختم قرارداد این موسسه پیش از تکمیل نهائی برنامه منطقه‌ایش انجامید و بازتاب چندانی در برنامه پنجم نیافت.

برنامه عمرانی پنجم (۱۳۵۲-۵۶) در شرایط بهبود منابع اقتصادی این برنامه آغاز شد، به طوری که در نیمه آن به دلیل چهار برابر شدن ناگهانی درآمدهای نفتی مورد

۱۴۴ - نوری (۱۳۶۲)، صفحات ۸ و ۹. همچنین، توفیق (۱۳۵۹)، صفحه ۲۲.

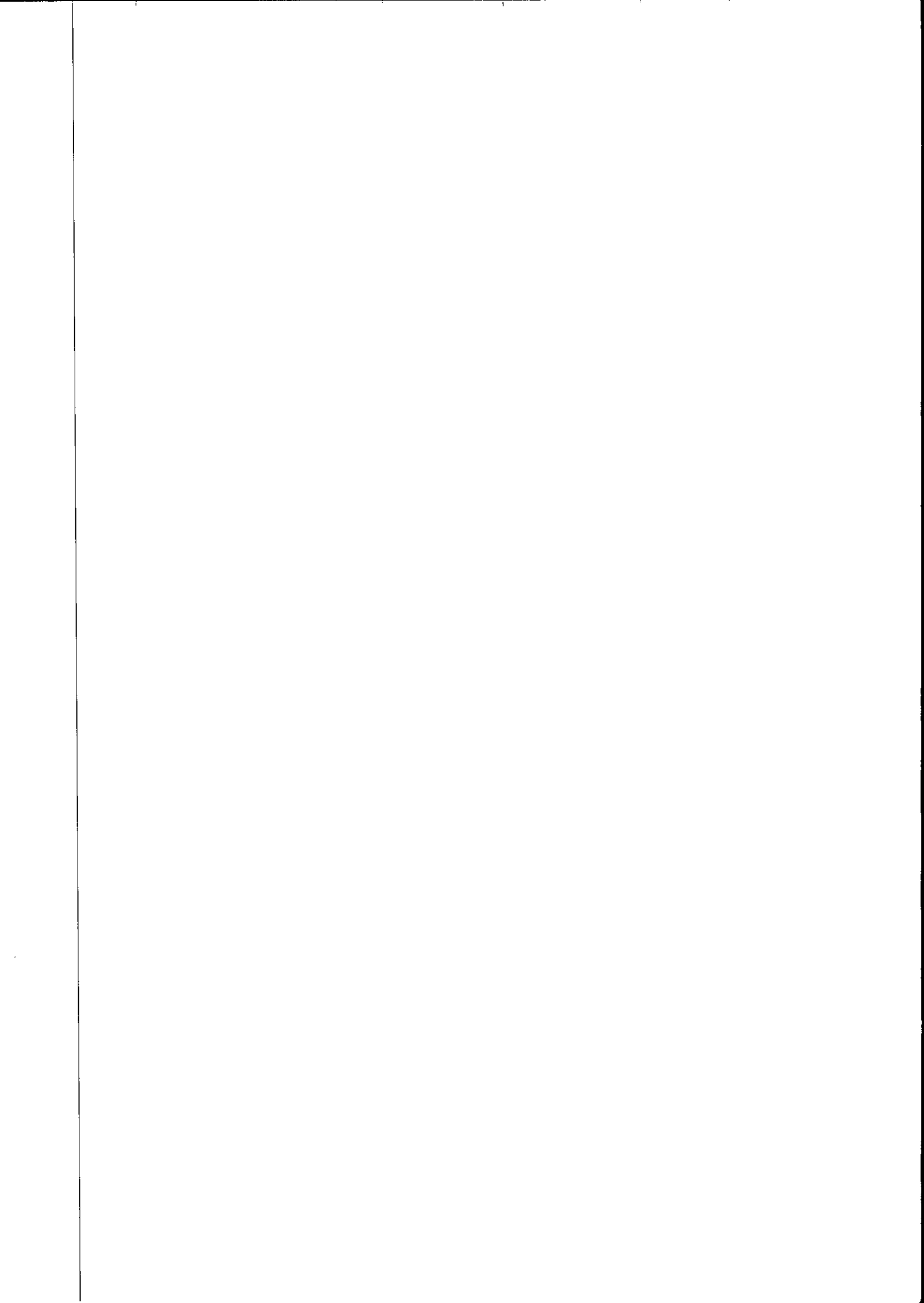
۱۴۵ - کاواب و مهرزادان (مهندسی مشاور) (۱۳۶۹). "طرح‌ریزی کالبدی ملی و منطقه‌ای - چارچوب نظری و

داشت لیکن باید یادآوری کرد که دولت ایران در مقایسه با اغلب دولتهای صاحب نفت، سهم کمتری از سود شرکت‌های استخراج کننده و فروشنده نفت دریافت می‌کرد (به عنوان مثال ۲۰ درصد سود نفت بین سالهای ۱۹۱۳ تا ۱۹۴۷ در قیاس با ۳۵ درصد که توسط ونزوئلا در همین دوران گرفته بود). (۱۴۲)

در برنامه سوم توجه بیشتری به منطقه‌ای کردن برنامه ملی شد و لزوم توجه به نظریات استانداران و تجهیز آنها با کارشناسان سازمان برنامه تصریح شد. درحالی که توجهی به مناطق عقب مانده، ابراز می‌شد اما هدف یافتن نواحی مستعد کشاورزی با بازده بالایی اقتصادی بود. از این رو سازمانهای عمران ناحیه‌ای (در دست قزوین، دشت گرگان، نواحی جیرفت و کهگیلویه) تأسیس شد که در مورد قزوین نوسازی روستاهای آسیب دیده از زلزله بوشهر نیز مد نظر بود. این سازمانها از اقتدار وامکانات سازمان مسؤل طرح توسعه خوزستان برخوردار نبوده و با موفقیت کمتری همراه بودند. همچنین در این برنامه فکر ایجاد قطبهای کشاورزی (در گیلان، گرگان، اصفهان، خوزستان و آذربایجان) و قطبهای صنعتی (در اصفهان، تبریز، اراک و قزوین) که باعث عدم تمرکز فعالیتها در تهران شوند، مطرح گردید. (۱۴۳)

برنامه عمرانی چهارم (۱۳۴۷-۵۱) در ادامه برنامه سوم توجه به نظریات نمایندگان مناطق در مجلس را نیز تأکید نمود و برای جبران نادیده گرفتن مناطق خارج از طرح‌های بزرگ ملی، اعتباری برای طرح‌های کوچک عمران ناحیه‌ای با نظر مقامات استانی در نظر گرفت. همچنین تکیه بر نظریه قطب رشد گسترده تر شد و قطبهای صنعتی اصفهان، تبریز، اراک، اهواز و قزوین مورد تأکید قرار گرفتند و مجتمع‌های صنعتی جدیدی برای بندر امام خمینی، خیمیز، رشت، مشهد و کرمانشاه پیشنهاد شد.

در برخورد با توسعه استانها، مطالبات جامع خراسان، هرمزگان و باختران



جدیدی از شرکت فرانسوی "ستکوپ" (SCET COP)، مشاور اصلی در طرح جامع توسعه اقتصادی خراسان با شرکای ایرانی بود و گزارشات موقتی در سال ۱۳۵۱ ارائه کرده بود. طرح ستیران شامل موارد مهم زیر بود:

ایجاد نظام شهری موزونی با تاکید بر حوزده‌های نسبتاً مستقل ۱۳ شهر مرکز مناطق کشور و تقویت شهرهای متوسط، برقراری نظام سلسله‌مراتبی خدمات رسانی روستائی با تجهیز و ایجاد شهرهای کوچک، عدم تمرکز اداری و صنعتی و تجدید رشد تهران، و سرانجام، اولویت اقدامات توسعه در محور غرب (خوزستان تا آذربایجان) برای جلوگیری از بزرگترین جریانهای مهاجرتی بر پایه بالاترین قابلیت‌های کشور (۱۴۹)

به موازات افزایش دیدگاههای منطقه‌ای در برنامه‌های عمرانی کشور، طی دهنه ۱۳۵۰ برخی دستگاههای دولتی اقدام به تهیه طرحهای جامع مطالعاتی برای بخش اقتصادی خود با افق درازمدت کردند که مهمترین آنها عبارت بودند از: طرح جامع کشت (تهیه شده توسط شرکتهای بوکرزوها تینگ، برای افق ۱۳۷۱)، طرح جامع تولید و توسعه پروتئین حیوانی (تهیه شده توسط شرکت اف. ام. سی. برای افق ۱۳۷۴)، طرح یکپارچه و همانگ حمل و نقل کشور (تهیه شده توسط شرکت ستیران برای افق ۱۳۸۱) و برنامه درازمدت انرژی (تهیه شده توسط موسسه تحقیقاتی استانفورد برای افق ۱۳۷۵). (۱۵۰)

در تمامی این طرحها، منطقه‌بندی کشور (از ۸ تا ۱۴ منطقه) مشاهده می‌شود و طرحهای اجرایی مشخصی برای دستگاه مسئول اصلی پیشنهاد شده است که طی روال برنامه‌ریزی بخشی و در ساختار سیاسی مرتبط با آن، مورد پذیرش و پشتیبانی دستگاههای موازی و غیرکارفرمای طرح مربوطه واقع نشده و در نتیجه بسیار محدود به عرصه عمل وارد شده‌اند.

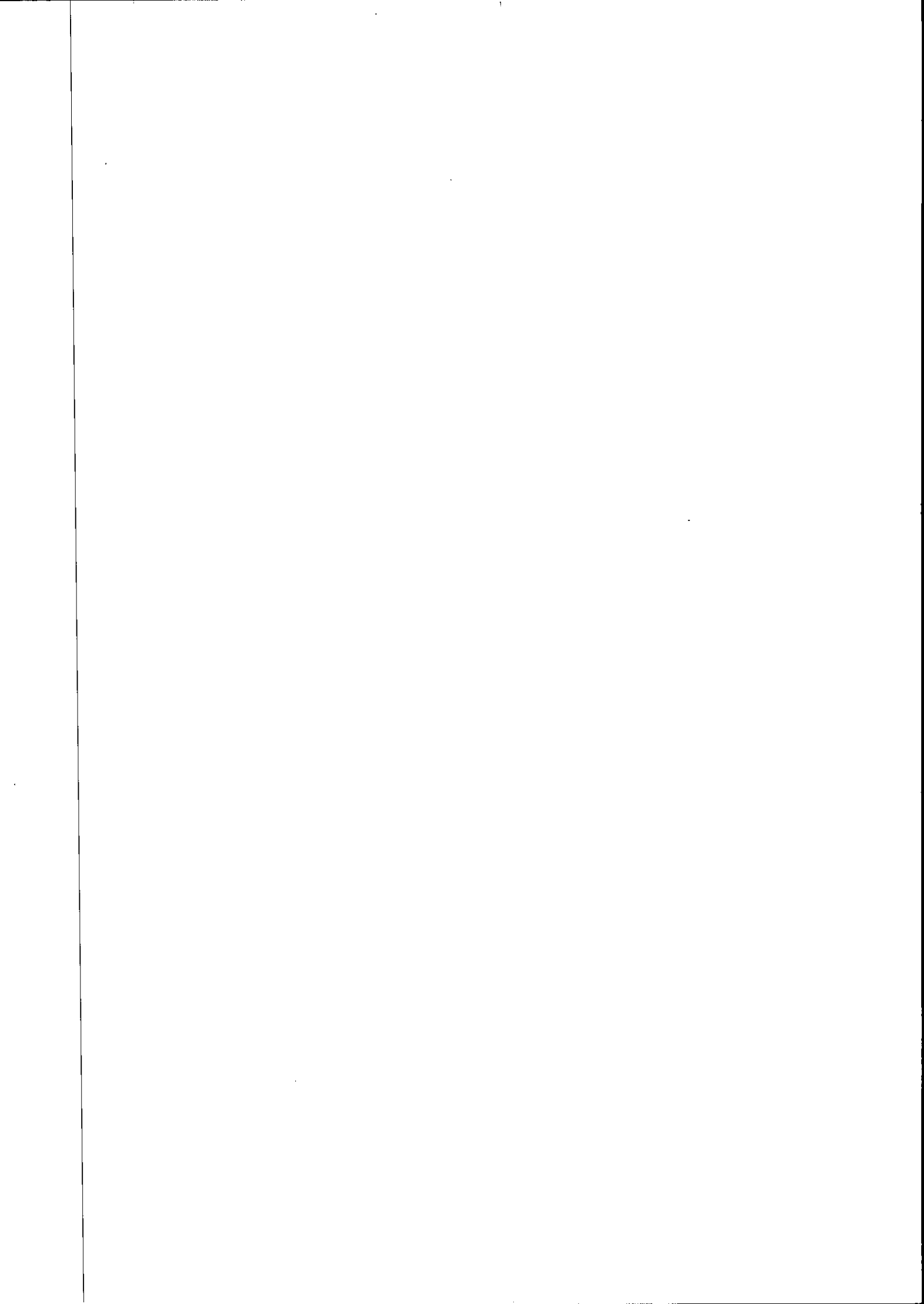
۱۴۹ - ستیران (مهندسين مشاور) (۱۳۵۵). مطالعه استراتژی درازمدت طرح آمایش سرزمین (جلدهای سه‌گانه گزارش نهائی دوره اول). تهران، ستیران.
۱۵۰ - کلاب و مهنازان (۱۳۶۹)، صفحات ۹۱ تا ۱۰۳ و نیز:

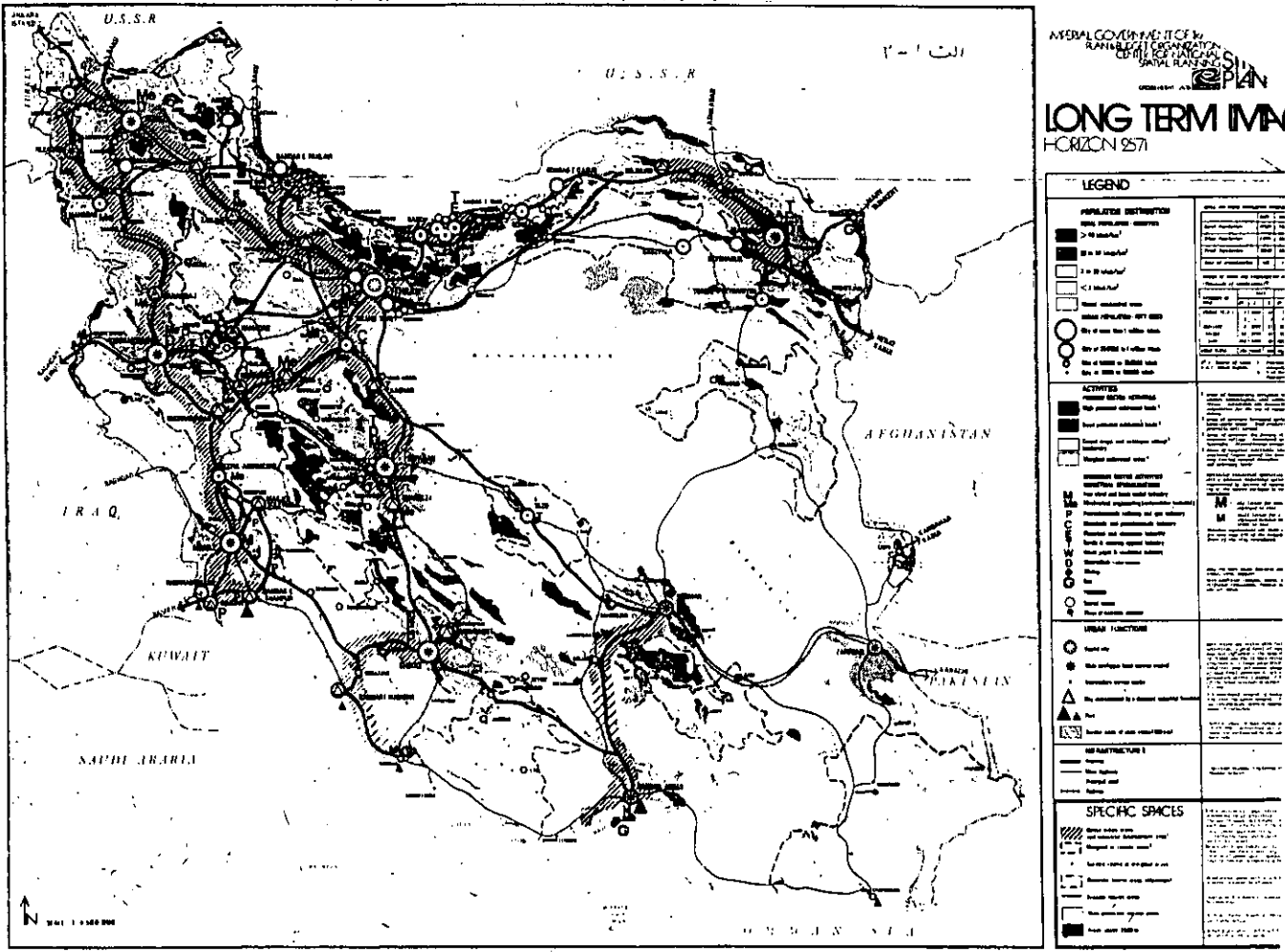
تجدید نظر قرار گرفت. با تصویب قانون برنامه ویوجه در پایان سال ۱۳۵۱ رئیس سازمان برنامه به وزیر مشاور تبدیل شد و در همین قانون مقرر شد که اعتبارات طرحهای خاص ناحیه‌ای در اختیار استانداران گذاشته شود و برنامه‌های عمرانی مربوطه نیز با نظرات نمایندگان مجلس و انجمنهای محلی استانداران تهیه شود. هرچند در عمل درصد ناچیزی از اعتبارات عمرانی را شامل می‌شدند. (۱۴۷) دو هدف از اهداف نه‌گانه کلان برنامه، ایجاد تعادل منطقه‌ای و توزیع عادلانه درآمد ملی ذکر شد و مرتبط با آنها موارد زیر پیش‌بینی شده بود:

تاکید بر تقویت و ایجاد قطبهای کشاورزی، صنعتی و جهانگردی در سراسر کشور؛ سیاستگذاری عمران نواحی با هدف کاهش اختلافات مناطق کشور؛ پیشبرد برنامه‌های خاص ناحیه‌ای و نقل و مکانی‌های بین استانی؛ ایجاد حوزده‌های عمران روستائی؛ سیاستگذاری عدم تمرکز اداری و اقتصادی و تداوم مجددویت فعالیتهای صنعتی در شعاع ۱۲۰ کیلومتری تهران و ایجاد سازمان نظارت بر گسترش تهران بزرگ. (۱۴۸)

چشم‌انداز حجم عظیمی از پروژه‌ها بر مبنای افزایش ناگهانی درآمد نفت همراه با وضعیت ناهماهنگ رشد اقتصادی کشور که در مهاجرت‌های بی‌سابقه روستا-شهری، رشد انفجاری تهران و چند شهر بزرگ، تهدید محیط زیست، دوگانگی اقتصادی - اجتماعی و تشدید عدم تعادل‌های منطقه‌ای و نابرابری روستا-شهری بازتاب داشت، ضرورت استفاده از برنامه ریزی فضایی و سیاستگذاری منطقه‌ای را بیش از پیش آشکار ساخت. مرکز آمایش سرزمین در اواخر سال ۱۳۵۳ در سازمان برنامه وجوده در همین راستا شکل گرفت تا زمینه‌سازی بهتری برای برنامه عمرانی ششم شود. تهیه طرح آمایش سرزمین به مهندسین مشاور "ستیران" (SCETIRAN) محول شد که ترکیب

۱۴۷ - توفیق (۱۳۵۹)، صفحه ۲۲.
۱۴۸ - سازمان برنامه و بودجه (۱۳۵۲). خلاصه برنامه نهمه عمرانی کشور، ۵۶-۱۳۵۲. تهران، سازمان:

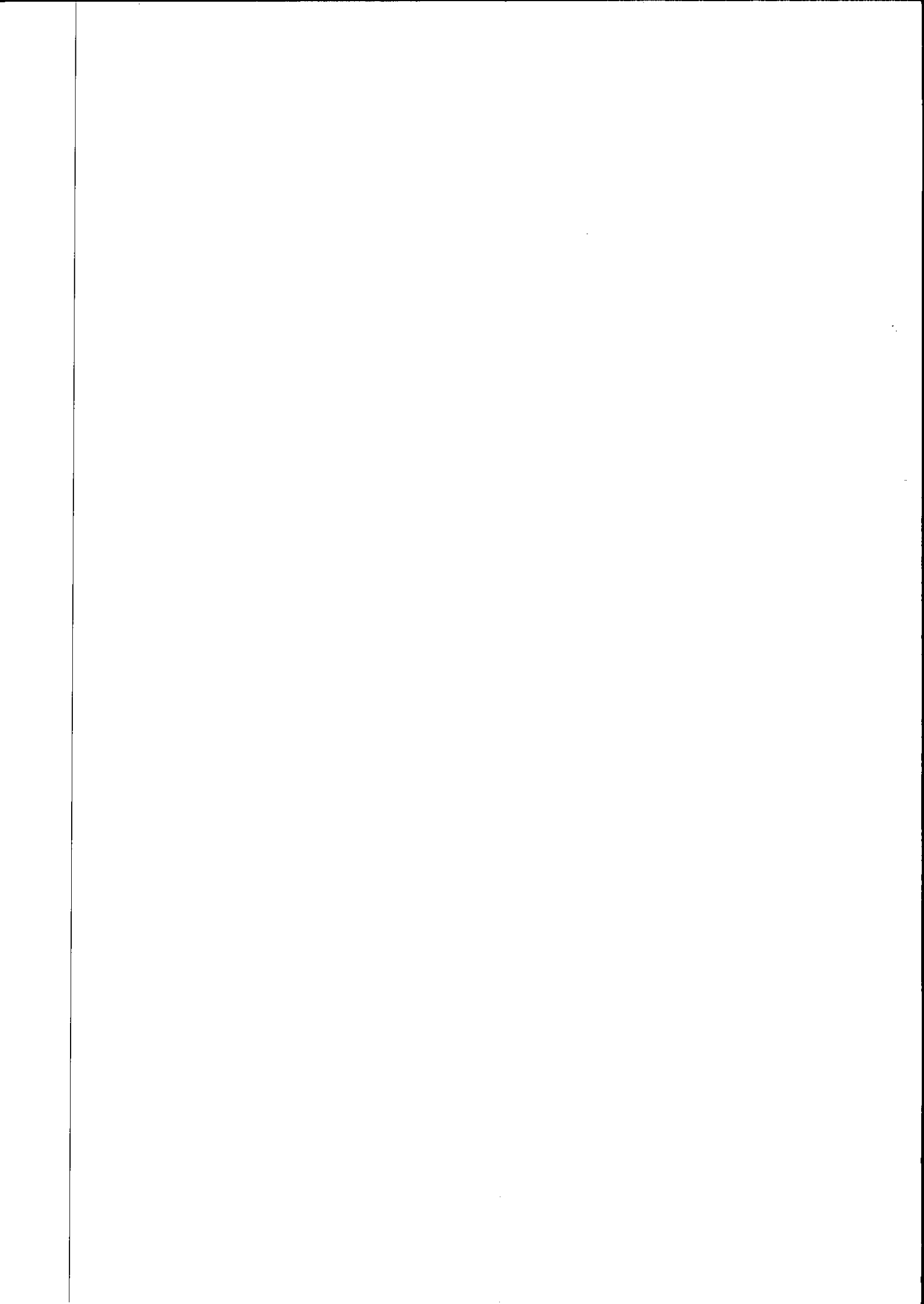




شکل ۳- طرح آمایش سرزمین دورنمای ۱۳۹۱ توسط "سنیران"

واقعیت اینست که مجموعه برنامه‌های عمرانی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران موفق به ایجاد تبادلهای منطقه‌ای نشدند و به تشدید نابرابریها و قطبی شدن فضایی و بخشی باری رسانده بودند. برنامه‌ریزی منطقه‌ای شاید هیچگاه وجود نداشته و بیشتر سیاستگذاری، منطقه‌ای و تاحدی منطقه‌ای کردن برنامه‌های ملی بوده است. (۱۵۱) اگر در برنامه‌های عمرانی اول و دوم با تکیه بر منابع خارجی به محدودی نواحی مستعد کشاورزی توجه شد، در برنامه‌های بعدی قطبهای صنعتی باتکیه بر منابع نفتی اولویت یافتند. درحالی که حضور و نفوذ آمریکائیان در این دوران مشهود است، تفویج دیدگاههای بخشی؛ برنامه‌ریزی از بالا و تمرکزگرا، رجحان رشد پرتوزیع عادلانه، اولویت صنعت و پروژه‌های با مقیاس بزرگ و فن‌آوری سرمایه‌بر و محیط زیست - ستیز و سرانجام، راهکار نوسازی بدون بهره‌مندی محلی و مشارکت مردمی و ارتقاء فرهنگی مشاهده می‌شود. (۱۵۲) در این دوران ذهنیت رشد اقتصادی پیوسته منقطع بوده و نقش دولت در جبران ناتوانی سرمایه‌داران داخلی برای راه‌اندازی صنایع نوین و نهایی واگذاری به آنها دیده می‌شد: مرکز در پی کودتای مرداد ۱۳۳۲ تفویض اختیارات به مناطق را تهدیدی مردمی می‌پنداشت و در جایگاه قیم به تقلید "توسعه" مهندسی اجتماعی مردمی می‌پرداخت که نه خواهان پروژه‌هایش بودند و نه شریک ساختن آنها و نه بهره‌مندان واقعی و اداره کننده آنها. (۱۵۳) باید توجه داشت که همان سیاستهای محدود منطقه‌ای برنامه‌های عمرانی نیز هرگز به درستی اجرا نشد و با دخالت خودکامه و متمرکز سیاسی و عدم کفایت دیوانسالاری مخدوش می‌شد تا جایی که کارشناس ارشد گروه مشاوره هاروارد در ایران، جمع‌بندی می‌کند: "سیاست ایرانی ضد

۱۵۱ - بحث در زمینه تفاوت‌های آنها در قسمت بعدی این نوشتار آمده است.
 ۱۵۲ - برای اطلاع از روند توسعه فضایی کشور مراجعه شود به: صرافی، مظفر (۱۳۶۲). مدخلی بر دگرگونی‌های توسعه فضایی ایران طی دوران گذشت. در: مجموعه اول - سابقه برنامه‌ریزی منطقه‌ای در ایران. تهران، دفتر برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سازمان برنامه و بودجه، صفحات ۱ تا ۵.
 Razavi, H & F. Vakil (1985) The Political Environment of Economic Planning in Iran.



اختصاص درآمد یک روز نفت به هراستان و تشکیل بانکهای استان و نهادهای انقلابی
جهاد سازندگی و بنیاد مسکن رامی توان نام برد که تبادل منطقه‌ای را وجهه برقراری
عدالت اجتماعی کردند. همچنین طرح شعار "کشاورزی محور اصلی توسعه" که بر پایه
حفظ استقلال کشور با خودکفائی در تولید محصولات غذایی استوار پیرو، بازتاب
متعادلتی در تخصیص‌ها داشت. (۱۵۸) هرچند درمقاطعی با اولویت یافتن نیازهای
جنگ تحمیلی و کمبود سرمایه، در حرکت موازی و متفاوتی به تکمیل و استفاده حداکثر
از ظرفیتهای موجود تکیه شده که به نوعی تداوم عدم تعادل‌ها بود.

اولین اقدام برای تدوین برنامه‌ریزی درازمدت پس از انقلاب به تشکیل
شورای عالی طرحهای انقلاب در ابتدای سال ۱۳۵۸ برمی‌گردد که گزارش نهایی خود را
در اردیبهشت ۱۳۵۹ ارائه کرد و فصل سوم از فصول پنجگانه آن به "توزیع فضایی
فعالیهای اقتصادی، اجتماعی و کالبدی (آمایش)" اختصاص داشت و سیاستهای
پیشنهادی باتوجه به مناطق مختلف در فضای ملی مطرح شد که برتر از دیدگاههای
محدود بخشی - بودجه‌ای گذشته بود. این گزارش توازن بین سهم برنامه‌ریزی
فضایی و برنامه‌ریزی بخشی چه در سطح ملی و چه در سطوح منطقه‌ای و محلی را لازم
دانسته و توسعه صنعتی به همراه یکپارچه‌سازی فضای سرزمین را اساس قرار داد. (۱۵۹)
باندوین "نظام برنامه‌ریزی کشور" در ۱۳۶۰، تهیه "لایحه برنامه‌اول توسعه
اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۶-۱۳۶۲" آغاز شد که
در نیمه اول سال ۱۳۶۲ تقدیم مجلس شورای اسلامی گردید. (۱۶۰) هرچند این برنامه با

Sairafi, Mozaffar (1995). Rural Outmigration and Rural Development in Iran - 158
Implication for The Roles of Infrastructure in Case of Hamadan Province.
Vancouver, The University of British Columbia. Unpublished Ph.D.
Dissertation. PP.61-67.

۱۵۹ - برای اطلاع از جزئیات مراجعه شود به: دفتر طرحهای انقلاب (۱۳۵۹). گزارش نهایی
سیاستهای توسعه و تکامل جمهوری اسلامی ایران. تهران، نخست وزیری.
۱۶۰ - باندوین، ک. (۱۳۶۲). لایحه برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. تهران.

برنامه‌ریزی است... وکشش برنامه‌ریزی کلاسیک با وضعیت کنونی کار
نخواهد کرد. (۱۵۴)^۳

۲-۳- پس از انقلاب اسلامی
پایام بارز سیاستهای شرح داده شده در بالا، اختلافات فاحش منطقه‌ای بود. طبق
مطالعه بانک جهانی در سال ۱۳۵۵ میان ۱۷ کشور برگزیده جهان از "شمال" و "جنوب"،
برزیل و ایران بیشترین اختلافات منطقه‌ای با معیار سرانه تولید ناخالص منطقه‌ای
(GRP per capita) - راداشته است. نسبت این اختلاف بین ثروتمندترین و فقیرترین
منطقه بیش از ده برابر بوده‌است (درمقایسه با تایلند ۶/۳ هتد ۲/۳ کره جنوبی
۱/۲، فرانسه ۲ و بریتانیا ۱/۴ برابری) (۱۵۵) همچنین اختلاف درآمدی شهر با روستا از
۵/۵ برابر در سال ۱۳۴۸ به ۸ برابر در سال ۱۳۵۵ افزایش یافته بود. (۱۵۶) بر چنین
زمینه‌ای پس از تغییر رژیم، یکی از اهداف مهم جمهوری اسلامی ایران که در اصل ۴۸
قانون اساسی تصریح شده، ایجاد تمادلهای منطقه‌ای است. (۱۵۷)

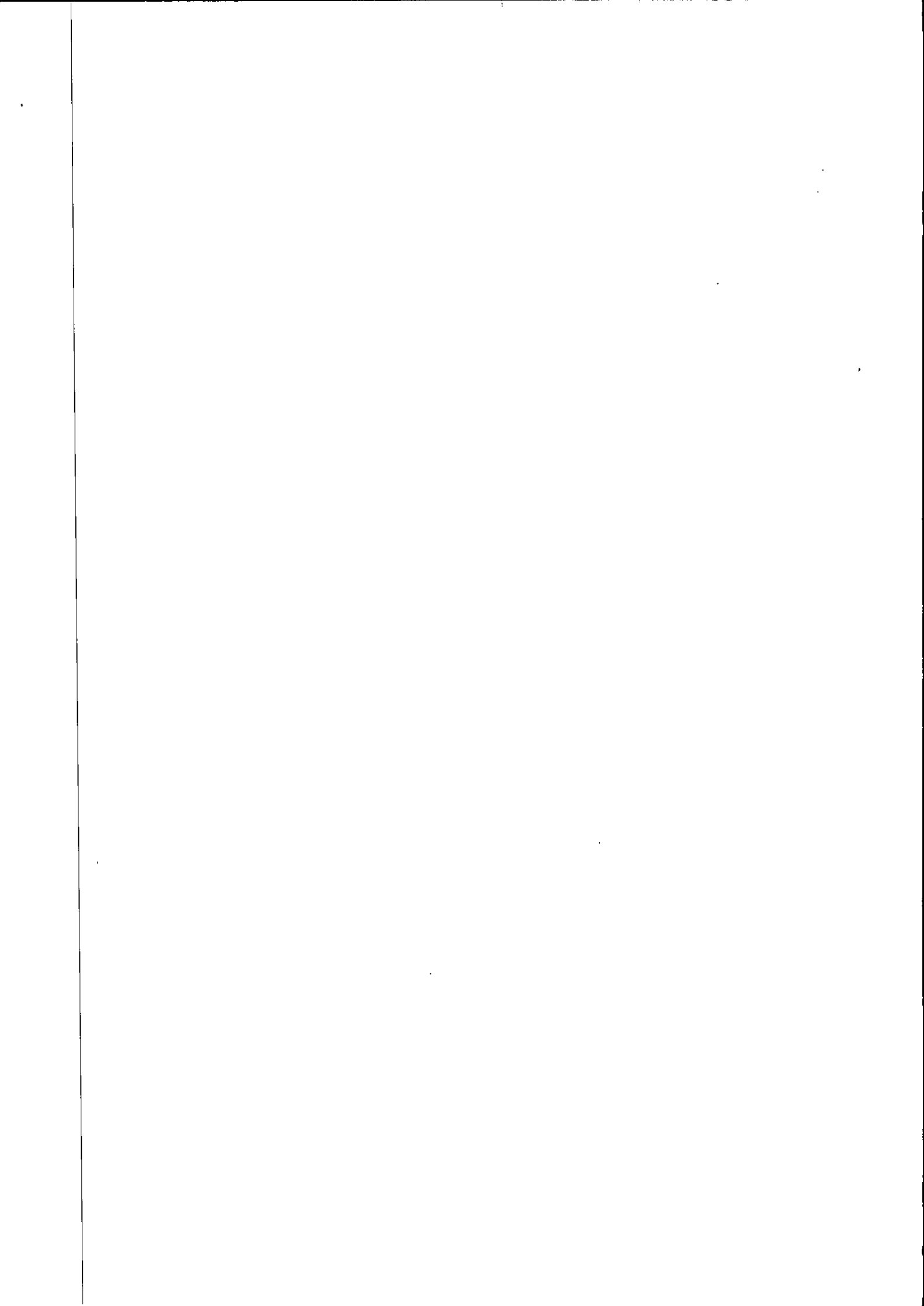
با پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷، آرمانها و اولویتهای نویی مطرح
شد که در نارضایتی از توسعه فضایی در نظام سرگگون شده، خواستار توقف مهاجرتهای
بی رویه روستائیان و تحدید رشد تهران و دیگر شهرهای بزرگ و دسترسی عادلانه
تمامی جمعیت بر بهره سرزمین به مواهب توسعه بود. در این رابطه اقداماتی نظیر


154 - Boldwin, George B. (1967). Planning and Development in Iran. Baltimore, The
Johns Hopkins Press. P.167.

155 - Renaud, Bertrand (1981). National Urbanization Policy in Developing
Countries. New York, Oxford University Press. P.118.


156 - Amirahmadi (1986), P.516.

157 - در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدی ملی در سطح استانها و توزیع فعالیتهای
اقتصادی میان استانها و مناطق مختلف کشور، باید تمیض در کار نباشد، بطوریکه هر منطقه فرآیند نیازها
و استعداد رشد خود را سه‌ماهه امکانات لازم داشته باشد. دانشه باشد. اما حتماً هشت قانون اساسی





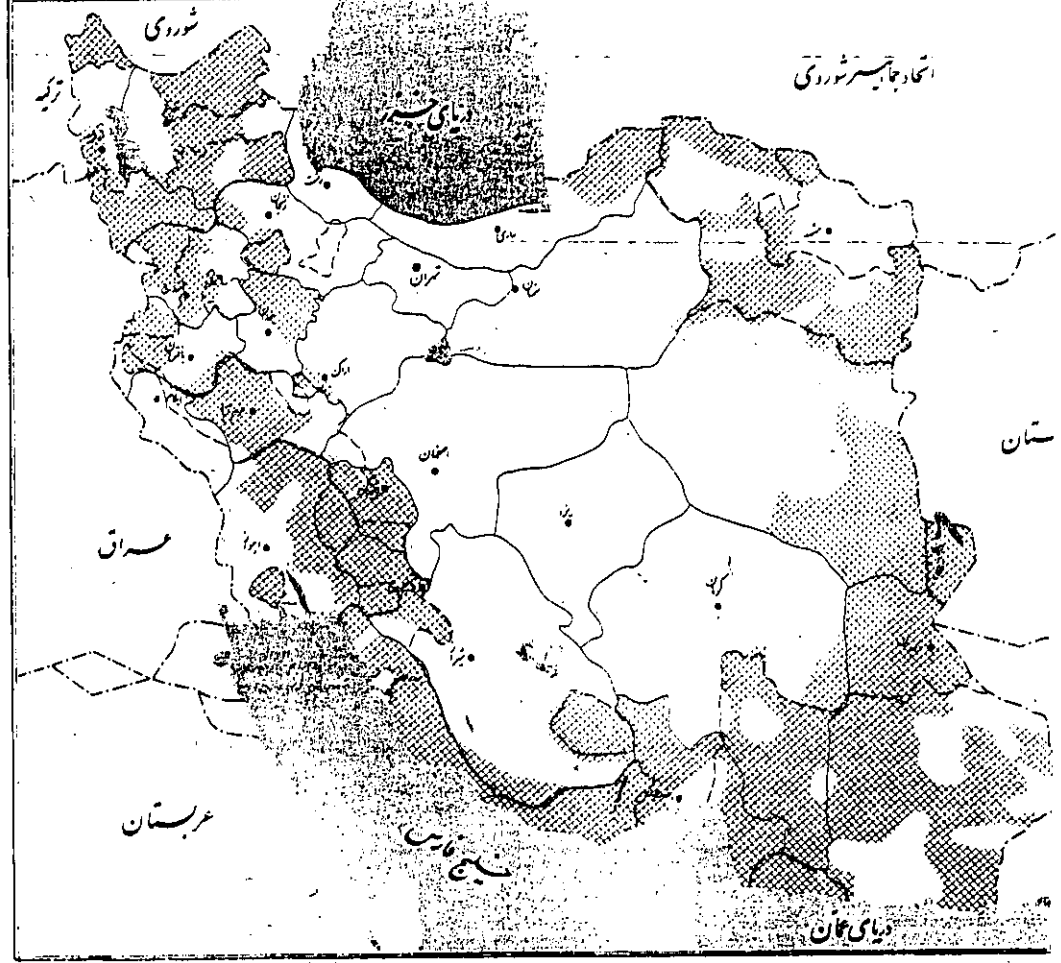
وزارت برنامه‌ریزی اقتصادی
جمهوری اسلامی ایران



سازمان برنامه‌ریزی ملی

پراکنگی جغرافیایی استان‌ها

	محدوده سرزمینی استان
	محدوده شهری استان
	محدوده روستایی استان



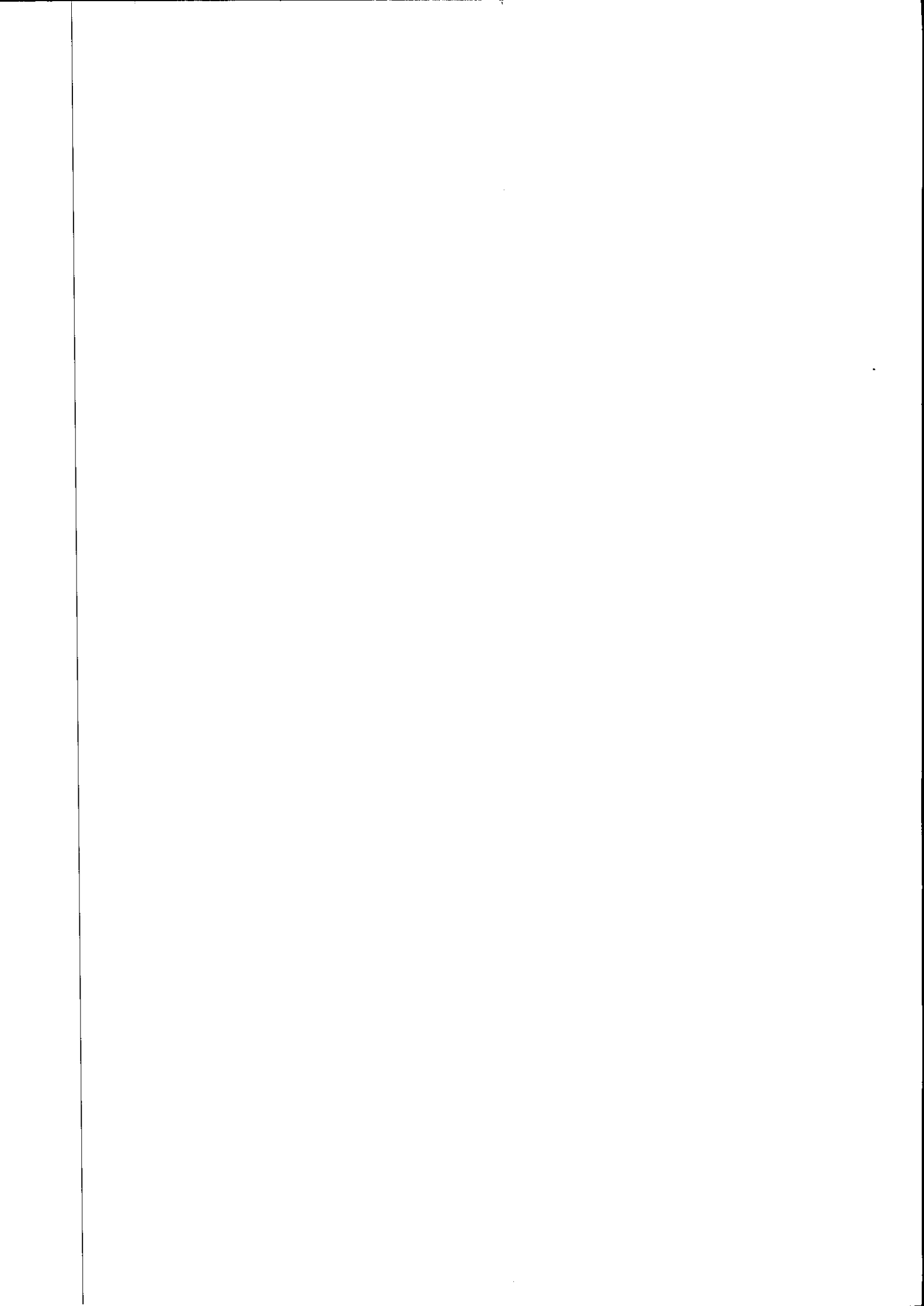
شکل ۴- پراکندگی جغرافیایی مناطق محروم

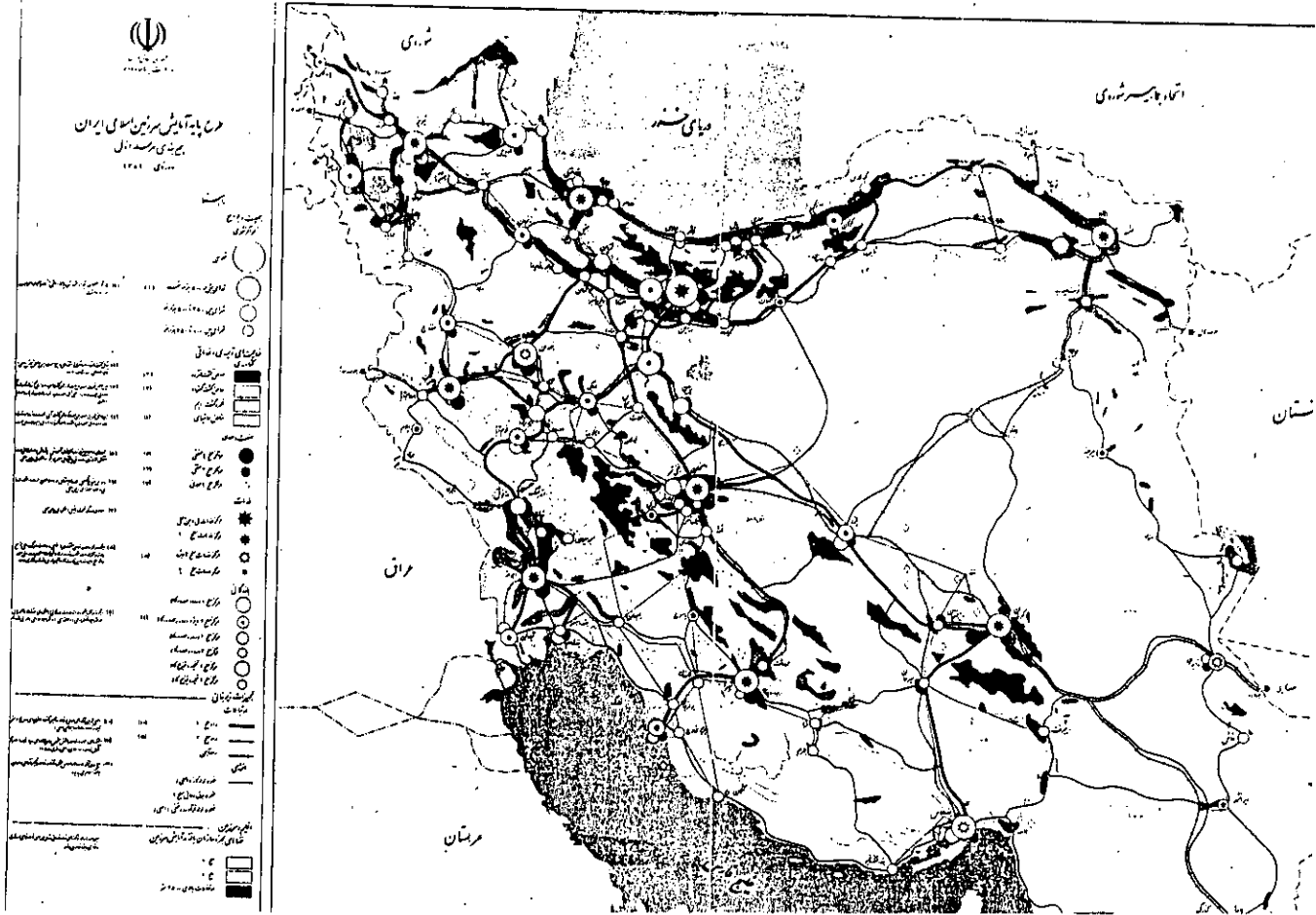
دیدگاه بخشی تهیه شد، لیکن تبصره ماده دوم لایحه، دولت را موظف می‌کرد که " ظرف ۳ ماه پس از ابلاغ برنامه، برنامه فضایی توسعه (آمایش سرزمین) استانها را براساس برنامه‌های مصوب بخشی تنظیم و اعلام کند." (۱۶۱) اگر چه در این لایحه لزوم ایجاد تعادلهای منطقه‌ای مورد توافق بود، اما در هدفها و سیاستهای کلان به طور مشخص بیان نشد و به سازوکارهای بخشی (به جای فضایی) و اساس قرارداد دادن توسعه کشاورزی متکی بود. این لایحه اصلاحیه آن (که فاقد تبصره ماده دوم بود) مورد تصویب قرار نگرفتند که به شرایط ویژه سیاسی کشور، مشکلات ناشی از جنگ تحمیلی و سقوط قیمت نفت در بازارهای جهانی مربوط می‌شد.

در سالهایی که کشور فاقد برنامه توسعه میانمدت بود، در قانونهای بودجه سالیانه، تبصره‌هایی (مانند تبصره ۱۶ اعتبارات متمرکز برای محرومیت زدایی و تبصره ۱۶ اعتبارات غیرمتمرکز همراه با جمع آوری کمکهای مردمی جهت طرحهای استانی) در راستای ایجاد تعادلهای منطقه‌ای مشاهده می‌شود (۱۶۲) و نهادهای منطقه‌ای با درجه‌ای از قدرت تصمیم‌گیری (مانند کمیته‌های برنامه‌ریزی استان) بوجود آمدند. همچنین تاکیداتی در قوانین مبنی بر عدم کاهش منابع مالی تخصیص یافته به عمران روستایی و نواحی محروم و مراکز کوچکتر به نفع عمران شهری و نواحی برخوردار و مراکز بزرگتر به چشم می‌خورد. در همین سالها مطالعات منطقه‌ای متعددی آغاز شد که اثرات مثبتی در طرح پیشنهادات منطقه‌ای و ابتکار عمل از سوی استانها در پی داشت. دفتر

۱۶۱ - سازمان برنامه و بودجه (۱۳۶۲). برنامه اول توسعه اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۶-۱۳۶۲. (جلد اول: هدفها و سیاستها). تهران، سازمان برنامه و بودجه. صفحه اول، ۱۶۲ - برای اطلاع از چگونگی شناسایی مناطق محروم به گزارشات مراحل مختلف "طرح شناسایی مناطق محروم کشور" که توسط دفتر برنامه‌ریزی منطقه‌ای و مدیریت هماهنگی امور مناطق سازمان برنامه و بودجه طی سالهای ۱۳۶۱-۱۳۶۲ انتشار یافت، مراجعه کنید.

۱۶۳ - برای اطلاع از ترکیب و طایف کمیته برنامه‌ریزی استان به صفحات ۱۹۹ تا ۲۰۰ قانون بودجه سال ۱۳۷۵ کل کشور (چاپ دوم) از انتشارات سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۵) و نیز جزوه کمیته‌های...

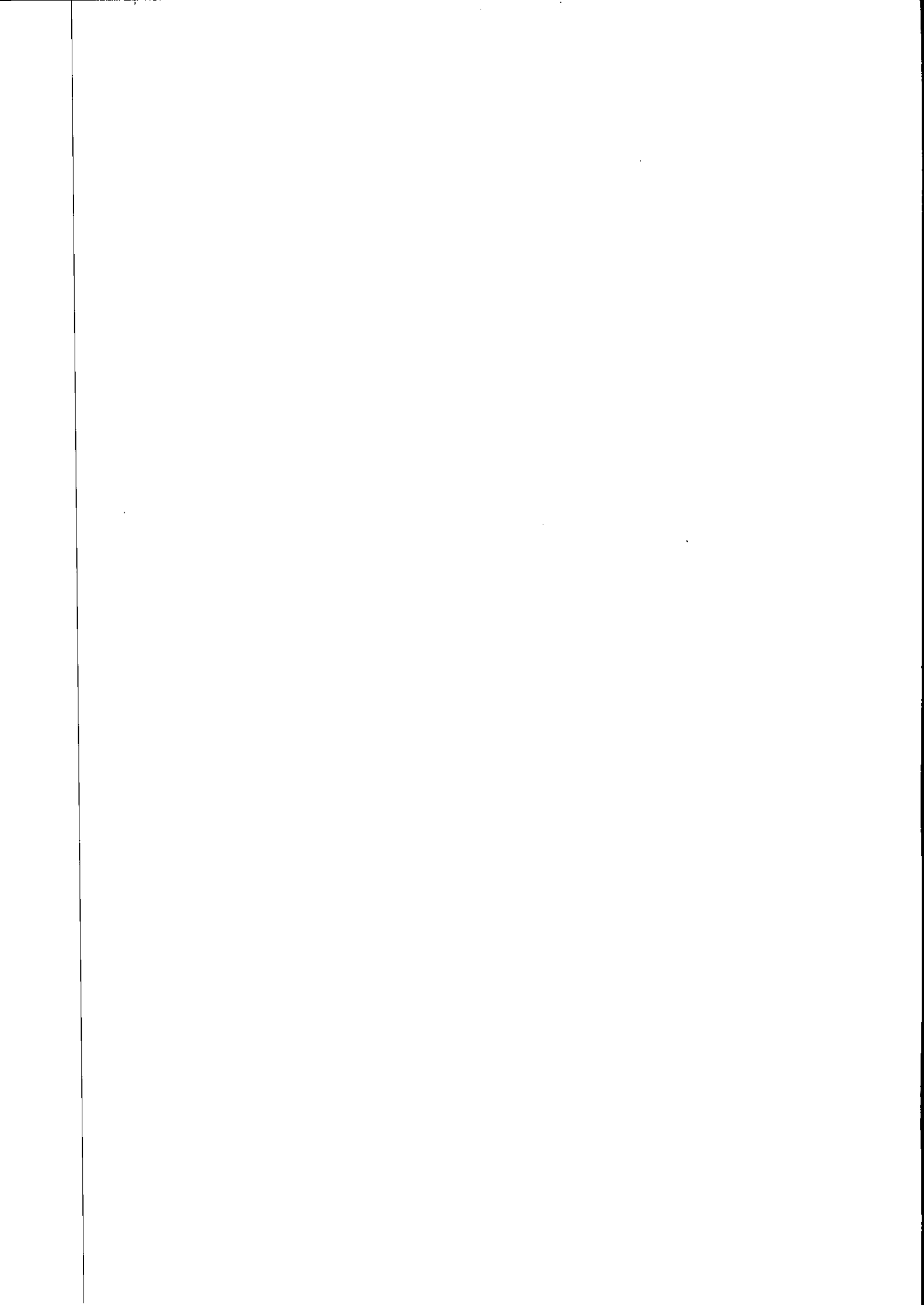




برنامه‌ریزی منطقه‌ای از سال ۱۳۶۲ مطالعات طرح پایه آمایش سرزمین اسلامی ایران را شروع کرد و پس از ارائه خلاصه و جمع‌بندی مطالعات در سال ۱۳۶۴ به تدوین چارچوب نظری توسعه استانها و مقدمات تهیه طرح‌های آمایش استانی پرداخته است و بعدها مشی‌خط‌های ملی و منطقه‌ای را از دیدگاه آمایش در برنامه دوم توسعه کشور مطرح نمود. چندی بعد طرح‌های جامع توسعه استانی بتدریج برای یکایک استانهای کشور توسط سازمانهای برنامه و بودجه استان تهیه شد. مطالعاتی با ابعاد منطقه‌ای نیز توسط دستگاههای بخشی مستقلاً انجام گرفت (مانند طرح‌های جامع آب و نیشکر خوزستان). در مواردی ویژه، مانند تغییر مکان مجتمع عظیم فولاد به مبارکه اصفهان و حساسیت و لزوم توسعه محور شرق (سیستان و بلوچستان) نیز مطالعات منطقه‌ای گسترده‌ای انجام شد. از سوی دیگر، در برنامه‌ریزیهای شهری و روستایی پس از انقلاب با طرح حوزه نفوذ شهری، طرح منطقه شهری، سازماندهی مجموعه‌های روستایی و طرح جامع شهرستان، به ضرورت وجود سطحی بالاتر در برنامه‌ریزیهای محلی پی برده شد و زمینه‌هایی برای انجام برنامه‌ریزی کالبدی در سطح منطقه‌ای ایجاد گردید. برای ایجاد هماهنگی مابین طرح‌های متعدد محلی و تعیین اولویتهای کاربری زمین، از سال ۱۳۶۹ وزارت مسکن و شهرسازی اقدام به تهیه "طرح کالبدی ملی ایران" کرده است تا خلاصه سطح بالادست طرح‌هایش را جبران کند. هدفهای این طرح عبارتند از: مکانیابی برای گسترش شهرهای موجود و ایجاد شهرهای جدید؛ پیشنهاد شبکه شهری مناسب و توسعه چارچوب مقررات ساخت و ساز در کاربردهای مجاز سراسر

زمینهای کشور (۱۶۲)

در ارتباط با فقدان برنامه توسعه، سرانجام برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸-۱۳۷۲) در روز برنامه‌ریزی، ۱۱ بهمن ۱۳۶۸ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. یکی از اهداف کلان دهگانه



تبصره ۱۱ این برنامه توسعه روستاهای محروم و ایجاد تمادلهای منطقه‌ای باتکیه بر خدمات رسانی و طرحهای اشتغالزا را مدنظر دارد. (۱۶۸) تبصره ۲ قانون برنامه دوم، دولت را موظف به اجرای سیاستهای تمرکززدایی و افزایش نقش استانها نموده و دراین راستا خروهان شفافیت در تخصیص اعتبارات جاری و عمرانی به تفکیک استانها و شهرستانها شده و واگذاری کلیه طرحهای با ماهیت استانی به دستگاههای اجرایی محلی و سازمانهای برنامه و بودجه استانها را توصیه نموده است. تبصره‌های ۳۱ تا ۳۳ نیز در جهت تمرکززدایی و انتقال وظایف اجرایی به واحدهای استانی مطرح شده‌اند که می‌تواند گامی اولیه در راستای هدف "تقویت مشارکت مردمی و... نظارت شایسته و پیوسته بر اجرای برنامه" از اهداف ۱۶ گانه برنامه - تلقی شود. (۱۶۹) تبصره ۶۹ نیز موضوع مهم قلمرو یکپارچه مدیریت را مورد توجه قرار داده و درگام نخست دولت را مکلف به تهیه طرح جامع تقسیمات کشوری "به منظور برقراری نظام مطلوب تقسیمات کشوری و تثبیت منطقی و یابدار آن و تنظیم ترکیب جمعیت و توزیع منطقی آن در کشور به گونه‌ای که هماهنگی لازم با کلیه فعالیت‌های توسعه در مناطق را داشته باشد" می‌کند. (۱۷۰)

به رغم تلاشهایی که برای یافتن روش توزیع عادلانه اعتبارات استانها دراین برنامه شده، (۱۷۱) برنامه فمچان با تسلط دیدگاه بخشی و سیاستگذاری منطقه‌ای (به جای دیدگاه فضائی و برنامه‌ریزی منطقه‌ای) شکل گرفت. باین حال، به نظر می‌رسد تعدد و پراکندگی طرحهای استانی دوران سازندگی اخیر در صورت همراهی سیاستهای اجتماعی (مانند عدالت در دسترسی همگان و ارتقاء مشارکتهای محلی) موجب کاهش

۱۶۸ - منبع پیشین، صفحات ۵۵، ۵۶.
۱۶۹ - منبع پیشین، صفحات ۲۲ و ۲۶ تا ۲۹.

۱۷۰ - منبع پیشین، صفحه ۹۱.
۱۷۱ - سازمان برنامه و بودجه، مستندات برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (جلد دوم، شاخصها و روش توزیع اعتبارات عمرانی استانها)، تهران، مرکز مدارک اقتصادی -

برنامه، سازماندهی فضایی و توزیع جغرافیایی جمعیت و فعالیت متناسب با مزیت‌های نسبی هر منطقه (مگر در مواردی که ملاحظات سیاسی و پدافند ملی ایجاد نماید) اعلام شد. (۱۶۵) همچنین از جمله سیاستهای اصلی برنامه موارد زیر اعلام شد:

- انتخاب معدودی مراکز منطقه‌ای در سطح کشور برای تمرکززدایی جمعیتی و فعالیتها از تهران و بهبود دسترسی به خدمات.

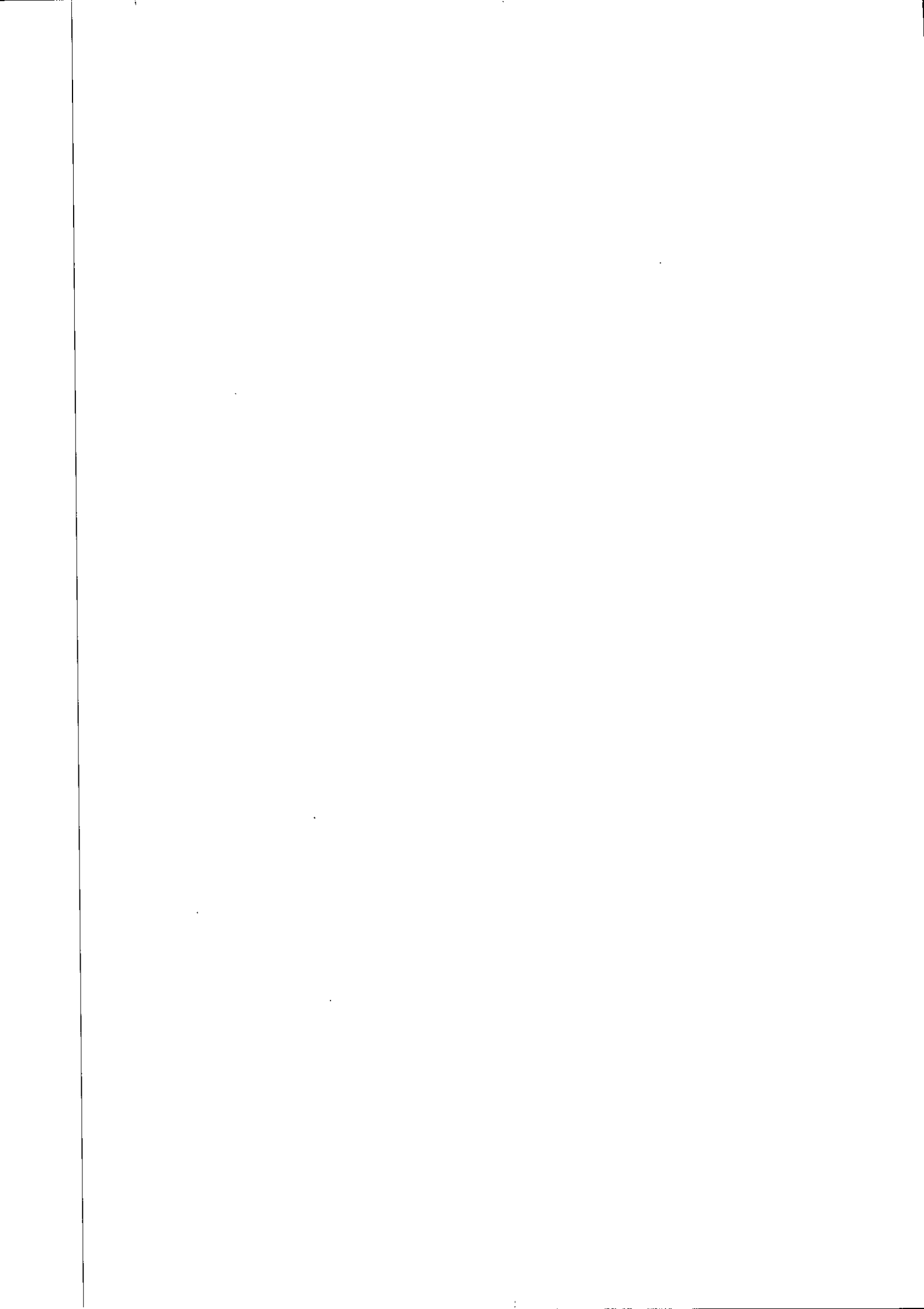
- تقویت شبکه‌ای از شهرهای متوسط (برای پذیرش اضافه جمعیت شهرهای بزرگ نزدیک) و شهرهای کوچک (برای پیوند با جوامع روستائی و عشایری)
- استفاده از ظرفیتهای زیربنایی استفاده نشده در مراکز با قابلیتهای اقتصادی.
- ایجاد و تقویت قطب‌های توسعه در مناطق با قابلیتهای بالقوه تولیدی و یا بنا بر ملاحظات سیاسی - نظامی، بوم شناسانه (مانند جلوگیری از یان‌زایی) و یا کاهش جریانها مهاجر فرستی. (۱۶۶)

برنامه دوم توسعه (۱۳۷۸-۱۳۷۴) با فاصله یکسال پس از پایان برنامه اول به مورد اجرا گذاشته شد. در زیر مجموعه هدف کلان "تحقق عدالت اجتماعی" که یکی از اهداف کلان ۱۶ گانه برنامه است - خط مشی‌های: تقسیم بهینه منابع وامکانات عمومی برای ارتقاء استانه‌ها و مناطق پائین تراز میانگین به حد نصاب متوسط کشور، "عبایت به مناطق محروم..." و "انخاذ تصمیمات سازگار جهت محرومیت‌زدایی و رفع عدم تعادلهای منطقه‌ای در برنامه‌های آمایش سرزمین"، تصریح شده است. (۱۶۷)

165- 1990. A Summarized Version of the First- Five Year Economic, Social and Cultural Development Plan of the Islamic Republic of Iran (1989-1993). Center for Socio-Economic & Documentation Publications. Tehran, P.2.

۱۶۶ - منبع پیشین، صفحات ۱۳ تا ۱۵.

۱۶۷ - سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۵)، قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (چاپ چهارم)، تهران، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی، انتشارات سازمان



دارد. در کسی که فقدان قابلیت کافی مناطق عقب مانده (از درون) را غمخده کرده و در چارچوب دیدگاه مسلط در قسمت اول این گزارش شرح داده شد و در کسی که تحمیل عقب ماندگی را در روابط با دیگر مناطق (از بیرون) دانسته و در چارچوب دیدگاه انتقادی شرح داده شد. (۱۷۲) استفاده از ابزار برنامه‌ریزی منطقه‌ای در درک اول، تلاشی در رفع انزوا و یکپارچگی فضایی و تزیین منابع سرمایه‌ای و فن‌آوری جدید و خلاصه رفع منابع سازوکار بازار را درونی دارد. درک دوم، قبل از آنکه توسعه منطقه‌ای را مولد (Generative) بدانند، رقابتی (Competitive) با مناطقی که سهم ملی آن را عادلانه ندادند دنبال کرده و تغییر روابط منطقه‌ای و اتکاء به منابع خود بدون خروج مازاد را اساس قرار می‌دهد. (۱۷۳)

مشاهده عام وضع موجود گویای آنست که عدم عدالت فضائی (Spatial Equity) در کشورهای "جنوب" بیش از کشورهای "شمال" بوده و البته این برش مطرح است که آیا رفع این عدم تعادل فضایی به کاهش نابرابری، میان اقصای اجتماعی این مناطق خواهد انجامید یا خیر؟

۲-۴. نظریه و اهداف در برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای
همانگونه که در فصل اول اشاره شد، درک و چینی از معنای توسعه و فاصله وضع موجود با وضع مطلوب، شالوده اقدامات از پیش اندیشیده‌ای در عرصه اجتماعی برای ریختن که "برنامه‌ریزی توسعه" نام گرفته است و چنانچه در محدوده جغرافیایی فراتر از مراکز زیست و فعالیت (مانند شهرها و روستاها) و خردتر از مرزهای ملی باشد، صفت "منطقه‌ای" می‌گیرد لیکن پیش نیاز برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای، احراز دانشی است که رابطه علی بین سلسله اقدامات (بامنابع، وسایل و راه‌ممنخص) و اهداف پیش‌بینی شده

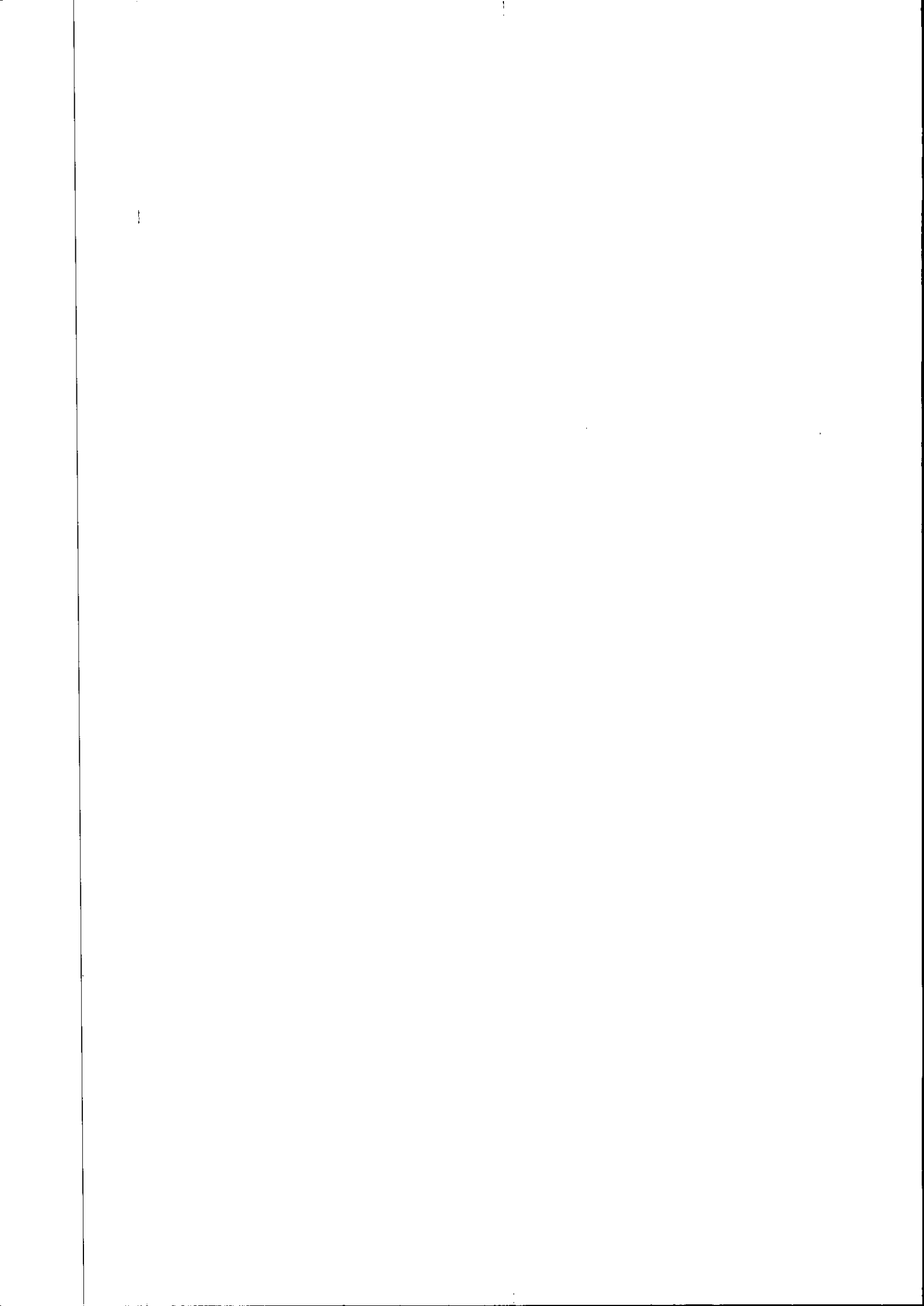
عدم تعادل‌های منطقه‌ای کشور شوند.

پس از پیروزی انقلاب، تحت لوای ارزشهای ولای اسلامی، از یک سو، اولویت مهمی برای برقراری تعادل‌های منطقه‌ای و محرومیت‌زدایی مطرح شد و از سوی دیگر، مشروعیت دخالت دولت در تخصیص فضای توسعه (به دلیل اتکای آن به درآمدهای نفتی که جزو انفال محسوب می‌شود) و وظیفه تسهیل دسترسی عادلانه آحاد ملت به این فضا پذیرفته شد. با وجود تمامی کوشش‌هایی که در سطح منطقه‌ای شرح داده شد، برنامه‌ریزی منطقه‌ای در ایران (چه از جنبه نهادی و روند برنامه‌ریزی و چه از جنبه نظری و محصول برنامه‌ریزی) در پیوند با برنامه‌ریزیهای ملی (عمدتاً با دیدگاههای بخشی) و برنامه‌ریزیهای محلی (عمدتاً با دیدگاههای کالبدی) از جایگاه قانونی و نقش کارآمدی برخوردار نیست و راهی دراز در پیش روی دارد.

۴- برخی مفاهیم در برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای

۱-۴- دلایل پیدایش سطح منطقه‌ای در برنامه‌ریزی
مرور سوابق برنامه‌ریزی در کشورهای "جنوب" بیانگر دو دلیل متفاوت در روی آوردن به سطح منطقه‌است. دلیل اول هنگامی است که برای تشدید رشد ملی و افزایش کارایی اقتصادی برای بخشی از فضای کشور برنامه‌ریزی می‌شود. در این حالت گاه منابع طبیعی جدیدی و گاه تمرکززدایی و جلوگیری از اشباع فضای محدود توسعه کشور مورد نظر است. دلیل دوم هنگامی است که برای تحکیم وحدت ملی و تقویت عدالت اجتماعی به مناطق کشور توجه می‌شود. در این حالت نیز می‌توان به منابع جدید و تمرکززدایی تکیه داشت. لیکن تفاوت مهمی در استدلال اقتصادی برای دلیل اول (کارایی) با استدلال اجتماعی برای دلیل دوم (عدالت) وجود دارد.

در اینجا لازمست به کوتاهی اشاره شود که در پشت دلایل دوگانه گفته شده دو



برقرار سازد. همین جاست که نظریه‌های توسعه منطقه‌ای به میان آمده و پرتوافکن برنامه‌ریزی منطقه‌ای می‌شوند. در واقع این نظریه‌ها به تبیین علل ماندگی یا رکود و نیز عوامل توسعه آفرین پرداخته و در این چهارچوب نظری، راهبردهای توسعه منطقه‌ای را ترسیم می‌نمایند.

با این همه در سابقه برنامه‌ریزی منطقه‌ای ضرورت‌های عملی پیش از استنتاجات نظری باعث پیدایش آن شدند. اولین برنامه‌ریزیهای منطقه‌ای برای رویارویی با گسترش افسارگسیخته شهرهای بزرگ و باتکیه بر بعد کالبدی (فیزیکی) برای تنظیم کاربری زمین فعالیت‌های رفیعی در پیرامون آنها آغاز شد. در پی آن شاهد برنامه‌ریزیهای منطقه‌ای برای خودگردانی و حفظ ویژگیهای منطقه‌ای با تکیه بر بعد فرهنگی و سیاسی (منطقه‌گرایی) بودیم و از سوی دیگر برای چاره‌جویی مناطق دچار رکود و یا عقب ماندگی نیز برنامه‌ریزیهای منطقه‌ای با تکیه بر بعد اقتصادی - اجتماعی شکل گرفت. (۱۷۴)

✓ روی آوردن به برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای، برآمده از هدفهای کلانی است که به اشکال مختلف هریک یا مجموعه‌ای از آنها برای واحدهای فضایی کوچکتر از کشور (یک منطقه) مورد نظر قرار می‌گیرد و به شرح زیر قابل دسته بندی است:

۱- ایجاد زمینه وسیع تری برای رشد ملی. که در واقع افزایش کمیت و کارایی را نشانه می‌رود. گونه‌های مختلف برنامه‌ریزی منطقه‌ای با این هدف عبارتند از: توسعه منابع طبیعی در منطقه‌ای دست‌نخورده (مانند مورد دره کاتوکا در کلمبیا)، زمینه‌سازی و اجرای طرحهای عظیم ملی در منطقه‌ای فاقد توان لازم (مانند مجتمع‌های تولیدی در سبیری)، طرحهای تمرکززدایی در مورد شهرهای بزرگ، چه از طریق ساماندهی منطقه شهری (مانند مورد لندن بزرگ) و چه از طریق آمایش سرزمین (مانند مورد پاریس برای فرانسه).

۲- پیگیری عدالت اجتماعی با ایجاد تعادلهای بین درون منطقه‌ای که گونه‌های زیر را

دربری می‌گیرد. رفع رکود و تنزل منطقه‌ای با سابقه معادن و صنایع گسترده (مانند مورد منطقه "رور" آلمان)، محرومیت زدایی منطقه‌ای کتارمانده از توسعه، چه از طریق توسعه منابع طبیعی واحداث صنایع و چه از طریق توسعه خدمات و ارتقاء کیفیت زندگی (مانند مورد دره "تسی" آمریکا برای هر دو).

۳- تحکیم حاکمیت و وحدت ملی با تزریق منابع ملی به مناطق مرزی و یا مناطق باگرایش جدایی طلبی (مانند مورد شمال تایلند و ایالت کبک کانادا).

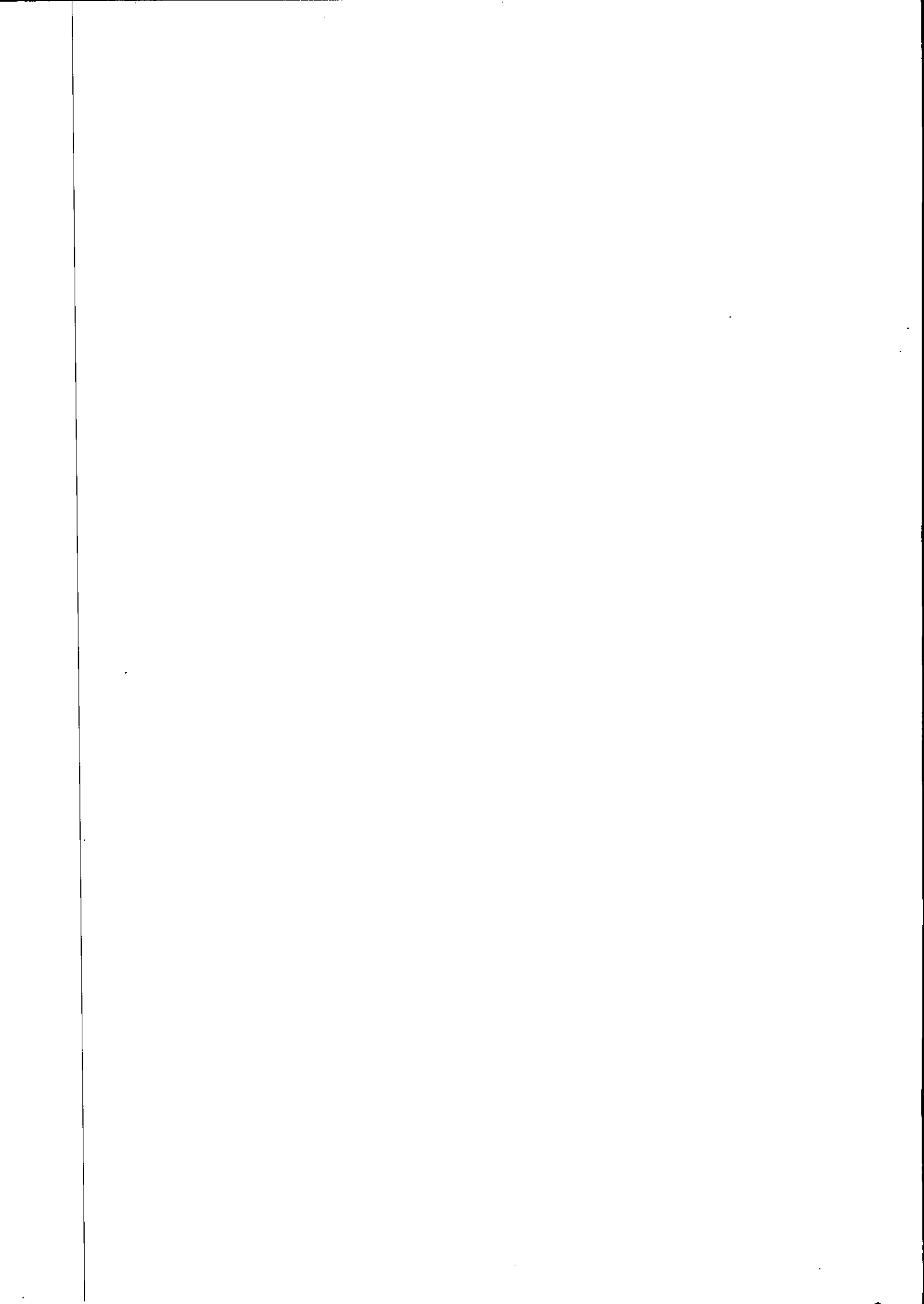
۴- حفاظت محیط زیست که با معیارهای بوم شناسانه به برنامه‌ریزی منطقه‌ای جهت حفظ منابع طبیعی و پاکسازی منطقه‌ای حساس (مانند مورد اطراف پنج دریاچه آمریکا) یاری می‌رساند و در واقع توسعه‌ای پایدار را مدنظر دارد.

۵- نوسعدوستی و ادای دین ملی در قبال منطقه‌ای آسیب دیده از جنگ یا بلایای طبیعی که برنامه‌ریزی بازسازی و نوسازی در مقیاس منطقه به کار گرفته می‌شود (مانند مورد جنوب بنگلادش).

روش است که اغلب برنامه‌ریزیهای منطقه‌ای به پیش از یکی از اهداف گفته شده در بالا می‌پردازند، اما در مثالهای آورده شده وجه غالب آنها مورد نظر بوده است.

۳-۴ عامل فضا در برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای

حقیقت برنامه‌ریزی منطقه‌ای برای تحقق اهداف اشاره شده ناشی از توانایی آن در مقوله "فضا" است. باید توجه داشت هنگامی که از "فضا" سخن می‌گوئیم، تنها فضای کالبدی (فیزیکی) که مرئی و ملموس است و مترادف "مکان" می‌باشد، مقصود نیست. بلکه فضایی است که به سبب دخالت انسان پیوسته در تحول و تغییر است... و تنها در رابطه با انسان و جامعه معنا دارد. این ادراک انسان است که معنا و ارزش ویژه‌ای به فضا می‌دهد... بنابراین فضا محصول مشترک طبیعت و انسان است که در حال تغییر و تحول



دایم است. " (۱۷۵) این چنین فضایی موضوع برنامه‌ریزی منطقه‌ای است و مجموعه‌ای از انسانها، فعالیتها و محیط‌های طبیعی و انسان - ساخت است. (شکل ۱۶)

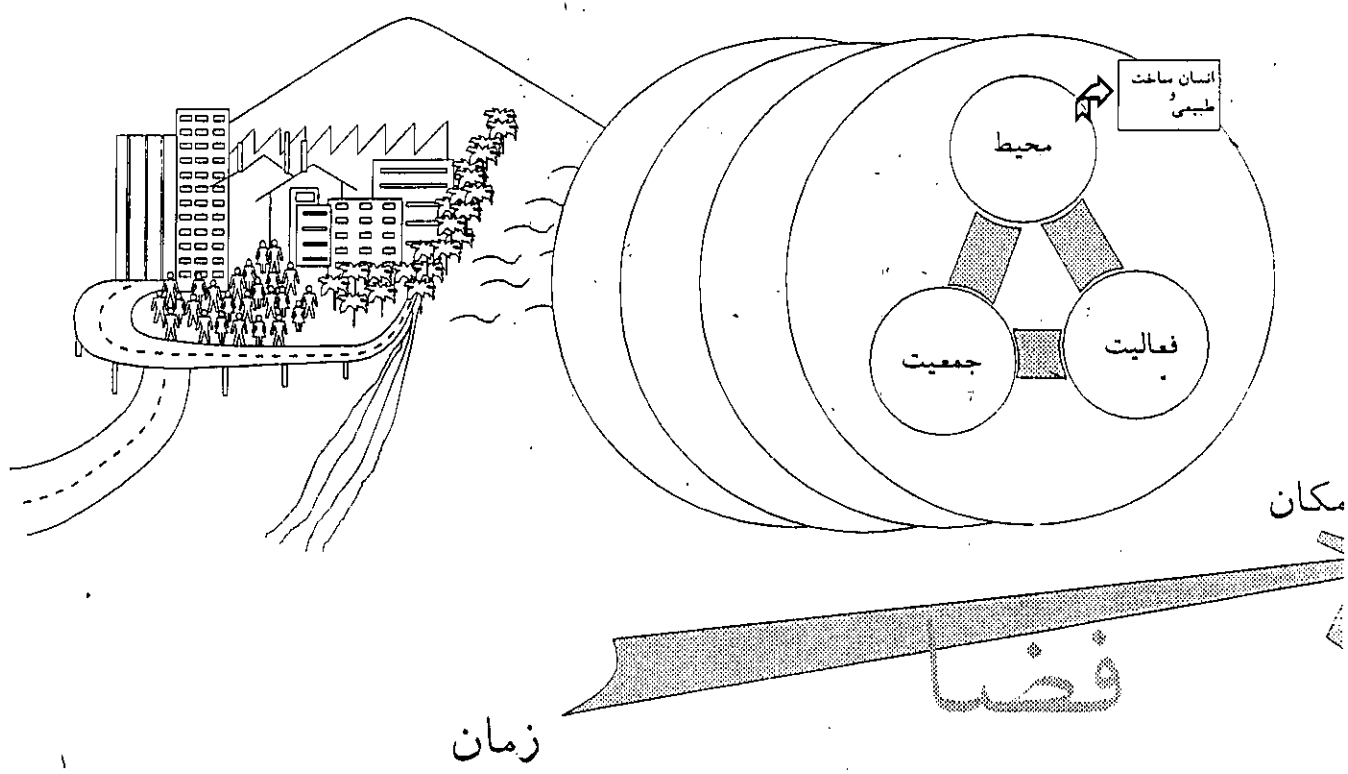
به رغم تمامی تاکید‌ی که تاکنون بر محوریت اقتصاد برای برنامه‌ریزی توسعه شده در عمل اهمیت بعد فضایی در کنار ابعاد اجتماعی و زیست محیطی آشکار شده است. گفته و ناگفته پیداست که "تمامی سیاستهای دولتی، اقدامات یا اقدامات هم‌بندی، بر توزیع فضایی توسعه و شکل آن اثر می‌گذارد" (۱۷۷) و این بدان معناست که در اثر سیاستهای دولت ساکنین منطقه‌ای در دسترسی به منابع و فرصتها و برخورداری از موانع توسعه نسبت به مردمان دیگر مناطق برتری می‌یابند. چنین رجحانی می‌بایست آگاهانه و سازگار با ارزشها و خواسته‌های جامعه باشد. به سخن دیگر فضای توسعه باید به منابع منع کمیابی تلقی شود و تخصیص عادلانه، کارآ و پایدار آن در حیطه برنامه‌ریزی منطقه‌ای قرار گیرد.

برنامه‌ریزی منطقه‌ای بر توسعه فضایی (Spatial Development) با این منطق تاکید دارد که برنامه‌ریزی بخشی (Sectoral) بمنظور تامین حداکثر سود و حداقل زیان جامعه می‌باید اثرات فضایی را نیز در نظر بگیرد و اضافه بر آن با تحلیل ساختار فضایی موجود، متقابلاً مشروط کننده‌های برنامه‌ریزی بخشی و تحولات آتی یا بشناسد تا سرانجام طرح سازمان فضایی بهینه برای مجموعه بخشهای اقتصادی - اجتماعی و زیست محیطی بر بستر فضا بدست آید. مفهوم آمایش چیزی جدا از این بحث نیست. (۱۷۸) بهر صورت برنامه‌ریزی منطقه‌ای نتیجه منطقه‌ای کردن (Regionalization) برنامه ملی نمی‌باشد، بلکه

۱۷۵ - میرا، آریبی (۱۳۶۶). "برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای: در جستجوی معنی و مفهوم مترجم: عزیز کیاوند، در مجله: برنامه توسعه، شماره دهم، صفحات ۶۳ تا ۱۰۱.

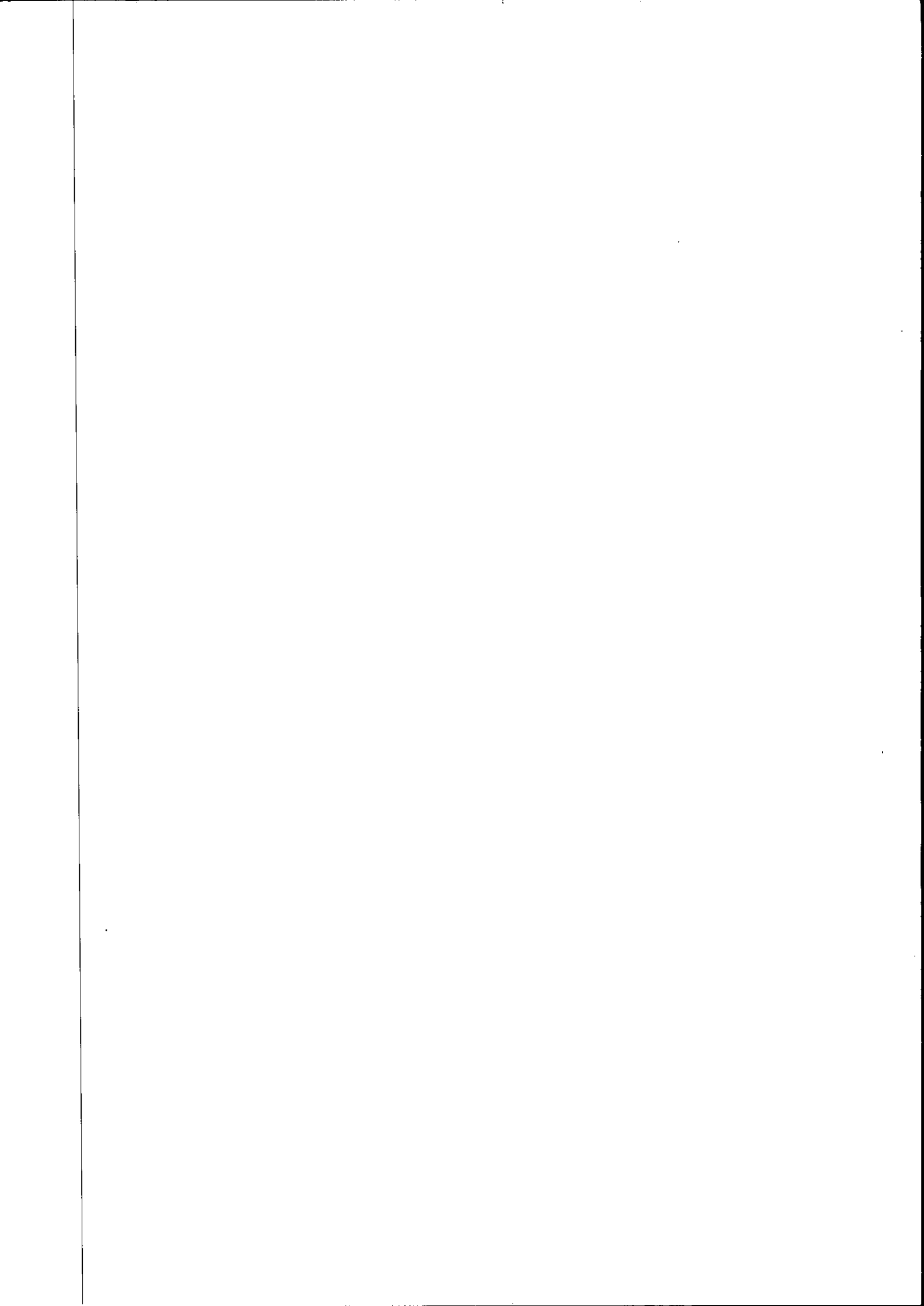
۱۷۶ - صراف، بطغر (۱۳۶۲). "سیری در مباحث توسعه فضایی - بانگامی ویژه به طرح آمایش سرزمین تهران، دفتر برنامه‌ریزی منطقه‌ای، وزارت پرنام و بودجه، صفحه ۴.

۱۷۷ - به نقل از: J.Harday, D.Stierthwaite در: United Nations Center for Human Settlements (1993). Metropolitan Planning and Management in the Developing World Nairobi UNCHS P 16



به نقل از: (Sarraf, M & M.Baroumand -1988). "The Spatial Formation and Suggested Strategies for Spatial Development in Iran - A Paper Presented to UNCRD course in Nagoya, Japan.)

شکل ۱: عوامل متشکله فضا

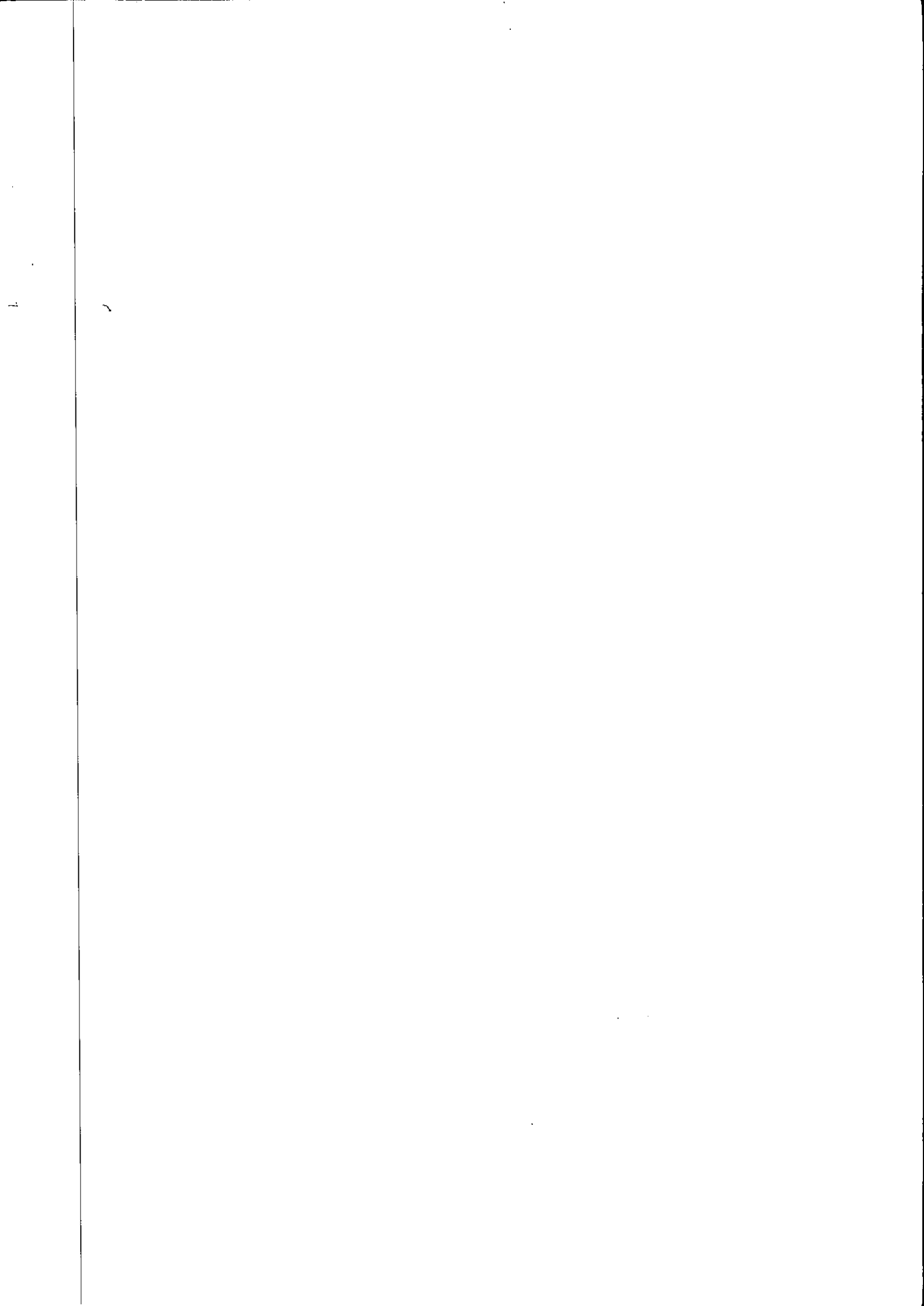


فصل سوم

نظریه‌های توسعه منطقه‌ای

با شناخت نیازها، توانها و تنگناهای ویژه هر منطقه، خود موزائیکی بر نقش ملی می‌افزاید و رابطه‌ای دو طرفه برقرار می‌سازد. برنامه ریزی منطقه‌ای متفعلاًته به مزیت‌های نسبی از دید اقتصاد ملی و شرکت در تقسیم کار جهانی نمی‌پردازد، بلکه به مزیت‌های مورد نظر ساکنین منطقه و در خدمت اقتصاد منطقه اولویت می‌دهد. مجموعه برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای در سطح ملی زمینه برنامه‌ریزی جامع و همه‌سویه نگرانی برای کشور فراهم می‌کند. با استفاده از مزمن زیبای یک استماره ادبی، "سی" میغ منطقه‌ای باید همراه شود تا موجود برتر از یکایک و جمع عددی آنها، "سیمغ" ملی را بوجود آورند.

۴-۴- وجه تمایز سیاستگذاری منطقه‌ای با برنامه‌ریزی منطقه‌ای
در ادامه بحث، توجه به تمایز بین سیاستگذاری منطقه‌ای (Regional Policy) با برنامه‌ریزی منطقه‌ای (Regional Planning) حائز اهمیت است. مقصود از سیاستگذاری منطقه‌ای شکلی از تصمیم‌گیریها در سطح ملی است که اغلب از نگرش بخشی، اقداماتی در تمام باقسمتی از کشور پیش‌بینی می‌کند. حال آنکه برنامه‌ریزی منطقه‌ای کاملاً متفاوت بوده و تصمیمات در سطح منطقه اغلب با نگرش فضایی گرفته شده و اقداماتی در تمام باقسمتی از منطقه صورت می‌گیرد. سیاستگذاری منطقه‌ای کمتر به نیازهای ویژه هر منطقه و مسائل اجتماعی متفاوت آنها پرداخته و استاندارد ملی را در نظر دارد. لیکن برنامه‌ریزی منطقه‌ای متوجه ویژگیهای منطقه و حداکثر اتکاء به منابع خود به جای منابع ملی است. سیاستگذاری منطقه‌ای توانایی بیشتری برای تعادلهای بین منطقه‌ای داشته و برنامه‌ریزی منطقه‌ای برای تعادلهای درون منطقه‌ای مناسب‌تر است. (۱۷۹)
اگرچه کمتر این دو از یکدیگر تفکیک می‌شوند، برنامه‌ریزی منطقه‌ای موضوع نظریات طرح شده در پی این نوشتار است.



دوم، مجتمع خودصنعتی: مرکز درجه سه صنعتی می‌باشد و از نظر میزان تولید و اشتغال مشابه نقطه صنعتی است، باین تفاوت که پراکندگی واحدهای تولیدی در مجتمع صنعتی به مراتب کمتر از نقطه صنعتی است و کلیه واحدهای تولیدی در یک محوطه مشخص قرار دارند. به دلیل تراکم واحدهای تولیدی، تهيولات و خدمات مشترک در مجتمع‌های صنعتی به گونه‌ای وسیع‌تر و با پوشش و کیفیت بهتری نسبت به نقاط صنعتی عرضه می‌گردند.

ناحیه صنعتی: مرکز درجه دو صنعتی و سطح میانی سازمان فضایی صنعت می‌باشد که دارای میزان معینی تولید و اشتغال است و تهيولات زیربنایی و خدمات صنعتی و بازرگانی مشخصی را ارائه می‌کند. یک ناحیه صنعتی از چند نقطه یا مجتمع خودصنعتی که در شعاع معینی در محدوده خدماتی یک شهر درجه ۲ یا ۱ مستقر می‌باشند، تشکیل می‌گردد. لازم به ذکر است که یک ناحیه صنعتی ممکن است در محدوده خدماتی یک شهر درجه سه نیز قرار گیرد. اما از آنجایی که یک شهر درجه سه خود از نظر برخی خدمات وابسته به یک شهر درجه ۲ یا ۱ می‌باشد، نهایتاً نواحی صنعتی در محدوده خدماتی شهرهای درجه ۲ یا ۱ خواهند بود.

شهرک صنعتی: ناحیه صنعتی یا مجتمع کلان صنعتی است که از نظر خدمات شهری تا حدود زیادی متکی به شهر جداگانه‌ای نیست و خود اکثر امکانات سکونت‌شامل مسکن، خدمات اجتماعی و رفاهی، عمران شهری، مراکز خرید و... را دارا می‌باشد. وجه تمایز بین مجتمع‌های صنعتی با نواحی صنعتی در این است که مجتمع‌های صنعتی نه تنها کار عمرانی، فراهم آوردن زمین، ساختمان و خدمات را به عهده دارند بلکه تداوم و استمرار فعالیت صنایع را سازماندهی کرده خدماتی را به وجود می‌آورند که به عنوان محرک‌هایی برای استقرار صنایع عمل می‌کنند. در نواحی صنعتی کار و وظیفه عمرانی محدود به تقسیم و عمران زمین است. کاری که در جهت فعالیت صنایع صورت می‌گیرد فروش قطعات زمین می‌باشد.

نقطه صنعتی: مرکز درجه سه و پایین‌ترین سطح سازمان فضایی صنعت می‌باشد که دارای میزان معینی تولید و اشتغال است و تهيولات زیربنایی و خدمات صنعتی و بازرگانی مشخصی را ارائه می‌کند. یک نقطه صنعتی از یک یا چند واحد تولیدی که در شعاع معینی در محدوده بلافاصله خدماتی یک شهر درجه ۲ یا ۳ یا ۱ مستقر می‌باشند، تشکیل می‌گردد.

فصل دوم

تعریف انواع برنامه‌ریزی و برنامه‌ریزی منطقه‌ای

برنامه‌ریزی منطقه‌ای از دو واژه برنامه‌ریزی و منطقه ترکیب یافته است که اولی معین یک فرآیند عملکردی است و دومی جایی و محلی است که آن فرآیند بر روی آن شکل می‌گیرد و انجام می‌شود.

برنامه

میلر برنامه را چنین تعریف می‌کند: «هر فرآیند دارای سلسله مراتب در یک ارگانیزم که بتواند نظم و تداخل اجرایی را کنترل کند برنامه نام می‌گیرد».

کلا می‌توان برنامه را به شکل زیر نیز تعریف نمود:

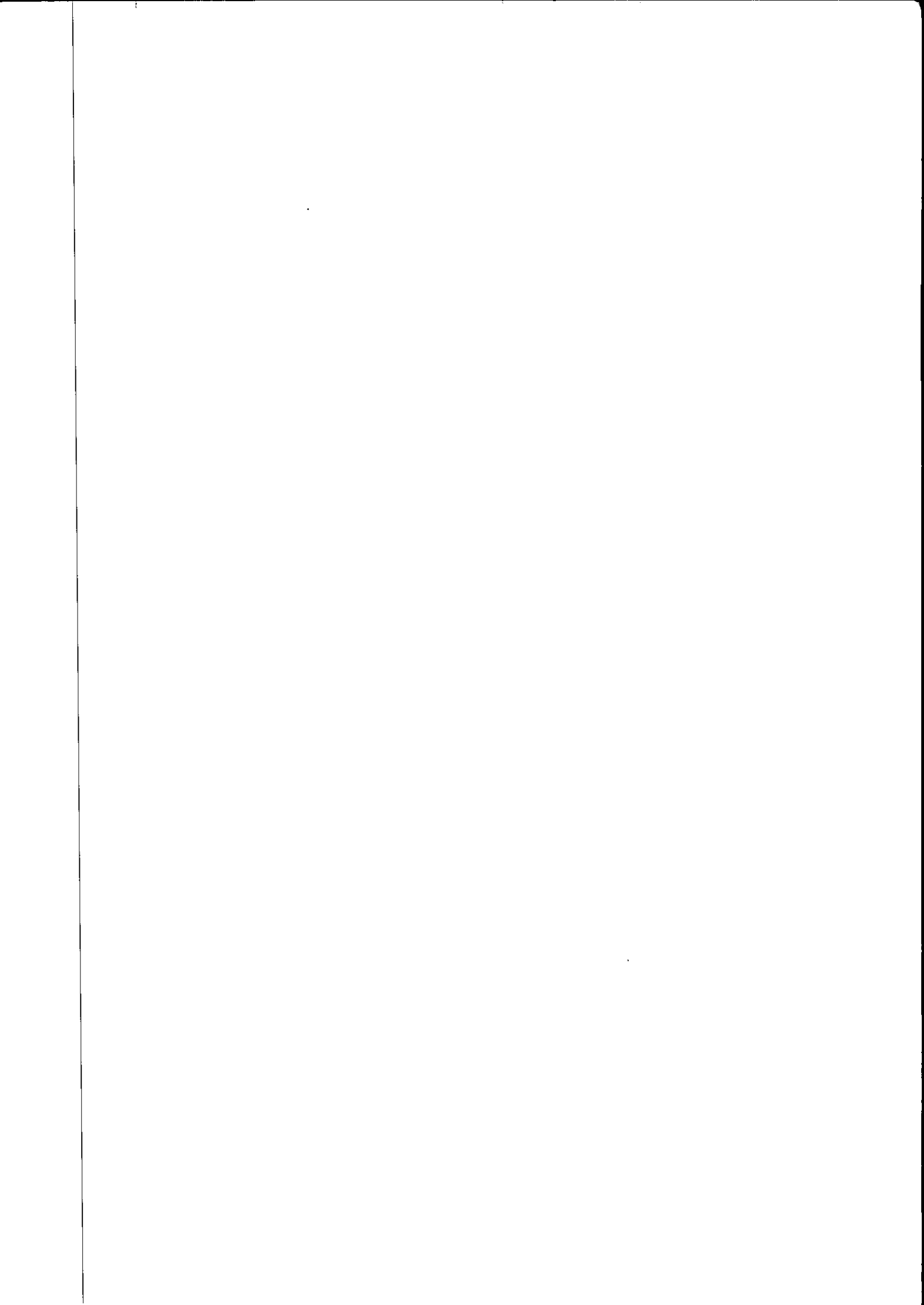
«نمایش منظم و با رعایت سلسله مراتب فعالیت‌های مربوط به هم و مربوط به یک رشته تصمیمات منظم و مرتبط برحسب دوره‌های زمانی مختلف» به عبارت دیگر، برنامه گاهنامه تصمیمات منظم براساس سلسله مراتب عملیات است.

انواع برنامه‌ها^۱

برنامه جامع (plan): برنامه جامع بخش یا برنامه جامع توسعه اقتصادی - اجتماعی شامل هدف‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی مختلف و برآوردهای مالی و نیروی انسانی و غیره می‌باشد.

برنامه اجرایی (program): مجموعه‌ای از عملیات و خدمات مختلف در ارتباط با یکدیگر برای تحقق هدف‌های مشخص برنامه (بخش) می‌باشد. هر برنامه اجرایی مشکل از طرح‌های متعدد است. برنامه اجرایی معمولاً در چارچوب برنامه بلندمدت و

۱. برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به منابع ۱۱، ۱۲، ۱۹.



اقتصادی - اجتماعی در ابعاد زمانی بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت به منظور بهره‌برداری منطقی و هماهنگ از امکانات و منابع برای تأمین نیازمندی‌های عمومی و اساسی جامعه است؛ یا برنامه‌ریزی عبارتی از یک فرآیند آگاهانه است که به منظور دستیابی به اهداف معین و مشخص، انجام یک سلسله اقدامات و فعالیت‌های مرتبط به یکدیگر را در آینده پیش‌بینی می‌کند. در این تعریف چند مفهوم مهم گنجانیده شده است که نیاز به توضیح بیشتر دارد.

- برنامه‌ریزی یک جریان مستمر است نه یک عمل مقطعی و یا یک روند

تدوین شده. برنامه‌ریزی یک امر مستمر و مجموعه‌ای از فعل و انفعالات پیچیده در زمینه جمع‌آوری، انتخاب، بررسی و قضاوت، تعیین اولویت‌ها و ابتکار شیوه‌هایی است که دستیابی به اهداف موردنظر را میسر می‌سازد.

- برنامه‌ریزی یک امر آگاهانه و دارای عزم و قصد است. هرچند که تضاد، شانس و احتمالات ممکن است توسط برنامه‌ریزی در نظر گرفته شود اما جریان برنامه‌ریزی انتخاب منطقی مراحل و شقوق مختلف کار و سیاست‌های اقتصادی گوناگون به منظور تحقق اهداف تعیین شده می‌باشد.

- برنامه‌ریزی یک سلسله فعالیت‌ها و اقدامات است که بایستی در آینده صورت پذیرد، این سلسله فعالیت‌ها بایستی از یک طرف با یکدیگر هماهنگ باشند و از طرف دیگر متناسب با اهداف برنامه تنظیم شده باشند.

- برنامه‌ریزی اهدافی را دنبال می‌کند که سلسله فعالیت‌های آینده متناسب با این اهداف تعیین می‌گردند.

باز چند تعریف دیگر از برنامه‌ریزی:

برنامه‌ریزی در جواب به سؤال آنچه کسی برنامه‌ریزی می‌کند، با چه کسی و برای چه کسانی؟ فرآیندی برای توسعه سازمان یافته است.

برنامه‌ریزی نیاز به ارگان‌ها و سازمان‌های ویژه‌ای دارد که متخصص در برنامه‌ریزی و طراحی باشند. نظام برنامه‌ریزی عبارت است از سازوکار مشارکت نهادها و دستگاه‌های مختلف دولتی و غیردولتی در فرآیند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌های امور توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور. چهار نوع از این سازمان‌ها را در کل می‌توان تشخیص داد:

برای برنامه‌های میان‌مدت تنظیم می‌گردد و غالباً از لحاظ زمان پیش‌بینی، ۵-ساله می‌باشد. هر برنامه اجرایی حاوی هدف‌ها و سیاست‌ها و خط‌مشی‌های اجرایی و طرح‌های مشخص برای انجام عملیات است.

هدف برنامه: هر برنامه‌ای اعم از جامع و اجرایی دارای مقصود و منظورهایی است. مقاصد کلی برنامه را اصطلاحاً اهداف کیفی یا کلی (Goals) می‌گویند. هر هدف کلی به هدف‌های جزئی‌تر تقسیم می‌گردد که به آن‌ها به ترتیب سلسله مراتب هدف‌های کیفی (Objectives) و هدف‌های عملیاتی (Targets) می‌گویند.

به‌طور کلی مجموعه مقاصد و منظورهایی که در جریان برنامه‌ریزی پیش‌بینی می‌گردد و عملیات اجرایی برنامه برای نیل به آن مقاصد می‌باشد، اهداف برنامه نامیده می‌شوند. جنبه‌های قابل اندازه‌گیری آن‌ها را اهداف کمی و جنبه‌هایی را که موجب تغییر کیفیت‌ها می‌شوند، هدف‌های کیفی می‌گویند.

ابعاد زمانی برنامه: برنامه بلندمدت؛ عبارت از مجموعه برنامه‌ها و طرح‌ها در مورد روند تغییرات و تحولات پدیده‌های اقتصادی و اجتماعی بر پایه فروض پیش‌بینی شده است. هر برنامه بلندمدت، ۱۵-۲۰ ساله طرح‌ریزی می‌گردد. برنامه میان‌مدت، عبارت از مجموعه برنامه‌ها و طرح‌هایی است که برای مدت مشخصی ۵-۷ ساله طرح‌ریزی می‌گردد. برنامه‌های عمرانی و توسعه معمولاً ۵-ساله می‌باشند. برنامه کوتاه مدت، عبارت از مجموعه برنامه‌ها، طرح‌ها و فعالیت‌هایی است که باید در طول یک سال اجرا گردد. طول این برنامه در مواردی از ۶ ماه تا ۲ سال متغیر است.

برنامه اقتصادی: سند نوشته شده‌ای حاوی تصمیمات سیاسی دولت در زمینه چگونگی تخصیص منابع بین فعالیت‌های مختلف، برای نیل به نرخ رشد اقتصادی تعیین شده، طی دوره‌ای مشخص است.

برنامه توسعه: سندی است که از طرف یک مؤسسه برنامه‌ریزی دولتی منتشر می‌شود و حاوی اطلاعات از وضع جاری اقتصاد ملی، هزینه‌های پیشنهادی بخش عمومی، توسعه‌های محتمل در بخش خصوصی، پیش‌بینی کلان اقتصادی و بازنگری سیاست‌های دولتی است.

برنامه‌ریزی^۱

برنامه‌ریزی عبارت از پوشش هدایت عقلانی سازوکار تصمیم‌گیری در امور توسعه

۱. برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به منابع ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۹.

هماهنگی ارائه می‌نماید. برنامه‌ریزی فرآیندی برای تغییر هدفمند و نیز یک واکنش منظم و باقاعده است که برای حل مسائل موجود در یک نظام اجتماعی و دستیابی به یک سری اهداف به منظور ایجاد دگرگونی و بهسازی آینده آن سیستم استفاده می‌شود.

در کنار تعریف فوق، برای درک مفهوم برنامه‌ریزی بهتر است اجراء و عناصر تشکیل دهنده آن را بشناسیم و با قیاس منطقی آنها تعریفی از برنامه‌ریزی ارائه دهیم. وقتی که صحبت از برنامه‌ریزی در میان باشد چهار عنصر اساسی پیش‌بینی، روند گذشته، امکانات حال و احتمالات آینده از اجزای آن به‌شمار می‌روند، یاد نظر گرفتن این چهار عنصر می‌توان گفت:

۱- برنامه‌ریزی عبارت است از فرآیند پیش‌بینی انجام فعالیت‌هایی در آینده مشخص براساس پدیده‌های گذشته (رویدادها و روندها) یاد نظر گرفتن حال و احتمالات آینده به منظور تحقق هدف‌های معین.
با توجه به تعاریف مختلفی که توسط اقتصاددانان، جغرافی‌دانان و برنامه‌ریزان مختلف در سطح دنیا عرضه شده است، می‌توان چنین استنباط نمود که برنامه‌ریزی دارای مشخصه‌های زیر می‌باشد:

- نظام نوینی برای حرکت آتی جامعه و فعالیت‌های اقتصادی اجتماعی آن پیشنهاد می‌نماید. این نظم بایستی نقش جهت‌دهنده در اقتصاد ملی و جامعه داشته باشد.
- در تدوین این نظام نوین، اهداف و سیاست‌ها نقش اساسی بازی می‌کنند و می‌توان گفت به عنوان چارچوب‌های حرکت برنامه‌ریزی مورد استفاده قرار می‌گیرند.
- شامل یک رشته عملیات متوالی و متوازن و حرکتی مستمر و پویاست که در طول زمان لازم است به‌نگام گردد.
- بر خورد علمی با آن مستلزم روشن بودن یک سلسله مسائل زیربنایی اقتصادی - اجتماعی نظیر نظام مالکیت، نظام بانکی و تجارت خارجی و غیره می‌باشد.

نظام اداری که بخش اعظمی از اجزای برنامه‌ها را به عهده دارد، خود بایستی به نحوی متحول شود تا در برخورد با برنامه‌ها دچار ناتوانی و کاستی نباشد و بتواند در به‌شمار رساندن برنامه‌ها نقش فعال خود را ایفا نماید.

- سازمان برنامه‌ریزی (انواع کمیسیون‌ها، انستیتوها، دفاتر، شرکت‌های مشاوران و برنامه‌ریزی)

- سازمان تصمیم‌گیرنده برنامه‌ها (پارلمان، دولت، دفاتر و مدیرت‌های مختلف مربوطه)

- سازمان اجراکننده برنامه‌ها (وزارتخانه‌ها، تعاونی‌ها، کارگران و شاعران - سازمان نظارت بر اجرای برنامه‌ها (وزارت‌خانه‌های مربوطه، بانک‌ها، ادارات آمار و...)

در جواب به سؤال «چه میزان و از چه چیز؟» برنامه‌ریزی باید کفایت کند. بدون کمیت‌یابی نیازها و منابع، برنامه‌قادر به رفع کمبودها نخواهد بود. رفع کمبودها و نیازها خود، یک جنبه کیفی نیز به برنامه خواهد داد.

در جواب به سؤال «چه وقت و احتمالاً چه مقدار؟» برنامه‌ریزی بر پایه پیش‌بینی استوار است.

برنامه‌ریزی یک فعالیت زمان‌بندی شده است. ایجاد زمانی برنامه‌ریزی نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی چه وقت شروع شده و چه وقت به اجرا درآمده است و چگونه در خلال گذشت زمان تغییر می‌یابد؟

در جواب به سؤال «هر چه یک فعالیت برنامه‌ریزی چه میزان است؟» و یاد جواب به سؤال «در مقابل چه میزان هزینه، یک برنامه‌ریزی صورت می‌گیرد؟» برنامه‌ریزی یک روند عقلایی (Rational) است. در جواب به سؤال «چه باید کرد؟» برنامه‌ریزی کاربوری قوانین علوم مختلف را میسر می‌سازد. برنامه‌ریزی، یک روش تجربی یا اختیاری و یا سنتی ندارد، بلکه دارای روش عقلایی و علمی است.

در جواب به سؤال «فعالیت برنامه‌ریزی در کجا اجرا خواهد شد؟» برنامه‌ریزی فعالیتی است که بر روی یک منطقه اعمال می‌شود، آن منطقه می‌تواند همگن یا ناهمگن باشد. برنامه‌ریزی برای نیل به محصولات برنامه باید با ابزارهایی مشخص و مفید اجرا گردد. همچنین تکنیک‌ها و روش‌شناسی اجرای برنامه نیز باید مشخص باشد.

برنامه‌ریزی فعالیت‌ها را به سوی دستیابی کامل به اهداف رهنمون می‌گردد و این با ایجاد تعادل بین نیازهای برنامه‌ریزی و منابع آن به دست می‌آید. بایستی دیگر می‌توان گفت: برنامه‌ریزی فرآیند تفکر انسان و عمل براساس آن تفکر برای آینده است. برنامه‌ریزی به مثابه یک فعالیت کلی، اهداف مشخص و به‌هم مرتبطی را برای ترسیم متعادل و

به کار گرفتن روش‌های مناسب، محیط اجتماعی را برحسب طبیعت و خصوصیات اجتماعی خود جامعه تغییر می‌دهد.
در انتها برنامه‌ریز مطرح می‌شود. یک برنامه‌ریز، گذشته از تخصص و علاقه باید درست سازماندهی شود و امور و وظایف محوله خود را براساس کار سازمانی درست و حساب شده انجام دهد.

شقوق برنامه‌ریزی - برنامه‌ریزی کلاً شامل دو شق است
- برنامه‌ریزی اصلاحی (تفصیلی) (ALLOCATIVE): که برای تخصیص منابع و ایجاد طرح و برنامه برای نوسازی و بهسازی فعالیت‌ها و منابع موجود اعمال می‌گردد.
- برنامه‌ریزی ابداعی (INNOVATIVE): که برای به وجود آوردن پدیده‌ها و تغییرات نوین در نظام می‌باشد.

انواع برنامه‌ریزی^۱
برنامه‌ریزی دارای انواع مختلف می‌باشد که در زیر اهم آن‌ها آورده می‌شود:
برنامه‌ریزی ملی: حاوی راهبردهای تحقق رفاه مادی کشور در کوتاه، میان و بلندمدت است. این گونه برنامه‌ریزی بیشتر بر اعمال سیاست‌های رشد ملی بدون تعهد به رعایت ویژگی‌ها و نیازهای منطقه‌ای در کشور، تأکید دارد. آنچه که در این گونه برنامه‌ریزی‌ها اولویت‌ها را مشخص می‌کند، سیاست و مصالح حکومت مرکزی است نه نیازمندی‌های نواحی مختلف کشور.

برنامه‌ریزی کلان: فرآیند مطالعه و پیش‌بینی و تخصیص عوامل اساسی اقتصاد ملی کشور است. به عبارت دیگر تا کوشش‌هایی که در زمینه برآورد عوامل کلان اقتصادی نظیر تولید ملی، درآمد ملی، صادرات و واردات، اشتغال و غیره... و تعیین سهم بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، دفاعی و... به منظور نیل به هدف‌های تعیین شده اجتماع صورت می‌گیرد؛ برنامه‌ریزی کلان تأمین می‌شود.

برنامه‌ریزی اقتصادی: فرآیندی است در زمینه هدایت و جهت‌گیری و ایجاد هماهنگی در فعالیت‌های بخش‌های تولیدی و زیربنایی. قلمروی برنامه‌ریزی اقتصادی بیشتر مسائل مادی و اقتصادی جامعه است. بخش‌های عمده برنامه‌ریزی اقتصادی عبارتند از: کشاورزی، آب، صنعت، معدن، انرژی، ارتباطات، مخابرات، امور زیربنایی و جز اینها.

۱. برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به منابع ۱۱، ۲۰، ۲۲، ۲۷، ۲۹.

برنامه‌ریزی به گفته فالودی عبارت است از کاربرد روش علمی در تعیین سیاست‌ها و شارل بن‌هایم می‌گوید: برنامه‌ریزی فعالیتی است که در آن تولیدکنندگان کشور با در نظر گرفتن قانون‌های عینی اقتصاد و نیز مشخصات توسعه اجتماعی، هدف‌های هماهنگ در تولید و مصرف را تعیین می‌کنند. علاوه بر این بهترین شرایط برای اجرای این اهداف را نیز برمی‌گزینند.

برنامه‌پذیری اقتصاد: میزان وابستگی توسعه اقتصادی به فرآیند برنامه‌ریزی را شکلی هدفمند، مناسب برای برنامه‌ریزی و به آن نیازمند باشد. درجه برنامه‌پذیری نقاط بالایی و پایینی دستیابی به اهداف برنامه را معین می‌کند:

نقطه حد بالای برنامه‌پذیری جایی است که اجرای برنامه از نظر اقتصادی مفید است اما از لحاظ تکنیکی عملی نیست، به عبارت دیگر ابزار مناسب اجرا وجود ندارد. نقطه حد پایین برنامه‌پذیری، نقطه‌ای است که برنامه‌ریزی از نظر فنی، عملی است، اما از نظر اقتصادی به صرفه نیست. حد بهینه برنامه‌پذیری منطقه‌ای است که در آن برنامه‌پذیری هم از لحاظ اقتصادی به صرفه است و هم از نظر فنی، عملی می‌باشد.

مراحل مختلف فرآیند برنامه‌ریزی - برنامه‌ریزی به صورت کلی دارای مراحل زیر است:

- شناخت ساخت موجود یک مسئله
- تجزیه و تحلیل وضعیت در رابطه با سیستم‌های همجوار و خرده‌سیستم‌های مسئله
- تصمیم‌گیری برای انتخاب راه‌حل و آماده‌سازی گزینه‌های مختلف.
- انتخاب یک راه‌حل و اعمال آن برای حل مسئله
- روند تطبیق محصولات برنامه با وضعیت جدید سیستم در جریان اجرای برنامه

متغیرهای برنامه‌ریزی - تنوری برنامه‌ریزی دارای چهار متغیر است:

روش‌های برنامه‌ریزی، محیط اجتماعی، نظام برنامه‌ریزی و برنامه‌ریز، در این میان ارتباط تنگاتنگ بین دو متغیر اول بسیار مهم است. برنامه‌ریزی می‌کوشد روش‌های خود را برحسب شرایط محیط اجتماعی خود انتخاب کند و آن را براساس شرایط و مناسبات موجود اجتماعی تغییر دهد. سپس نظام برنامه‌ریزی است که باید ساخت خود را براساس روش‌های برنامه‌ریزی و چگونگی محیط اجتماعی حاکم بر جامعه تشکیل دهد و این بیشتر توسط دولت صورت می‌گیرد. نظام برنامه‌ریزی مناسب در جامعه با

در مورد دو بعد اول قبلاً تعریف داده شده است، اما بعد سوم برنامه‌ریزی جامع.

برنامه‌ریزی فضایی یا آمایشی

برنامه‌ریزی فضایی به سازماندهی مطلوب فعالیت‌های مختلف اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی مورد نیاز توسعه در فضای سرزمین می‌پردازد و نهایتاً به تخصیص بهینه فضا بین فعالیت‌های مختلف برای تعیین قابلیت‌های مناطق مختلف کشور در دوره زمانی معین منتهی می‌گردد. این نوع برنامه‌ریزی عمده شناخت منابع سرزمین و چگونگی بهره‌برداری از این منابع را همراه با پیش‌بینی وضعیت آینده استقرار مملوب انسان‌ها و فعالیت‌های او، به منظور تأمین رشد معقول اقتصادی مدنظر خواهد داشت.

هدف برنامه‌ریزی فضایی از اهداف برنامه‌ریزی منطقه‌ای جدا نیست و می‌تواند دورنمای کاملی از سازمان موجود فعالیت‌ها، قطب‌ها، محورهای توسعه، چگونگی استقرار جمعیت، نحوه ارتباط نقاط شهری و روستایی و... را ارائه نماید.

فضا ظرف مشترک طبیعت، انسان و فعالیت‌های اوست و برنامه‌ریزی فضایی سعی دارد تا با تجربه و تحلیل و ارزیابی کارآیی فضاها در ارتباط با یکدیگر به کشف پیوستگی‌ها و وابستگی‌های فضایی پرداخته و از آن میان ساختار فضایی آینده را متناسب با نیازهای اقتصاد ملی و منطقه‌ای برای رسیدن به اهداف توسعه مشخص سازد.

برنامه‌ریزی آمایشی سرزمین: آمایش سرزمین تنظیم رابطه بین انسان، فضا و فعالیت‌های انسان در فضا، به منظور بهره‌برداری منطقی از جمیع امکانات برای بهبود وضعیت مادی و معنوی اجتماع، براساس ارزشهای اعتقادی، سوابق فرهنگی و با ابزار علم و تجربه در طول زمان است. نتیجه مطالعات و برنامه‌ریزی آمایش سرزمین، طرح آمایش سرزمین است. طرح آمایش سرزمین، طرحی است که در چارچوب اهداف و سیاست‌های کلی توسعه، سازماندهی فضای توسعه را پایه‌گذاری می‌نماید. نظر به این‌که آمایش سرزمین عموماً جنبه فضایی و مکانی فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی را مورد بررسی قرار می‌دهد، به این لحاظ با برنامه‌ریزی فضایی رابطه‌ای نزدیک دارد و در بسیاری موارد یکسان و منطبق بر یکدیگر می‌باشند. وجه تمایز این دو را می‌توان در شمول برنامه‌ریزی آمایشی بر برنامه‌ریزی فضایی دانست و به عبارت دیگر برنامه‌ریزی فضایی مرحله‌ای عمده‌ای از برنامه‌ریزی آمایشی است.

در برنامه‌ریزی فضایی سازماندهی فعالیت‌های مختلف اقتصادی اجتماعی در فضا با هدف حصول بالاترین کارآیی مطرح می‌شود در حالی‌که، برنامه‌ریزی آمایشی به

برنامه‌ریزی اجتماعی: عبارت از فرآیند هدایت و جهت‌گیری و ایجاد هماهنگی در برنامه‌هایی است که جنبه رشد و تعالی انسانی دارد و با سوجیات بهزیستی انسان را فراهم می‌آورد. از لحاظ فرهنگی برنامه‌ریزی، امروز بخش‌هایی نظیر فرهنگ، هنر، آموزش و پرورش، بهداشت، تأمین اجتماعی، مسکن و تفریحات و اوقات فراغت و... را قلمرو مسائل اجتماعی می‌دانند و در نتیجه، برنامه‌ریزی در این حیطه را برنامه‌ریزی اجتماعی می‌نامند.

برنامه‌ریزی بخشی (میکرو): عبارت است از فرآیند تصمیم‌گیری و پیش‌بینی فعالیت‌های هماهنگ شده یک بخش اقتصادی یا اجتماعی و یا زیربنایی در قالب راهبردهای توسعه ملی و هدف‌های پیش‌بینی شده، به عبارت دیگر فرآیند تنظیم روند تغییرات حال و آینده یک بخش معین اقتصادی و اجتماعی در چارچوب هدف‌های ملی است.

برنامه‌ریزی میان‌بخشی (تلفیقی): فرآیندی است در برنامه‌ریزی که به منظور هماهنگی کردن تصمیم‌گیری‌ها و پیش‌بینی عوامل مشترک ذری ربط بین برنامه‌های بخشی یا منطقه‌ای به وجود می‌آید. تعیین و حفظ منطقی این ارتباط زمینه برنامه‌ریزی میان‌بخشی را تشکیل می‌دهد.

برنامه‌ریزی از پایین به بالا (غیرشموزی): فرآیندی است در جهت مشارکت عمومی مردم در امر برنامه‌ریزی و شناسایی امکانات و نیازهای جامعه به مدد نهاد‌های موجود و گزارش امکانات و نیازها و برنامه‌ها به سطوح بالای برنامه‌ریزی برای هماهنگی و تلفیق در تهیه برنامه ملی. برنامه‌ریزی منطقه‌ای را نیز اصطلاحاً برنامه‌ریزی از پایین به بالا می‌گویند.

برنامه‌ریزی از بالا به پایین (شموزی): روشی است که در آن شناسایی امکانات و منابع ملی در سطوح بالای برنامه‌ریزی براساس اطلاعات تهیه شده در سطوح پایین‌تر صورت می‌گیرد، و تخصصی آن منابع به موارد کلان توسط تصمیم‌گیرندگان سیاسی مملکت و مسئولان برنامه‌ریزی مرکزی انجام می‌پذیرد و برای سایر مراحل به واحدهای پایین‌تر برنامه‌ریزی ارجاع می‌شود.

برنامه‌ریزی جامع: دربرگیرنده کلیه ابعاد اقتصادی و اجتماعی زندگی انسانی می‌باشد؛ یعنی خود انسان و هر آنچه که با او ارتباط دارد، چه مادی و چه معنوی، یک برنامه‌ریزی بلند یا میان مدت است و می‌تواند به صورت مستمر یا غیرمتمرکز عمل شود. برنامه‌ریزی جامع دارای سه بعد مختلف می‌باشد:

- برنامه‌ریزی اقتصادی
- برنامه‌ریزی اجتماعی

- برنامه‌ریزی فضایی یا آمایشی

باتوجه به ایده فوق، حتی می‌توان گفت بر مبنای عامل فضا، منطقه یک واحد جغرافیایی با مساحت، حدود و مرزهای مشخص می‌باشد. این واحد ممکن است شامل تعدادی روستا یا چندین کشور باشد. در نتیجه منطقه را می‌توان یک سازمان مکانی یا مساحتی با ابعاد مختلف فرض کرد.

از این گذشته، منطقه محدودهای از سرزمین است که به دلیل شرایط طبیعی و مقتضیات اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی و فضایی، کمابیش همگونی داشته و متمایز از محدوده‌های دیگر است و یادارای خصیصه‌ها و عملکردهای نسبتاً همسانی است. همچنین می‌توان منطقه را به مثابه یک جامعه در نظر گرفت که در آن فعالیت‌های اقتصادی جریان دارد، و نیز فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی در آن صورت می‌پذیرد و به علاوه قطب‌های توسعه و نظامی از شهرهای در سطوح مختلف در آن وجود دارد. در چارچوب مرزهای ملی یک کشور، منطقه فضایی بزرگ‌تر از یک ناحیه شهری و کوچک‌تر از یک فضای ملی است.

دیدگاه‌های مختلف درباره منطقه

کارشناسان با تخصص‌های مختلف، دیدگاه‌های گوناگون درباره منطقه دارند:

جوهر: «هر بخش از سطح زمین که شرایط فیزیکی متجانس داشته باشد از نظر جغرافیایی یک منطقه به شمار می‌آید»

هربرتسون: «منطقه مجتمعی از زمین، آب، هوا، گیاه، حیوان و انسان است که در آن همچنان که بخش مشخصی از زمین را تشکیل می‌دهند، ارتباط مکانی و فضایی نیز با یکدیگر دارند.»

البرت واترستون: «منطقه قلمروی است با مسائل اجتماعی و اقتصادی مشترک که این مسائل به وسیله طبیعت یا سایر شرایط اتفاقا شده است.»

غلامرضا سعیدی: «منطقه بخشی از کشور است که حدود جغرافیایی و اداری مشخص و معینی ندارد و بیشتر می‌توان آن را نوعی تقسیم‌بندی موضوعی، از نظر مطالعات اقتصادی - اجتماعی دانست.»

آرنوینچی: «منطقه یک یا چند فضای جغرافیایی است که تمدن یک ملت در یک استاندارد ویژه برای نسل به خواسته‌هایش از طریق منابع مادی بدان نیازمند است.»

بوون: «اما به انسان واقعی و مکان‌های واقعی از طریق دسته‌بندی آن‌ها برحسب

سازماندهی فعالیت‌های مختلف در فضا به منظور نيل به بهينه نمودن روابط انسان، فضا و فعالیت‌ها می‌پردازد.

آمایش سرزمین عبارت از روشن نمودن برنامه فضای توسعه است که در تطبیق با راهبردهای توسعه به سازماندهی متعادل فضای توسعه می‌پردازد. مطالعات آمایش سرزمین بیشتر جنبه کیفی و ارشادی دارد، در حالی که برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و اجتماعی بیشتر از جنبه کمی و اجرایی برخوردار است. برنامه‌ریزی اقتصادی - اجتماعی برای تجلی در فضا به آمایش سرزمین روی می‌آورد و آمایش سرزمین با آرایش فضا و تبیین سیمای توسعه در درازمدت زمینه‌ساز برنامه‌ریزی‌های بخشی می‌گردد.

نوع دیگر برنامه‌ریزی، برنامه‌ریزی منطقه‌ای است که در ذیل به‌طور مشروح درباره آن بحث خواهیم داشت:

قبل از این که سخنی از برنامه‌ریزی منطقه‌ای داشته باشیم، جا دارد پس از تعاریفی که از برنامه‌ریزی و انواع آن در فوق داشتیم تعریفی چند از انواع آن نیز ارائه شود و سپس برنامه‌ریزی منطقه‌ای تعریف شود.

منطقه: اگر تجسم فضایی یا عینی قلمروی برنامه‌ریزی ملی آسان باشد، به اعتبار تعریف دقیقی که از کشور و حدود و ثغور آن وجود دارد و کاملاً شناخته شده است، بدون تردید تصور قلمروی برنامه‌ریزی منطقه‌ای به دلیل ابهاماتی که در تعریف منطقه و تعیین مرزهای آن هست، سهل و ممتنع خواهد بود.

سهل به اعتبار این که منطقه در هر قالب و شکلی که تصور شود، یک نسج درون‌مرزی می‌باشد و فقط کافی است بر مبنای هدف برنامه رشد اقتصادی تعریفی یا چارچوبی از منطقه به دست داده شود تا تجسم اقلیمی آن تسهیل گردد. ممتنع به اعتبار این که تقسیمات اداری و سیاسی کشور و قوانین حاکم بر آن‌ها هرگونه آزادی عمل در تعیین حدود جغرافیایی و قلمروی فعالیت‌های یکپارچه عمرانی منطقه را سلب می‌نماید.

اساساً منطقه تعریف مشخص و معینی ندارد. در قلمروی برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی به تبع ابعادی که به برنامه‌ریزی داده شده است، مفاهیم زیر از منطقه استنباط می‌گردد.

- ترکیبی از قسمت‌های متجانس از لحاظ اجتماعی، اقتصادی و طبیعی چند استان مجاور

- بخشی از یک استان با ویژگی‌های معین و مشخص اجتماعی اقتصادی و طبیعی - قلمروی استان علی‌رغم ناهمگنی‌های طبیعی، اقتصادی و اجتماعی

منطقه‌اداری، عبارت از یک فضای جغرافیایی است که براساس ضوابط و معیارهای سیاسی و اداری به صورت مصنوعی تقسیم‌بندی شده باشد، نظیر مرزبندی استان‌های کشور. از لحاظ مقیاس، برنامه‌ریزی، مناطق به این انواع تقسیم می‌شوند:

منطقه کلان: عبارت از مجموع فضاهای جغرافیایی است که دارای وجه تشابه زیاد می‌باشند و بخشی از فضای ملی کشور را تشکیل می‌دهند مثلاً تعدادی از استان‌ها یا یک استان.

منطقه میانه: از لحاظ مقیاس کوچک‌تر از منطقه کلان و بزرگ‌تر از منطقه خرد است مثلاً یک منطقه شهری (متروپول) یا یک استان، یا چند شهرستان.

منطقه خرد: عبارت از مکان همگن، با عملکرد اقتصادی مشخص در قالب یک منطقه است که در آن برنامه‌ریزی ناحیه‌ای انجام می‌گیرد مثلاً شهرستان.

منطقه صغری: سطح آن از منطقه خرد کوچک‌تر است و در آن برنامه‌ریزی محلی انجام می‌شود مثل یک شهر کوچک یا گروهی از روستاها.

هر یک از انواع فوق از لحاظ محتوی یک کیفیت از کیفیات زیر را دارا می‌باشند:

با مناطق شهری هستند (مناطق متروپول)، با مناطق دره، رودخانه (حوزه آبریز) هستند. با مناطق توسعه‌محوری (امتداد خطوط حمل و نقل یا کانال آبیاری) هستند و با مناطق محروم و در حال تحول (مناطق مهاجر فرست) می‌باشند.

سایر انواع منطقه عبارتند از:

منطقه رسمی یا واحد (UNIFORM-FORMAL): منطقه‌ای است که نواحی مختلف آن از چند جنبه خاص و ویژه و مهم همگن و در متغیرهایی که در نقش‌سازی برای منطقه مؤثرند و منطقه براساس آن‌ها تعریف می‌شود مشترک می‌باشند.

منطقه عملکردی (FUNCTIONAL): منطقه‌ای است که نواحی مختلف تشکیل‌دهنده آن با یکدیگر ارتباط و کنش و واکنش فراوان دارند و با نواحی خارج از منطقه کمتر ارتباط دارند.

منطقه نودالی (NODAL): شکل خاصی از منطقه عملگروری است که دارای یک نقطه کانونی است و در آن نقطه یک برتری منطقه‌ای و نوعی رهبری توسعه منطقه‌ای وجود دارد. به عبارت دیگر اگر ارتباط و کنش و واکنش بین نواحی مختلف یک منطقه وجود داشته باشد و عملگردهای رهبری توسعه منطقه در یک ناحیه متمرکز باشد، آن منطقه کانونی نامیده می‌شود.

در درون نواحی کانونی ممکن است مرکزیت در سطوح متفاوت وجود داشته باشد

که در اینجا سطح‌بندی مراکز کانونی با رشد مطرح می‌گردد. همچنین در یک منطقه

شبهات و طبقه و کار یا محل‌شان کلیت می‌بخشیم. هرگاه به گروه‌ها می‌اندیشیم باید بی‌درنگ روابط بین گروه‌ها را نیز به یاد آوریم. هر گروه مانند هر یک از اعضایش با شرایط محدود و خارجی، رویه‌روست. این شرایط در سراسر یک ناحیه یا منطقه گسترده می‌باشند.

استاتیوی: منطقه سرزمینی است با وسعت نامحدود که با تعاریف و طبقه‌بندی، نمی‌توان حدود و مرزهای آن را دقیقاً ترسیم نمود یا به ماهیت ذاتی آن پی برد. فعالیت انسان به یک ناحیه منحصر نمی‌شود و در نتیجه یک منطقه نمی‌تواند به طور کامل بسته و مکی به خود باشد.

پویگی: «منطقه در اصطلاح جغرافی‌دان نوعی از محیط است که در آن عوامل جغرافیایی در رابطه‌ای قطعی و مستمر با یکدیگر نظم و ترتیب یافته‌اند.»

مارشال ای، دیماک: «منطقه‌بندی، اجتماعی از عوامل محیطی، اقتصادی، اجتماعی و مسکونی در وسعتی است مجزا از کل سرزمین که در آن آگاهی آشکار نسبت به نیاز به برنامه‌ریزی مستقل و تجلی ویژگی‌های فرهنگی و میل به داشتن استقلال اداری وجود داشته و در نظر به شناخته شده باشد و در عمل به اجرا آید.»

جان اوجارد: «مناسبت‌ترین منطقه‌بندی برای برنامه‌ریزی اجتماعی و اقتصادی باید دارای فضایی به عنوان یک کانون متحد سازنده باشد، کلیه سرزمین‌های تابع را پوشش دهد و عدم تجانس و تضاد و تنوع اجزاء نظام منطقه‌ای در آن چندان چشمگیر نباشد.»
ام. اچ. گویال: «منطقه از نظر عملیاتی راحت‌ترین و از لحاظ اقتصادی باصرفه‌ترین واحد مکانی، بخشی و یا زمانی برای تخصیص منابع است که در آن هدف برنامه‌ریزی صرفاً به منزله رشد اقتصادی و رفاه می‌باشد.»

انواع مناطق برای برنامه‌ریزی^۱

در مقوله برنامه‌ریزی، مناطق به انواع زیر تقسیم می‌شوند:

منطقه جغرافیایی: عبارت از یک فضای جغرافیایی است که در درجه اول از لحاظ خصوصیات اقلیمی و اکولوژیک و محیطی همگن و با دارای مشخصات یکسانی باشد.

منطقه توسعه: عبارت از فضا و محیطی است که از لحاظ امکانات و منابع توسعه یکسان و همگن و از نظر خصوصیات اقتصادی و اجتماعی فضایی همسان برای برنامه‌ریزی توسعه باشد.

۱. برای اطلاع بیشتر تجدید کنید به منابع ۶، ۸، ۷، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۹، ۲۰، ۳۰.

چارچوب منطقه‌بندی نیز بر این اساس انجام می‌شود:
 - وابستگی و ارتباطات نقاط و نواحی منطقه
 - تشابه و تجانس نقاط و نواحی منطقه

هدف		منبای نوع
برنامه‌ریزی	تجزیه و تحلیل و مطالعه	منطقه‌بندی
مناطق برنامه‌ریزی	مناطق قطبی	وابستگی و ارتباط
مناطق اجرای طرح‌ها	مناطق همگن	تشابه و تجانس

نگاهی دیگر به تعریف منطقه - منطقه در واقع همان «فضا با مرزها و حدهای مشخص در داخل یک کشور است. مفهوم منطقه، عامل‌های کالبدی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نهادی را در محیطی با یکدیگر پیوند می‌دهد که در آن قابلیت‌های رشد محلی به بهترین شکل می‌توانند به حرکت درآیند. توزیع فضایی منابع طبیعی، ناحیه‌داری مناسب‌ترین شرایط بهره‌برداری در منطقه، تعداد کارگر ده‌های مبتنی بر منابع و نیز درجه تمرکز در جریان تصمیم‌گیری، عامل‌های مؤثر در ساختار فضایی و شکل‌گیری سازمان فضایی منطقه محسوب می‌شوند. به شرطی که ویژگی‌های این عامل‌ها معین باشد یعنی توزیع متمرکز یا پراکنده منابع طبیعی، اندازه نسبی ناحیه مستعد، تک عملگر دی با گرایش به تمرکز در ناحیه مستعد و یا چند عملگر دی بودن منطقه به صورت وجود قطب‌ها و کانون‌های توسعه مستعد و نیز شدت و ضعف عدم تمرکز در تصمیم‌گیری و اجراء سطح منطقه، مورد شناسایی قرار گیرد (Hillhorst, 1971).

در شکل‌گیری نظام برنامه‌ریزی منطقه‌ای، منطقه باید دارای مفهوم سازمانی مشخص باشد تا موضوع برنامه‌ریزی را شکل بخشد. واقعیت برنامه‌ریزی منطقه‌ای بستگی به این دارد که سازماندهی منطقه‌ای به عنوان موضوعی قانونی در قلمروی سیاست عمومی درک گردد. سازمان منطقه‌ای برنامه‌ریزی باید قدرت به کارگیری سایر نهادها را برای اجرای برنامه‌های منطقه‌ای دارا باشد. منطقه با دو وجه می‌تواند سازماندهی شود. برای مواجهه با «جهان بیرون»: در این وجه، منطقه در رقابت با دیگر منطقه‌ها برای جذب منابع و فعالیت‌های توسعه‌ای قرار دارد.

برای مواجهه با «امور داخل»: خود، در این وجه، منطقه براساس کارایی اقتصاد و عدالت میان ناحیه‌ها مدنظر قرار می‌گیرد:

زمینه دو وجه فوق خود سه اصل اساسی است: نظام‌های منطقه‌ای باید گسترده، مؤثر و کارآ باشند؛ منطقه باید از مزیت دسترس‌ی به صرفه‌جویی مقیاس بهره‌مند باشد؛ و موقعیت‌ها

کانونی، نواحی مختلف ممکن است به علل گوناگون هر یک، مرکزیت یک نقطه کانونی جداگانه را برگزینند و به این ترتیب منظور مهم‌های مختلف در داخل یک منطقه کانونی به وجود آید و به آن ساختار منظوم‌های بیخشد.

اگر بین چند منطقه کانونی مجزا با یکدیگر ارتباط، کنش و واکنش وجود داشته باشد، مجموعه‌های از مناطقی را می‌توان یک منطقه عملگر دی دانست. حتی یک منطقه کانونی به علت ارتباطات و کنش‌های درون منطقه‌ای می‌تواند یک منطقه عملگر دی نیز باشد. منطقه سازمانی یا رقابتی: منطقه‌ای است که مردم آن را با وابستگی‌های متقابل که از منافع مشترک برمی‌خیزند به یکدیگر پیوند می‌دهد.

منطقه ژئوفیزیکی: منطقه‌ای است که خصوصیات فیزیکی و فیزیولوژیکی نواحی متشکله آن مشابه باشند.

مناطق قطبی (POLARISED): مناطقی هستند که در آن‌ها یک شهر به عنوان قطب، ایجاد میدان مغناطیسی و حیطه نفوذ نموده و تمام فعالیت‌های منطقه را به خود جذب و در خود قطبی می‌کند.

محدوده نفوذ شهرهای قطبی: دو عامل بر محدوده نفوذ شهرهای قطبی تأثیر می‌گذارد: گذشت زمان: محدوده نفوذی شهرهای قطبی با گذشت زمان به علت تأثیر فعالیت‌ها و رقابت دو قطب مشابه و یا غلبه یکی بر دیگری تغییر می‌کند.

بر خدماتی فعالیت‌ها: براساس نوع فعالیت‌ها و بردی که سرویس‌دهی این فعالیت‌ها در هر قطب دارد، محدوده نفوذ قطب مشخص می‌شود. هر قطب برای هر فعالیت خود محدوده‌های خاص دارد.

نحوه تعیین محدوده منطقه: برای مشخص کردن یک منطقه، از روش‌های مختلفی استفاده می‌شود، انتخاب روش در این خصوص بستگی دارد به:

- هدف منطقه‌بندی
- چارچوب موردنظر منطقه‌بندی
- اطلاعات لازم برای منطقه‌بندی

هدف‌های منطقه‌بندی عبارتند از:

- منطقه‌بندی برای مطالعه و تجزیه و تحلیل
- منطقه‌بندی برای برنامه‌ریزی

کلان است و واحد فرعی اقتصادی به شمار می‌رود؛ منطقه خرد، ناحیه‌های همگن یا عملکردهای مشخص اقتصادی؛ و منطقه محلی، که کوچک‌تر از منطقه خرد می‌باشد (Mitra, 1982). نمودار صفحه بعد ساختار نگاهی دیگر به مفهوم منطقه را نشان می‌دهد.

برنامه‌ریزی منطقه‌ای^۱

برنامه‌ریزی منطقه‌ای فرآیندی است در جهت تنظیم و هماهنگ کردن برنامه‌های مختلف اقتصادی - اجتماعی با نیازها و امکانات محلی، به عبارت دیگر برنامه‌ریزی منطقه‌ای فرآیندی است در جهت مشارکت مردم و مناطق در برنامه‌ریزی و فراهم آوردن موجبات برنامه‌ریزی از پایین به بالا به منظور انطباق برنامه‌های کلان ملی با ویژگی‌های ناحیه‌ای. برنامه‌ریزی منطقه‌ای مطابق با سیاست توسعه منطقه‌ای در سطح ملی است و آمیخته با روند تصمیم‌گیری و طراحی در سرمایه‌گذاری روی پروژه‌های در سطح منطقه و روی برنامه‌های توسعه اقتصادی برای مناطق مختلف یک کشور می‌باشد. بدیهی است برنامه‌ریزی منطقه‌ای از لحاظ عامل جغرافیا و فضاوجه مشترک فراوانی با آمایش سرزمین دارد و تجربه جهانی نیز حکایت از این واقعیت می‌کند که این دو برنامه‌ریزی باید در کنار هم و بلکه برنامه‌ریزی منطقه‌ای در چارچوب آمایش سرزمین انجام پذیرد.

برنامه‌ریزی منطقه‌ای یک نظم آکادمیک است که توسط طبقه‌بندی اهداف اجتماعی برای فعالیت‌های در سطوح بزرگ‌تر از شهرها مشخص می‌شود. نظریه‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای از لحاظ ساختاری، آمیخته‌ای از نظریه‌های فضایی اقتصادی مثل نظریه مرکزیت مکانی و قوانین جغرافیایی مانند نظریه تقاطع مرکزی می‌باشد. تغییرات فضایی که بر اثر توسعه اقتصادی به وجود می‌آید نیاز به مطالعات منطقه‌ای را ضروری می‌سازد.

حدود و شقوق برنامه‌ریزی منطقه‌ای

برنامه عمران منطقه‌ای حدود و شمول یا شقوق متفاوتی می‌تواند داشته باشد که اهم آن‌ها به شرح زیر است:

۱- جلب و تمرکز سرمایه‌گذاری در نقاط عقب‌افتاده و کم رشد دارای پتانسیل‌های اقتصادی و اجتماعی

۲- منطقه‌ای کردن برنامه‌های یک بخش اقتصادی به منظور ایجاد قطب‌های تولیدی کشاورزی یا صنعتی و توریستی و...

۱. برای اطلاع بیشتر راجع به کلیه سیاست‌ها در مورد برنامه‌ریزی منطقه‌ای، رجوع کنید به منابع زیر ترس قبل.

و مستقریت‌ها باید به شکل برابر میان ناحیه‌ها توزیع گردد (So, Hand, McDowell, 1985). مفهوم سازمانی قوق، چارچوبی را فراهم می‌سازد که منطقه را به عنوان بخشی از قلمروی کشور و با تأکید بر ویژگی‌های کاربردی‌اش تعریف نماییم. شناخت کاربردی منطقه در چارچوب برنامه‌ریزی توسعه، مستلزم تعریف عملکردی از آن است که عامل‌های ارائه آن شامل «اصل همگنی قلمروی»، «اصل یکپارچگی عملکردی» و «رویکرد اجرایی» هستند (Lim, 1983). بر پایه اصل همگنی، منطقه گروهی از ناحیه‌های همگن است که ویژگی‌های جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی مشابه دارند. بر اساس مفهوم اصل یکپارچگی عملکردی، تمام ناحیه‌هایی که از لحاظ عملکردی به یک کانون مرکزی متحد سازنده مرتبط هستند یک منطقه را شکل می‌بخشد. و بر مبنای رویکرد اجرایی، منطقه با هدف تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه‌زا و عمرانی تعریف می‌شود. منطقه همگنی، قلمروی جغرافیایی دارای ناحیه‌هایی با ویژگی‌های واحد است (Hall, 1986). تجانس در تریوگرافی، اقلیم، منابع طبیعی و...؛ همسانی نسبی ساختار تولید، الگوی مصرف، درآمد سرانه، ساختار اشتغال و...؛ و اشتراک در هویت قومی، مذهب، زبان، پیشینه سیاسی و... ویژگی‌های سیمای یک منطقه همگن را تشکیل می‌دهد. یکپارچگی عملکردی منطقه‌ای بر مبنای تعامل فضایی کانون‌ها و مرکزهای جمعیتی موجود در منطقه اتفاق می‌افتد (Triedmann, 1979).

در سطح خرد، ناحیه‌های مختلف منطقه کارکردی با یکدیگر ارتباط مقابل فراوانی دارند و با ناحیه‌های خارج از منطقه کمتر ارتباط برقرار می‌کنند. منطقه کارکردی برحسب بازار کار شهری و حوزه نفوذ آن تعریف می‌شود. در سطح میانی، منطقه کارکردی، شکل خاصی از منطقه عملکردی است که در آن یک نقطه کانونی وجود دارد که نسبت به دیگر نقاطهای جمعیتی دارای برتری است و مرکز ثقل ارتباط‌های درون منطقه محسوب می‌شود. در سطح کلان، منطقه قطبی با پیوندگامی است که در آن یک شهر به عنوان مرکز قطب رشد، میدان نفوذ ایجاد نموده و تمام فعالیت‌های منطقه‌ای را به خود جذب و در خود قطبی می‌کند.

در یک فرآیند برنامه‌ریزی منطقه‌ای، تعیین منطقه مورد عمل، تائیدی از منطقه‌های همگن و در سطح‌های مختلف منطقه عملکردی (برحسب شرایط) می‌باشد و می‌توان آن را به عنوان یک «منطقه برنامه‌ریزی» به کار گرفت که یکپارچگی آن از تصمیمات و نظرهای سیاسی و اداری ناشی می‌شود و از لحاظ مقیاس به چهار دسته تقسیم می‌شود.

منطقه کلان، بخشی از فضای ملی را تشکیل می‌دهد؛ منطقه میانی که کوچک‌تر از منطقه

۳- تهیه و اجرای طرح‌های تفصیلی بخش‌های اقتصادی در مناطق مختلف کشور، بدین معنی که برنامه ملی و بخشی خط‌مشی‌های کلی رشد را تعیین می‌نمایند و در سطح منطقه، با رعایت اولویت‌ها و خط‌مشی‌های کلی نسبت به انتخاب و اجرای طرح‌ها و پروژه‌ها اقدام می‌شود.

۴- تهیه و تنظیم و اجرای برنامه جامع منطقه‌ای که کامل‌ترین و مناسب‌ترین شکل برنامه‌ریزی منطقه‌ای تلقی می‌شود، زیرا هماهنگی بین پروژه‌ها و طرح‌ها را تضمین، رشد متعادل اقتصادی - اجتماعی منطقه را تأمین و اختلافات فاحش مناطق مختلف را به سرعت تعدیل می‌نماید.

نظریه رشد منطقه‌ای: دانشمندان اقتصادی روی یک نظریه مشخص رشد منطقه‌ای چه در سطح بین‌المللی و چه در محدوده مرزهای کشور متفق‌الرأی نیستند ولی با شناختی که از نظریه داریم می‌توانیم بگوییم که به‌طور کلی در زمینه عمران منطقه‌ای چهار عامل، ارکان اصلی نظریه رشد را تشکیل می‌دهند که از آن‌ها به عنوان ضوابط اساسی در تحلیل‌ها و فضاوت‌ها و تصمیم‌گیری‌ها استفاده می‌شود. از نقطه نظر جان فریدمن و ویلیام آلسو این چهار عامل عبارتند از:

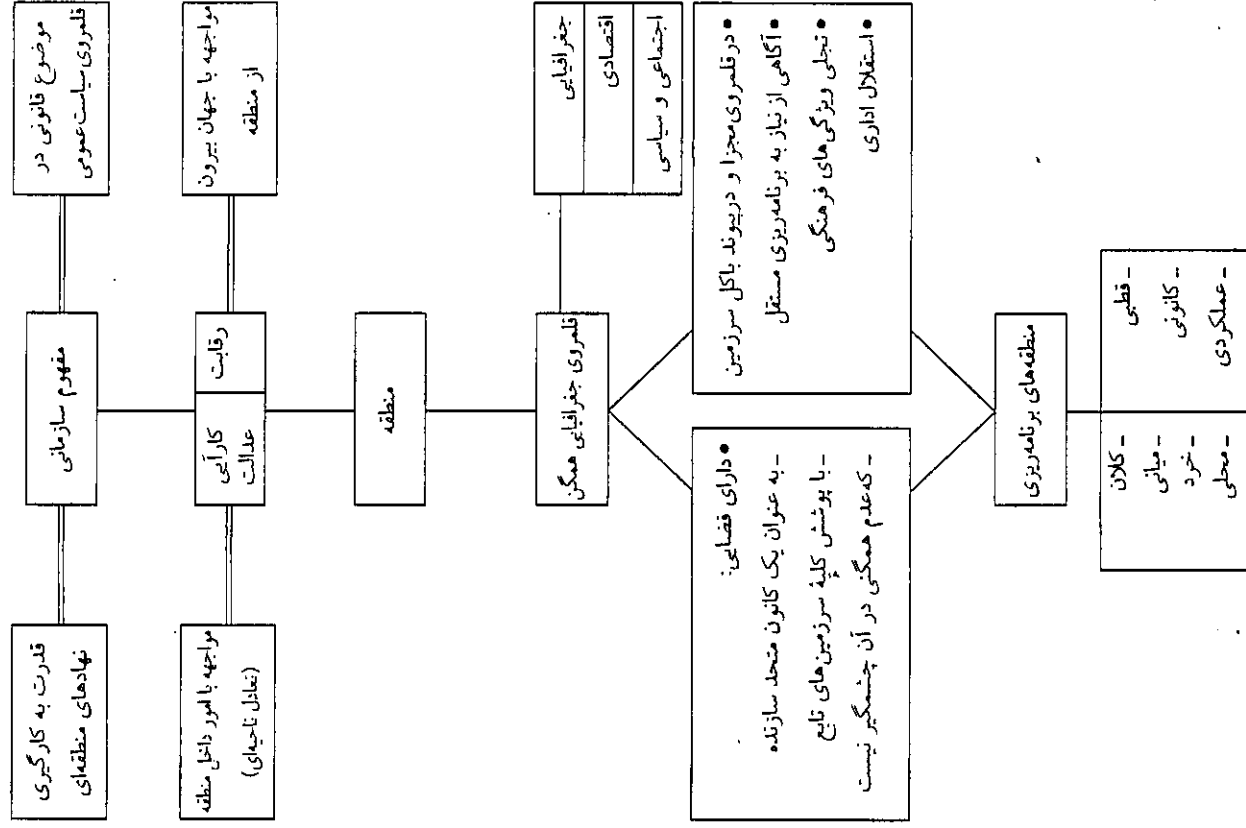
«منابع طبیعی، نیروی انسانی و نقل و انتقال آن، شهرنشینی، واکنش بخش کشاورزی (روستا) در برابر شهرنشینی».

علاوه بر این، مؤلف این مجموعه، نظریه توسعه فضایی منطقه را از دیدگاه خود در مقاله‌های تحت عنوان «یک راهبردی و یک راهکار» تشریح نموده است که در فصل اول، بخش دوم این کتاب به نظر خواهد رسید.

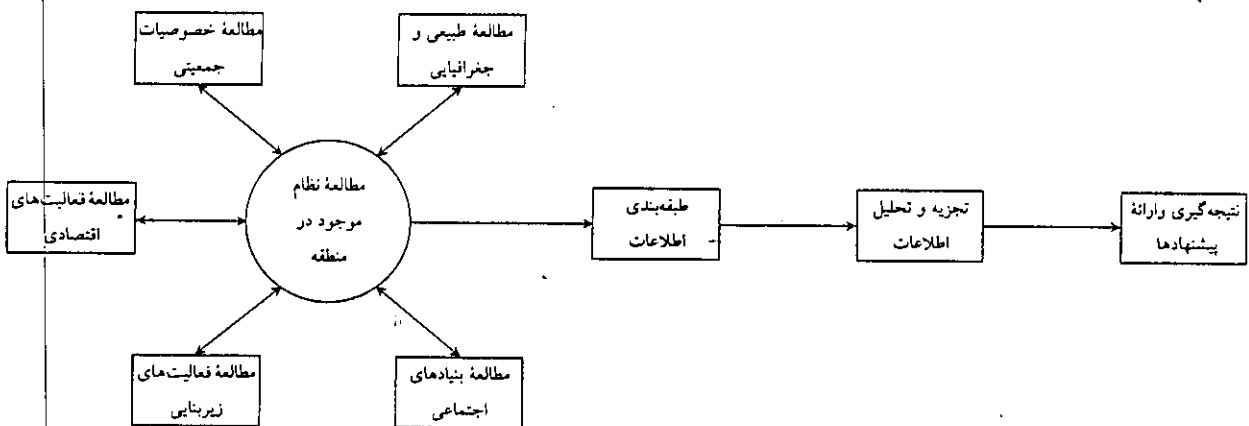
هدف مطالعات منطقه‌ای

منظور از مطالعات منطقه‌ای، یافتن توانایی‌ها و میزان ظرفیت هر منطقه برای رشد و توسعه می‌باشد. از این نظر تشخیص چگونگی توزیع فعالیت‌های مختلف اقتصادی شامل جنبه‌های تولیدی و خدماتی و همچنین سایر فعالیت‌های اجتماعی در سطح منطقه، نقش جمعیت و نحوه توزیع و پراکنندگی آن‌ها، موقعیت مشاغل و منابع شغلی جمعیت فعال در منطقه، پیدا نمودن و تعیین قطب‌ها و مراکز توسعه یافته در هر منطقه، تعیین فعالیت‌های تولیدی و خدماتی در قطب‌ها و مراکز، دریافت عامل یا عوامل مرکزی قطب‌ها نسبت به سایر نواحی منطقه، که از این قطب‌ها و مراکز خدمات می‌گیرند، مطالعه یافت‌ها و شبکه‌های حوزه‌ها و نواحی مختلف موجود در منطقه و

نمودار - نگاهی دیگر به مفهوم منطقه



الگوی برای مطالعات منطقه‌ای



شناخت فضای فیزیکی آنها و موقعیت آنها نسبت به یکدیگر و در رابطه با مراکز توسعه و قطب‌ها و درک چگونگی روابطشان، مطالعه چگونگی بافت و شبکه‌های ارتباطی موجود در منطقه، رابطه منطقه مورد مطالعه با مناطق همجوار و حتی دور دست و در انتها بر پایه مطالعات فوق، درک تصویر سلسله مراتبی نواحی مختلف موجود در منطقه در چارچوب مطالعات منطقه‌ای لازم است. الگوی مطالعات منطقه‌ای با تأکید به تشکیل یک نظام مطالعاتی برای منطقه در نمودار صفحه بعد آورده شده است.

فرایند برنامه‌ریزی منطقه‌ای

در مطالعات منطقه‌ای، گذشته و حال مورد مطالعه قرار می‌گیرد بدین شکل که وضعیت کنونی، چرا و چگونگی به وجود آمده است و از این اطلاعات برای پیش‌بینی و آینده‌نگری و ساختن هرچه بهتر آینده استفاده می‌شود. به طور کلی روند برنامه‌ریزی منطقه‌ای دارای مراحل زیر است:

الف- بررسی و گردآوری اطلاعات و داده‌ها

ب- طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده‌ها

ج- تعیین اهداف برنامه‌ریزی و راه‌های دست یافتن به هدف‌ها

د- انتخاب گزینه‌های مختلف از سیاست‌های اجرایی و راهکارهای کاربردی نمودن هدف‌ها و راهبردها و مطالعات برای انطباق آنها با وضع منطقه مورد برنامه‌ریزی
هـ- انتخاب بهترین گزینه‌ها در رابطه با اهداف و انطباق آنها با اهداف برنامه (ارزایی گزینه‌ها)

و- تهیه طرح‌ها و اقدامات

ز- تصویب برنامه منطقه‌ای

ح- اجرای برنامه

ط- نظارت بر اجرای برنامه

نظریه‌ای تحت عنوان «اتم - استراتژی» - بر ویژه برای برنامه‌ریزی وجود دارد که در برنامه‌ریزی، توسعه منطقه‌ای نیز استفاده می‌شود و دارای سه مرحله می‌باشد:

در مرحله اول، اطلاعات کافی از منطقه و محیط مورد مطالعه و برنامه‌ریزی جمع‌آوری می‌شود (تهیه تم برنامه‌ریزی).

در مرحله دوم، مطالعات فراوانی از جنبه‌های مختلف اقتصادی اجتماعی - فرهنگی و غیره... انجام می‌گیرد (تعیین استراتژی برنامه‌ریزی).

و در مرحله سوم، پروژه‌های مختلف عمران و توسعه منطقه تهیه می‌شود (تهیه پروژه‌های برنامه‌ریزی).

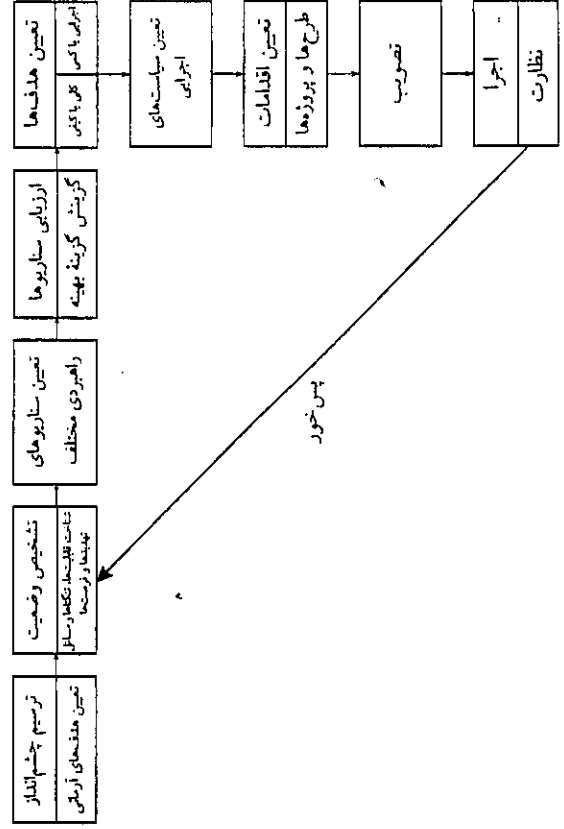
این یک روش تصمیم‌گیری در برنامه‌ریزی است که علاوه بر برنامه‌ریزی منطقه‌ای در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی بلند، میان کوتاه‌مدت نیز کاربرد دارد. در دو نمودار زیر فرآیند برنامه‌ریزی منطقه‌ای نشان داده شده است.

انواع برنامه‌ریزی منطقه‌ای

اشکال گوناگون برنامه‌ریزی منطقه‌ای را می‌توان در سه شکل زیر خلاصه کرد:
۱- برنامه‌ریزی منطقه‌ای به مثابه فرآیندی برای تهیه طرح‌های جامع عمران منطقه‌ای: هدف از این نوع برنامه‌ریزی منطقه‌ای، تمرکز سرمایه‌گذاری در مناطق مستعد توسعه اما عقب‌افتاده می‌باشد که از طریق ایجاد قطب‌های رشد و مراکز توسعه موجب حرکت عمومی رادار منطقه موردنظر در جهت پیشرفت میسر خواهد کرد.

۲- منطقه‌ای کردن برنامه‌های توسعه ملی: در این الگو، برنامه‌ریزی منطقه‌ای درون یک نظام جامع و متمم‌کن برنامه‌ریزی جای دارد. در این نظام دو حرکت کلی برنامه‌ریزی از بالا به پایین و از پایین به بالا مشاهده می‌شود:

فرآیند برنامه‌ریزی



مراحل و اقدامات برنامه‌ریزی (مختصر)	مراحل
ورودی‌ها (به اقدامات برنامه‌ریزی) ۱-۱. استراتژی ملی توسعه منطقه ۱-۲. امکانات بالقوه توسعه ۱-۳. تعیین محدوده منطقه	۱. تعیین محدوده منطقه
۲-۱. جمعیت ۲-۲. اقتصاد ۲-۳. ساخت اجتماعی - سیاسی ۲-۴. عوامل عقب‌ماندگی	۲. تجزیه و تحلیل منطقه‌ای
۳-۱. تعیین اهداف ۳-۲. استراتژی توسعه	۳. تجزیه و تحلیل هدف
۴-۱. انتخاب بخش‌های کلیدی ۴-۲. تعیین پروژه‌های کلیدی ۴-۳. تعیین پروژه‌های پشتیبان	۴. تجزیه و تحلیل پروژه و بخش
ورودی ۲ ورودی ۳ ورودی ۴ ۵-۱. ایجاد تأسیسات پروژه ۵-۲. مفهوم فضایی توسعه ۵-۳. پیشرفت مجموعه پروژه‌ها در نبل به اهداف	۵. تهیه طرح توسعه منطقه‌ای
۶-۱. شعوق مختلف اجرای پروژه ۶-۲. تشکیلات موردنیاز برای اجرا ۶-۳. مشارکت مردم	۶. اجرای طرح‌های توسعه منطقه‌ای

در منطقه با قابلیت بهره‌گیری از منابع در بلندمدت از طریق ایجاد تعادل بین یک منطقه و سایر مناطق کشور بر اساس تصمیم‌گیری‌های دولت می‌باشد. بخش مهمی از برنامه‌ریزی منطقه‌ای شامل برنامه‌ریزی بر روی کاربری زمین است که محل انجام فعالیت‌های مختلف در یک منطقه را با تخصیص زمین و مکان مناسب برای آن‌ها نشان می‌دهد. برنامه‌ریزی بین مناطق نیز که بیشتر جنبه اقتصادی دارد، تقسیم فعالیت‌ها را بین مناطق مختلف یک کشور نشان می‌دهد.

تعادل منطقه‌ای

در سطح منطقه، ایجاد تعادل منطقی بین مردم، اشتغال و محیط زیست یکی از آرمان‌های پس‌پایه می‌باشد. منظور از رشد متعادل منطقه‌ای چیست؟ این بدان معنا نیست که مناطق فقیرتر تندتر از مناطق توسعه‌یافته رشد نمایند تا سطح درآمدی متعادل شود. گذشته از تعادل درآمدی، ایجاد برابری در موقعیت‌های اقتصادی، اجتماعی، محیطی و شرایط زیست جمعیت و به‌کارگیری تمام ظرفیت‌ها و بالا بردن کیفیت زندگی نیز به تعادل منطقه‌ای کمک می‌کند.

رویکرد نوین توسعه منطقه‌ای

وجود تفاوت‌های ناحیه‌ای و در مقیاس بزرگ‌تر بانمودهای منطقه‌ای در سطح کشورها، نخستین زمینه نظری رویکردهای توسعه منطقه‌ای به شمار می‌رود. زمانی عنوان می‌شد که داشتن یک واحد تصمیم‌گیری یکپارچه برای درونی کردن کلیه عامل‌های مؤثر خارجی ضرورت دارد و تسهیل تبادل اطلاعات و انطباق میان نهادها، حمایت از هدف کلی توزیع درآمد، توان کاهش تفاوت‌های محلی و شکل‌گیری سیاست‌گذاری قانونی از مفره‌های بسیار مهم در پدیده توسعه منطقه‌ای به شمار می‌رفت (Rundnelli, 1975). در دیدگاه «منطقه وابستگی»، سه دسته‌بندی نظری در مورد توسعه منطقه‌ای مطرح شده است؛ ویژگی‌های نظری، اصول نظری و ارکان اصلی. در زمینه ویژگی‌های نظری، باز بودن اقتصادهای منطقه‌ای و نقش عامل‌های خارجی در توسعه منطقه‌ای و سپس انتقال رشد به کل ساختار منطقه‌ای (اقتصادی)، انطباق مدیریت محلی با تغییرات ناشی از عامل‌های خارجی (مدیریتی) و مکان‌یابی فعالیت‌ها و نقش تعادل بخشی جابه‌جایی نیروی کار در منطقه (فضایی) جنبه‌های مختلف را تشکیل می‌دهد. اصول نظری بر پایه توسعه شهری و ایجاد نظام شهری استقرار یافته و وجود

الف - حرکت از پایین به بالا به منظور تعیین امکانات و نیازهای منطقه‌ای
ب - حرکت از بالا به پایین به منظور تعیین هدف‌ها و راهبردهای توسعه ملی و در مرحله نهایی تهیه برنامه‌های ملی و توزیع منابع.

مطابق این الگو بعد از تهیه و تنظیم برنامه توسعه، منابع بر اساس معیارها و ضوابط برحسب مناطق، توزیع می‌گردد و به عبارت دیگر هدف برنامه‌ریزی، منطقه‌ای کردن برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور و با یک بخش می‌باشد.

۳- روش برنامه‌ریزی جامع منطقه‌ای (بخشی - منطقه‌ای): در این فرآگرد، برنامه‌ریزی، غیرمتمرکز است و نظام کلی برنامه‌ریزی یکپارچه و جامع می‌باشد. برنامه‌ریزی قادر است با مکانیزم‌های گوناگون، هماهنگی بین برنامه کلان بخش‌ها و مناطق را برقرار سازد و در واقع با یک فرآیند یکپارچه برنامه‌ریزی، عود و اقلی قادر به این کار است تا علاوه بر تهیه برنامه‌های بخشی کلان، برنامه‌های جامع مناطق نیز تهیه شود. برنامه‌ریزی منطقه‌ای یک برنامه‌ریزی اقتصادی - کالبدی است و این علی‌رغم برنامه‌ریزی ملی که بیشتر جنبه اقتصادی دارد و برنامه‌ریزی شهری که دارای جنبه کالبدی است، می‌باشد.

۴- بعد اقتصادی برنامه‌ریزی منطقه‌ای غالباً با ساخت اقتصادی یک منطقه مانند بخش‌های تولیدی، خدماتی، نیروی اشتغال و سطح درآمد و... سروکار دارد و بُعد فیزیکی آن بیشتر روی ساخت کالبدی، مانند کاربری زمین، ارتباطات، توسعه شهری و... تأکید دارد.

برنامه‌ریزی منطقه‌ای می‌تواند دارای ماهیت‌های زیر باشد:

- ۱- برنامه‌ریزی اصلاحی (تخصیصی) (ALLOCATIVE) که فقط جنبه نوسازی و اصلاح وضع موجود را دارد.
- ۲- برنامه‌ریزی ابتدایی (INNOVATIVE) که جنبه ایجاد تغییر و دگرگونی دارد.
- ۳- برنامه‌ریزی ارشادی (INDICATIVE) که شامل خطوط و رهنمودهای کلی و عمومی است.
- ۴- برنامه‌ریزی آمرانه (IMPERATIVE) که خطوط ویژه و لازم‌الاجرا را نشان می‌دهد.

نقش برنامه‌ریزی منطقه‌ای

به‌طور کلی نقش برنامه‌ریزی منطقه‌ای از طرفی ایجاد تحرک در جمعیت و توزیع موقعیت‌های اشتغال، ارتباطات تنگاتنگ اقتصادی، اجتماعی، امکانات اوقات فراغت و شبکه‌های ارتباطی بین منطقه‌ای و از طرف دیگر هدایت جریان‌های جمعیتی و اشتغال

منطقه‌ای؛ دوم، آگاهی از عامل‌های جدید رشد و توسعه منطقه‌ای که در این محیط جدید مطرح هستند و سوم، لزوم طراحی روش‌های جدید دخالت در فرآیند توسعه منطقه‌ای و تشویق و تحریک رشد و توسعه منطقه‌ای با توجه به شرایط جهانی شدن اقتصاد (Boisier, 1998-A). محیط جدید برای توسعه منطقه‌ای بر سه گزینۀ مبتنی است:

الف) باز بودن محیط از نظر خارجی، بر اثر جهانی شدن و توسعه ارتباطات و باز بودن محیط از لحاظ داخلی و در نتیجه برقرار نمودن عدم تمرکز. این دو عامل باز بودن (خارجی و داخلی) تحت تأثیر چهار موقعیت رقابت (بین منطقه‌ها)، نوسازی (باز توجه به بازگشتی بین‌المللی)، عدالت (ایجاد برابری میان منطقه‌ها) و مشارکت (تحریک نهادهای مردمی) قرار دارد؛ ب) وجود پیوند سرزمینی در محیط میان منطقه‌های محوری (مرکزی) و شریک و حاشیه (پیرامونی)، یعنی منطقه به عنوان یک قلمرو سیاسی و اعمال مدیریت سرزمینی بر آن، به این مفهوم که در دیدگاه مدیریت توسعه، منطقه به عنوان سرزمین قلمروی انجام فعالیت‌های توسعه‌زایی باشد؛ ج) نوگرایی در مفهوم ملت - دولت و شکل‌گیری عملکردهای جدید در ساختار حکومتی مانند ایجاد دولت‌های محلی (Boisier, 1998-A).

در شرایط کنونی، برخی نکته‌های تازه در پدیده توسعه منطقه‌ای مطرح گردیده است: منطقه‌ها به عنوان بستری برای رقابت در اقتصاد جهانی به ویژه از لحاظ استقرار بنگاه‌ها و شرکت‌های تولیدی و خدماتی جایز اهمیت می‌باشند. از سوی دیگر، منطقه‌ها ساختار جغرافیایی تسهیل تبادل دانش، نوآوری، فن‌آوری و دیگر عامل‌های خارجی قابل مبادله میان کشورها هستند و سرانجام آموزش نهادی و سازمانی برای انجام فعالیت‌های نوین در منطقه‌ها شکل می‌گیرد؛ در این رهگذر مجموعه‌های نهادی، هنجارها، ریشه‌ها و پیوندهای سازمانی برای رقابت‌های اقتصادی منطقه‌ای مطرح می‌گردد. (Cooke, Extbarria, 1998)

نمودار صفحه بعد ساختار شرایط نوین توسعه منطقه‌ای را نشان می‌دهد.

منابع طبیعی و پایهای بودن فعالیت‌های مرتبط با آن منابع، ارکان اصلی توسعه منطقه‌ای را شکل می‌بخشد (Friedmann 1979).

این قابل تردید نیست که رشد منطقه‌ای در جایی باید افزایش یابد که به منطقه و کشور کمک کند و در جایی باید متوقف شود که برای انسان و طبیعت ضرر داشته باشد. از این مفهوم چند ویژگی برای توسعه منطقه‌ای استخراج گردیده است (۱) فرآیند توسعه در یک منطقه حاصل پیچیدگی‌های از فعالیت‌های توسعه‌زایی دولتی یا غیردولتی است؛ (۲) رویکرد منطقه‌ای در توسعه، فعالیت‌های توسعه‌زای را بر اساس قابلیت‌های منطقه‌ای هدایت می‌نماید؛ (۳) گرایش برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای، حرکت از نگرش بخشی به سوی توزیع میان بخشی سرمایه در یک منطقه است (Honjo, 1981). در همین راستا داریایی‌های اقتصادی، ساختار سازمانی، نهادها و مناسبات خارجی، عنصرهای نقش‌ساز در توسعه منطقه‌ای معرفی شده‌اند (Lakshmanan, 1981).

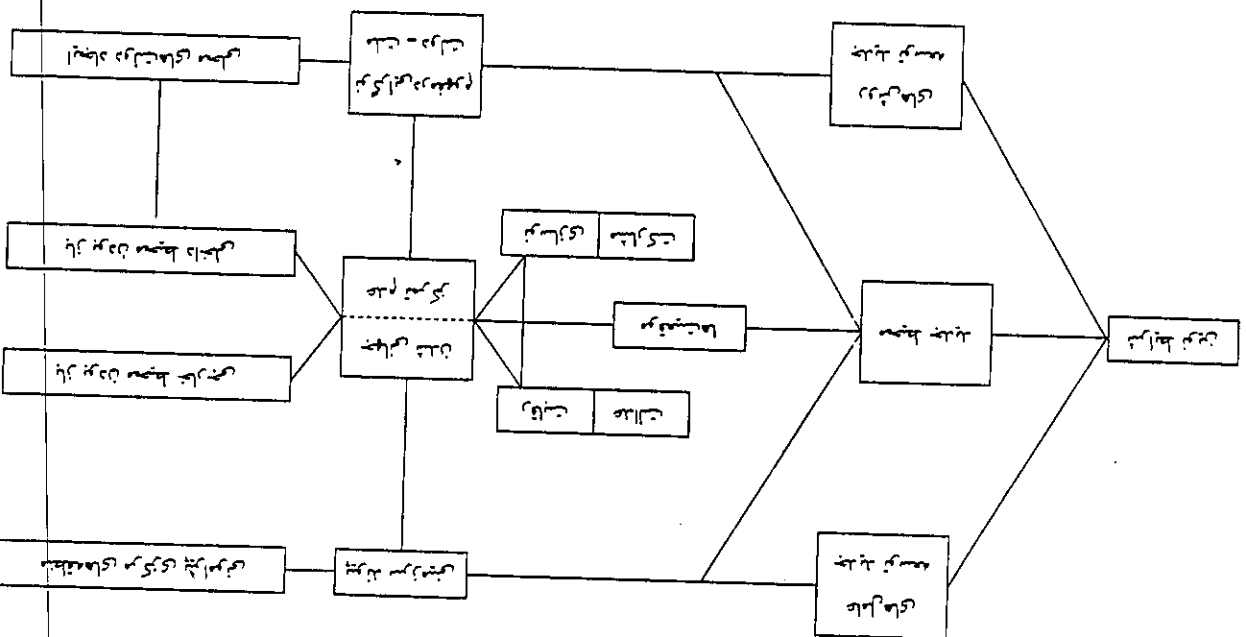
با نگرش دیگر، مبنای توسعه منطقه‌ای بر سه اصل «حقیقت (واقع توسعه)، نیکی (تأمین عدالت و رفاه) و زیبایی (اعتدالی ارزش‌های انسانی و زیست محیطی)» استوار می‌باشد و هرگونه نهادسازی باید در راستای اراده مردم و به منظور نیل به این سه هدف صورت گیرد (Mistra, 1982). بُعدهای توسعه منطقه‌ای در چهار سطح جهانی (منطقه بین‌المللی)، ملی (بین منطقه‌ای)، منطقه‌ای و محلی مطرح است و باید ارتباط عمودی و نظام‌مند میان این چهار سطح برقرار باشد به طوری که در سطح جهانی هماهنگی و همکاری در امر توسعه؛ در سطح ملی تقلیل تفاوت‌های منطقه‌ای؛ در سطح منطقه‌ای توسعه ناحیه‌ای و در سطح محلی توسعه منابع و توسعه اجتماعی اهمیت می‌یابد (Gruchman, 1982). چون خارج نمودن توسعه ملی از ویژگی تمرکز و توجه به جنبه‌های مکانی (فضایی) دگرگونی‌های اقتصادی و اجتماعی و نیز نابرابری توزیع منابع مالی در سطح کشور دارای جنبه‌مدیریتی می‌باشد توسعه منطقه‌ای برای معنادار شدن باید به عنوان بخشی از مدیریت، رهبری و هدایت جامعه در نظر گرفته شود (Castiella, 1983).

برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای در آینده، نقشی پویا برای شناخت قابلیت‌ها و محرک‌های توسعه‌زا، هدایت توسعه متوازن با هدف‌های اجرایی در سطح ملی و نیز در انطباق با منابع و مهارت‌های انسانی و در چارچوب جهانی شدن اقتصاد و رابطه میان کشورها دارا خواهد بود. در واقع یک گزینه در تعریف توسعه منطقه‌ای اینک تغییر شکل از اقتصاد بسته، دولتی و متمرکز به یک اقتصاد باز، بازاری و غیرمتمرکز است. در این مورد سه ایده اصلی مطرح می‌باشد. نخست، آگاهی از محیط جدید دربرگرفته پدیده

در این رهگذار، با توجه به نقش و اهمیت برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای در فرآیند جهانی شدن اقتصاد، یک سامانه سلسله مراتبی برای نظام برنامه‌ریزی منطقه‌ای می‌تواند در نظر داشت که شامل سطح‌بندی برنامه‌ریزی منطقه‌ای در سطوح جهانی، ملی، پایین‌تر از سطح ملی و سطح محلی خواهد بود. نمودار دوم در زیر، نظام برنامه‌ریزی منطقه‌ای را با سطح‌بندی فوق نشان می‌دهد.

نظام برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای

سطح منطقه‌ای	نوع برنامه‌ریزی منطقه‌ای مورد نیاز	محور کار
جهانی	مطالعات فراکشوری به منظور همکاری / هماهنگی منطقه‌ای	مطالعات در باب رشد اقتصادی، جریان منابع، کیفیت زندگی و مانند آن. توسعه منابع، کشاورزی، صنعت، زیرساخت، و غیره به منظور ایجاد وابستگی متقابل بین کشورها و شناسایی منابع اقتصادی، بوم‌شناختی و منابع دیگر ناشی از همکاری و هماهنگی منطقه‌ای.
ملی	تجزیه و تحلیل ساختار منطقه‌ای و برنامه‌ریزی بین منطقه‌ای	برنامه‌ریزی و برنامه‌گذاری به منظور گسترش از تفاوت‌های منطقه‌ای از نظر توسعه
پایین‌تر از سطح ملی	مطالعات منطقه‌ای، برنامه‌ریزی منطقه‌ای در چهارچوب ملی و توسعه منطقه‌ای	توسعه منابع هر منطقه به منظور اعتدال و بهبود کیفیت زندگی مردم. این امر، توسعه محیط زیست را نیز دربر می‌گیرد.
سطح محلی (سطح مناطق کوچک)	مطالعه جمعیت‌های محلی (در سطح مناطق کوچک)	مشارکت همگانی، توسعه اجتماعی، آگاهی به خود و توسعه منابع محلی.



رویکرد نوین توسعه منطقه‌ای

برنامه‌ریزی منطقه‌ای هدف اساسی طرح آمایش سرزمین

برنامه‌ریزی منطقه‌ای - یک راه‌حل نهایی تجربه برنامه‌ریزی منطقه‌ای در سطح بین‌المللی نشان می‌دهد که سازوکارهای آن در لحظات خاصی از تاریخ رشد و توسعه جوامع به کار بسته شده است و همیشه زمانی پایه میدان گذارده که نتایج پیشرفت‌های اقتصادی براساس برنامه‌ریزی بخشی، جلوه‌های نامتجانس و بدشماپلی را در گستره فضای ملی و جغرافیای اقتصادی جوامع مختلف به وجود آورده است.

بدین ترتیب، ناگهان دولت‌ها به این نیاز که خود را به ارگان‌های برنامه‌ریزی تحمیل می‌نمایند و هرچه جامعه جلوتر می‌رود، وجود خود را بیشتر می‌نمایند، واقف می‌گردند؛ و دیگر آن زمان فرا رسیده که ملزومات آمایشی و ضوابط قضایی برای شکل‌گیری متناسب و متجانس فعالیت‌ها و تأسیسات اقتصادی - اجتماعی باید مراعات گردند، تا تمام گستره‌های زیستی جامعه از یکسانی رشد و همسانی ایفای نقش در عرصه اقتصاد ملی برخوردار باشند.

به‌طور عام می‌توان گفت که سه پدیده زیر از عوامل مؤثر اجبار و الزام دولت‌ها به وارد نمودن برنامه‌ریزی منطقه‌ای در سازمان و ساختمان برنامه‌ریزی اقتصادی خود می‌باشند:

۱- ناهماهنگی توسعه در مناطق؛ یکی از اصلی‌ترین خصوصیات ساخت اقتصاد اجتماعی کشورهای در حال رشد این است که یک یا دو منطقه و یا چند ناحیه کشور دارای مسئولیت اصلی در زمینه ایجاد درآمد و تولید ملی و لذا برخوردار از خدمات عمومی می‌باشند و از توسعه و پیشرفت اقتصادی بیشتری برخوردارند یعنی برنامه‌های مهم و اساسی تولید اقتصادی در آن‌ها اجرا می‌گردند.

چند منطقه مستعد و یا در حد تأسیسات پیشرفته شهری، در یک یا چند شهر بزرگ سبب می‌شود که پدیده اتو-ریم رشد به صورت غده‌ها و کوژهای توسعه‌یافته در یک یا چند نقطه مملکت پدید آید و همه امکانات اقتصادی - اجتماعی از منابع مالی و فنی گرفته تا منابع اشتغال و نیروی انسانی را به سمت خود جذب نماید و در مقابل، مناطق و شهرهایی را باقی‌گذارده در اگر دال و مناک عقب‌افتادگی و توسعه‌نیافتگی دست و پا خواهند زد.

مفهوم برنامه‌ریزی منطقه‌ای

با بررسی سه پدیده اساسی ناهماهنگی توسعه در مناطق، شهرنشینی شتابان و ناهماهنگی توسعه شهر و روستا و کوژهای توسعه و مناک‌های عقب‌افتادگی که نتایج پیشرفت‌های شتابزده اقتصادی در جوامع بشری، به ویژه در جوامع در حال رشد می‌باشد و واقعاً معضلات و گره‌های زندگی اقتصادی - اجتماعی جامعه‌اند سه سؤال کلی زیر مطرح می‌گردد:

- چرا بعضی از مناطق و شهرهای یک کشور رشد کرده‌اند و بعضی عقب مانده‌اند و چگونگی باید این مسئله را حل نمود؟
- چرا توسعه در برخی مناطق سبب انعکاس و نشر آن در بعضی مناطق دیگر و نیز باعث تخلیه و عقب‌ماندگی برخی دیگر از مناطق می‌گردد؟
- چه عوامل و ضوابط تعیین‌کننده مکان‌های استقرار فعالیت‌ها و تأسیسات اقتصادی - اجتماعی در گستره سرزمین ملی هستند؟

پاسخ این سؤالات به صورت مطالعه و تحقیق برای یافتن علل و نیز ارائه رهنمود و برنامه به منظور رفع آن و ایجاد یک مرمت و اصلاح اساسی در ترکیب اقتصادی - اجتماعی - اقلیمی ساخت فعالیت‌ها در جامعه، توسط برنامه‌ریزی منطقه‌ای عرضه می‌گردد.

برنامه‌ریزی منطقه‌ای عموماً فرآیند منظم و متشکلی است، برای انتخاب بهترین روش‌ها و سیاست‌ها برای رسیدن به اهداف رشد و توسعه در مناطق مختلف. اهداف رشد و توسعه بدون شک شامل ارتقای سطح تولیدات اقتصادی، خدمات و رفاه اجتماعی، و بالا بردن درآمد منطقه و سطح زندگی مردم در منطقه می‌باشد. این امر باید براساس شناخت خصوصیات کلی و کیفی منطقه باشد یعنی از نظر کیفی خصوصیات جمعیتی و نیروی کار، میزان منابع طبیعی، تولیدی و سرمایه‌ای، ویژگی‌های مصروف و

معمولاً این مناطق و نواحی از مستعدترین مناطق و نواحی کشور و دارای توان‌های زیربنایی و تولیدی و قابلیت اقتصادی بیشتری نسبت به سایر مناطق و نواحی کشور هستند. سرمایه‌گذاری در این مناطق با این مشخصات مسلماً اقتصادی‌تر و بازده بیشتری همراه می‌باشد و سایر برنامه‌های کم‌اهمیت‌تر در سایر مناطق و نواحی کشور انجام می‌شوند.

این امر سبب گسترش رشد و توسعه در برخی مناطق و ایجاد و تشدید نابرابری‌های فاحش درآمدی و رفاه اجتماعی بین مناطق گوناگون می‌گردد و عوارض سوء اقتصادی - اجتماعی فراوان دارد و اسباب مهاجرت‌های بی‌رویه را فراهم می‌آورد.

۲- شهرنشینی شتابان و ناهماهنگی توسعه شهر و روستا: شهرها با سرعت سرسام‌آوری تبدیل به مراکز عمده فعالیت‌های اقتصادی، بازار جذب نیروی اشتغال، جاذبه‌های خدماتی از قبیل امکانات آموزشی، فرهنگی، بهداشتی و غیره می‌گردند، و سبب اعتبارات به سوی آن‌ها سرازیر می‌شود. در حالی که روستاها کماکان در حالت رکود نسبی شرایط اقتصادی - اجتماعی گرفتار می‌مانند. این ناهماهنگی سبب جدایی و افتراق کامل میان مناطق شهری و روستایی می‌گردد و به مثابه پهنی روستاها راز جمعیت، به ویژه نیروی جوان و فعال تخلیه و شهرها را بر جمعیت و شلوغ می‌نماید.

متعاقب دیگر گونی‌های فوق، پدیده شهرنشینی شتابان و بی‌برنامه اتفاق می‌افتد. این شهرگرایی سریع به نوبه خود مسائل و مشکلات معنایی ایجاد می‌نماید از جمله عدم توانایی در جذب نیروی کار، مشکل مسکن، حاشیه‌نشینی و زائغه‌نشینی که از دردهای شهرنشینی شتابان در شهرهای بزرگ کشورها می‌باشند. از دیگر مسائل، عدم برخورداری بسیاری از شهرها از رشد متناسب و هماهنگ است زیرا معمولاً در کشورها فقط معدودی از مراکز جمعیتی شهری مور توجه قرار می‌گیرند و بقیه کمتر تحت تأثیر پروژه‌ها و طرح‌های عمرانی واقع می‌شوند.

به عبارت دیگر باید گفت گذشته از ناهمگنی توسعه بین شهر و روستا، عدم تعادل رشد و ناهمسانی در پدیده شهرنشینی شتابان نیز وجود دارد و فقط عمده‌انگشت‌شماری از شهرها که مطلقاً شهرهای بزرگند، واقعاً مورد توجه قرار می‌گیرند و از جمعیت اینانته می‌گردند.

۳- کوژهای توسعه و مناک‌های عقب‌افتادگی در فضای ملی: در حقیقت می‌توان گفت این عامل یک جمع‌بندی از دو عامل فوق می‌باشد. تمرکز فعالیت‌های تولیدی و خدماتی‌ترین مانند صنایع و کشاورزی و خدمات پیشرفته رفاهی به طور کلی تمرکز توسعه در یک یا

می‌دهیم. البته این روش‌ها با روش‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای، فرق می‌کند. این روش‌ها سیاست‌هایی هستند که اگر در یک منطقه اجرا شوند به معنی آغاز برنامه‌ریزی منطقه‌ای در آن منطقه است در حالی که «روش‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای»، روش‌هایی هستند که برنامه‌ریزی منطقه‌ای توسط آن‌ها به مطالعه و سپس طراحی برنامه‌ها می‌پردازد.

به عبارت دیگر، اولی برنامه‌ریزی منطقه‌ای را به عنوان محتوا در بر دارد و دومی به عنوان روش‌شناسی برنامه‌ریزی منطقه‌ای عمل می‌کند. شش ابزار (سیاست‌های اجرایی) شکل دادن و آغاز کردن برنامه‌ریزی منطقه‌ای در مناطق به قرار زیر هستند:

۱- اجرای طرح‌های بزرگ برای توسعه منابع
استفاده از منابع کانی و طبیعی موجود در مناطق از شقوق اساسی برنامه‌ریزی منطقه‌ای به شمار می‌رود و اجرای طرح‌های مختلف مطالعاتی برای کشف، شناخت و نیز استخراج و یا توسعه آن‌ها برای استفاده‌های اقتصادی از مهم‌ترین عوامل مطرح شده در برنامه‌ریزی منطقه‌ای می‌باشد.

اما این روش به کارگیری برنامه‌ریزی چون محدود به بهره‌گیری از یک عامل منفرد منطقه‌ای می‌باشد و سایر عوامل و جنبه‌های اقتصاد منطقه را در بر نمی‌گیرد پس نمی‌تواند یک برنامه جامع و همه‌گیر توسعه منطقه‌ای و مؤثر در ساختمان اقتصادی - اجتماعی آن باشد؛ اگرچه ویژگی‌ها و نشانه‌هایی از برنامه‌ریزی منطقه‌ای را با خود به همراه دارد.

۲- سرمایه‌گذاری‌های دولتی برای ایجاد تأسیسات زیربنایی
از روش‌های رایج در برنامه‌ریزی‌های عمرانی برای مناطق می‌باشد. طی آن دولت سعی می‌کند با استقرار تأسیسات خدمات زیربنایی و اجتماعی و نیز تولیدی از قبیل نیروگاه‌های برق، ایجاد جاده و تهیه وسایل ترابری و حمل و نقل، مسکن‌سازی و خدمات آموزشی و بهداشتی در یک منطقه وضعیت کلی آن را برای زندگی مطلوب نماید تا در آن جاذبه‌های جذب جمعیتی ایجاد کند و جمعیت، نیروی کار و سرمایه‌ها به سوی آن منطقه سرازیر گردند.

این روش برنامه‌ریزی، هر چند شامل اقدامات مؤثری در ایجاد رشد و توسعه در مناطق می‌باشد، اما اگر در ارتباط و هماهنگ با یکدیگر انجام نشود، و هر بخش بدون آگاهی و دریافت از بخش‌های دیگر برای خود برنامه‌ریزی و اجرا نماید؛ نتیجه در خوری حاصل نخواهد شد. باعث بروز مشکلات عدیده‌ای در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی منطقه و کشور خواهد گردید.

بازارهای درون منطقه‌ای، امکانات مبادلات بیرون منطقه‌ای و نیز چگونگی میزان تکنولوژی‌های به کار گرفته شده در سطح منطقه اعم از سستی یا مدرن و امکانات زیربنایی منطقه شناخته شود و از نظر کیفی توانایی‌ها، استعدادها و قابلیت‌های منطقه سنجیده گردند و در ازای آن‌ها برنامه‌های همه‌جانبه اقتصادی - اجتماعی برای رشد و توسعه سیمای مناطق، طراحی، ارائه و سپس اجرا گردد.

البته مفهوم برنامه‌ریزی برای عمران منطقه‌ای را نباید با اجرای چند طرح و پروژه در منطقه یکی دانست زیرا برنامه‌ها، طرح‌ها و پروژه‌های مختلف اما با هماهنگی‌های ارگانیک یا یکدیگر و به منظور ایجاد تغییرات اساسی در راستای توسعه یافتگی در کل بافت اقتصادی - اجتماعی منطقه محتوا و مضمون اصلی برنامه‌ریزی منطقه‌ای می‌باشد. این امر سبب دگرگونی‌های عمیق در ابعاد جمعیتی و نیروی کار، بازار کار، تولیدات کشاورزی و صنعتی، خدمات تولیدی، اجتماعی و رفاهی و نیز تسهیلات زیربنایی می‌گردد. برنامه‌ریزی منطقه‌ای کوشش می‌نماید که نوعی هماهنگی و همسانی رشد بین مناطق مختلف ایجاد نماید زیرا برنامه‌ریزی منطقه‌ای در هر منطقه با مطالعات و شناخت براساس توان‌مندی‌های آن منطقه، برنامه‌های عمران و توسعه را ارائه و اجرایی نماید و سعی می‌کند هر منطقه و هر گوشه‌ای از مملکت با توجه به شرایط و ویژگی‌های درونی خود و در یکسویی و یکپارختی با نظم و نظام کل فضای سرزمین ملی از رشد و توسعه فراخور برخوردار باشد و عملکرد و مسئولیت خاصی مبتنی بر توانایی و قابلیت خود در سطح ملی ایفاء نماید.

می‌توان نتیجه گرفت که رسالت و هدف برنامه‌ریزی منطقه‌ای برای عمران و توسعه مناطق، ایجاد دگرگونی کامل و اساسی در کلیه شئون زندگی اقتصادی - اجتماعی بسیج تمامی نیروهای مادی و معنوی هر منطقه به منظور رشد، پیشرفت و آبادانی آن منطقه می‌باشد. اما باید توجه داشت که به منظور محقق نمودن و اجرای طرح‌ها، برنامه‌ریزی منطقه‌ای باید از یک وزنه اجرایی واقعی برخوردار باشد، و یک تعهد سیاسی طویل‌مدت به مثابه یک تعهد ملی برای اجرای آن از طرف دولت‌ها داده شود، تا تغییر دولت‌ها، برنامه‌ها تغییر نکنند و یا به فراموشی سپرده نشوند.

انوار به کارگیری برنامه‌ریزی منطقه‌ای
برنامه‌ریزی منطقه‌ای به منظور گسترش ابعاد رشد و توسعه در مناطق مختلف کشور توسط ابزار و روش‌های خاصی اعمال می‌شود که در زیر شش نوع آن‌ها را تذکر

سزانه و سطح زندگی و ایجاد رفاه اجتماعی در آنها برای جذب نیروی کار و سرمایه به آن سمت، از جمله دیگر روش‌هایی به کارگیری برنامه‌ریزی منطقه‌ای در کشورهای پامی‌باشد. در این روش چون هدف، ایجاد توسعه در یک منطقه خاص که عقب‌افتاده‌تر از سایر مناطق کشور است، می‌باشد برنامه‌های عمرانی بیشتر بر اجرای پروژه‌های توسعه در امور زیربنایی مانند برق، آب، راه، ساختمان و مسکن‌سازی و احیای برخی تأسیسات صنعتی یا کشاورزی تأکید دارند تا به طور ضربتی منطقه را از تنگنای وابستگی نجات بخشند؛ این امر دو مسئله را ایجاد می‌کند. یکی عدم توجه به توانایی‌ها و قابلیت‌های منطقه‌ای، که ممکن است باعث شکست پروژه‌های اقتصادی و تولیدی اجرا شده در آنها گردد و دیگری عدم توجه به هماهنگی و یکپارختی در فضای سرزمین ملی و ارتباط آن منطقه با سایر مناطق که امکان دارد عامل گسیختگی‌های بیشتر در سطح ملی گردد.

عبرنامه‌ریزی آمایش سرزمین

برنامه‌ریزی آمایش سرزمین، روند جامعی از برنامه‌ریزی منطقه را ارائه می‌نماید که کلیه محاسن روش‌های فوق را در کنار راه‌حل‌هایی برای رفع معایب و نقصان‌های آنها دارا می‌باشد. این شکل برنامه‌ریزی برای به کارگیری برنامه‌ریزی منطقه‌ای در سطح یک کشور بهترین مکمل برای برنامه‌های ملی بخشی می‌باشد. برنامه‌ریزی آمایش سرزمین چون با دیدنی وسیع و همه‌جانبه به فضای ملی نگاه می‌کند، کلیه مناطق کشور را با حوصله و دقت از لحاظ مختلف مورد مطالعه و شناسایی قرار می‌دهد، براساس توانمندی‌ها، قابلیت‌ها و استعدادهای هر منطقه، با توجه به یکپارختی و هماهنگی آثار و نتایج عملکردهای ملی هر منطقه در سطح ملی نقش و مسئولیتی خاص به مناطق مختلف کشور محول می‌نماید. براساس این نقش و مسئولیت که برآمده از روندهای طبیعی و قانون‌مند خود منطقه می‌باشد، می‌توان برنامه‌های توسعه و رشد را براساس برنامه‌ریزی منطقه‌ای در مناطق گوناگون کشور اجرا نمود.

یک راهبرده و یک راهکار

اساسی‌ترین گام در روند برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای شناخت وضعیت موجود و علل شکل‌گیری آن در منطقه می‌باشد. مطالعات گسترده از جنبه‌های اقتصادی - اجتماعی - سیاسی - فرهنگی - طبیعی و جغرافیایی در منطقه سبب می‌گردد پدیده‌های گوناگون اقتصاد و اجتماع منطقه از نظر تاریخی تحلیل شوند یعنی معین شود که چرا بدین شکل بروز نموده‌اند و سپس با استفاده از این تحلیل‌ها بر چرایی این پدیده‌ها و با استخراج آن‌ها با

می‌توفیق اختیارات مالی و مالیاتی
این یک برنامه و سیاست مالی با هدف‌گیری منطقه‌ای است که می‌کوشد طرح‌ها و پروژه‌های توسعه را به سمت مناطق و نواحی مورد عمران، که به آن‌ها برخی اختیارات فعالیت‌های گمرکی و مالیاتی و نیز اختیارات تعلق می‌گیرد سوق دهد. البته این سیاست بیشتر در کشورهایی که دارای سیستم باز اقتصادی می‌باشند و قانون‌مندی‌های اقتصاد سرمایه‌داری بر آن‌ها حاکم است رواج دارد.

روش تشویق‌های مالی در برنامه‌ریزی منطقه‌ای دارای آثار متناقض و مغایرت با یکدیگر می‌باشد. از طرفی واضح است که از نظر اقتصادی دارای صرفه نیست مثلاً اگر یک ناحیه یا منطقه کوچک از یک کشور را به بهانه عقب‌ماندگی مشمول این سیاست نماییم آنگاه در صورت داشتن نواحی و یا مناطق عقب‌افتاده متعدد و پراکنده در سطح کشور لازم است با اجرای سیاست فوق، برنامه‌های رشد منطقه‌ای را به آنجا بکشانیم، که منجر به پراکندگی مغزط تأسیسات تولیدی در سطح مملکت خواهد بود که مایه کاهش کارایی و بازدهی اقتصادی آن‌ها خواهد گشت.

پایانی تشویق‌های مالی، دائمی و ابدی نیست و این احتمال وجود دارد که به مجرد لغو تشویق‌ها و امتیازات، صاحبان تأسیسات نیز فعالیت‌های اقتصادی خود را از منطقه بیرون بزنند و در مناطق مورد نظر خودشان مستقر سازند. بدین ترتیب دولت مجبور می‌شود تا سیاست تشویق مالی را تا ابد ادامه دهد در حالی که این امر، غیر اقتصادی است و نمی‌تواند عملی باشد.

۴- جهت دادن به جریان مهاجرت‌ها

ایجاد جاذبه‌های شغلی و اجتماعی و استقرار امکانات و تسهیلات زندگی در برخی مناطق سبب می‌شود که جمعیت به سمت آن‌ها سرازیر شوند، رونق اقتصادی و سرمایه‌گذاران‌ها در آن‌ها آغاز شود و نیز سوری مهاجرت از مناطق پیشرفته و رشد یافته به سمت این مناطق نوین تغییر جهت دهد.

این روش می‌تواند به عنوان یک اقدام سکته‌ای و موقت برای پیشگیری از هجوم جمعیت به بعضی مناطق پیشرفته باشد، اما تجربه بسیاری از کشورهای ثابت کرده است که سیاستی نیست که بتواند رشد و توسعه منطقه‌ای را اتمام ایجاد نماید و در نهایت در تغییر مسیر مهاجرت‌ها مؤثر واقع شود.

۵- توزیع توسعه به مناطق عقب‌افتاده

اجرای برنامه‌های عمرانی ضربتی در مناطق عقب‌افتاده به منظور جبران کمبود درآمد

عنوان خوشه‌های صنعتی مرتبط با آن‌ها ساختار مجموعه یا هسته صنعتی را به وجود می‌آوردند. همچنین صنایع مربوط به کشاورزی می‌توانند در مجموعه‌های کشاورزی مستقر شوند. مجموعه‌ها یا هسته‌های خدماتی نیز بیشتر به مناطق و نواحی‌ای اطلاق می‌شوند که بندرگاه‌ها و اسکله‌های تجاری برای واردات و صادرات در آن‌ها مستقر می‌شوند و یا تأسیسات مربوط به فعالیت‌های گردشگری در عرصه‌های طبیعی، تاریخی و فرهنگی مستقر می‌گردند. باید اضافه نمود که هم می‌توان یک منطقه را به عنوان یک مجموعه رشد و توسعه به حساب آورد و هم نواحی مختلف و همجوار موجود در مناطق مختلف را یک مجموعه رشد و توسعه خواند. به عنوان مثال در مورد ایران می‌توان این نمونه را آورد که مجموعه‌های کشاورزی می‌توانند شامل منطقه گیلان، مازندران و کلیه نواحی حاصل‌خیز با شرایط آب و هوای خاک مناسب در سراسر کشور و به ویژه مناطق، استان‌ها و نواحی مرزی شرقی و غربی باشند. دایره‌ای از نواحی غیر مستعد برای کشاورزی در استان‌های مرکزی کشور، برای ایجاد مجموعه‌های صنعتی و استقرار صنایع سنگین و مادر و نیز نواحی و استان‌های موجود در حاشیه ساحلی جنوبی از بندر خرمشهر تا بندر چابهار، به عنوان مجموعه خدمات بازرگانی می‌توانند قلمداد گردند. البته در شمال کشور نیز از آستانارا تا بندر ترکمن، دو بندر اصلی و دو بندر فرعی وجود دارد که در باریکه ارتباط‌دهنده آن‌ها نیز در صورت فعال بودن آن بنادر، می‌توان هسته‌های خدمات بازرگانی سرتاسری در نوار ساحلی دریای خزر تشکیل داد. به طور کلی نقش مجموعه‌ها و هسته‌های رشد و توسعه یک نقش ملی است و سرتاسر مملکت را تحت پوشش نفوذ دارد. مرحله دوم - ایجاد مراکز توسعه: ایجاد نظام سلسله مراتب شهرهای مرکزی برای توسعه اقتصادی، اجتماعی و رفاهی در گستره فضای ملی می‌باشد. این شهرهای مرکزی، سلسله مراتبی از شهرهای درجه یک، دو، سه، شهرک‌ها، روستا - شهرها، روستاهای مرکزی و واسطه‌ای تا روستاهای ابتدایی را شامل می‌گردد و مانند چیزی از رشد و توسعه مناطق مختلف کشور رازیر نفوذ خدماتی خود قرار می‌دهد. بدین ترتیب فرآیند «ایجاد پیوندگاه‌های رشد و توسعه» به مثابه یک راهکار مؤثر و نیز یک راهبرد هدف‌مند رشد و توسعه، در سرتاسر مناطق، می‌تواند به منزله یک قانون‌مندی عام، پیشرفت و عمران هماهنگ و یکپارخت و همسان را بین مناطق مختلف با رعایت از تباطات فی مابین آن‌ها در سطح جامعه برقرار نماید. در اجرای برنامه‌ها و طرح‌های گوناگون برای رسیدن به اهداف فوق در قالب برنامه‌ریزی منطقه‌ای دو عامل تأثیر بسزایی دارند:

روش‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای می‌توان رهنمودهای مشخص و معینی برای جهت بخشیدن به راستاهای توسعه در منطقه طراحی و برنامه‌ریزی کرد.

هر منطقه باید به نوبه خود مورد مطالعه قرار گیرد تا براساس ویژگی‌ها و خصوصیات خاص آن، نظام‌ها و روش‌های برنامه‌ریزی مناسب را برای ارائه طرح‌های عمرانی و اجرای آن‌ها انتخاب و ارائه نمود. هرگز نمی‌توان یک الگوی از پیش ساخته شده را به مثابه یک راهکار عام در تمام مناطق عملی و پیاده نمود. اما گاهی روندهای توسعه از مجاری و کانال‌هایی عبور می‌نمایند که به عنوان هدف‌های نهایی و غایی پیشرفت و رشد اقتصادی، و به منزله استراتژی توسعه، می‌توانند سر مشق و نهایت خاستگاه رشد و توسعه در سطح کلیه مناطق باشند. به طور ساده‌تر اگر عنوان کنیم، می‌تواند هم به مثابه راهکارهای رسیدگی به اهداف کلی برای اجرای پروژه‌های مقدماتی و اولیه رشد و توسعه و نیز هم طراز یا هدف‌ها به عنوان راهبردهای توسعه همه‌جانبه مناطق به کار بسته شوند. این روند تقریباً عام را که به ویژه در جوامع در حال توسعه بیشتر دیده می‌شود، می‌توان «فرآیند نوین ایجاد پیوندگاه‌های رشد و توسعه» نامید.

مرحله کامل و منتم یکدیگر باید در این فرآیند اتفاق بیفتد: برای شکل بخشیدن به این نظام هدفمند در چارچوب برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دو مرحله اول - ایجاد مجموعه‌ها یا هسته‌های رشد و توسعه: این مرحله مستلزم انجام مطالعات وسیع آمایشی در کل سرزمین و فضای ملی است تا با دریافت ویژگی‌ها و خصوصیات و استعدادها و قابلیت‌های مختلف در مناطق گوناگون، توانایی‌های هر یک را در قبال به عهده گرفتن یک مسئولیت تولیدی و ملی درک نمود و سپس با ایجاد تأسیسات، امکانات، وسایل و ابزار برنامه‌ریزی شده، نقش اقتصادی اصلی هر منطقه را در قبال کل جامعه به آن‌ها داد.

مجموعه‌ها یا هسته‌های رشد و توسعه اغلب با شکل دادن به فعالیت‌های نوین کشاورزی یا صنعتی و یا خدماتی نقطه می‌بندند. مجموعه‌های کشاورزی مراکز اصلی تولید محصولات کشاورزی مهم و حیاتی برای اقتصاد مملکت می‌باشند. این محصولات ممکن است در برخی مجموعه‌ها، محصولات اساسی باشد و یا حتی ممکن است در بعضی مجموعه‌ها بر محور محصولات غیراساسی کشاورزی مانند سبزی و صیفی و میوه تکیه داشته باشد. به هر حال هر منطقه‌ای براساس ضروریات اقتصاد ملی و خصوصیات درونی خود نقش خاصی را برای ایفای می‌گزیند. مجموعه‌ها یا هسته‌های صنعتی اغلب محل استقرار صنایع سنگین و مادر می‌باشند و صنایع متوسط و کوچک به

نهادها، مجموعه ضابطه‌ها و مقررات عملی اقتصادی براساس فرهنگ اقتصادی و سنت‌های صنعتی محلی در هر منطقه هستند (Kraike, 1999). دسته دیگری از رویکردهای اخیر عنوان می‌دارند که سیاست توسعه منطقه‌ای مؤثر باید دقیقاً با سبک جهانی توسعه قابل تطبیق باشد و پنج عامل منابع، نهادها، روندها، فرهنگ و پیوندهای خارجی را در این چارچوب برمی‌شمرد (Boisier, 1998-B).

عامل‌های توسعه منطقه‌ای که در رویکردهای پیشین اهمیت داشتند بیشتر شامل ساختار و اندازه بنگاه‌های اقتصادی، ترکیب بخشی اقتصاد منطقه، خدمات بازرگانی، تسهیلات آموزشی، نهادهای پژوهشی، زیرساخت‌های ارتباطی، حمل و نقل، اوقات فراغت و کیفیت زندگی در منطقه بوده‌اند. این عامل‌ها با مفهوم سنتی تأثیرگذاری‌شان بر توسعه منطقه‌ای، نوعی چشم‌انداز ایستا به توسعه منطقه‌ای می‌بخشد (Biehl, 1991). رویکردهای جدید نظری به این عامل‌ها وقع چندانی نمی‌نهند و بیشتر عامل‌های «ساختاری و نهادی» اجتماعی و اقتصادی منطقه‌ها را سبب تحلیل منطقه‌ای قرار می‌دهند و بر چهارچوب نهادی در منطقه تأکید می‌کنند. بازاری سازه‌مانند منطقه و سیمای اجتماعی، فرهنگی شبکه‌های اقتصادی منطقه را مدنظر قرار می‌دهند. توسعه اقتصادی منطقه‌ای دیگر تحت تأثیر درجه شهرنشینی، عامل‌های جمعیتی، دسترسی به زیرساخت‌ها و ترکیب بخشی اقتصاد نیست؛ بلکه دیگر عامل‌های مهمی که باید مدنظر باشند راه‌هایی هستند که نیروی کار و سرمایه در یک منطقه به کار گرفته می‌شوند.

عمل اقتصادی به میزان زیادی به نظام منطقه‌ای تولید و مقررات مربوط به آن بستگی دارد و به صورت عامل «پوش توسعه منطقه‌ای» شناخته می‌شود که عبارتند از: الف) نظام تولید منطقه‌ای، شامل نوع فعالیت‌های تولیدی و شاخه‌های صنعتی در منطقه، تفاوت‌های نهادی اقتصاد منطقه‌ای، ظرفیت پایش منطقه‌ای و فرایندهای فعالیت‌های اقتصادی و اندازه و کیفیت نیروی کار منطقه‌ای، ب) نظام منطقه‌ای مقررات، شامل شکل انطباق بنگاه‌های اقتصادی، کیفیت رابطه‌های نیروی کار صنعتی، مقوله اجتماعی، فرهنگی و نهادهای حمایتی در سطح منطقه، ج) شرایط بنیادی تجهیز فضایی و کیفیت مکانی منطقه‌ای شامل در صد شهرنشینی و تراکم جمعیتی در منطقه، زیرساخت‌های منطقه، جایگاه مرکزی یا پیرامونی و کیفیت زیست محیطی منطقه (Biehl, 1991). نمودار صفحه بعد ساختار نظریه جدید توسعه منطقه‌ای را نشان می‌دهد.

اول - قدرت نظارت دستگاه‌های برنامه‌ریزی بر اجرای برنامه‌های توسعه منطقه‌ای، و تعهد ملی و پایدار دولتها به پشتیبانی از اجرای آنها، زیرا اگر برنامه‌ریزان دستگاه‌های برنامه‌ریزی در یک کشور فاقد اراده و قدرت و نفوذ کلان و شخصیت مستقل باشند؛ هیچگاه نمی‌توانند موفق به انجام نظارت دقیق و مؤثر بر اجرای برنامه‌ها، توسط دستگاه‌های اجرایی گردند. هرگاه دولت‌ها با یک تعهد ملی و پایدار، این نقش دستگاه‌های برنامه‌ریزی را تنهید و تقویت نکنند و خود را ملزم به حمایت از اجرای برنامه‌های طراحی شده ندانند؛ پس از هر دور تغییر و تعویض کابینه‌ها، خطر پشت‌گوش انداختن برنامه‌ها در صورت تشخیص عدم نیاز به آنها توسط یک دولت وجود دارد و این یکی از عوامل سستی و فتور در برنامه‌های عمران منطقه‌ای خواهد بود.

دوم - مشارکت دستگاه‌های اجرایی محلی و مردم هر منطقه در امر برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های عمران و توسعه مناطق می‌باید. از این نظر دستگاه‌های برنامه‌ریزی مرکزی و مادر و نیز دولت‌ها باید با دادن برخی اختیارات به دستگاه‌های برنامه‌ریزی و اجرایی محلی، و نیز سازمان‌های اخیرالذکر با جلب مشارکت و مشورت و رضایت مردم در امر طراحی، اجرا و نظارت بر اجرای برنامه‌ها به هر چه مقبول‌تر و موفق‌تر بودن برنامه‌های توسعه منطقه‌ای کمک و مساعدت بیشتری نمایند.

نظریه‌های جدید توسعه منطقه‌ای

در مورد تدوین نظریه‌ای برای برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای، شش پرسش اساسی وجود دارد. ریشه‌های تاریخی برنامه‌ریزی چیست؟ توجه برای برنامه‌ریزی چیست، یعنی در چه زمانی می‌توان دخالت نمود؟ قانون‌های بازی کدامند و چه ارزش‌هایی در برنامه‌ریزی مطرح است و برنامه‌ریزی با چه معیارهای اخلاقی مواجه می‌باید؟ محدودیت‌های قدرت برنامه‌ریزی کدامند و در یک اقتصاد مختلط، برنامه‌ریزی چگونه می‌تواند مؤثر باشد؟ سبک برنامه‌ریزی چیست و برنامه‌ریزان چه باید بکنند؟ و سرانجام خواست و آرای عمومی چیست؟ (پرش ملداوم) (1996, campbell, fairsten). نظریه توسعه منطقه‌ای باید بتواند برای کلیه پرسش‌های فوق پاسخ مستدل ارائه دهد. رویکردهای اخیر در نظریه توسعه منطقه‌ای، اهمیت زیادی به «ساخت نهادی» اجتماعی، اقتصادی منطقه‌ها (Amin, Thrift, 1994) و «تفاوت درون منطقه‌ای» آن ساخت می‌دهند (Stroper, 1995). براین پایه توسعه یک منطقه، نه تنها با منابع فیزیکی آن رقم می‌خورد؛

بلکه همچنین توسط منابع «نهادی» آن نیز صورت می‌پذیرد (Stroper, Scott, 1995).

پیوند میان سه مقوله رویکرد نوین توسعه منطقه‌ای^۱، نظریه جدید توسعه منطقه‌ای (همین فصل) و مفهوم منطقه بانگرش نوین^۲، زمینه‌ساز به کارگیری فرآیند برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای به شمار می‌آید. در این ساختار همبسته شرایط نوین جهانی با رویکرد نهادی مورد تجزیه و تحلیل و تصمیم‌گیری قرار می‌گیرد و نگاه سازمانی به مفهوم منطقه سبب تقویت جایگاه قانونی و تسهیل به کارگیری نهادهای منطقه‌ای در اجرای ضابطه‌ها و مقررات توسعه‌زایی گردد. در قالب این ساختار، سازمان صنعتی و سیمای اجتماعی و فرهنگی منطقه بازسازی و نوین می‌شود.

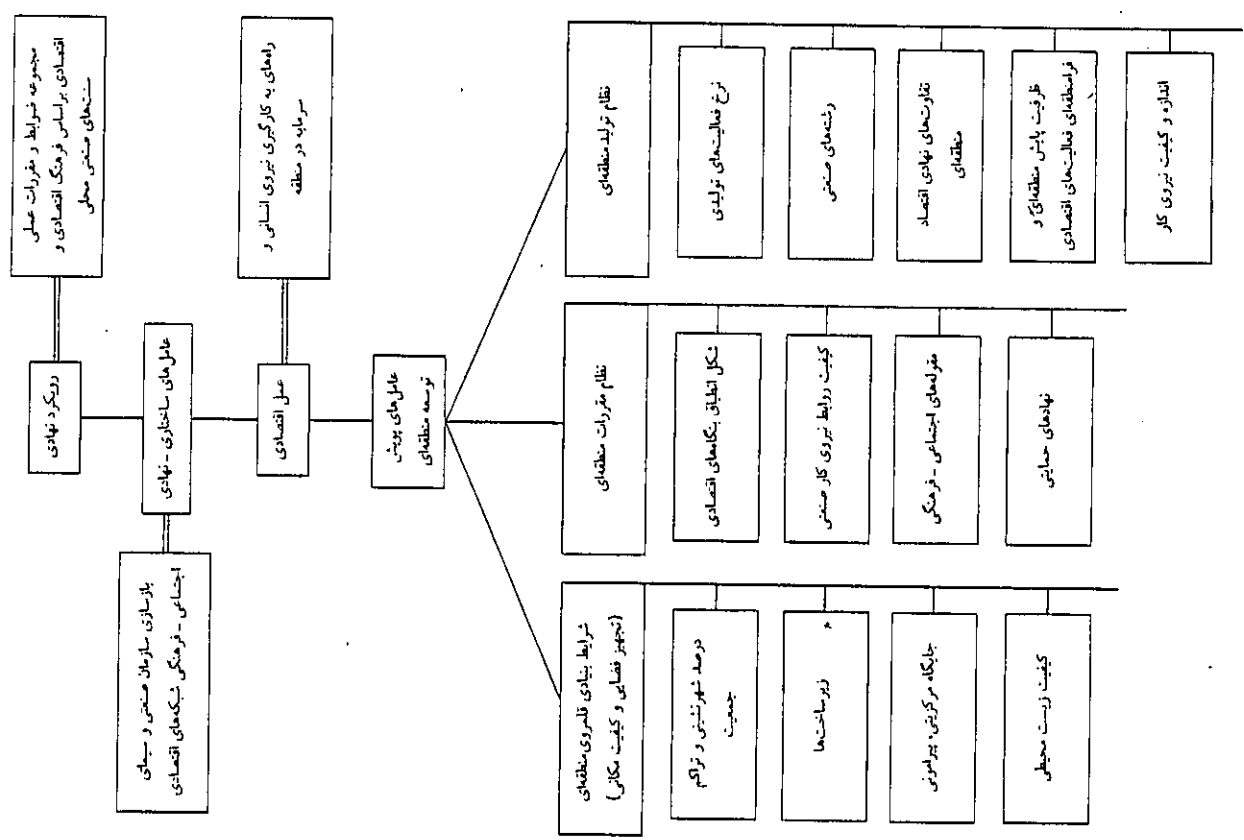
فرآیند تعیین هدف‌های بهینه و انتخاب سیاست‌های مناسب توسعه منطقه‌ای که بستر ارتقای سطح تولید، درآمد و اشتغال در منطقه می‌باشد در کنار تدوین راهکارهای منطقی نحوه استفاده از زمین و فضای اقتصادی و اجتماعی و سازماندهی به نظام سکونت‌گاهی و زیرساختی منطقه‌ای و در مجموع بهره‌برداری کارا و با بهره‌وری متناسب از منابع طبیعی، انسانی، سرمایه‌ای، فیزیکی و مدیریتی در سطح منطقه در شرایطی قابل حصول است که نقش نوین توسعه منطقه‌ای در عصر همگرایی جهانی و ساز و کارهای پیوسته با آن را در قالب دیدگاه‌های جدید باور داشته باشیم.

اینک نظام توسعه منطقه‌ای نیازمند تأمین بسترهای مناسب برای ایفای نقش خود می‌باشد. اعمال سیاست‌های تمرکززدایی و قدرت بخشیدن به نهادهای محلی تصمیم‌گیری و اجرایی، عامل تبلور این زمینه‌ها به شمار می‌آید. در این راستا، شکل‌گیری نهادهای اجتماعی و مدنی غیر دولتی تخصصی و فنی و نیز رفتارهای اجتماعی مناسب برای تقویت و تحکیم آن نهادها بسیار مهم می‌باشد. بدین مفهوم که ایجاد شرایط مساعد برای گسترش عامل اعتماد اجتماعی میان نهادهای اجتماعی تخصصی می‌تواند هدف فوق‌رایزورده سازد. برای تحقق این امر، دو روند با دو دورنمای زمانی باید اتفاق بیفتد:

- در کوتاه‌مدت، کم‌رنگ کردن رابطه‌های عمودی و بخشی میان نهادهای تصمیم‌گیری و اجرایی دولتی سطح ملی و منطقه‌ای، و در مقابل، تقویت رابطه‌های افقی و میان‌بخشی نهادهای تصمیم‌گیری و اجرایی منطقه‌ای و گسترش و تعمیق دامنه مشارکت نهادهای اجتماعی، مدنی و غیر دولتی تخصصی و فنی در فرآیندهای تصمیم‌گیری و اجرایی در سطح منطقه‌ها.

۱. مراجعه کنید به انتهای فصل دوم از بخش اول.
 ۲. انتهای قسمت انواع مناطق برای برنامه‌ریزی در فصل دوم از بخش اول.

نظریه جدید توسعه منطقه‌ای



توان بالقوه‌های برای کم کردن شکاف بهره‌وری خود با ناهنجاری‌های بیشتر از برخوردارند. تحقیق یافتن این توان بالقوه به میزان توانایی اجتماعی یک جامعه بستگی دارد که با خود «انزیت اجتماعی» منطقه یا شهر را نیز به همراه دارد. هم‌سطح شدن و کاهش شکاف میان ناهنجاری‌های عقب‌مانده و توسعه‌یافته، به مفهوم «پدیده رسیدن» است. این پدیده در مقوله مبادله فضایی معنی‌دار می‌شود و سطح توانایی اجتماعی در یک شهر یا منطقه شکاف در میزان فن آوری و توسعه را کاهش می‌دهد (Hansson, Henrikson, 1997). عامل بالقوه تعیین‌کننده سطح توانایی اجتماعی یک شهر یا منطقه، میزان همگرایی آن با اقتصاد سطح‌های بالاتر است. در مورد این‌که چرا شرکت بیشتر در تبادل فضایی، پدیده رسیدن و در پی آن میزان توسعه را تقویت می‌کند استدلال‌های زیادی وجود دارد:

۱) انتقال فن آوری با جریان تبادل فضایی ارتباط مستقیم دارد و در نتیجه سطح بهره‌وری رادر شهر یا منطقه ارتقا می‌بخشد (Hansson, Henrikson, 1997).

۲) هرچه فعالیت‌های اقتصادی بیشتر در معرض تبادل فضایی قرار گیرند، میزان مواجهه با فن آوری‌های نوین و انطباق با آن‌ها به منظور حفظ قدرت رقابتی بیشتر خواهد شد (Baumol, 1992).

۳) در شهرها و منطقه‌هایی که مردم به تغییر عادت دارند، اندیشه‌های جدید با سرعت بیشتری پذیرفته خواهند شد (Lewis, 1995).

هرچه میزان همگرایی یک شهر یا منطقه با دنیای بیرونی خود بیشتر باشد از نظر اجتماعی، توانایی آن در رسیدن به سطح‌های پیشرفته‌تر توسعه بیشتر خواهد شد.

در کنار توان همگرایی، عامل بالقوه دیگر تعیین‌کننده توانایی اجتماعی رسیدن، میزان انباشت سرمایه انسانی است (Hansson, Henrikson, 1997). این پدیده برای توسعه شهری و منطقه‌ای از اهمیت حیاتی برخوردار است.

پژوهش‌های متعدد پیرامون رابطه آموزش و بهره‌وری از همبستگی فراوان آن‌ها خبر می‌دهند یعنی اثرهای مثبت سرمایه‌گذاری در زمینه سرمایه‌های انسانی بر توسعه شهری و منطقه‌ای مشهود است (Katz, 1992; Pacharopoulos, 1993). بدین ترتیب پدیده رسیدن به سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی و بازبودن دوره‌های تبادل فضایی از عوامل‌های تعیین‌کننده توسعه شهری و منطقه‌ای می‌باشد (Summers, Heston, 1991).

رابطه برنامه‌ریزی منطقی با برنامه‌ریزی ملی

مجموعه‌ای از روش‌ها و هدف‌ها برای ایجاد رشد و توسعه در هر منطقه که اصلی‌ترین

در بلندمدت، شکل‌گیری تدریجی دولت‌ها و پارلمان‌های محلی در تعامل و پاسخ‌گویی به دولت و پارلمان در سطح ملی، تقویت توان‌سنجی‌ها و ظرفیت‌های بارور توسعه‌ای و گسترش مشارکت نهاد‌های اجتماعی بر پایه اعتماد اجتماعی قدرت رقابت و توسعه‌پذیری منطقه‌ها را افزایش می‌دهد و نهادینه‌سازی نقش نهاد‌های محلی دولتی و مردمی توان تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری و اجرایی رادر سطح منطقه‌ها تعمیم می‌بخشد.

این دو عامل، بسترهای مناسب ایجاد و تحول در نظام برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای خواهد بود و می‌توانند در تکوین این نظام نقش مؤثری ایفا نمایند.

چارچوب نظری رسیدن

نظریه‌های فضایی در مورد توسعه منطقه‌ای بیشتر از دو منبع نظری با ماهیت اقتصادی و اجتماعی ناشی می‌شوند: «نظریه تبادل فضایی» و «نظریه کنزی تقاضا». در نظر به نخست، فرض بر این است که شهرها و منطقه‌ها به عنوان «ناحیه‌های آزاد مبادله‌های فضایی» عمل می‌کنند بدون تعرفه و در شرایط مبادله آزاد، فارغ از پایش‌های مهاجرت، مبادله و گردش سرمایه، براساس نظریه دوم، تقاضا برای تولید منطقه‌ای عاملی خارجی محسوب می‌شود (تقاضای موجود در خارج از منطقه) و تولید براساس «مزیت‌های نسبی» و رقابتی وجود در منطقه انجام می‌گیرد. پدیده «وابستگی فضایی» در این رهگذر از میزان وابستگی سطح توسعه یک شهر یا منطقه به تبادل فضایی و میزان تأثیرگذاری آن بر شهرها و منطقه‌های دیگر حکایت می‌کند. از لحاظ جنزاقی، این فرآیند به شکل تخصصی شدن تولید منطقه‌ای و مبادله فضایی کالاهای تخصصی تبیین می‌شود.

الگوهای پیوند رشد منطقه‌ای بر فعالیت‌های توسعه‌زا و قابل مبادله انکا دارند و به «رویکرد پایه صادراتی» در علم اقتصاد فضا مربوط می‌شوند و در این میان پدیده همگرایی را در رابطه با تبادل فضایی مطرح می‌نمایند (Malmberg, 2000).

وجود تقاضا برای تولید در بازارهای خارج از منطقه با تقویت فعالیت‌های پایه براساس مزیت‌های نسبی و رقابتی امکان‌بخش نمودن پدیده تبادل فضایی را به وجود می‌آورد و به تخصصی شدن شهر یا منطقه در فعالیت‌های توسعه‌زا منجر می‌گردد. این مقوله در بستر نخل به همگرایی یا دیگر شهرها و منطقه‌ها قابل جمع‌بندی است. در این زمینه است که می‌توان مطرح نمود منطقه‌ها و شهرهای عقب‌مانده از نظر فن آوری از

محتوا و خصوصیت برنامه‌ریزی منطقه‌ای می‌باشد در یک رابطه متقابل و تأثیرپذیرنده و نیز در مقابل، مؤثر با برنامه‌های ملی قرار دارد. به‌طور کلی، بین این دو نوع برنامه‌ریزی ارتباط و همبستگی متقابل است و هر یک لازم و ملزوم یکدیگرند.

اما معیارهای کارآیی برنامه‌ریزی ایجاد می‌کنند که براساس رعایت اصول عقلانیت در برنامه‌ریزی و انعطاف‌پذیری برنامه‌ها و نیز عدم تمرکز در طراحی و اجرای برنامه‌ها، برنامه‌ریزی منطقه‌ای از یک شخصیت تقریباً مستقل و مکمل در چارچوب برنامه‌ریزی ملی برخوردار باشد زیرا برنامه‌ریزی منطقه‌ای نمایانگر ابعاد فضایی برنامه‌های ملی می‌باشد و این باید براساس ویژگی‌های منطقه‌ای مراعات شود که فقط در دستگاه‌های برنامه‌ریزی و اجرایی محلی و مردم منطقه، اشراف و تبصر و شناخت لازم نسبت به آن‌ها وجود دارد.

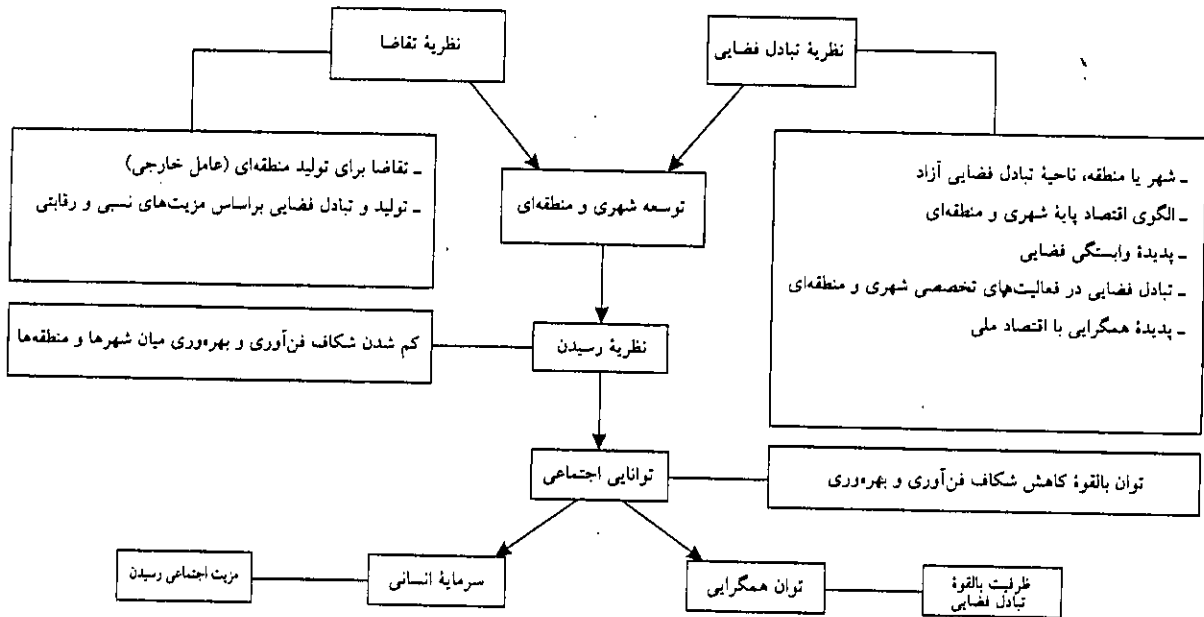
البته تا آنجا که برنامه‌ریزی آمایش سرزمین به مثابه بعد فضایی برنامه‌ریزی ملی دخالت دارد، یعنی تا حد بالای اتخاذ تصمیم در مورد اعلام قطب‌های کشاورزی، صنعتی و بازرگانی، ساختمان بزرگ‌راه‌ها و یا نظام سلسله مراتبی شهرها و سایر سیاست‌های کلی در این پایه و مایه، برنامه‌ریزی منطقه‌ای از سیاست‌های اقتصادی و آمایشی ملی تأثیرپذیر خواهد بود. اما فراتر از این حد و بعد از این مرحله، یعنی هنگامی که دیگر منطقه باید براساس رهنمودهای طرح آمایش سرزمین، محل طراحی‌ها و اجرای برنامه‌های توسعه باشد، باید از نوعی استقلال فکر و عمل برخوردار گردد تا براساس شرایط داخلی خود یعنی توانایی‌ها و قابلیت‌های اقتصادی، اجتماعی، اقلیمی و نیز تحت تأثیر شرایط خارجی یعنی رهنمودها و هدایتگری‌های طرح آمایش سرزمین در قالب برنامه‌ریزی ملی فضایی، طراحی برنامه‌ها و سپس اجرای آن‌ها توسط سازمان‌های برنامه‌ریزی و دستگاه‌های اجرایی محلی و مشارکت مردم منطقه را آغاز نماید.

در نتیجه می‌توان ادعا نمود که برنامه‌ریزی منطقه‌ای می‌تواند هادی و راهنمای خوبی برای تصمیم‌گیری‌های برنامه‌ریزی ملی در چارچوب برنامه‌ها و طرح‌های اقتصاد ملی باشد و نیز برنامه‌ریزی ملی به نوبه خود خط‌دهنده و جهت‌بخشنده به محتوای برنامه‌های توسعه مناطق خواهد بود.

با مثالی مطلب را روشن‌تر نموده و از اطالة کلام می‌کاهیم:

برنامه‌ریزی ملی یا استفاده از طرح آمایش سرزمین اعلام می‌کند که فلان منطقه قطب کشاورزی است و براساس نیازهای اقتصاد ملی و نیز خصوصیات اقتصادی - اقلیمی آن

چارچوب نظری (نظریه رسیدن)



فصل دوم

روش شناسی برنامه‌ریزی منطقه‌ای

تحلیل‌های اقتصادی منطقه - روش‌های شناخت^۱

شناخت هر منطقه از ارکان اساسی روندهای مطالعاتی در سطح منطقه محسوب می‌گردد که براساس آمار و اطلاعات و داده‌های گوناگون که از طرق مختلف کسب می‌گردند امکان‌پذیر می‌شود. مطالعه ابعاد گوناگون هر منطقه از ابزار مؤثر در ترسیم امکانات بالقوه و بالفعل در جنبه‌های گوناگون محیطی، اقلیمی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در هر منطقه می‌باشد.

عوامل اساسی در شناخت هر منطقه که مطالعه آن‌ها سیمای عمومی اقتصادی، اجتماعی منطقه را معین‌تر و مشخص‌تر می‌نماید، عبارتند از:
 جمعیت، مهاجرت، حساب‌های منطقه‌ای، روابط بین منطقه‌ای و پیشینه منطقه‌ای که سنجش و مطالعه هر یک از عوامل فوق دارای روش‌های اندازه‌گیری و مقیاس‌بندی گوناگونی می‌باشد.

جمعیت

یکی از مهم‌ترین، مؤثرترین و شاخص‌ترین عوامل، پارامترها و معیارها در محاسبات و مطالعات شناخت منطقه‌ای در راستای برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای، مؤلفه جمعیت می‌باشد زیرا این فعالیت‌ها و کنش‌ها و واکنش‌های اقتصادی - اجتماعی و نیز نیازها، خواسته‌ها، توقعات و حقوق جمعیت می‌باشد که ضرورت و لازمه برنامه‌ریزی را ایجاد می‌نماید و در نهایت، برنامه‌ریزی در تمام ابعادش برای جمعیت انجام می‌شود. در روند برنامه‌ریزی منطقه‌ای، مهم‌ترین عامل دموگرافیک یا جمعیت‌شناسی، میزان

۱ برای اطلاع بیشتر، رجوع کنید به منابع ۱۲، ۱۵، ۱۶.

منطقه محصولات مشخصی باید در آن تولید شوند. برنامه‌ریزی منطقه‌ای اعلام می‌نماید که در چارچوب مشخص شده فوق توسط برنامه ملی، در این منطقه باید کشاورزی با استفاده از این تأسیسات و نهادها فعالیت داشته باشد. بر اثر این فعالیت‌ها، دگرگونی‌های جمعیتی این‌گونه خواهد بود. تأسیسات خدمات تولیدی، بازار و خدمات اجتماعی زیربنایی و فرهنگی و بهداشتی در این مقیاس و در این نقاط باید مستقر گردند، شبکه راه‌های ارتباطی بدین‌گونه نقاط مختلف منطقه رابه یکدیگر وصل و منطقه را با مناطق دیگر مرتبط کنند و الی آخر.

ارتباط ساختاری برنامه‌ریزی ملی و برنامه‌ریزی منطقه‌ای در یک نظام برنامه‌ریزی فراگیر و منسجم به صورت فرآیند زیر نشان داده شده است.

فرآیند کلی برنامه‌ریزی ملی - منطقه‌ای

فرآیند برنامه‌ریزی ملی - منطقه‌ای	زمینها
مرحله کلان	- تعیین هدف‌ها و سیاست‌های کلی - تعیین اولویت‌های توسعه - تعیین منابع و امکانات
مرحله بخشی	- اعمال هدف‌های کلان در بخش - تخصیص عمومی (بخشی) منابع سرمایه‌ای
مرحله بین منطقه‌ای	- تعیین ساخت منطقه‌ای کشور - تأثیر هدف‌ها و سیاست‌های ملی بر منطقه‌ها - تخصیص منابع به منطقه‌ها - توزیع فعالیت‌های پیش‌بینی شده در مرحله بخشی میان منطقه‌ها - حرکت‌های بین منطقه‌ای جمعیت
مرحله منطقه‌ای	- توزیع شبکه‌های زیربنایی بین منطقه‌ای - تدوین برنامه‌های جامع توسعه منطقه‌ای - براساس سیاست‌های مرحله بین منطقه‌ای
مرحله ناحیه‌ای و محلی	- تخصیص آفنی طرح‌ها و پروژه‌ها براساس مرحله منطقه‌ای - انواع نیازهای اقتصادی و اجتماعی و بهینه‌سازی محیط فیزیکی شهرها و روستاها - تعیین و پیاده‌سازی پروژه‌ها و اولویت‌بندی آن‌ها
مرحله خرد	

فصل پنجم

برنامه ریزی منطقه‌ای در ایران

سابقه برنامه ریزی در ایران

الف) قبل از انقلاب

در ۱۱ فروردین ۱۳۱۶ ه.ش، هیئت وزیران بنا به پیشنهاد «اداره کل تجارت»، تاسیس «شورای اقتصاد» را تصویب می‌نماید. یکی از وظایف این شورا، طرح نقشه‌های اقتصادی و ارائه راههای اجرای آن بود. شورا ۱۰ عضو داشت و ریاست آن برعهده نخست‌وزیر وقت بود. شورای اقتصادی در ۶ مهرماه ۱۳۱۶ ه.ش یک کمیسیون دائمی بنام «کمیسیون تهیه برنامه برای تولید محصولات» تشکیل داد. این کمیسیون پیشنهادهایی درباره اصلاح وضع کشاورزان و اسکان ایلات و عشایر تهیه کرده و برنامه‌ای به نام «برنامه هفت ساله کشاورزی» به نخست‌وزیر ارائه نمود. اما این برنامه و اصولاً فکر برنامه ریزی به دلیل

۲۳۲ / اصول و روشهای برنامه ریزی منطقه‌ای

خلاصه فصل چهارم

آمار و اطلاعات از جمله عوامل اصلی و پایه‌ای در برنامه ریزی منطقه‌ای محسوب می‌گردد. باید سعی نمود که همواره در کشورها، مناطق، نواحی و نقاط از آمار و اطلاعات دوره‌ای برای تجزیه و تحلیل مسائل استفاده نمود. در مواردی که آمار رسمی وجود ندارد باید مبادرت به آمار نمونه‌ای نمود.

برای شناخت ساختار اقتصادی و اجتماعی منطقه به چارچوب جامع اطلاعات نیاز میرمی است تا با بهره‌گیری از این آمارها و در چارچوب مدل‌های مختلف مبادرت به تحلیل منطقه گردد.

از جمله تکنیکها و روشهای تحلیل منطقه‌ای، تهیه حسابهای منطقه‌ای، جداول داده - ستانده، روش اقتصاد پایه‌ای، ضریب مکانی، روش تغییر سهم، مدل‌های سنجش درجه توسعه یافتگی شامل روشهای سازمان ملل و تاکسونومی است که استفاده از آنها در تحلیل ساختار اقتصادی - اجتماعی منطقه حائز اهمیت است.

از آنجا که جمعیت در تحلیل منطقه‌ای نقش اساسی را ایفا می‌نماید، لذا باید روشهای تحلیل و پیش‌بینی جمعیت را به کار گرفت. در مطالعات منطقه‌ای پس از بررسی و شناخت تجزیه و تحلیل وضع موجود منطقه باید مبادرت به آینده‌نگری و ارائه پروژه نموده که در این ارتباط استفاده از مدل‌های مطرح شده در این فصل می‌تواند راهگشا باشد.

آن که رضاخان به تمرکز کارهای عمرانی اعتقاد نداشت با شکست روبرو گردید.

در جریان جنگ جهانی دوم در ۲۳ مرداد ۱۳۲۲ ه.ش، دولت وقت (دولت ساعد) تصمیم گرفت شورایی به نام «شورای عالی اقتصاد» تشکیل دهد؛ تا با استفاده از رهنمودهای آن در رفع مشکلات مالی و اقتصادی کشور اقدام نماید. ولی این شورا به علت تغییر کابینه در آن زمان عمل مثبتی انجام نداد. در اسفند ۱۳۲۴ ه.ش برای تهیه طرح کلی برنامه؛ کمیسیونی در «بانک ملی ایران» تشکیل شد و در ۱۰ فروردین ۱۳۲۵ ه.ش در جلسه شورای عالی اقتصادی به ریاست احمد قوام، نخست‌وزیر وقت مقرر گردید که براساس دو اصل «بالا بردن واحد سطح زندگی و تعدیل در توزیع ثروت؛ شورای عالی اقتصادی، نقشه‌هایی طرح و پیشنهاد نماید. متعاقب آن در ۱۷ فروردین ۱۳۲۵ ه.ش به منظور تهیه برنامه چند ساله؛ تشکیل «هیئت تهیه نقشه اصلاحی و عمرانی کشور» به تصویب هیئت وزیران رسید. هیئت اخیر گزارش خود را در پایان خرداد همان سال تسلیم نخست‌وزیر نمود. در واقع این گزارش را می‌توان نخستین پیشنهاد برنامه هفت ساله اول ایران تلقی کرد. هیئت دولت در جلسه ۱۱ مرداد ۱۳۲۵ ه.ش این پیشنهاد را تصویب کرده و به ایجاد هیئت دیگری به نام «هیئت عالی برنامه» تحت ریاست شخص نخست‌وزیر رأی داد تا با توجه و دقت بیشتر گزارشهای هیئت تهیه نقشه اصلاحی و عمرانی کشور را تحت مطالعه و بررسی قرار دهد. هیئت عالی برنامه با تشکیل پنج کمیسیون از ۹ شهریور ۱۳۲۵ ه.ش شروع به کار نمود و وظیفه آن عبارت بود از رسیدگی به نقشه و برنامه‌های تنظیمی وزارتخانه‌ها و تحدید نظر در اقلام مبلغ اعتبارات. پیش‌بینی این هیئت برای بخشهای اقتصادی و اجتماعی کشور برنامه‌های ۵ تا

۷ ساله با هزینه‌ای در حدود ۱۵ میلیارد ریال بود که تنظیم و تسلیم دولت گردید. چون تامین این مبلغ از توان مالی کشور فراتر بود دولت مجبور شد قسمتی از این هزینه را از طریق اخذ وام از خارج تامین نماید؛ بدین ترتیب دولت در سوم آبان ۱۳۲۵ ه.ش از طریق سفارت ایران در آمریکا از «بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه» (بانک جهانی فعلی) مبلغ ۲۵۰ میلیون دلار وام تقاضا کرد. در پی آن بانک به دولت ایران اطلاع داد که در چنین مواردی کشور متقاضی وام باید منظور از تقاضای وام، نوع عملیات هزینه به ریال و ارز ترتیب زمانی، استفاده از اعتبار و مدت استهلاك وام را به بانک گزارش دهد. برای تهیه این گزارش در ۲۶ آذر ۱۳۲۵ ه.ش قراردادی میان دولت ایران و یک شرکت مشاور آمریکایی به نام «موریس نودسن»^(۱) منعقد گردید. کارشناسان این شرکت پس از سفر به ایران و چند ماه بررسی با استفاده از آمار و اطلاعاتی که هیئت عالی برنامه جمع‌آوری کرده بود در مرداد ۱۳۲۶ ه.ش گزارش خود را تحت عنوان «برنامه توسعه و عمران ایران» به دولت ایران تسلیم نمودند. در آبان‌ماه همان سال مشرف نفیسی یکی از اعضای هیئت عالی برنامه از طرف نخست‌وزیر مأموریت یافت که با کمک هیئت عالی برنامه و با توجه به گزارش شرکت موریس نودسن «برنامه‌های قابل اجرا تهیه نماید». گزارش مشرف نفیسی در دهم آذر ۱۳۲۶ ه.ش آماده شد. در این گزارش هزینه اجرای برنامه ۲۱ میلیارد ریال برآورد گردید که با توجه به توان مالی و فنی کشور می‌بایست برای تامین قسمتی از آن مبلغ ۶۷۰۰ میلیون ریال از بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه وام گرفت. سرانجام براساس این گزارش در ۱۴ اردیبهشت ۱۳۲۷ ه.ش «لایحه قانون برنامه هفت ساله عمرانی کشور»

تجریبی بالدوین عضو هیئت مشاورها در ایران می‌نویسد^(۱): «در این دوره سه ساله تدارک برنامه (۱۳۲۵-۱۳۲۷) چهار منشاء خارجی در شکل‌گیری نتیجه نهایی نقش عمده‌ای ایفا کردند که عبارت بودند از: بانک جهانی، سفارت آمریکا در تهران، دو شرکت مشاور (آمریکایی) و یک شهروند آمریکایی به نام ماکس وستون تورنبرگ^(۲)».

ب) بعد از انقلاب

از همان روزهای نخست پیروزی انقلاب مردم طرحهای زیادی به «شورای عالی طرحهای انقلاب» که به تازگی تشکیل شده بود پیشنهاد کردند. نتیجه نهایی کار به صورت گزارشی تحت عنوان «سیاستهای توسعه و تکامل جمهوری اسلامی ایران» در اردیبهشت ۱۳۵۹ انتشار یافت. اما این گزارش در «شورای انقلاب اسلامی» تصویب نشد و به اجرا درنیامد. ادامه اقدامات مربوط به برنامه‌ریزی در دولت شهید رجایی، دولت موقت آیت‌الله مهدوی‌کنی و دولت مهندس میرحسین موسوی پیگیری شد و سرانجام در تاریخ ۱۰ دیماه ۱۳۶۰ نظام برنامه‌ریزی کشور پس از تدوین به تصویب شورای اقتصاد رسید. با تلاش این شورا کار بررسی «برنامه کلان توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پنجساله اول جمهوری اسلامی ۱۳۶۲-۱۳۶۶» در شهریور ۱۳۶۱ پایان یافت و پس از تلفیق با برنامه‌استانها به عنوان «لایحه برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۲-۱۳۶۶» در اول فروردین سال ۱۳۶۲ به هیئت دولت

1- Baldwin, Georg. B; *Planning and Development in Iran*; Johns Hopkins press, p. 25.

2- Marc Weston Thornburg.

به مجلس شورای ملی ارائه شد.

کمیسیون برنامه مجلس، گزارش خود را همراه با متن اصلاح شده لایحه، در ۴ شهریور ۱۳۲۷ هـ ش به مجلس تسلیم کرد. در بند ۱۵ این گزارش پیشنهاد شده بود که با توجه به لزوم جلوگیری از ایجاد اصطکاک بین سازمانهایی که عملیات مشابه انجام می‌دهند و نیز لزوم توسعه اقتصادی کشور اجرای برنامه از طریق همکاری بین دوایر دولتی و سازمانهای وابسته به دولت از یک سو و سازمان مخصوصی به نام سازمان برنامه از سوی دیگر انجام گیرد. در همین لایحه دولت اجازه یافت با بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه وارد مذاکره شده و حداکثر ۲۵۰ میلیون دلار وام دریافت نماید. با تصویب لایحه قانونی برنامه هفت ساله، به موجب تصویب نامه‌ای در تاریخ ۵ مهرماه ۱۳۲۷ هـ ش؛ اداره‌ای به نام «اداره دفتر کل برنامه» تاسیس شد که بعداً «سازمان موقت برنامه» نام گرفت. برای تهیه برنامه تفصیلی، در مهرماه ۱۳۲۷ هـ ش قرارداد دیگری به نام «قرارداد خدمات تخصصی» با «شرکت مشاور آمریکایی ماورای بحار»^(۱) منعقد نمود. گزارش این شرکت در سال ۱۳۲۸ هـ ش به دولت ایران تسلیم شد^(۲)

سرانجام در ۶ بهمن ۱۳۲۷ هـ ش «لایحه قانونی اجرای برنامه هفت ساله عمرانی (۱۳۲۷-۱۳۳۴)» به تصویب مجلس شورای ملی رسید و بدین ترتیب ایران رسماً دارای برنامه و سازمان برنامه شد.

فکر برنامه‌ریزی در سال ۱۳۱۶ هـ ش در نظام حکومتی ایران تکوین یافت اما نفوذ ایالات متحده آمریکا در تحول آن به ویژه در سالهای ۱۳۲۵-۱۳۲۷ هـ ش دیده می‌شود.

1- Overseas Consultants Incorporated.

۲- تانبش، احمد؛ پیشینه برنامه‌ریزی در ایران، سازمان برنامه و بودجه، تهران، ۱۳۷۵، صص ۸-۴.

گردید. این برنامه تنها در هیئت دولت مورد بررسی و تصویب قرار گرفت و به صورت سری باقیماند و از آنجا که شرایط اضطراری پیش‌بینی شده به وقوع نپیوست برنامه شرایط بحران به اجرا در نیامد.

با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل در ۲۷ تیرماه ۱۳۶۷ از جانب ایران و ضرورت بازسازی هرچه سریعتر کشور؛ تدوین برنامه کلان توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دستور کار سازمان برنامه و بودجه قرار گرفت و در آبانماه همان سال لایحه آن توسط مهندس موسوی تقدیم مجلس شد و کلیات آن نیز در شور اول به تصویب رسید. اما با توجه به تصویب تغییراتی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران توسط مجلس خبرگان و همچنین انتخاب آقای هاشمی رفسنجانی به ریاست جمهوری و تشکیل هیئت دولت جدید این لایحه مورد تجدید نظر قرار گرفت و مجدداً تقدیم مجلس شورای اسلامی گردید. بالاخره در تاریخ ۱۱ بهمن ۱۳۶۸ اولین برنامه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به نام قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۸-۱۳۷۲، به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و به اجرا درآمد^(۱).

برنامه دوم توسعه اقتصادی اجتماعی در سال ۱۳۷۴ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. در واقع از پایان برنامه اول تا شروع برنامه دوم ۲ سال وقفه افتاد. در سال ۱۳۷۵ کار تهیه برنامه ایران ۱۴۰۰ در سازمان برنامه و بودجه آغاز شد. در این برنامه پنج گروه اقتصاد کلان، آمایش سرزمین و مطالعات استانی، اجتماعی،

تقدیم شد. بررسی لایحه در هیئت دولت در نیمه نخست همان سال به اتمام رسید و در ۲۲ مرداد ۱۳۶۲ توسط نخست‌وزیر تقدیم مجلس شورای اسلامی گردید. این لایحه در کمیسیون ویژه برنامه و بودجه مجلس مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت به دلیل ضعف اطلاعات و عدم انجام و نیز وجود شرایط ویژه ناشی از جنگ تحمیلی مورد تصویب قرار نگرفت. پس از شروع دوره دوم مجلس شورای اسلامی مجدداً از مجلس تقاضای رسیدگی به لایحه برنامه اول را نمود. کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی در ۲۵ مهرماه ۱۳۶۳ اعلام کرد که لایحه برنامه اول به تصویب نرسید، لذا باید تغییرات اساسی و اصولی در آن ایجاد شود تا از یک برنامه ایده آل به برنامه‌ای منطبق با شرایط و امکانات اسمی کشور تبدیل گردد. از اینرو وزارت برنامه و بودجه به تدوین اصلاحیه برنامه اول توسعه جمهوری اسلامی ایران اقدام نمود و در دیماه ۱۳۶۴ آن را منتشر ساخت. اما با توجه به بحران ناشی از سقوط قیمت نفت و وجود مشکلات گوناگون و به منظور مقابله با این بحران دولت به تهیه برنامه شرایط جدید استقلال اقتصادی کشور ۱۳۶۶-۱۳۶۶، مبادرت نمود و در نتیجه اصلاحیه برنامه اول از سوی دولت و مجلس پیگیری نشد. ویژگی عمده برنامه شرایط جدید گستره محدود آن بود که عمدتاً بخشها و فعالیتهایی را دربرمی‌گرفت که در شرایط محدودیت ارزی از اهمیت خاص برخوردار بودند. هدف اصلی این برنامه آن بود که با توجه به شرایط بحرانی آن موقع دولت بتواند مردم را تغذیه نماید. این برنامه تا حدی به اجرا درآمد. در همان زمان با توجه به تهدیدهای نظامی و احتمال تشدید درگیریها در خلیج فارس (۱۳۶۶-۱۳۶۷) و بسته شدن درهای ورودی کشور برنامه شرایط بحران، از سوی وزارت برنامه و بودجه تهیه

سیاسی و نظامی طراحی شد که کمیته‌های متعددی در هر یک از این گروه‌ها بوجود آمدند. در کار تدوین این برنامه از کارشناسان دانشگاهها و بعضاً تنی چند از سازمان برنامه استفاده شد. در این برنامه تعدیل ساختاری مدنظر بوده است که به یک برنامه هفت ساله و سه برنامه پنج ساله تقسیم می‌گردد.

افق زمانی احتمالی این برنامه ۱۴۰۰-۱۳۷۸ است. این برنامه تاکنون در هیئت دولت تصویب نشده و تنها کار مطالعه آن در مدت یکسال (۷۶-۱۳۷۵) انجام گردید. با تشکیل دولت آقای سید محمد خاتمی هفتمین رئیس جمهوری، سازمان برنامه کار پی‌گیری مطالعات برنامه ایران ۱۴۰۰ را مسکوت گذاشت و اعلام نمود به مطالعه برنامه جامع آمایش سرزمین خواهد پرداخت. (در جداول شماره ۵-۱ و ۵-۲ مشخصات برنامه‌های عمرانی کشور قبل و بعد از انقلاب ارائه شده است).

جدول ۵-۱ مشخصات برنامه عمرانی کشور قبل از پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۷۸-۱۳۵۱)

ردیف	نوع برنامه	تاریخ تصویب	تاریخ آغاز	تاریخ اتمام	مدت برنامه	نوع برنامه	تاریخ تصویب	تاریخ آغاز	تاریخ اتمام	مدت برنامه	نوع برنامه
۱	عمرانی	۱۳۵۱	۱۳۵۱	۱۳۵۸	۷ سال	عمرانی	۱۳۵۸	۱۳۵۸	۱۳۶۵	۷ سال	عمرانی
۲	عمرانی	۱۳۶۵	۱۳۶۵	۱۳۷۲	۷ سال	عمرانی	۱۳۷۲	۱۳۷۲	۱۳۷۹	۷ سال	عمرانی
۳	عمرانی	۱۳۷۲	۱۳۷۲	۱۳۷۹	۷ سال	عمرانی	۱۳۷۹	۱۳۷۹	۱۳۸۶	۷ سال	عمرانی
۴	عمرانی	۱۳۷۹	۱۳۷۹	۱۳۸۶	۷ سال	عمرانی	۱۳۸۶	۱۳۸۶	۱۳۹۳	۷ سال	عمرانی
۵	عمرانی	۱۳۸۶	۱۳۸۶	۱۳۹۳	۷ سال	عمرانی	۱۳۹۳	۱۳۹۳	۱۴۰۰	۷ سال	عمرانی
۶	عمرانی	۱۳۹۳	۱۳۹۳	۱۴۰۰	۷ سال	عمرانی	۱۴۰۰	۱۴۰۰	۱۴۰۷	۷ سال	عمرانی
۷	عمرانی	۱۴۰۰	۱۴۰۰	۱۴۰۷	۷ سال	عمرانی	۱۴۰۷	۱۴۰۷	۱۴۱۴	۷ سال	عمرانی
۸	عمرانی	۱۴۰۷	۱۴۰۷	۱۴۱۴	۷ سال	عمرانی	۱۴۱۴	۱۴۱۴	۱۴۲۱	۷ سال	عمرانی
۹	عمرانی	۱۴۲۱	۱۴۲۱	۱۴۲۸	۷ سال	عمرانی	۱۴۲۸	۱۴۲۸	۱۴۳۵	۷ سال	عمرانی
۱۰	عمرانی	۱۴۳۵	۱۴۳۵	۱۴۴۲	۷ سال	عمرانی	۱۴۴۲	۱۴۴۲	۱۴۴۹	۷ سال	عمرانی
۱۱	عمرانی	۱۴۴۲	۱۴۴۲	۱۴۴۹	۷ سال	عمرانی	۱۴۴۹	۱۴۴۹	۱۴۵۶	۷ سال	عمرانی
۱۲	عمرانی	۱۴۵۶	۱۴۵۶	۱۴۶۳	۷ سال	عمرانی	۱۴۶۳	۱۴۶۳	۱۴۷۰	۷ سال	عمرانی
۱۳	عمرانی	۱۴۷۰	۱۴۷۰	۱۴۷۷	۷ سال	عمرانی	۱۴۷۷	۱۴۷۷	۱۴۸۴	۷ سال	عمرانی
۱۴	عمرانی	۱۴۸۴	۱۴۸۴	۱۴۹۱	۷ سال	عمرانی	۱۴۹۱	۱۴۹۱	۱۴۹۸	۷ سال	عمرانی
۱۵	عمرانی	۱۴۹۸	۱۴۹۸	۱۵۰۵	۷ سال	عمرانی	۱۵۰۵	۱۵۰۵	۱۵۱۲	۷ سال	عمرانی
۱۶	عمرانی	۱۵۱۲	۱۵۱۲	۱۵۱۹	۷ سال	عمرانی	۱۵۱۹	۱۵۱۹	۱۵۲۶	۷ سال	عمرانی
۱۷	عمرانی	۱۵۲۶	۱۵۲۶	۱۵۳۳	۷ سال	عمرانی	۱۵۳۳	۱۵۳۳	۱۵۴۰	۷ سال	عمرانی
۱۸	عمرانی	۱۵۴۰	۱۵۴۰	۱۵۴۷	۷ سال	عمرانی	۱۵۴۷	۱۵۴۷	۱۵۵۴	۷ سال	عمرانی
۱۹	عمرانی	۱۵۵۴	۱۵۵۴	۱۵۶۱	۷ سال	عمرانی	۱۵۶۱	۱۵۶۱	۱۵۶۸	۷ سال	عمرانی
۲۰	عمرانی	۱۵۶۸	۱۵۶۸	۱۵۷۵	۷ سال	عمرانی	۱۵۷۵	۱۵۷۵	۱۵۸۲	۷ سال	عمرانی
۲۱	عمرانی	۱۵۸۲	۱۵۸۲	۱۵۸۹	۷ سال	عمرانی	۱۵۸۹	۱۵۸۹	۱۵۹۶	۷ سال	عمرانی
۲۲	عمرانی	۱۵۹۶	۱۵۹۶	۱۶۰۳	۷ سال	عمرانی	۱۶۰۳	۱۶۰۳	۱۶۱۰	۷ سال	عمرانی
۲۳	عمرانی	۱۶۱۰	۱۶۱۰	۱۶۱۷	۷ سال	عمرانی	۱۶۱۷	۱۶۱۷	۱۶۲۴	۷ سال	عمرانی
۲۴	عمرانی	۱۶۲۴	۱۶۲۴	۱۶۳۱	۷ سال	عمرانی	۱۶۳۱	۱۶۳۱	۱۶۳۸	۷ سال	عمرانی
۲۵	عمرانی	۱۶۳۸	۱۶۳۸	۱۶۴۵	۷ سال	عمرانی	۱۶۴۵	۱۶۴۵	۱۶۵۲	۷ سال	عمرانی
۲۶	عمرانی	۱۶۵۲	۱۶۵۲	۱۶۵۹	۷ سال	عمرانی	۱۶۵۹	۱۶۵۹	۱۶۶۶	۷ سال	عمرانی
۲۷	عمرانی	۱۶۶۶	۱۶۶۶	۱۶۷۳	۷ سال	عمرانی	۱۶۷۳	۱۶۷۳	۱۶۸۰	۷ سال	عمرانی
۲۸	عمرانی	۱۶۸۰	۱۶۸۰	۱۶۸۷	۷ سال	عمرانی	۱۶۸۷	۱۶۸۷	۱۶۹۴	۷ سال	عمرانی
۲۹	عمرانی	۱۶۹۴	۱۶۹۴	۱۷۰۱	۷ سال	عمرانی	۱۷۰۱	۱۷۰۱	۱۷۰۸	۷ سال	عمرانی
۳۰	عمرانی	۱۷۰۸	۱۷۰۸	۱۷۱۵	۷ سال	عمرانی	۱۷۱۵	۱۷۱۵	۱۷۲۲	۷ سال	عمرانی
۳۱	عمرانی	۱۷۲۲	۱۷۲۲	۱۷۲۹	۷ سال	عمرانی	۱۷۲۹	۱۷۲۹	۱۷۳۶	۷ سال	عمرانی
۳۲	عمرانی	۱۷۳۶	۱۷۳۶	۱۷۴۳	۷ سال	عمرانی	۱۷۴۳	۱۷۴۳	۱۷۵۰	۷ سال	عمرانی
۳۳	عمرانی	۱۷۵۰	۱۷۵۰	۱۷۵۷	۷ سال	عمرانی	۱۷۵۷	۱۷۵۷	۱۷۶۴	۷ سال	عمرانی
۳۴	عمرانی	۱۷۶۴	۱۷۶۴	۱۷۷۱	۷ سال	عمرانی	۱۷۷۱	۱۷۷۱	۱۷۷۸	۷ سال	عمرانی
۳۵	عمرانی	۱۷۷۸	۱۷۷۸	۱۷۸۵	۷ سال	عمرانی	۱۷۸۵	۱۷۸۵	۱۷۹۲	۷ سال	عمرانی
۳۶	عمرانی	۱۷۹۲	۱۷۹۲	۱۸۰۰	۸ سال	عمرانی	۱۸۰۰	۱۸۰۰	۱۸۰۸	۸ سال	عمرانی

جدول ۵-۱ مشخصات برنامه عمرانی کشور قبل از پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۷۸-۱۳۵۱)

روند و جایگاه قانونی برنامه‌ریزی منطقه‌ای در ایران

شاید بتوان استفاده و بهره‌برداری از آنبهای زیرمبنی و قنات در قالب عرف محلی از زمانهای دور در ایران را کوششهایی در جهت برنامه‌ریزی منطقه‌ای تلقی نمود. اما همزمان با اجرای اولین برنامه در سال ۱۳۲۷، تفکر عمران مناطق و فعالیت‌های عمرانی توسط دولت شروع شد. سازمان برنامه و بودجه در سال ۱۳۳۲ با تأسیس سازمان توسعه دشت معان چارچوب اجرایی تفکر عمران منطقه‌ای را ایجاد نمود.

در برنامه اول، با عقد قراردادهایی با مهندسين مشاور خارجی قرار شد، منطقه معان مورد مطالعه قرار گیرد. هدف از این مطالعه، شناسایی توان‌های کشاورزی و اسکان عشایر شاهسون بود. در سال ۱۳۳۶ سازمان برنامه و بودجه با مهندسين مشاور خارجی در زمینه شناسایی توان‌های منطقه جنوب شرقی کشور مبادرت ورزید. نتایج این مطالعات منجر به اجرای طرح‌های کوچکی در سیستان و بلوچستان و کرمان شد.

در برنامه دوم عمران کشور، طی دوره ۴۱-۱۳۳۴ برنامه‌ریزی منطقه‌ای مورد توجه قرار گرفت و به عنوان ابزاری برای توسعه مناطق عقب افتاده ولی مستعد مطرح شد. در این دوره طرح توسعه منطقه خوزستان تدوین شد و سازمان آب و برق خوزستان بوجود آمد. در این منطقه برنامه‌هایی از قبیل احداث سد در، شبکه توزیع برق، کمت نیشکر، ایجاد کارخانه قند در منطقه خوزستان مدنظر قرار گرفت. در برنامه دوم قراردادی با مهندسين مشاور «آلن ایلسکو» منعقد گردید. اما عدم توانایی مالی دولت در طول برنامه دوم مانع از اجرای طرح‌های پیشنهادی گردید.

در برنامه سوم عمرانی کشور طی دوره ۴۲-۱۳۴۱ طرح‌های جامع عمرانی در

جدول ۲-۵ مشخصات برنامه‌های عمرانی کشور پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران (۱۳۶۲-۱۳۷۴)

عنوان برنامه	تاریخ تدوین برنامه	تاریخ تصویب برنامه	تاریخ آغاز برنامه	تاریخ پایان برنامه	مدت برنامه	اعتبار مصوب عمرانی (میلیارد ریال)	هدف کمی رشد	نوع برنامه از نظر جامعیت	وضعیت حقوقی
برنامه اول توسعه	تیر ۱۳۶۲	۲۰ تیر ۱۳۶۲ (مصوب هیأت دولت)	اجران شد	اجران شد	۵ سال	۸۸۶۳/۸	۴۱/۸٪	جامع	مصوب هیئت دولت
اصلاحیه برنامه اول توسعه	دیماه ۱۳۶۴	-	اجران شد	اجران شد	۵ سال	-	-	جامع	-
برنامه شرایط استقلال اقتصادی کشور	اسفند ۱۳۶۵	۲۰ اردیبهشت الی اسفند ۱۳۶۵	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۲ سال	-	-	افق گسترده محدود	مصوب شورای اقتصاد
برنامه اول توسعه	آبان ۱۳۶۷	۱۱ آبهمن ۱۳۶۸ (روز برنامه‌ریزی)	اول فروردین ۱۳۶۸	آخرا سفند ۱۳۷۲	۵ سال	۸۱۸۹	۷/۲٪ (عملکرد برنامه)	جامع	مصوب مجلس شورای اسلامی
برنامه دوم توسعه	آذر ۱۳۷۲	۲۰ آذر ۱۳۷۲	اول فروردین ۱۳۷۴	آخرا سفند ۱۳۷۸	۵ سال	۵۰۱۰۰۲۹/۱	۵/۱٪	جامع	مصوب مجلس شورای اسلامی

۵ پیش‌بینی رشد در قانون برنامه ۸۱٪ بوده است

۵۵ همراه با اعتبارات عمرانی سال ۱۳۷۲

مأخذ: تابش، احمد؛ پیشینه برنامه‌ریزی در ایران؛ سازمان برنامه و بودجه، تهران، ۱۳۷۵

۱۸۱۵۰۱ / ۱۸۱۵۰۱

عامل برنامه در محدوده اختیارات ناشی از قوانین برنامه‌های عمرانی بیش‌بینی و به مرحله اجرا گذاشته می‌شود. علاوه بر آن چون فلسفه برنامه‌ریزی منطقه‌ای بیشتر بر پایه نظریه تمرکز سرمایه‌گذاری در مناطق عقب افتاده استوار بود، تا برنامه سوم به بعد توسعه شهری برنامه‌ریزی منطقه‌ای و ارتباط برنامه‌ریزی شهری با آن هیچ‌گونه توجهی مبدول نشده بود. در برنامه عمرانی سوم، برای اولین بار برنامه‌ریزی منطقه‌ای در ماده ۱۷ قانون برنامه، البته به صورتی ناقص جایگاه تقریباً مستقلی پیدا کرد و این بار هدف از پیش‌بینی این ماده بیشتر تاکید بر جنبه‌های تمرکززایی برنامه‌ریزی منطقه‌ای بود. در این ماده آمده بود که برنامه‌های عمرانی استانها و فرمانداریهای کل با توجه به نظر استانداران و فرمانداران کل تهیه می‌شود و هر سال طرحهایی از قبیل راههای فرعی و آموزشگاهها و درمانگاهها و امور اجتماعی شهرها و روستاها و آبیاری کشاورزی که اجرای آنها در محل بدون احتیاج به نظرخواهی از مراکز امکانپذیر باشد. پس از تصویب به استانداران و فرمانداران کل ابلاغ خواهد شد تا طبق مقررات سازمان برنامه به اجرا درآیند.

برای آنکه استانداران و فرمانداران کل بهتر بتوانند نیازهای عمرانی منطقه خود را پیش‌بینی کنند و در اجرای آنها مجهز شوند، سازمان برنامه کارشناس در اختیار آنها خواهد گذاشت که زیر نظرشان انجام وظیفه کنند. همزمان با آن در اوایل برنامه سوم از ادغام دفاتر فنی استانها و چند واحد اجرایی دیگر، وزارتخانه‌ای به نام وزارت آبادانی و مسکن تشکیل و اجرای طرحهای ساختمانی دولتی، خانه‌سازی روستایی و عشایری، و راههای فرعی روستایی و امور اجتماعی شهرها به این وزارتخانه محول شد^(۱).

۱- وحیدی، منیر چهر، روند برنامه‌ریزی منطقه‌ای در ایران و جایگاه قانونی آن، مجموعه مقالات طرح‌ریزی کالبدی، تهران، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران، ۱۳۷۰، ص ۲۷۲-۲۷۱.

مناطق از کشور به مرحله اجرا درآمد. در سال ۱۳۴۵ برنامه‌های عمرانی در منطقه جیرفت در زمینه کشاورزی و دامپروری و صنایع کشاورزی به مرحله اجرا درآمد. در این دوره طرح عمران دشت قزوین به منظور بهره‌برداری اقتصادی از توانهای طبیعی در راستای کشت و صنعت به مرحله اجرا درآمد. در سال ۱۳۴۵ سازمان عمران کهگیلویه و دشت گرگان تاسیس شد که هدف از آن بهره‌برداری از پتانسیل‌های طبیعی و کشاورزی در راستای نوسازی شده و روستاهای منطقه در کهگیلویه و ایجاد پروژه‌هایی در زمینه تاسیس کارخانه قند، شیر و روش صحیح آبیاری در دشت گرگان بوده است. در این دوره دفاتر فنی در مراکز استانها و فرمانداریهای کل در راستای بررسی نیازهای مناطق بوجود آمد که بعداً این دفاتر پس از ایجاد وزارت آبادانی و مسکن ادارات کل وزارتخانه‌ها را در استان تشکیل دادند.

توان گفت با توجه به نتایج برنامه عمران خوزستان در برنامه سوم عمرانی (۱۳۴۱-۴۶) برنامه‌ریزی منطقه‌ای در نواحی جدید از کشور از قبیل دشت قزوین، جیرفت، کهگیلویه و ماهیدشت و پل دهب نیز مطرح شد و به این منظور متعاقب تهیه برنامه‌ها، در این مناطق سازمانهای عمران را تشکیل دادند. این سازمانها، در مواردی که یکپارچه و هماهنگ عمل می‌کردند موفق بودند و در مواردی که قرار شد هر قسمت از کار را وزارتخانه مربوطه بر عهده گیرد و عملیات اجرایی توسط دستگاههای مختلف به صورت مجزا عمل شود، توفیق چندانی به دست نیامد.

تا برنامه عمرانی سوم، برنامه‌ریزی منطقه‌ای اصولاً هیچ‌گونه جایگاه قانونی خاصی در ایران نداشت و معمولاً اقدامات منطقه‌ای با استفاده از اختیارات هیئتهای عالی و

اولویت برخوردار باشند. علاوه بر آن در فصول اعتبارات مصوب برنامه چهارم برای اولین بار، فصل مستقلی تحت عنوان عمران ناحیه‌ای پیش‌بینی شد؛ برای پیگیری و هماهنگی فعالیت‌های مناطق، دفتری به همین عنوان در سازمان برنامه تأسیس شد. در این برنامه بود که فکر تهیه برنامه‌های جامع منطقه‌ای، شامل ایجاد گوناگون از قبیل سرمایه‌گذاری در مناطق کمتر توسعه یافته، عدم تمرکز و مشارکت مقامات محلی به طور یکجا مطرح شد ولی تا این زمان هنوز مسئله برنامه‌ریزی کالبدی به عنوان مولفه اصلی و بنیاد منطقی برنامه‌های منطقه‌ای مطرح نشده بود و برنامه‌ریزی شهری، به صورت تهیه طرح جامع، آن هم برای تهران و چند شهر بزرگ به طور مستقل و جدا از برنامه‌های منطقه‌ای در دست تهیه بود. در سالهای ۴۸ و ۴۹، علاوه بر انجام مطالعات و اقدامات اجرایی در مناطق قبلی، مطالعات جدیدی در منطقه خراسان توسط مهندسی مشاور اسکوپه و بعدها استیران^۱ و در بندرعباس توسعه کنسرسیوم بتل و کرمانشاه توسط آبکاو شروع شد.

در اواخر سال ۱۳۴۹، از برنامه‌های منطقه‌ای گذشته یک ارزیابی اساسی به عمل آمد که به تجدید نظر در خط مشی‌ها و رویکرد به تدبیرهای جدیدی در مفهوم برنامه‌ریزی منطقه‌ای انجامید که به طور عمده شامل سه بخش بود:

۱- برای کاهش موارد برخورد بین وزارتخانه‌ها و استانها، که مانع عمده‌ای در برابر پیشرفت طرحهای استانی به شمار می‌رفت، کشور را به ۱۱ منطقه برنامه‌ریزی که وسیع‌تر از استان بود و بین آنها تا حدودی هماهنگی اجتماعی و طبیعی وجود داشت تقسیم کردند؛ طرحهایی که هر وزارتخانه‌ای قرار بود در هر یک از این مناطق یازده گانه به

طی برنامه چهارم در دوره ۵۱-۱۳۴۷ برنامه‌ریزی منطقه‌ای بیشتر مورد توجه قرار گرفت. در این دوره مبادرت به شناسایی قطب‌های کشاورزی و قابلیت‌های منطقه‌ای گردید. تکمیل و توسعه قطب‌های صنعتی در شهرهای اصفهان، اهواز، اراک و تبریز و توجه به شیراز، قزوین و بندر امام خمینی، دشت، مشهد، باختران، در زمینه صنعتی شدن مورد توجه قرار گرفت^(۱). در طی برنامه چهارم عمرانی کشور طرحهای جامع توسعه اقتصادی، اجتماعی برای مناطق هرمزگان، باختران، خراسان تهیه شد.

در سال ۱۳۵۱ قراردادی میان سازمان برنامه و بودجه وقت و موسسه بتل^(۲) منعقد شد. این بررسی نخستین برنامه منطقه‌ای سراسری بود که در ایران آغاز شد و قرار بود زیربنای فصل عمران مناطق برنامه عمرانی قبل از انقلاب باشد. منتهی چون بکار این مشاوران پیش از تکمیل مطالعات خاتمه داده شد؛ عملاً بازتاب چندانی در برنامه‌نیافت. موسسه بتل ایران را به ۱۱ منطقه تقسیم کرد و قرار بود گزارش اقتصادی برای هر یک از یازده منطقه برنامه‌ریزی تهیه نماید.

در برنامه عمرانی چهارم (۵۱-۱۳۴۶) ماده ۱۷ قانون برنامه عمران سوم با تأکید بیشتر بر بعد مشارکت مسئولان محلی از جمله نمایندگان مناطق در مجلس به عنوان ماده ۱۷ مجدداً در برنامه عمران چهارم پیش‌بینی شد و برای ایجاد ضمانت اجرایی، سازمان برنامه مکلف شد که در سه ماه اول هر سال برنامه‌های استانی مربوط به همان سال را تهیه و به مجلس ارسال نماید. در ضمن در تبصره ذیل این ماده مقرر شد که در تخصیص اعتبارات عمرانی و کمک‌های بهداشتی و درمانی مناطق عقب مانده کشور از

بررسی روند برنامه‌ریزی منطقه‌ای، از برنامه اول عمرانی تا پایان برنامه عمرانی چهارم، نشان می‌دهد، با وجود آنکه برنامه‌ریزی منطقه‌ای در کشور در ۲۴ سال (۵۲-۱۳۲۷) به تدریج از سیاست یک بعدی تمرکز سرمایه‌گذاری در مناطق عقب افتاده به سیاستهای چند بعدی «تمرکززدایی»، «منطقه‌ای کردن بخشها»، «سرمایه‌گذاری در مناطق عقب افتاده»، «ایجاد نهادهای برنامه‌ریزی در مناطق»، «مطالعه جامع منطقه‌ای»، «مشارکت مقامات محلی»، تحول یافته است، ولی هنوز تا این تاریخ در برنامه‌ریزی کشور نشانه‌های روشنی از مطرح شدن برنامه‌ریزی کالبدی به عنوان زیرمجموعه اصلی برنامه‌ریزی منطقه‌ای بچشم نمی‌خورد.^(۱)

در برنامه پنجم عمرانی کشور طی دوره ۵۶-۱۳۵۲ برنامه‌ریزی منطقه‌ای مورد توجه قرار گرفت. مهمترین اهداف برنامه‌ریزی پنجم عمرانی در راستای برنامه‌ریزی منطقه‌ای شامل توسعه اقتصادی متعادل استانها، توزیع عادلانه خدمات، مشارکت مردمی در برنامه‌های عمرانی، تقویت پایه‌های اقتصادی در مناطق بود.

در این دوره برای هر استان برنامه‌های توسعه ۵ ساله مورد توجه قرار گرفت و دفاتر برنامه و بودجه در راستای برقراری نظام برنامه‌ریزی غیرمتمرکز و منطقه‌ای ایجاد شد. ایجاد بانکهای توسعه منطقه‌ای به منظور جلب سرمایه‌های محلی و استفاده از آنها در برنامه‌های عمرانی و تولیدی مناطق مورد توجه قرار گرفت و بسیاری از طرحهای منطقه‌ای و بین منطقه‌ای بوجود آمدند.^(۲)

مقدمات طرح آمایش سرزمین در سال ۱۳۵۴ فراهم گردید و در سال ۱۳۵۶ خاتمه

۱- وجدی، منوچهر؛ همان منبع؛ صص ۲۷۲-۲۷۳.

۲- مصومی اشکوری، سیدحسین؛ همان منبع؛ صص ۲۲۷-۲۳۲.

اجرا درآورد. در هریک از مجموعه جمع‌آوری شد و برای اولین بار مؤلفه مفهوم «منطقه‌ای کردن برنامه‌های بخشها» به فرآیند طرح‌ریزی منطقه‌ای وارد شد. در نتیجه معلوم شد که اولاً در اکثر موارد، بخصوص در مناطق عقب افتاده در سطح منطقه، بین طرحهای برنامه‌های بخشها چه از نظر نوع و چه از نظر زمان اجرا، هماهنگی وجود ندارد و ثانیاً حجم سرمایه‌گذاریهای عمرانی در مناطق به هیچ وجه با جمعیت، مساحت و امکانات مناطق هماهنگ نیست.

۲. چون مطالعات به صورت پراکنده و توسط مشاوران متفاوت با شرح وظایف گوناگون به عمل می‌آمد، لذا از یک سو نتایج مطالعات با یکدیگر قابل مقایسه و تلفیق نبود، و از سوی دیگر هر مطالعه‌کننده به علت عدم اطلاع از امکانات توسعه مناطق دیگر و بدون توجه به اولویتهای نسبی سایر مناطق، طرحهایی پیشنهاد می‌کرد که ممکن بود در سطح منطقه حائز اولویت باشد؛ ولی در سطح ملی از اولویت برخوردار نباشد. به این ترتیب، مطالعات همه مناطق یازده گانه نامبرده با شرح خدمات یکسان آغاز شد که ضمن ایجاد هماهنگی بین مطالعات مناطق در دست اجرا، بقیه مناطق را هم مطالعه و از مجموع این مطالعات خطوط اصلی توسعه و اولویتهای نسبی هر منطقه را تعیین کنند.

این مطالعات به طرح بتل معروف شد.

۳. طرحی برای تاسیس دفاتر برنامه‌ریزی مناطق تهیه شد و در مرحله اول دفاتر نامبرده در یازده منطقه تعیین شده قبلی به منظور همکاری و ایجاد هماهنگی در مطالعات جامع منطقه‌ای و تهیه برنامه‌های منطقه‌ای تشکیل شد و برای اولین بار حسابهای درآمد ملی در مناطق محاسبه گردید.

در سال ۱۳۵۵ طرح جامع شاهراههای ایران به سفارش وزارت راه و ترابری توسط شرکت ستیران تهیه شد. هدف آن تهیه طرحهای جامع برای شبکه شاهراههای ایران و بررسی استنباطهای کلی از وضعیت موجود حمل و نقل کشور بوده است. در سالهای بعد از انقلاب طرح جامع آب به منظور بررسی امکانات آب و خاک سرزمین برای مصارف مختلف تهیه شد. در این طرح ایران به ۸ کلان منطقه تقسیم شده است. در سال ۱۳۷۰ طرح اسکان ۹۰ به منظور مکان‌یابی اسکان جمعیت (تقاطع بین ۵۰۰ تا ۵۰۰۰ نفر) در ۱۳ استان کشور توسط وزارت مسکن و شهرسازی با مهندسی مشاور داداخی منعقد گردید. طرح آمایش سرزمین ستیران در گزارش مرحله نخست مدعی پامخ‌گویی به دشواریهایی است که در نیمه‌های ۶۰-۱۳۵۰ جامعه ایران با آنها روبروست. مهندسی مشاور ستیران ایران را به ۸ کلان منطقه تقسیم نمودند. گزارش نهایی مطالعات ستیران در دوره دوم استراتژی درآمدت آمایش سرزمین^{۱۰} در اردیبهشت ۱۳۵۶ در چهار بخش نظام شهری (۱۲ جلد) جامعه روستایی (۱ جلد)، محور خوزستان، آذربایجان (۱ جلد) و عدم تمرکز فعالیت‌های بخش دوم و سوم در یک جلد تهیه شده است.

در سال ۱۳۶۲، مطالعات پایه طرح آمایش سرزمین اسلامی ایران در شش جلد منتشر شد. در این مطالعات به جمعیت، جوامع، فعالیتها، اقلیم و سرزمین استراتژی توسعه ملی در سازماندهی فضایی کشور پرداخته شده است. در سال ۱۳۵۶ مطالعات توسعه محور شرق در راستای تعیین خطوط استراتژیک توسعه اقتصادی استان با رعایت ملاحظات اجتماعی، فرهنگی مدنظر قرار گرفت. در این زمینه دو استراتژی خروج از بحران برای حل مسائل و بحرانهای آن و استراتژی توسعه در افق درازمدت مورد

یافت. این طرح مهمترین اقدامی است که در زمینه برنامه‌ریزی منطقه‌ای در دوران پیش از انقلاب انجام گرفته است. طرح آمایش سرزمین توسط مهندسی مشاور ستیران انجام گرفت. این مشاور خطوط کلی برنامه آمایش سرزمین را که بهره‌برداران یا تنسيق سرزمین نام‌گذاری شده بود را در سه قسمت تهیه نمود^(۱۱). برنامه‌ریزی آمایش سرزمین در سطوح ملی و ناحیه‌ای ضروری شناخته شده است. طبقاً میان این دو و سطوح بینابین، مانند استان یا حوزه نفوذ طرحهای بزرگ عمرانی قابل تشخیص هستند.

هدف کلی طرح حداکثر پروتئین ممکن با توجه به عوامل زمین، آب، مرتع در دسترس، تولید علوفه و خوراک دام بوده است. در این طرح برای ارزیابی و تعیین استراتژی مطلوب توسعه و تولید پروتئین حیوانی یک مدل برنامه‌ریزی خطی کامپیوتری به کار گرفته شده است. در این طرح ایران به چهارده منطقه تقسیم شده است، دوره برنامه‌ریزی ۲۰ ساله و به سه دوره برنامه‌ریزی یعنی دو دوره پنج ساله و یک دوره ده ساله تقسیم شده است.

در طرح جامع پروتئین تولید مطلوب برای سالهای ۱۳۵۹، ۱۳۶۴ و ۱۳۷۴ تعیین گردید و پس از بدست آوردن نتایج تحلیل کامپیوتری یک طرح نهایی برای سالهای ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۴ و یک طرح کلی برای سالهای ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۴ بسط داده شده است. در سال ۱۹۷۵ م (۱۳۵۳ هـ ش) قراردادی بین وزارت کشاورزی و شرکت هپوکوز (خدمات فنی کشاورزی) و شرکت هانتینگ (خدمات فنی) منعقد گردید. دوره این طرح ۱۵ ساله و افاق آن در ۱۳۷۱ بوده است.

۱- مهندسی مشاور ستیران، طرح با دقت مربوط به بهره‌برداران سرزمین یا تنسيق سرزمین؛ تهران.

منطقه‌ای تریبی اتخاذ نماید که با توجه به شرایط و استعدادهای خاص هر منطقه اقداماتی را به عمل آورد. این اقدامات نیز به طور مشروح در تبصره ذکر شده است. افزون بر آن، در زمینه مکانیابی جمعیت، در این برنامه سازماندهی فضایی و توزیع جغرافیایی جمعیت و فعالیت‌ها، متناسب با مزیت‌های نسبی هر منطقه، یکی از هدفهای اساسی ده گانه برنامه تعیین شده است. در بخش خط‌مشی‌های برنامه نیز بر توزیع جغرافیایی منطقی جمعیت و فعالیت‌ها، در سرزمین سیاست‌های آمایش سرزمین در جهت بخش اصلاح ساختار فضایی، توسعه کشور با تاکید بر سازماندهی تنظیم روابط و تقویت و تقویت پیوند بین مراکز جمعیتی در شبکه‌ای سازمان یافته از مراکز شهری و نواحی روستایی و عشایری تاکید شده است. بررسی نتایج حاصل از تجربه طولانی تهیه برنامه‌های منطقه‌ای در گذشته نشان می‌دهد که به علت وجود سیستم برنامه‌ریزی مرکزی و تسلط برنامه‌ریزی کلان اقتصادی و برنامه‌ریزی بخشی برنامه‌ریزی منطقه‌ای همواره تحت تاثیر برنامه‌های کلان و بخشی قرار داشته و در جهت آنها هدایت می‌شده است. به همین جهت نیز بین آنچه که قرار بود در مطالعات برنامه‌ریزی منطقه‌ای انجام شود و آنچه در آخر کار انجام می‌شد، همواره تفاوت زیادی بوجود می‌آمد.

در سال ۱۳۷۵ مطالعات طرح جامع کالبدی کشور یا طرح‌ریزی کالبدی ملی انجام و به تصویب شورای عالی معماری و شهرسازی رسید.

تعیین مناطق برنامه‌ریزی در ایران

برای انجام مطالعات و برنامه‌ریزی در سطوح ملی باید مبادرت به منطقه‌بندی نمود.

توجه قرار گرفت. در این طرح افق برنامه‌ریزی سال ۱۳۸۱ در نظر گرفته شد. نتایج این مطالعات در ۹ جلد منتشر گردید. طرح توسعه محور شرق در سال ۱۳۶۷ در شوراهای شهرسازی و معماری ایران و هیئت دولت به تصویب رسید.

در سال ۱۳۵۱ دولت ایران برای بهبود کمیت و کیفیت پروتئین حیوانی در ایران از طریق وزارت کشاورزی و منابع طبیعی قراردادی برای تهیه طرح‌های جامع بیست ساله تولید و توسعه پروتئین حیوانی با هدف خودکفایی در سال ۱۳۷۴ با شرکت F.M.C منعقد نمود.

در بعداز انقلاب طرح‌های جامع شهرستان پدیدار گشت و در راستای توسعه و عمران شهرستان (طرح جامع) هویت یافت. در برنامه پنجساله اول جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸ الی ۱۳۷۲) برنامه‌ریزی منطقه‌ای نسبت به برنامه‌های قبل از جایگاه ممتازی برخوردار گردید، به طوری که تبصره ۵ و ۶ قانون برنامه اول به این موضوع اختصاص یافته و به منظور هدایت سرمایه‌گذارها به مناطق محروم و توزیع متعادل آن در بین مناطق مختلف در تبصره ۵ قانون برنامه اول آمده است:

«توزیع سالانه اعتبارات سرمایه‌گذارهای ثابت بین استانهای مختلف در طول برنامه باید بگونه‌ای صورت پذیرد که در انتهای برنامه، برخوردارهای بخشهای محروم از امکانات آموزشی، بهداشتی و راه مناسب روستایی، اشتغال و برق‌رسانی بر مبنای گزارشات تهیه شده حداقل مطابق برخوردارهای بخشهای غیر محروم در سال ۱۳۶۸ باشد.»

در تبصره ۶ همان قانون تاکید شده است که:

«دولت مکلف است به منظور احیای توسعه بخشهای محروم و ایجاد تعادلهای

جدول شماره ۳-۵ مساحت و جمعیت در مناطق یازده گانه پتل

مساحت کل طبقه مربع	جمعیت سال ۱۳۷۵	کلان منطقه (استانها)
۶۱۶۶۲۱۰	۶۲۷۰۱۹۲	۱- گلستان - مازندران
۱۰۳۴۴۰۴	۶۸۸۹۸۷۱	۲- آذربایجان شرقی - آذربایجان غربی و اردبیل
۱۸۵۶۶۶۹	۱۶۲۹۶۶۱۵	۳- تهران - مازنی - سمنان - زنجان و قم
۸۰۳۳۰۱۸	۶۲۹۱۱۲۸	۴- خوزستان - کهگیلویه و بویراحمد
۶۸۰۰۶۱۱	۲۳۶۱۲۹۱	۵- همدان - لرستان
۱۹۰۳۳۰۴۲	۵۳۳۵۱۹۲	۶- اصفهان - یزد - چهارمحال و بختیاری
۱۲۰۰۰۵۱۵	۳۸۱۷۰۳۶	۷- فارس
۳۶۲۹۱۵۶	۳۲۱۶۹۰۷	۸- سیستان و بلوچستان و کرمان
۳۱۵۶۸۶۱۵	۶۰۶۶۶۶۱	۹- خراسان
۷۰۵۶۵۱۶	۳۶۱۲۸۶۵	۱۰- کردستان - کرمانشاه - ایلام
۹۰۳۳۸۱۷	۱۸۰۵۸۲۰	۱۱- هرمزگان - بوشهر
۱۶۳۳۸۸۱۷	۶۰۵۵۶۸۸	ایران

مهندسین مشاور "بوکرز و هانتینگ" طرف قرارداد وزارت کشاورزی برای تهیه طرح جامع کشت، در سالهای ۵۴-۱۳۵۵، کشور را به ۱۰ منطقه کشت تقسیم نمود. این منطقه‌بندی، معیارها، وضعیت طبیعی زمین و رعایت مرزهای استانی بوده است. در جدول شماره ۴-۵ منطقه‌بندی طرح جامع کشت ارائه شده است.

برای تعیین منطقه و منطقه‌بندی عوامل متعدد طبیعی و انسانی و کارکردی در نظر گرفته می‌شود. معمولاً بسته به نوع خاص برنامه‌ریزی می‌توان مناطق خاص داشت. در این بررسی ابتدا گذری اجمالی به سوابق مطالعات و اقداماتی که تاکنون در کشور در زمینه منطقه‌بندی و تعیین مناطق همگن به عمل آمده است می‌گردد سپس براساس معیارها و مفروضات پایهای میلارت به تعیین مناطق برای انجام برنامه‌ریزی می‌گردد.

منطقه‌بندی در گذشته

در مطالعات گوناگونی که در ارتباط با برنامه‌های منطقه‌ای؛ در موضوعات مختلفی در کشور انجام گرفته است ایران به کلان منطقه‌هایی چند تقسیم شده است. فرضاً در طرح موسسه پتل که طرف قرارداد ایران (سازمان برنامه) در سال ۱۳۵۱ بود؛ ایران به ۱۱ کلان منطقه تقسیم گردید. مسئله اصلی در این طرح عدم رعایت وسعت و جمعیت در مناطق پیشنهادی است (جدول شماره ۳-۵)

منطقه‌بندی

جدول ۵-۵ مساحت و جمعیت در مناطق چهارگانه طرح جامع تولید و توسعه پرتقین

مساحت کیلومتر مربع	جمعیت	کلان منطقه (استانها)
۱۸۱۸۰۰	۱۲۷۵۵۲	۱- استانهای تهران و مرکزی و مسان و قم
۱۲۸۱۷۵	۲۲۴۱۹۶	۲- استان گیلان
۴۴۴۵۰	۶۰۸۲۹۶	۳- استان مازندران
۷۶۴۸۱۵	۲۲۲۲۱۲	۴- استان آذربایجان شرقی و زنجان و اردبیل
۳۷۵۸۸۹	۲۴۴۲۲۰	۵- استان آذربایجان غربی
۲۷۸۵۷۵	۱۳۴۶۲۸	۶- استان کردستان
۶۲۱۵۲۵	۳۸۲۸۳۹	۷- استانهای همدان، باختران و ایلام
۱۲۰۰۵۵	۲۸۱۷۰۲۶	۸- استان فارس
۱۰۸۷۰۱۲	۵۸۲۵۵۲	۹- استانهای خوزستان، لرستان و کهگیلویه و بویراحمد
۱۸۵۶۷۱۷	۲۰۰۲۳۸	۱۰- استان کرمان
۲۱۵۴۸۶۵	۶۰۴۷۶۶۱	۱۱- استان خراسان
۱۸۰۰۲۹۲	۵۴۲۵۹۲	۱۲- استانهای اصفهان، بزد و چهارمحال و بختیاری
۱۸۱۲۴۰۹	۱۲۲۵۷۹	۱۳- میسان و بلوچستان
۹۰۷۲۸۱۷	۱۸۰۵۸۳۰	۱۴- هرمزگان - بوشهر
۱۶۲۲۸۸۱۷	۶۰۵۵۴۸۸	ایران

مهندسين مشاور ستيران در طرح بلند مدت آمایش سرزمین کشور در سال ۱۳۵۴ طرف قرارداد سازمان برنامه و بودجه برای سازماندهی فضا و توزیع جغرافیایی جمعیت ایران را به ۸ کلان منطقه تقسیم نمود. در این منطقه‌بندی مرزهای تقسیمات کشوری رعایت شده است. در جدول شماره ۵-۶ چگونگی این منطقه‌بندی ارائه شده است.

جدول ۵-۴ مساحت و جمعیت در مناطق ده گانه طرح جامع کشت

مساحت کیلومتر مربع	جمعیت	کلان منطقه (استانها)
۱۴۲۴۴۹	۱۳۷۵۵۲	۱- مرکزی، تهران - مرکزی - مسان و قم
۶۱۴۶۱۵	۶۲۷۰۹۲	۲- ساحلی خوزستان، گیلان - مازندران
۱۶۶۶۹۸۹	۹۳۷۳۱۲۷	۳- شمالغربی، آذربایجان شرقی - آذربایجان غربی - کردستان - زنجان و اردبیل
۹۰۷۱۲	۵۵۲۸۸۷	۴- زاگرس مرکزی، کرمانشاه - ایلام - لرستان - همدان
۴۴۵۲	۳۷۴۶۷۲	۵- خوزستان، خوزستان
۱۷۵۴۱۷۳	۴۶۷۰۲۴	۶- خشک شمالی، اصفهان - بزد
۱۴۸۵۴۱۲	۵۱۲۵۶۰	۷- زاگرس جنوبی، فارس - چهارمحال و بختیاری - بویراحمد و کهگیلویه
۹۰۷۲۸۱۷	۱۸۰۵۸۳۰	۸- ساحلی جنوب، هرمزگان - بوشهر
۲۶۲۴۵۱۶	۳۷۱۶۹۰۷	۹- خشک جنوبی، کرمان - میسان و بلوچستان
۳۱۵۴۸۶۵	۶۰۴۷۶۶۱	۱۰- خراسان، خراسان
۱۶۲۲۸۸۱۷	۶۰۵۵۴۸۸	ایران

مهندسين مشاور اف. ام. سی (FMC)، طرف قرارداد وزارت کشاورزی در سال ۱۳۵۱ به منظور تهیه طرح جامع تامین و توسعه پروتئین کشور را به ۱۴ منطقه تقسیم نمود. این طبقه‌بندی شباهت زیادی به منطقه‌بندی بتل دارد؛ اما که تقسیمات آن اندکی بیشتر است. (جدول (۵-۵))

در سال ۱۳۶۰ هیئتی متشکل از کارشناسان وزارت کشور، سازمان برنامه و بودجه، سازمان نقشه برداری و مرکز آمار، پیشنهادی مبنی بر تقسیم کشور به ۹ کلان منطقه را نمودند که منطقه بندی «ایالتی» نامگذاری شد. بعداً این منطقه بندی از سوی گروهی از کارشناسان وزارت مسکن و شهرسازی به عنوان منطقه بندی «برنامه ریزی فضایی» نامیده شد.

در جدول شماره ۷-۵ چگونگی تقسیم بندی مناطق ۹ گانه وزارت کشور ارائه شده است چنانچه ملاحظه می شود در این تقسیم بندی، در مقایسه با تقسیم بندیهای پیشین، دامنه تغییرات جمعیت کمتر اما از نظر وسعت دامنه تغییرات ۱ به ۷/۱ است.

جدول ۴-۵ مساحت و جمعیت در مناطق هفت گانه استراتیژ بلند مدت

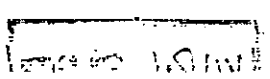
آمایش سرزمین (ستیران)

مساحت کل پهنابری	جمعیت	کلان منطقه استراتیژ
۹۷۱۲۲۹	۱۳۳۵۸۰۹۵	۱- استان مرکزی، تهران، مرکزی، قم
۶۱۳۶۱۵	۶۲۷۰۱۱۲	۲- حوزه کلان و مازندران
۱۰۳۴۰۴۴	۶۸۸۸۷۱	۳- آذربایجان، آذربایجان شرقی و غربی، اردبیل
۱۱۸۵۶۹۵	۷۹۱۳۲۹	۴- اراک، همدان، باغین، لرستان، کرمان، ایلام و زنجان
۱۲۰۶۲۹۹	۶۹۸۶۲۳	۵- مرکز، اصفهان و چهارمحال و بختیاری
۶۶۵۳۲۰	۲۷۶۶۷۲	۶- خوزستان، خوزستان
۴۰۷۳۲۱۵	۶۵۶۹۱۸	۷- شرق، خراسان و سمنان
۶۶۱۱۹۴۰	۱۶۶۴۹۹۸	۸- جنوب، هرمگان، بوشهر، یزد، سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویراحمد، فارس، و کرمان
۱۶۳۲۸۸۷	۶۰۰۵۶۸۸	۹- ایران

طرح جامع آب ایران (جاماب) به منظور بررسی امکانات آب و خاک سرزمین برای مصارف مختلف و براساس معیار حوزه‌های آبریز، ایران را به ۸ منطقه تقسیم کرده است.

حوزه‌های تشکیل دهنده (منطقه) طرح جامع آب به شرح زیر است:

- ۱- حوزه خوزستان و غرب
- ۲- حوزه آذربایجان
- ۳- حوزه اصفهان
- ۴- حوزه شمال و سفیدرود
- ۵- حوزه فارس و جنوب
- ۶- حوزه شمال شرقی
- ۷- حوزه مرکزی
- ۸- حوزه جنوب شرقی



- استانهای جزء یک کلان منطقه مجاور هم مرز یکدیگر هستند.
- در مجموع کلان منطقه‌ها از ترکیب استانهای همگن تشکیل شده‌اند.
- به طور نسبی منطقه‌ها از نظر وسعت و جمعیت با یکدیگر تفاوت زیادی ندارند.
- در واقع مبنای تقسیم‌بندی وضعیت کالبدی مناطق بوده است (جدول شماره ۸-۵) منطقه‌بندی پیشنهادی مبنای برنامه‌ریزیهای آمایش سرزمین قرار خواهد گرفت.

جدول شماره ۷-۵ مساحت و جمعیت در مناطق نه گانه وزارت کشور

مساحت کیلومترمربع	جمعیت	کلان منطقه (استانها)
۶۱۲۶۴/۵	۶۲۷۰۸۲	۱- کلان - مازندران
۱۰۲۴۴۰/۴	۶۸۹۸۷۱	۲- آذربایجان شرقی - آذربایجان غربی - (دبیل)
۹۴۱۲۳/۸	۱۴۲۹۴۶۸	۳- تهران - زنجان - قم
۹۰۰۱۰۰	۵۱۹۰۸۲۲	۴- اصفهان - کرمان - ایلام - همدان
۱۵۹۰۶۳/۸	۵۱۰۵۶۷	۵- فارس - کهگیلویه و بویراحمد - بوشهر
۹۵۰۹۱/۵	۵۲۳۱۲۰۶	۶- خوزستان - لرستان
۴۰۷۲۳۰/۵	۶۵۴۹۱۰۸	۷- خراسان - سمنان
۱۹۰۲۳۰/۳	۵۳۳۵۱۲	۸- اصفهان - یزد - چهارمحال و بختیاری
۴۳۳۵۲/۸	۴۷۸۰۶۲	۹- کرمان - سیستان و بلوچستان - هرمزگان
۱۲۳۲۸۸/۷	۶۰۵۵۲۸۸	ایران

با توجه به تقسیم‌بندی منطقه‌ای که شرح آن گذشت و معیارهای مورد بررسی

مبادرت به منطقه‌بندی پیشنهاد می‌گردد.

منطقه بندی پیشنهادی

در طرح منطقه‌بندی پیشنهادی کشور به ۹ کلان منطقه تقسیم می‌گردد. در

منطقه‌بندی موارد زیر در نظر گرفته شده است:

- تقسیمات کشوری، یعنی مرزهای استانی رعایت شده است.

موضوع آمایش سرزمین است. آمایش سرزمین در سه سطح ملی، منطقه‌ای و محلی انجام می‌گیرد. به طور کلی مهمترین مسئله در آمایش سرزمین اتخاذ یک سیاست ملی امکان جمعیت در سطوح مختلف شهر، روستا و جامعه عشایری کشور است. در واقع آمایش سرزمین به جمعیت و فضا، مدیریت فضا شامل نظام گره‌ها، شهر و آبادیها، از لحاظ کارکرد، نظام شبکه‌های ترابری میان شهر و روستا و نظام نواحی که مبین کاربرد زمین توسط فعالیت‌های زمین مانند کشاورزی، جنگلداری، مرتعداری، صنعت و معدن است، توجه دارد. آمایش سرزمین به الگوی توزیع فضایی فعالیت‌های انسان یعنی مجموعه ویژگیهای نظام گره‌ها، شبکه‌ها و ناحیه‌ها می‌پردازد^(۱).

مطالعه آمایش سرزمین در ایران در قبل از انقلاب (۱۳۵۴) توسط مهندسين مشاور ستیران تهیه شد. در بعد از انقلاب مطالعات طرح پایه آمایش سرزمین توسط دفتر برنامه‌ریزی منطقه‌ای سازمان برنامه و بودجه انجام گرفت که گزارش آن در سال ۱۳۶۲ در شش جلد منتشر شده است.

مطالعه آمایش سرزمین (ستیران)

این طرح که مقدمات آن در سال ۱۳۵۴ فراهم گردید و در سال ۱۳۵۶ خاتمه یافت، مهمترین اقدام از نظر مطالعاتی و برنامه‌ریزی فضایی در دوران پیش از انقلاب محسوب می‌گردد.

مهندسين مشاور ستیران در اسفندماه سال ۱۳۵۳ طی یادداشتی، خطوط کلی

۱- مهندسين مشاور ستیران؛ ستیران: شناسایی نقاط گره‌ها، سازمان برنامه و بودجه، تهران، ۱۳۵۳، ص ۱۲.

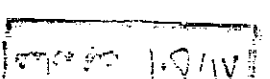
جدول شماره ۸۰- مساحت و جمعیت نه مناطق نه گانه پیشنهادی (کلان منطقه پیشنهادی)

مساحت کلومترمربع	جمعیت	کلان منطقه (استانها)
۶۱۲۶	۶۲۷۰۱۲۳	۱- سواحل دریای خزر، گلستان، مازندران
۱۳۲۴۰۴	۶۸۸۸۸۷۱	۲- آذربایجان، آذربایجان شرقی و غربی و اردبیل
۱۸۵۶۷۶۸	۱۲۹۸۶۲۱۵	۳- تهران، تهران - مرکزی - قم - زنجان
۹۰۰۱۱	۵۲۹۰۸۱۲	۴- زاکوس، کرمان - کرمانشاهان - ایلام - همدان
۱۹۰۱۲۰۴	۵۴۳۵۱۱۲	۵- مرکزی، استان - یزد - چهارمحال و بختیاری
۲۱۵۶۸۶۱۵	۶۰۴۷۶۶۱	۶- شرق، خراسان
۹۵۰۹۱۱۵	۵۳۳۲۰۶	۷- خوزستان - لرستان
۱۵۹۰۶۲۸	۵۱۰۰۶۷	۸- فارس - بوشهر - کهگیلویه و بویراحمد
۴۲۳۵۲۳۸	۴۷۸۹۰۶۲	۹- کرمان - سیستان و بلوچستان - هرمزگان
۱۶۳۲۸۸۸۷	۶۰۵۵۶۸۸	ایران

آمایش سرزمین در ایران

مسئله آمایش سرزمین، توزیع جغرافیایی بهینه منابع، فعالیتها و مشاغل است. آمایش سرزمین در واقع مدیریت عقلایی فضا است. یعنی تخصیص عقلانه زمین به فعالیت‌های مختلف اسکان، زراعت، باغداری، مرتع، جنگل، صنعت، معدن، شهر، روستا است. از طرفی هرگونه اقدام عمرانی که اهمیت منطقه‌ای و فضایی داشته باشد، مفهوم آمایش سرزمین است.

امروزه علاوه بر سرزمین؛ سطوح آبی کشور یعنی دریا، دریاچه، تالابها رودخانه‌ها هم



در همین قسمت، افق برنامه‌ریزی آمایش سرزمین، بلندمدت (یعنی ۲۰ تا ۴۰ سال) تعیین شده است. زیرا تغییرات بنیادی مگر در مقیاس یک نسل، قابل ارزیابی نیستند و در اینگونه برنامه‌ریزی، اثرات بلندمدت اقدامات، مطرح نظر است.

برنامه‌ریزی آمایش سرزمین، در سطوح ملی و ناحیه‌ای، ضروری شناخته شده است. طبعاً میان این دو، سطوح بینابینی مانند استان با حوزه نفوذ طرحهای بزرگ عمرانی قابل تشخیص هستند.

در بخش دوم گزارش درباره روش آمایش، یعنی، به حساب آوردن عامل فضا، توجه به آینده بلندمدت و برداشت یکپارچه و به هم پیوسته بحث شده است.

در مورد اول یعنی در نظر گرفتن فضا، به عنوان بستر عادی همه فعالیتها گفته شده است که هر طرحی باید از دیدگاه انتخاب محل به عنوان عامل موثر در تغییر محیط زیست اجتماعی و اقتصادی بررسی شود.

توجه به درازمدت ایجاب می‌کند که در آمایش سرزمین از روشهای آینده‌نگری از جمله روش معروف به سناریو سود جویند. این روش عبارتست از ساختن تصویرهای متفاوت از آینده بلندمدت ناحیه که هر تصویری نتیجه منطقی «انتخابهای پایه» است. سناریوها برحسب تغییر در یک یا چند متغیر «شاخص» مثلاً جمعیت از یکدیگر متمایز می‌گردند.

از خصوصیات آمایش سرزمین یکپارچگی و یکپارچگی دربرداشتهاست. به همین دلیل آمایش سرزمین از طریق «تقریبهای متوالی» به راه‌حل نهایی دست می‌یابد و تحلیلهای آن «چند معیاری» است.

برنامه آمایش سرزمین را (که در آن زمان، بهره‌وری سرزمین یا تنسيق سرزمین نام‌گذاری شده بود) در سه قسمت آرایه می‌دهد.

در قسمت اول این گزارش نخست تعریفی به شرح زیر از آمایش سرزمین داده شده است (۱):

«آمایش سرزمین که بیان مفهومی آن کار دشواری است؛ یک رشته اقدامات سازماندهی و نظام‌بخشی به فضای طبیعی-اجتماعی-اقتصادی، ملی یا محلی را شامل می‌شود.»

سپس ویژگیهای آمایش را برشمرده‌اند:

- آمایش سرزمین با انتخاب محل استقرار، فعالیتها و روابط همجواری میان آنها دارای جنبه آزادی (اختیاری) است.

- آمایش سرزمین روشی برای ارزیابی طرح‌هاست؛ با این تفاوت که معیارسنجش در اینجا ملاحظات آمایشی مانند اثر بر محیط زیست و اثر بر تمرکز فعالیت‌هاست.

- آمایش سرزمین با برنامه‌ریزی بخشی همسطح است.

- در آمایش سرزمین علاوه بر روش‌های کمی، از شیوه‌های کلی‌تر و کیفی نیز استفاده می‌شود.

سرانجام بر اهمیت روزافزون آمایش سرزمین؛ در دوران شتاب یافتن آهنگ توسعه؛ به ویژه در ایران و اشباع فضای اقتصادی طبیعی و بروز تنگناهای زیست محیطی اشاره شده است.

۱- مهندسین مشاور ستیران؛ بهرورسازی سرزمین یا تنسيق سرزمین؛ همان منبع؛ ص ۴.

- تمرکز جمعیت در فضایی محدود که عرصه آن در مقایسه با تقاضای روزافزون؛ رفته رفته تنگ‌تر می‌شود.

- رشد شهری انفجاری در شمار محدودی از شهرها و گسترش فضایی انجام‌گسیخته شهرهای بزرگ.

- ناتوانی در مهار رشد شهر تهران.

- هزینه‌فرزاینده، این رشد که بی‌تردید بخشی از آن بردوش دیگر نقاط کشور است.

- تشدید نابرابرها در سطح زندگی و شیوه معیشت میان شهرها و روستاها میان استانها و میان شهرهای گوناگون.

- سیر قهقراپی ساختار اجتماعی، ثروت ملی و فرهنگ سنتی.

- در این گزارش، پیش‌بینی شده است که اگر به موقع چاره‌اندیشی نشود، تنشهای یاد شده، تنگناهایی را برای رشد اقتصادی ایجاد خواهند کرد.

در چارچوب طرح پایه آمایش سرزمین اهداف کلی در زمینه‌های چشم‌انداز جمعیتی، تعادل میان محیط شهری و محیط روستایی، مهاجرت‌های میان مطلقهای چگونگی رشد شهری، نابرابریهای اجتماعی و اقتصادی و چگونگی رشد، محیط زیست و منابع طبیعی و میراث فرهنگی، وحدت ملی تمرکززدایی محیط بین‌المللی و روابط خارجی، سازماندهی جامعه روستایی، رشد شهری و نقاط شهری تعیین گردیده است. در بحث سازماندهی جامعه روستایی نیز اهدافی به شرح زیر تدوین شده است:

- دستیابی به ظرفیت تولیدی زیاد همراه با حفاظت ثروت‌های ملی.
- حفظ بالاترین جمعیت کشاورزی ممکن.

در قسمت سوم گزارش نمونه‌هایی از دخالت‌های سرزمین‌ارائه شده است. از جمله بین‌آمدهای منفی (هزینه‌های فرزاینده زندگی و دشواری تامین آب آشامیدنی، افزایش زمان آمد و شد، افزایش بهای زمین، آلودگی هوا و...) و رشد روزافزون جمعیت شهر تهران که در آن زمان ۶۳ درصد در سال برآورده شده بود، نشان داده شده و چشم‌انداز کلی، راه‌حل‌های ممکن ترسیم شده است.

مذاکرات میان این مشاوران و مسئولان وقت سازمان برنامه و بودجه در سال ۱۳۵۴ به عقد قراردادی میان سازمان برنامه و بودجه و مهندسين مشاور ستیران انجامید. همانطور که قبلاً نیز گفته شد؛ روش مطالعات این گروه تقریبهای متوالی است. به همین دلیل مطالعات مرحله نخست قرارداد گام به گام زیر عنوان نخستین؛ دومین و سومین گزارش سه ماه انتشار یافته است.

در این بررسی آمایش سرزمین مدعی پاسخگویی به دشواریهایی است که جامعه ایران با آنها روبرو می‌گردد. این تنش‌ها به زعم دیدگاه‌های برنامه‌ریزان این گزارش عبارتند از^(۱):

- تمرکز بی‌رومایی در بخش نوین و حاشیهای شدن بخش سنتی و به سخن دیگر بهای کافی ندادن به امکانات تحول بخش اخیر.
- رها کردن برخی از منابع طبیعی و فضاهای بسیار گسترده همزمان با بهره‌برداری افراطی توأم با تذبذب از سایر منابع بر تراکم که نتیجه آن تخریب محیط زیست می‌شود.
- مهاجر رویتیبیان که به فقر نشینی مناطق بسیار گسترده حاشیهای می‌انجامد.

۱- مهندسين مشاور ستیران؛ ستر اطلاعات؛ همان منبع، ص ۲۰-۱۴.

مطالعات طرح پایه آمایش سرزمین اسلامی نتایج این مطالعات که پس از انقلاب اسلامی توسط دفتر برنامه‌ریزی منطقه‌ای سازمان برنامه و بودجه انجام گرفته است، در سال ۱۳۶۲ در شش جلد منتشر شده است. جلد نخست نتایج این مطالعات به تشریح اصول و کلیات سازماندهی فضایی کشور و خلاصه مطالعات طرح پایه آمایش سرزمین اختصاص دارد و جلد دوم اطلاعات مربوط به تشخیص وضعیت است. سه جلد بعدی، تحت عناوین «جمعیت و جوامع»، «فعالیتها» و «اقلیم و سرزمین» به استراتژی توسعه ملی در سازماندهی فضایی کشور در زمینه‌های مربوطه می‌پردازد و جلد ششم، حاوی نقشه‌های مربوط به گزارش است. خلاصه و جمع‌بندی مطالعات مرحله اول پس از گردآوری نظرات مراجع پیش‌بینی شده، تحت عنوان «خلاصه و جمع‌بندی مطالعات مرحله اول» در تابستان ۱۳۶۴ منتشر شده است. در مقدمه جلد نخست آمده است:

«مطالعات آمایش سرزمین، در یک دوره بلندمدت ناظر بر مسائل فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نظامی کشور است.»

برنامه‌ریزی توسعه در این مطالعات، به شرح زیر بیان شده است:

«برنامه‌ریزی توسعه، به سازماندهی مطلوب فعالیتهای مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد نیاز توسعه در فضا می‌پردازد... و حاصل این نوع برنامه‌ریزی، تخصیص بهینه منابع بین فعالیتهای مختلف، با توجه به قابلیت ملی مناطق در دوره زمانی معین است.»

- ایجاد تنوع فعالیتهای در محیط روستایی.
- تامین وضع زندگی قابل قبول برای جامعه روستایی.
- همچنین در زمینه رشد شهری و نقاط شهری، اهدافی به شرح زیر مدنظر بوده است:
- جذب رشد کلی جمعیت شهری.
- توزیع جغرافیایی متعادل رشد اقتصادی و درآمد، کیفیت و کمیت خدمات و ظرفیت نوآوری و بالندگی در پهنه سرزمین.
- کنترل مهاجرت‌ها به نحوی که سراسر کشور توسط نظام مناسب شهری پوشش یابد.
- اهداف فوق در مقیاس زیر ملاحظه شده‌اند:
- متوقف کردن رشد تهران و آمایش آن.
- ایجاد یک نظام برای شهرهای اصلی به نحوی که سراسر کشور را پوشش دهد.
- اجرای سیاست شهرهای متوسط شامل گسترش بخش نوین در شهرهای متوسط که در محور اصلی گسترش قرار دارند.
- تمرکز دانی از رشد شهرهای بزرگ، ایجاد شهرهای اقماری.
- حمایت از گسترش شهرهای متوسط در نواحی حاشیهای یا بدون دسترسی.
- توسعه شبکه شهرهای کوچک که خدمات مورد نیاز جامعه روستایی را فراهم می‌کنند.

به این ترتیب:

برنامه ریزی جامع توسعه، تلفیقی است از برنامه ریزی توسعه اقتصادی و توسعه فضایی، در جهت عمران هماهنگ مناطق؛ از طریق تخصیص اقتصادی میان بخشهای اقتصادی و تخصیص فضای توسعه بین فعالیتهای مختلف، با رعایت تقم و تاخیر فعالیتهای طول زمان.

همچنین:

طرح آمایش سرزمین، سیمای مرحله آتی توسعه یافتگی را تصویر کرده و ابزاری برای تجهیز و سازماندهی آگاهانه فضا در جهت نیل به اهداف توسعه بدست می‌دهد. و سرانجام:

طرح پایه آمایش سرزمین، طرحی است که در چارچوب هدفها و سیاستهای کلی توسعه، سازماندهی فضای ملی را پایه‌گذاری می‌کنند؛
از نظر تهیه کنندگان طرح، مطالعات برنامه ریزی آمایش سرزمین جزئی از نظام جامع برنامه ریزی توسعه ملی و شامل مراحل زیر است:
مرحله اول: تهیه طرح پایه آمایش سرزمین که پایه اقدامات مربوط به آمایش سرزمین است.

مرحله دوم: تهیه طرحهای آمایش مناطق که از بررسی نقش و وظیفه منطقه در مقیاس ملی، به دست می‌آید و جزئیات در سطح منطقه را طرح می‌کند. این طرح تصویب از توسعه یافتگی در منطقه بلندمدت است.

مرحله سوم: تهیه برنامه‌های توسعه مناطق بر پایه طرحهای آمایش، حاوی آن دسته

از فعالیتهایی که در یک دوره معین برنامه، براساس سهم منطقه از سرمایه‌گذاری‌های ملی، قابلیت اجرا می‌یابند. حاصل جمع برنامه‌های مناطق پس از هماهنگی‌های لازم می‌تواند برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی کشور قرار گیرد^(۱). (نمودار شماره ۵-۱)

۱- مهندسین مشاور کاراب، طرح ریزی کالبدی ملی و منطقه‌ای؛ همان منبع؛ صص ۷۶-۷۷.

۸۱/۵۰۱
ماده ۱۰۱

طرح پایه پیشنهادی آمایش سرزمین در این طرح بر اهمیت و نقش استراتژی توسعه ملی در آمایش سرزمین و تعیین اصول حاکم بر سازماندهی فضای کشور تاکید و استراتژی توسعه ملی به شرح زیر تعریف شده است^(۱):

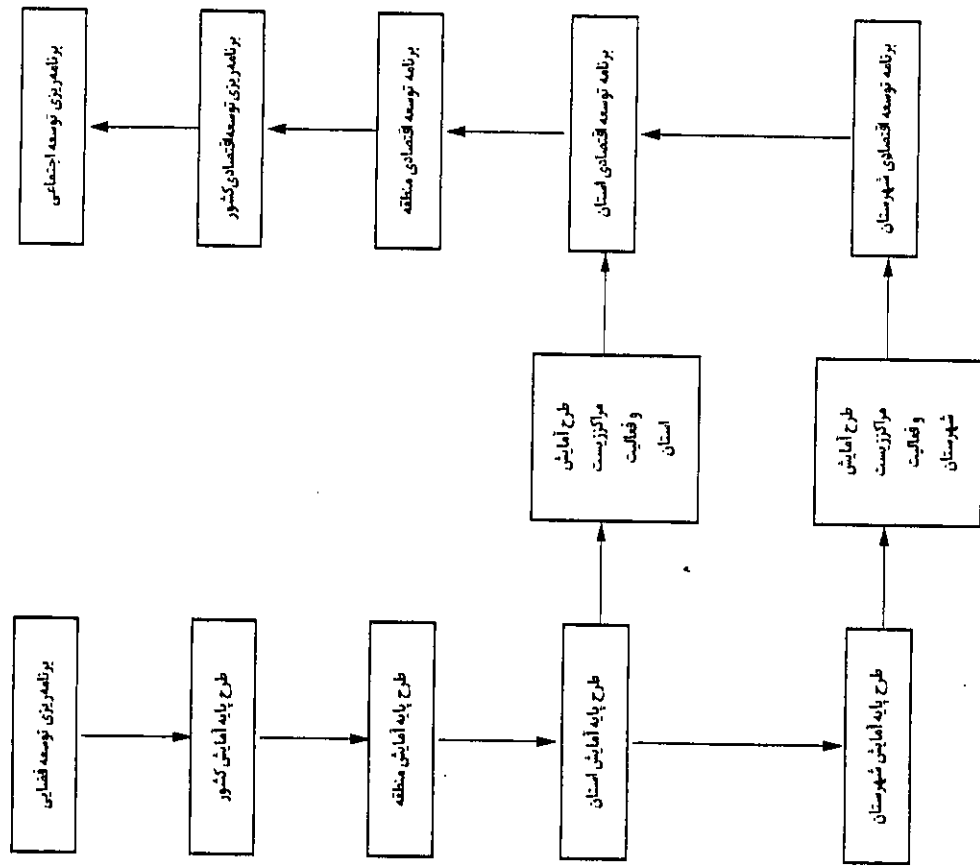
«استراتژی توسعه ملی در آمایش سرزمین، جهت‌گیری کلی را در زمینه‌های اقتصادی - اجتماعی، جمعیت و جوامع و سازماندهی فضای توسعه تعیین می‌کند و چارچوب تصمیم‌گیریهای خردتر را برای ریزی می‌کند تا نحوه بهره‌برداری بهینه از امکانات و قابلیت‌های سرزمین، در جهت تحقق اهداف توسعه مشخص شود.»

در این طرح اصول کلی سازماندهی فضای کشور به شرح زیر عنوان شده است:

- مروری بر هدفهای توسعه اقتصادی - اجتماعی جمهوری اسلامی ایران.
- تحلیل روند کلی توسعه اقتصادی و گرایشهای مسلط آن.
- امکانات و قابلیتها، تنگناها و محدودیتهای سرزمین از دیدگاه آمایش.
- سپس هریک از موارد به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است.
- در این بررسی ضمن ارائه پیشنهادهای راهبردهای توسعه ملی سیمای آینده اقتصاد کلان، جمعیت، جامعه شهری، روستایی و عشایری، بخشهای مختلط اقتصادی تاقق ۱۳۸۱ ارائه شده است. در مطالعات مربوط به استانها، جهت‌گیریهای توسعه، جمعیت و جوامع، مراکز سطوح صنعتی، خدماتی، بازرگانی و معدنی، و مراکز اصلی فعالیتهای کشاورزی مورد بررسی قرار گرفته است و تاقق ۱۳۸۱ رهنمودهایی ارائه شده است.

۱- سازمان برنامه و بودجه، مطالعات آمایش سرزمین، تهران، ۱۳۶۸.

نمودار شماره ۱-۵ نظام برنامه‌ریزی براساس طرح آمایش سرزمین اسلامی ایران



بلوچستان مورد بررسی قرار گرفته است. در این طرح استراتژی‌های توسعه بخشی و فضایی، مکان‌یابی فعالیت‌های قطبهای تولید، در سه دوره پنجساله تعیین شده‌اند. در این محور، بازرگانی به عنوان محور توسعه استان و طرح مناطق ویژه تجاری، در استان مورد بررسی قرار گرفته است^(۱). طرح توسعه محور شرق سال ۱۳۶۷ در شورای عالی معماری - شهرسازی کشور و سپس در هیئت دولت به تصویب رسید.

طرح جامع تولید و توسعه پروتئین

در سال ۱۳۵۱ وزارت کشاورزی قراردادی با شرکت اف.ام.سی F.M.C برای انجام طرح تولید و توسعه پروتئین حیوانی منعقد نمود. افق طرح ۲۰ ساله است که به سه دوره برنامه‌ریزی یعنی دو دوره ۵ ساله و یک دوره ۱۰ ساله تقسیم می‌شود. در این طرح برابر با شاخصهای آب و هوایی و جغرافیایی، ایران به ۱۴ منطقه تقسیم گردید. هدف از این طرح خودکفایی در پروتئین حیوانی بود.

در تهیه این طرح از مدل‌های برنامه‌ریزی خطی کامپیوتری استفاده شده است. در این طرح جمعیت کشور در افق طرح یعنی ۱۳۷۴ حدود ۶۰ میلیون نفر برآورد شده است، و امکان دسترسی به تجهیزات معدن برای تولید، حمل و نقل، واردات گاو شیری و گوسفند، در واحدهای بزرگ تولید، تغییراتی در شیوه اداره مزارع فردی و تبدیل آنها به مؤسسات بزرگ و توسعه منابع آب و زمین، آموزش کادر مورد نیاز و تولید پروتئین متناسب با جمعیت هر منطقه و سهم هر نفر مورد بررسی قرار گرفته است^(۲).

۱- سازمان برنامه و بودجه، مطالعات توسعه محور شرق، تهران، ۱۳۶۷.

۲- سازمان برنامه و بودجه، مطالعات طرح تولید و توسعه پروتئین، تهران، ۱۳۵۳.

مطالعه توسعه محور شرق

تفکر انجام مطالعات محور شرق، در بهمن ۱۳۶۵، در زاهدان در گردهمایی مسئولان و کارشناسان سازمان برنامه و بودجه استانها مطرح شد. منشاء این مباحث مربوط به تفاوت‌های منطقه‌ای در ایران بود؛ سرانجام پس از بحث و تبادل نظر، استراتژی زیر مورد توجه قرار گرفت:

۱- استراتژی خروج از بحران، برای حل مسائل و بحرانهای آن.

۲- استراتژی توسعه در افق بلندمدت.

در اصل، کاهش بحران مقدمات توسعه را فراهم می‌نماید. افق این طرح ۱۳۸۱ در نظر گرفته شد و نتایج مطالعات در ۹ جلد به شرح زیر انتشار یافت:

- ۱- کلیات استراتژی و خلاصه مطالعات.
- ۲- کشاورزی.
- ۳- صنعت و معدن و بازرگانی.
- ۴- خدمات اجتماعی، فرهنگی و زیربنایی.
- ۵- منابع طبیعی و انسانی.
- ۶- طرح تجارت ویژه.
- ۷- تحلیلهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی.
- ۸- مناطق تجارت آزاد.
- ۹- گزیده اسناد توسعه.

در این طرح وضع موجود و مسائل و مشکلات و تنگناهای استان سیستان و

طرح جامع آب (جاماب)

این طرح توسط مهندسين مشاور جاماب، به کارفرمائي وزارت نيرو تهيه گرديد. هدف از تهيه اين طرح، بررسي امکانات آب و خاک سرزمين براي مصارف مختلف مورد نياز است. در مرحله اول طرح، کشور براساس حوزه‌های آبريز، کشور به ۱۱ منطقه تقسيم گرديد و سپس براي هر کدام از حوزه‌های آبريز، طرح جامع آب تهيه گرديد. در مرحله دوم طرح، یافته‌های حوزه يکجا و در چارچوب نتيجه‌گيريهای منطقه‌ای بررسي شده است. متداولی طرح جامع آب به شرح زیر می‌باشد:

- ۱- ساختار جغرافیایی طبیعی حوزه‌های آبريز، مساحت حوزه، موقعیت آن در تقسيم‌بندی کلی هیدرولوژی کشور، ارتباط هر حوزه با حوزه‌های مجاور، شهرهای مهم، تقسيمات سیاسی در هر حوزه، مراکز شهری و صنعتی بررسي شده است.
- ۲- در این بخش جمعیت و پیش‌بینی‌های جمعیتی منظور نظر بوده است. بخش کشاورزی به عنوان مصرف‌کننده اصلی آب مورد بررسي قرار گرفته و آب مورد نياز صنایع و معادن مطالعه شده است. در این بخش مطالعه وضع موجود و آینده‌نگری صورت گرفته است.
- ۳- در این بخش برای تامین مصارف پیش‌بینی شده، منابع آب سطحی و زیرزمینی مورد توجه قرار گرفته و واحد مطالعه دشت بوده و که امکان سنجی بهره‌برداري مجاز تعیین شده است.
- ۴- در بخش توسعه منابع آب میزان تقاضای آب در تمامی بخشها نسبت به آب موجود مقایسه شده است. در این قسمت از مطالعات امکان‌سنجی ایجاد تاسیسات

طرح جامع کشت

این طرح در سال ۱۳۵۳ توسط وزارت کشاورزی و منابع طبیعی با شرکت‌های «بوکرز هانتینگ» که شرکت خدمات فنی و کشاورزی بود منعقد گردید. دوره زمانی این طرح ۱۵ ساله بود. اهداف طرح جامع کشت را به شرح زیر می‌توان برشمرد:

- ۱- افزایش تولیدات کشاورزی.
 - ۲- تعیین محصولات منطبق با شرایط ایران.
- بر پایه مطالعات انجام شده در سرزمین ایران با توجه به تفاوت‌های جغرافیایی ابتدا سه کلان منطقه کشاورزی - اقلیمی مشخص شد و بعداً این سه کلان منطقه به ده منطقه کشاورزی - اقلیم تقسیم گردید. با توجه به اینکه آمار و اطلاعات در کشور استانی است سعی شده که مناطق با مرزهای استانی منطبق باشد. این ۱۰ منطقه بعداً به ۴۷ ناحیه تقسیم شدند. در تقسیم‌بندی ناحیه‌ای معیارهای خاک، توپوگرافی و آب و هوا در ارتباط با شرایط زیستی محصولات و به طور کلی ناحیه همگن کشاورزی بوده است.
- روش کار در این طرح بدین صورت بود که بعداز منطقه‌بندی و تقسیم آن بر نواحی، مناطق ده گانه برآورد و سپس بر پایه تحلیل مصرف موادغذایی و الگوی احتمالی تقاضای گوشت قرمز و سفید، تخم‌مرغ، شیر، گندم، برنج، سبزیجات، میوه، شکر و چای در افق طرح پیش‌بینی شد. بعد میان مصرف سال پایه و افق مقایسه‌ای صورت گرفت. در این مطالعه الگوی تقاضا به رشد درآمد و نياز موادغذایی در سطح ملی و منطقه‌ای بررسي‌هایی انجام شده است.^(۱)

۱- مهندسین مشاور بکره‌هانتینگ؛ مطالعات طرح جامع کشت؛ تهران، ۱۳۵۴.

طرح ریزی کالبدی ملی

مهمترین محورهای طرح‌ریزی کالبدی رابه شرح زیر می‌توان برشمرد^(۱):

- ۱- جمعیت و فضا.
- ۲- مدیریت فضا.
- ۳- حفاظت محیط زیست و آثار باستانی.
- ۴- سوانح طبیعی.

۱- جمعیت و فضا

طی چهاردهه ۷۵-۱۳۲۵ جمعیت ایران از ۱۹ میلیون به حدود ۴۰ میلیون نفر، جمعیت شهرنشینی کشور از ۶ میلیون به ۲۶ میلیون نفر یعنی ۴ برابر رسیده است. در این دوران ۴۰ ساله شهرسازی جدید نزدیک ۶ برابر شهرها موجود در سال ۱۳۲۵ گردیده است. آیا این فعالیت گسترده و پر حجم طبق برنامه و یا هدفهای مشخص وقوع یافته است؟

بی تردید نهضتی از اواسط دهه ۵۰-۱۳۴۰ به صورت طرحهای جامع و متعلقاً طرحهای تفصیلی شهری آغاز شد و در حال حاضر تحت عنوان طرحهای توسعه و عمران شهری ادامه دارد. در مهار گسترش شهرها، به ویژه در تقسیم‌بندی فضاهای شهری از نظر کاربردها (سکونت، بازرگانی، صنعت، تفریح، آمد و شد و...) و سازماندهی شبکه ترابری (کنارگذرها، راههای سریع، خیابانهای اصلی، جمع و پخش کنندوها،

۱- مهندسین مشاور کاراب، طرح‌ریزی کالبدی، ملی و منطقه‌ای، همان منبع، صص ۲۲-۲۱.

والیسه و تاسیسات آب شهری و صنعت و معدن و شبکه‌های آبیاری با برآورد حجم هزینه‌ها بررسی شده که سنجش درآمدها و سودها هم مشخص شده است. در پایان مطالعه امکانات توسعه منابع آب و نیازهای آب مشروب و صنعت و معدن به برنامه زمانی و مالی طرح‌ها و پروژه‌ها ارائه شده است^(۱).

طرح جامع شاهراهها

طرح جامع شاهراههای کشور در سال ۱۳۵۵ به کارفرمایی وزارت راه و ترابری توسط مهندس مشاور ستیان تهیه گردید. هدف این طرح مطالعه شبکه شاهراههای کشور تا افق طرح ۱۳۸۱ بود.

مفروضات پایهای طرح به شرح زیر طراحی شده است:

- افزایش مالکیت اتومبیل تا ۳۰ برابر سال ۱۳۵۲ در افق طرح.
 - توسعه راه‌آهن در افق طرح.
 - افزایش سطح حمل و نقل کامیون، تا ۱۵ برابر سال ۱۳۵۲ در افق طرح.
 - افزایش ترافیک جادامی تا ۱۵ برابر وضعیت ۱۳۵۲ در افق طرح.
- متداولی کار در این طرح بدین صورت بود که ابتدا جمعیت و تولید ناخالص داخلی در افق طرح محاسبه شد. بعداً با چهار سناریوی محتمل اقتصادی؛ ترافیک پیش‌بینی گردیده است^(۲).

۱- مهندسین مشاور جاماب، طرح جامع آب کشور تهران.

۲- مهندسین مشاور ستیان، طرح جامع شبکه شاهراههای کشور تهران، ۱۳۵۵.

- نظام گره‌ها در شهرها و آبادی‌ها که ویژگی آنها اندازه، کارکرد در مرتبه است.

- نظام شبکه‌های ترابری و ارتباطات که گردش اشخاص، کالاها و اطلاعات را میان گره‌ها می‌سازد.

- نظام نواحی که مبین کاربرد زمین توسط فعالیت‌های «زمین‌بره» ایشان مانند: کشاورزی، جنگلداری، مرتداری، صنعت، معدن و جز اینهاست.

الگوی توزیعی فضایی فعالیت‌های انسان مجموعه ویژگی‌های نظام گره‌ها و شبکه‌های ناحیه‌هاست. به عبارت دیگر در هر الگوی استقرار جغرافیایی شهرها و آبادیها مشخص شده و بزرگی و کوچکی و وظیفه یا کارکرد هر یک و همچنین مقام و مرتبه گره مورد نظر در سلسله مراتب شهرها و آبادیها، تعیین می‌شود. شبکه ارتباطی، فرودگاهها، بندر، خطوط انتقال انرژی و مخابرات از دیگر ویژگی‌های الگوست.

سرانجام در این الگو، چگونگی اشغال زمین‌ها نیز روشن می‌شود. در واقع ترتیب خاص، از این سه نظام یک الگوی توزیع فضاهاست هدف از طرح‌ریزی کالبدی اگر نه یافتن الگوی بهینه که با توجه به سوابق تاریخی و کثرت متغیرها و محدودیتها و دستیابی به آن دشوار می‌نماید؛ بهبود بخشیدن به الگوهاست. در تبیین نظام سکونتگاهها، علاوه بر اندازه، کارکرد سلسله مراتب میان گره‌ها نیز نقش اساسی دارد.

جزء دوم الگوی توزیع فعالیتها، نظام معروف به نواحی یا کاربرد زمینهاست. باید ترتیبی اتخاذ کرد که اطراف شهرهای کشور که اغلب مبتنی بر زمینهای مرغوب، یا مرتعی و گاهی جنگلی است و به وسیله مصارف شهری بلعیده می‌شود و امکان یافتن اراضی، برای توسعه شهرها بدون تجاوز به اراضی زراعتی، جنگلی و مرتعی مرغوب با

کوچکها و دسترسی) و حتی گسترش شهر بسیار موثر بوده است. اما اگر از برنامه‌ریزی اخیر بگذریم، طرح‌ریزی کالبدی به معنای اخص؛ از حدود توسعه شهرهای منفرد فراتر رفت.

هرچند توسعه شتابان شهرنشینی؛ پیدایش بیوستگی میان شهرها و اقمار آنها، بروز مشکلات فراوان، از جمله محدودیت منابع آب، در بسیاری از شهرهای کشور، انباشتی و آلودگی محیط زیست، انهدام زیستگاهها و اکوسیستمهای پرورش و جز اینها همگی برنامه‌ریزی شهری را به سوی طرح‌ریزی کالبدی در سطح منطقه و کشور سوق می‌داد (۱).

بی‌شک تجربه کشور و همچنین تجربه‌های جهانی، ما را نسبت به اهمیت و فوریت جمعیت و فضا گاهتر خواهد ساخت، چون با خوشبینانه‌ترین سناریو، جمعیت ایران در سال ۱۴۰۰ به ۹۲ میلیون نفر و جمعیت شهری به ۶۵ میلیون نفر و تعداد شهرها به ۱۹۰۰ خواهد رسید.

لازمه این افزایش اختصاص حدود ۶۶۰ هزار هکتار زمین جدید به مصارف شهری است. توان گفت اتخاذ سیاست ملی اسکان جمعیت جزء مهمی از طرح‌ریزی کالبدی است که حائز اهمیت است.

۲- مدیریت فضا

الگوی توزیع فضایی فعالیت‌های انسانی ترکیبی از سه نظام زیر است (۲):

۱- مرکز آمار ایران، سرشماریهای نفوس و مسکن، ۱۳۳۵، ۱۳۷۵.

۲- مهندسین مشاور کاواب؛ طرح‌ریزی کالبدی؛ همان منبع، ص ۲۳.

شن یکی از پرخطرناک‌ترین کشورهای جهان به شمار می‌رود. نگرش به نقشه‌های مقدماتی پهنه‌بندی خطر نسبی زلزله در ایران گویای آن است که بخش اعظم مناطق مسکونی کشور در محدوده خطر نسبی بالا و قریب به تمام سرزمین در محدوده خطر نسبی متوسط به بالا قرار دارد. تنها در محدوده کوچکی از کشور شامل آبادان، خرمشهر، بندر امام خمینی، ماهشهر و هویزه، خطر نسبی زلزله پایین است (۱).

به طو کلی طرح‌ریزی کالبدی باید ابزار مهم کاهش اثرات ویرانگر سوانح طبیعی و همچنین ایجاد آمادگی، برای کمک‌رسانی بعد از وقوع سانحه را فراهم نماید.

با طرح‌ریزی کالبدی می‌توان از میزان خطرات فوق‌گاست؛ تا آسیب‌پذیری فضا کاهش یابد. از این نظر گزینش محل اجرای طرح‌های عمرانی حائز اهمیت است. برای این منظور بایستی پیشاپیش نواحی پرخطر از نظر سوانح ژئوفیزیکی از زلزله‌خیزی، گسل، دامنه‌های خطرناک تپه‌ها از نظر ریزش، نواحی بروز آتشفشانی، دشتهای سیل‌گیر، مسیر طوفانها و غیره تضمین گردد.

پس می‌توان هدف از طرح‌ریزی کالبدی را در این زمینه به شرح زیر خلاصه نمود:
 - گاستن احتمال وقوع حادثه در سوانحی که فعالیت انسان در ایجاد و یا شدت آنها موثر است.

- ایجاد مقاومت نسبی در برابر نیروهای ویرانگر اولیه و ثانویه.
- کاهش آسیب‌پذیری در یافت، اجراء و ساختار کارکرد شهر.
- تعبیه نظام آمادگی همیشگی در شهر برای زمانهای وقوع سانحه.

۱- مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، آیین‌نامه طرح ساختمانها در برابر زلزله، تهران، ۱۳۶۸، ص ۵۶

توجه به شمع‌اندگزارای شهرها که ۲۵۰ تا ۵۰ کیلومتری اطراف آنها میسر گردد.

۳- حفاظت محیط زیست

در دو دوره اخیر اهمیت حفاظت محیط طبیعی به مانند سواحل دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها، آبخیزها، کوهها و منابع محیط زیست همچون آب، هوا، خاک و... در طرح‌ریزی کالبدی اهمیت روزافزون یافته است و عمده فعالیت‌هایی، همانند: سکونت، صنعت، معدن، زراعت، دامداری و تفریح در حوزه و قلمرو طرح‌ریزی کالبدی است. بنابراین توجه به محیط طبیعی یکی از محورهای عمده طرح‌ریزی کالبدی محسوب می‌گردد.

تجاوز به حریم آثار تاریخی و با ارزش و ایجاد ناهماهنگی‌ها در پیرامون آنها در ست مانند تجاوز به محیط زیست، منابع طبیعی و چشم‌اندازها، ناشی از فعالیت‌هایی است که در چند و چون و کجای آنها مسئولان حفاظت آثار باستانی و میراث فرهنگی دخالتی ندارند. بنابراین در طرح‌ریزی کالبدی باید به بناهای تاریخی و آثار فرهنگی با ارزش، توجه اساسی مبذول گردد (۱).

۴- سوانح طبیعی

سوانح طبیعی یکی از عوامل مهم مکان‌یابی سکونتگاهها و فعالیتها و تعیین کاربرد اراضی است. ایران از نظر سوانح طبیعی مانند زلزله، ریزش کوه، سیل، طوفان، و طوفان

۱- همان منبع، ص ۳۲

استقرار مراکز اشتغال، صنعت و خدمات است^(۱). در این طرح‌ها گروه‌های مطالعات طبیعی و محیطی، جمعیتی-اجتماعی و اقتصادی و کالبدی و برنامه‌ریزی در مهندسی مشاور مختلف مسئول تهیه و تدوین طرح گردیدند.

این طرح به عنوان طرح منطقه‌ای پس از بررسی وضع موجود و تجزیه و تحلیل مبادرت به پیش‌بینی و آینده‌نگری مکانهای استقرار جمعیت می‌نمود. این طرح‌ها پس از تغییر و تحولات در وزارت مسکن و شهرسازی در سال ۱۳۷۲ و تغییر تشکیلات معاونت مسکن به سازمان ملی زمین؛ دچار کم توجهی و رکود و بعضاً عدم انجام گردید. مهندسی مشاور امکو ایران سه طرح عمده خراسان، لرستان و ایلام را در مدت زمان مقرر تهیه و به تصویب شورای معماری - شهرسازی استانهای مربوطه رساند که این طرح‌ها به عنوان سند مهم تهیه طرح‌های منطقه‌ای و جامع شهرستان و شهر در استانهای کشور؛ هم‌اکنون از اعتبار ویژه‌ای برخوردار است. یکی از مشکلات تهیه طرح اسکان ۹۰ همخوانی و قرابت آن با طرح‌ریزی کالبدی ملی و منطقه‌ای در وزارت مسکن و شهرسازی است که از سوی شاخه دیگر وزارتخانه تحت عنوان معاونت شهرسازی و معماری در حال شکل‌گیری بود.

طرح جامع شهرستان

طرح‌های جامع یا توسعه و عمران شهرستان در چارچوب برنامه‌ریزی منطقه‌ای به عنوان طرح‌های ناحیه‌ای و حد واسط طرح‌های منطقه‌ای و طرح‌های نقاط زیستی قابل

۱- وزارت مسکن و شهرسازی؛ شرح خدمات طرح اسکان ۹۰، تهران، سال ۱۳۷۱.

- تسهیل اقدامات اضطراری و عملیات کمک‌رسانی برای دوران بعد از وقوع سانحه. طرح کالبدی ملی ایران از نیمه سال ۱۳۷۰ در معاونت شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی آغاز شد و در سال ۱۳۷۵ مطالعات آن پایان یافت. هدفهای این طرح عبارتند از:

- مکان‌یابی برای گسترش شهرهای موجود و ایجاد شهرهای جدید.

- پیشنهاد شبکه شهری مناسب.

- توصیه چارچوب مقررات ساخت و ساز در کاربریهای مجاز سراسر زمینهای کشور.

مطالعات طرح کالبدی به سه سطح ملی، منطقه‌ای و محلی تقسیم‌شده است. مطالعات ملی سراسر کشور را در برمی‌گیرد. مطالعات منطقه‌ای با مقیاس و دقت بیشتر در محدوده‌هایی که در سطح ملی مشخص شده و مطالعات محلی با مقیاس و دقت بازم بیشتر در محدوده‌هایی که در مطالعات منطقه‌ای مشخص شده‌اند انجام می‌گیرد.

طرح اسکان ۹۰

طرح اسکان ۹۰ یا طرح مکان‌یابی اسکان جمعیت تا سال ۱۳۹۰ در سال ۱۳۷۱ به عنوان طرح منطقه‌ای از طرف معاونت امور مسکن و وزارت مسکن و شهرسازی در ایران برای ۲۴ استان با شرح خدمات تیب به مهندسی مشاور داخلی واگذار گردید. هدف از تدوین این طرح تعیین نقاط دارای توان برای اسکان جمعیت در افق ۱۳۹۰ است. منظور از نقاط دارای توان، سکونتگاههای دارای ۵۰۰۰۰ الی ۵۰۰۰۰۰ نفر جمعیت و

تقسیمات اداری کشور نمی‌گنجید؛ بدون مجری باقی می‌ماند. گاهی هم مسأله تداخل حوزه‌های نفوذ دو شهر پیش می‌آید که مشکلات خاصی را بوجود می‌آورد. فکر جایگزینی مطالعات حوزه نفوذ با طرح‌های جامع شهرستان که از طرح‌های شناخته شده دنیاست در چنین زمینه‌های مطرح شده است.

بعبارت طرح‌های آمایش سرزمین و طرح‌های منطقه‌ای طرح‌های ناحیه یا به تعاریفی طرح جامع شهرستان جای دارد. طرح جامع شهرستان به «ساماندهی نظام فعلی در فضا به منظور استفاده بهینه از زمین» می‌پردازد که از دو قسمت زیر تشکیل می‌شود:

- ۱- تعیین کاربری در سطح شهرستان.
- ۲- ساماندهی به نظام فعلی در فضا.

تعیین کاربری زمین و ساماندهی به نظام فعلی در فضا در وهله اول مستلزم شناخت ویژگی‌های کالبدی شهرستان است.

برای تحلیل اراضی، نقشه‌های زیر براساس نقشه‌های ۱:۲۵۰۰۰۰ جغرافیای ارتش به شرح زیر تهیه می‌شوند:

- ۱- نقشه طبقه‌بندی درصد شیب.
- ۲- نقشه جهات اصلی شیب.
- ۳- نقشه طبقه‌بندی ارتفاعی.
- ۴- نقشه اطلاعات مربوط به آب.

۵- نقشه واحدهای شکل زمین (شیب اراضی) که براساس نقشه ۱:۲۵۰۰۰۰ موسسه تحقیقات خاک و آب وزارت کشاورزی تهیه می‌شوند.

توجهند. این طرح‌ها می‌توانند ضمن ارائه سیمای دقیقی از توان‌ها و کمبودهای محدودده سیاسی - اداری شهرستان، اسکان منطقی و اصول توسعه نقاط جمعیتی را با توجه به شرایط محیطی، استعدادها و سیاست و برنامه‌ریزیهای ملی - منطقه‌ای مدنظر قرار دهند و علاوه بر آن زمینه‌های تعادل توسعه بین نقاط شهری و روستایی را از طریق تاسیس امکانات خدماتی و معیشتی فراهم آوردند. مطالعات و تهیه طرح‌های جامع شهرستان از سوی معاونت شهرسازی وزارت مسکن و شهرسازی به مهندستین مشاور معمار و شهرساز واگذار می‌شود. این طرح‌ها در گروه مطالعاتی شامل مطالعات طبیعی، مطالعات جمعیتی و اجتماعی و اقتصادی، مطالعات کالبدی و برنامه‌ریزی انجام می‌گردد. نتیجه مطالعات در چهار مرحله به شرح زیر انجام می‌گیرد.

- ۱- بررسی منطقه‌ای
- ۲- بررسی و شناخت شهرستان
- ۳- تجزیه و تحلیل و استنتاج در بررسی‌ها
- ۴- تهیه طرح‌ها و برنامه‌های عمرانی شهرستان

طرح‌های جامع شهرستان جایگزین مطالعات حوزه نفوذ طرح‌های جامع شهر شده‌اند. این طرح‌های در بعد از انقلاب (۱۳۶۸) در ایران متداول شده است.

ویژگی عمده مطالعات حوزه نفوذ مستقیم که طرح جامع شهرستان جایگزین آن شده است؛ یافتن اثر متقابل این حوزه و شهر در یکدیگر بود. ولی اغلب در جریان مطالعات پیشنهادهایی اجتناب‌ناپذیر مثلاً درباره نحوه کاربری اراضی در بیرون حریم شهرها به دلیل تاثیر آنها بر شهر مطرح می‌شد، که چون حوزه نفوذ در هیچ یک از

- ۳- محدوده‌های دارای زمین لغزش.
 - ۴- آبهای زیرزمینی.
 - ۵- شوری زمین.
 - ۶- اراضی سیل‌گیر.
 - ۷- لرزه‌خیزی.
 - ۸- گسل عمده.
 - ۹- گسل فرعی.
 - ۱۰- گسل روراند.
 - ۱۱- گسل احتمالی یا پوشیده.
 - ۱۲- حریم آثار تاریخی.
 - ۱۳- منطقه اراضی حفاظتی، شامل اراضی حفاظتی، اراضی جنگلداری، اراضی حفاظتی توصیه شده توسط محیط.
 - ۱۴- دیگر حرایم تعیین شده به وسیله ارگانهای مختلف.
- در طرح جامع شهرستان اسناد زیر باید تهیه شوند:
- پیوست ۱: ضوابط و مقررات نوع کاربری زمین در هر یک از مناطق عملکردی پیوست ۲: ضوابط منطقه‌بندی.
- در طرح جامع شهرستان به جنبه‌های زیر توجه اساسی می‌گردد:
- ۱- چگونگی پراکنش خدمات و جمعیت در سطح شهرستان.
 - ۲- نقشه سلسله مراتب شهری ایران بر مبنای شناخت بزرگترین شهر استانی.

عرقشه فرسایش خاک. این نقشه‌ها با استفاده از نقشه ۱:۵۰۰۰۰ طرح حفاظت خاک تهیه می‌شوند.

۷- نقشه کاربری اراضی که معمولاً با استفاده از تصاویر ماهواره‌ای T.M تهیه می‌شوند. در طرح‌های جامع شهرستان واحدهای همگن طبیعی به توسط نقشه، براساس مطالعه و تلفیق نقشه‌های جهت شیب، طبقات شیب، طبقات ارتفاعی، واحدهای مشکل زمین و... در مقیاس ۱:۲۵۰۰۰۰ تهیه می‌شوند.

در طرح جامع شهرستان اراضی منطقه‌بندی می‌شوند، سپس در هر یک از مناطق همگون، کاربریهایی که می‌توانند استقرار یابند مشخص می‌شوند؛ که در این ارتباط منطقه مناسب و نسبتاً مناسب برای ساخت و سازهای متناسب آن - در اراضی کشاورزی درجه سه و پایین، توسط محیط منطقه مناسب برای مربع و ساخت و سازهای متناسب آن (اراضی درجه ۱ و ۲ مرتعی)، منطقه نسبتاً مناسب برای موقع و ساخت و سازهای متناسب آن (اراضی درجه سه و پایین تر مرتعی)، منطقه اراضی حفاظتی، منطقه استقرار صنایع - موجود، محدوده معادن، محدوده مراکز سکونتی تعیین می‌گردند.

علاوه بر این در طرح جامع شهرستان اراضی غیرقابل ساخت یا اراضی دارای محدودیتهایی برای ساخت نیز که ممکن است در هر یک از نواحی نیز حضور داشته باشند به شرح زیر مشخص می‌شوند:

- ۱- حرایم (مصنوعی یا طبیعی) مثل راهها، رودخانه، خطوط انتقال نیرو.
- ۲- منطقه فرسایش اراضی و تخریب مرتع.

اصول کلی و اساسی این برنامه به قرار زیر است^(۱):

- ۱- جامعیت بخشها و جغایی از دید محدود مربوط به یک بخش خاص.
 - ۲- تاکید بر برنامه‌ریزی جامع و دید بلندمدت، بخصوص در زمینه جامعه شهری، جامعه روستایی، جامعه عشایری، مناطق حاشیهای و سایر فضاهای خاص که توسعه آنها در بلندمدت منظور نظر خواهد بود.
 - ۳- مشخص کردن برنامه‌های بخشهای مختلف، مناطق و فضاهای خاص به صورت برنامه تفهیق شده جامع در مقابل هدفهای از قبیل رشد، تولید، سرمایه‌گذاری و... در راستای رسیدن به توسعه همه جانبه به نحوی که قابل انعطاف بوده و بر مبنای ارزیابی مستمر تحولات سالانه مورد تجدیدنظر قرار گیرد.
 - ۴- تاکید بر عدم تمرکز در برنامه‌ریزی اجرایی برنامه‌ها و تشکیلات اداری مناسب.
 - ۵- توجه به اصل مشارکت مردم در فعالیتهای و در امور جامعه.
 - ۶- تاکید بر توسعه پایدار و استفاده بهینه از منابع کشور.
 - ۷- ترسیم جامعهای متعارف و زدودن نابرابریها منطقیهای، شهری و روستایی.
- راهبردهای توسعه در ایران ۱۴۰۰، با استفاده از تمامی امکانات منابع طبیعی، انسانی، مالی و با توجه به انکاء کمتر به نفت و پیراساس تجربیات گذشته و در بر تو اصول ایده‌نولوژیک و ارزشهای جامعه برای نیل به توسعه همه جانبه پایدار و ایجاد جامعهای نمونه که در آن کیفیت مطلوب زندگی برای همه اقشار و گروههای اجتماعی فراهم آید و شهرها و روستاها و مناطق نابرابری به دور باشند و از رفاه نسبی برخوردار باشند انجام

۱- سازمان برنامه و بودجه؛ مطالعات برنامه ایران ۱۴۰۰، تهران، ۱۳۷۶.

۳- جدول سلسله مراتب شهری استان بر مبنای شناخت بزرگترین شهر شهرستان.

۴- سطح‌بندی نظام شهری استان^(۱).

۵- ساماندهی به نظام فعالیتی در فضا.

۶- برنامه‌های متفاوت برای دستیابی به آستانه‌های جمعیتی.

۷- روستاهای همپوند^(۱).

۸- روستاها همیار ناحیهای و بخشی^(۲).

۹- بهره‌وری از امکانات موجود در ساماندهی به نظام فعالیتی در فضا.

۱۰- اولویت به طرحهای عمرانی شهرستان.

۱۱- وضعیت استقرار سکونتگاهها (پراکنش جمعیت) در پایان دوره طرح^(۳).

برنامه ریزی ۱۴۰۰ (طرح استقرار جیوه طیبه)

برنامه ایران ۱۴۰۰ در سال ۱۳۷۵ در سازمان برنامه و بودجه به مدیریت یکی از

مشاوران رئیس وقت سازمان برنامه؛ با تشکیل ۵ گروه کارشناسی و تعداد زیادی

کمیته‌های تخصصی؛ شروع شد.

۱- در این جامی توان از مدل توزیع الگارتسی پراکنش جمعیتی رتبه - اندازه رتبه، سطح‌بندی آگوست لئو، و والتر کریستالر استفاده نمود.

۲- منظور از روستاهای همپوند مجموعه روستاهایی است که در ارتباط تنگاتنگ با هم قرار دارند. این گروه ممکن است شمایی، خطی و خوشهای باشند.

۳- مجموعه روستاهای همیار معمولاً در فاصله سه کیلومتر از مرکز (نیم ساعت پیاده) تشکیل می‌گردند.

۴- در تهیه مطالب طرح جامع شهرستان از مطالعات شخصی در تهیه چندین طرح جامع شهرستان و منبع زیر استفاده شده است:
بهیندستین مشاور روستا، طرح جامع شهرستان میانه، مجله آبادی، شماره ۱۷، تهران، ۱۳۷۴، صص ۱۱۲۳-۱۱۸.

خلاصه فصل پنجم

گرچه فکر برنامه‌ریزی در ایران در دوران حکومت رضاخان و در سال ۱۳۱۶ مطرح گردید، اما در سال ۱۳۳۷ کشور ایران رسماً دارای برنامه شد. از این سال تا ۱۳۵۶ کلاً ۵ برنامه و به صورت ۲ برنامه ۷ ساله و ۳ برنامه ۵ ساله اجرا گردید. برنامه عمرانی اول در دوره ۳۴-۱۳۲۷، برنامه عمرانی دوم در دوره ۴۱-۱۳۳۴، برنامه عمرانی سوم در دوره ۴۶-۱۳۴۱، برنامه چهارم در دوره ۵۱-۱۳۴۶ و برنامه عمرانی پنجم در در دوره ۵۶-۱۳۵۱ در ایران اجرا گردید.

در بعد از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۶۰ نظام برنامه‌ریزی کشور به تصویب شورای اقتصاد رسید. باتلاش این شورا برنامه پنجساله کلان توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی اول جمهوری اسلامی ایران (۶۶-۱۳۶۲) در شهریور ۱۳۶۱ تهیه شد که سرانجام به دلیل ضعف اطلاعات و شرایط جنگ تحمیلی در مجلس به تصویب نرسید. بعد از تغییر و تحولات در امر برنامه‌ریزی، سرانجام در سال ۱۳۶۸ اولین برنامه به صورت برنامه اول توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۷۲-۱۳۶۸) به تصویب مجلس رسید. برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی کشور پس از دو سال وقفه در سال ۱۳۷۴ به تصویب رسید.

از آنجا که تفکر برنامه‌ریزی منطقه‌ای در ایران در سال ۱۳۳۲ با تاسیس سازمان توسعه دشت مغان فراهم شد، اما در برنامه دوم عمرانی کشور طی دوره ۴۱-۱۳۳۴ برنامه‌ریزی منطقه‌ای مورد توجه قرار گرفت و به عنوان ابزاری برای توسعه مناطق عقب مانده مطرح شد. در برنامه عمرانی سوم و در سال ۴۲-۱۳۴۱ طرحهای جامع عمرانی در

خواهد گرفت.

خطوط کلی سیمای چنین جامعه‌ای به شرح زیر مورد بررسی قرار گرفته است:

۱- از دیدگاه اقتصادی

۲- از دیدگاه سیاسی

۳- از دیدگاه اجتماعی

۴- از دیدگاه فرهنگی

۵- از دیدگاه آمایش سرزمین

در بخش آمایش سرزمین در برنامه ۱۴۰۰ محورهای سازماندهی جامعه روستایی،

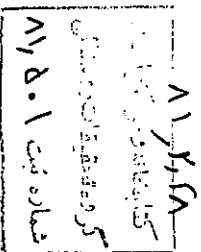
شهری و عشایری و سیاستهای مربوطه عنوان شده است. همچنین به بررسی متغیرهای

کلان اقتصادی، سیاستهای عمده کشاورزی، صنعت و معدن، خدمات و بازرگانی اشاره

شده است.

اصول و روشهای برنامه‌ریزی منطقه‌ای / ۲۹۵

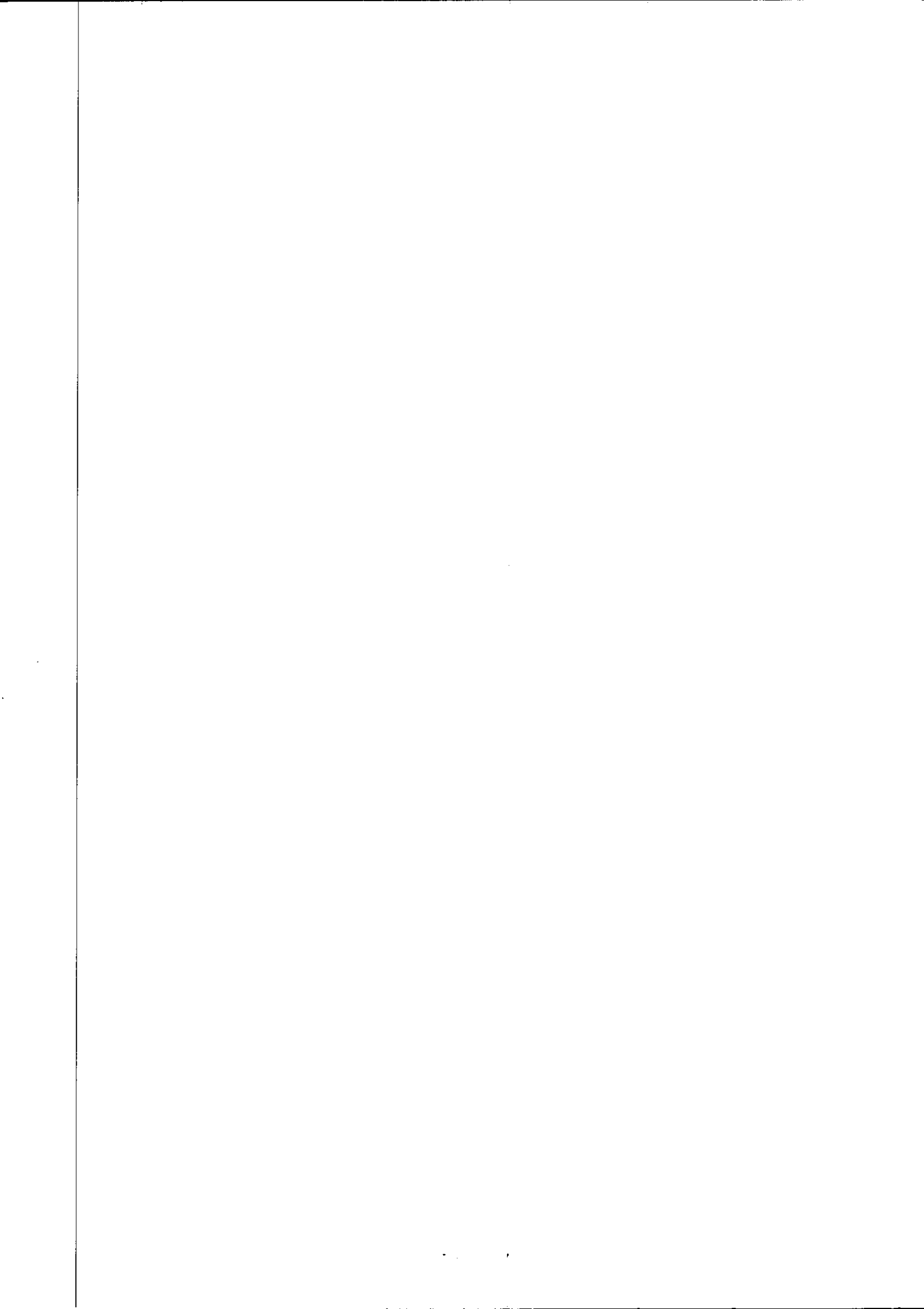
می‌گردد، اما عمده طرحهای شهری و منطقه‌ای که در چند ساله اخیر که در کشور تهیه شده؛ موازی هستند. این امر ضرورت ایجاد یک بانک اطلاعات ملی و جامع‌نگری و یک کاسه کردن تصمیمات متخذه در زمینه ارائه طرحها را می‌طلبد. از طرفی مسئله نبود اطلاعات و مهر محرمانه بر تارک آن همواره از مشکلات و معضلات عمده برنامه‌ریزی و بخصوص برنامه‌ریزی منطقه‌ای در ایران است که هر روز هم متأسفانه بعد گسترده‌تری را بخود می‌گیرد و ارائه، تدوین و اجرای طرحها سلیقه‌ای شده و دانشگاهها در تهیه این طرحها جایگاهی ندارند.



مناطق از کشور به مرحله اجرا درآمد و برنامه‌ریزی منطقه‌ای در نواحی جدیدی از کشور از قبیل دشت قزوین، جیرفت، کهگیلویه، ماهیدشت، بل ذهاب مطرح گردید. اما تا برنامه عمرانی سوم کشور برنامه‌ریزی منطقه‌ای هیچ جایگاه قانونی خاصی در ایران نداشته است. در این برنامه برای اولین بار برنامه‌ریزی منطقه‌ای در ماده ۱۷ قانونی برنامه البته به صورت ناقص جایگاه نسبتاً مستقلی پیدا کرد و بیشتر تاکید بر جنبه‌های تمرکززدایی برنامه‌ریزی منطقه‌ای داشت.

در برنامه چهارم (۱۳۴۷-۵۱) برنامه‌ریزی منطقه‌ای با ایجاد قطب‌های کشاورزی و صنعتی و قابلیت‌های منطقه‌ای کاملاً مورد توجه قرار گرفت و طرحهای جامعی برای مناطقی از کشور تدوین شد. در برنامه پنجم عمرانی کشور و در دوره ۵۶-۱۳۵۲ برنامه‌ریزی منطقه‌ای با اهداف توسعه اقتصادی متعادل استانها و توزیع عادلانه خدمات و مشارکت مردمی تقویت شد. در این دوره برای تمام استانها برنامه توسعه ۵ ساله در نظر گرفته شد و دفاتر برنامه و بودجه در راستای نظام برنامه‌ریزی غیرمتمرکز منطقه‌ای در استانها ایجاد گردید.

مقدمات طرح آمایش سرزمین در سال ۱۳۵۴ فراهم و در سال ۱۳۵۶ خاتمه یافت. در این میان طرحهای جامع متعددی مورد مطالعه و منطقه‌بندیهای مختلفی در کشور تدوین گردید. در سالهای بعد از انقلاب طرح جامع آب، طرح آمایش سرزمین جمهوری اسلامی ایران، طرحهای جامع شهرستان، جامع شهری، ساماندهی روستاها، اسکان ۹۰، طرح‌ریزی کالبدی ملی و منطقه‌ای انجام می‌شود و کاملاً به بعد برنامه‌ریزی منطقه‌ای به عنوان زردون شکاف میان سطوح ملی و شهری توجه کامل مبدول



۴

۴

...
 ...
 ...
 ...

...
 ...
 ...

...	۱۲۳۰۱	۸۶۸۱۱	۱۸۵۰۱	۷۶۸۳۱	۵۱۱۱۱
...	۳۷۸۱	۱۱۷۱	۸۳۱	۷۷۷	۴۰۷
...	۸۳	۲۰۲	۷۳	۱۲۱	۸۰۲
...	۵۰۱	۶۲۳	۰۷۱	۱۶۲	۷۷۲
...	۲۰۷	۲۵۷	۰۱۱۱	۱۰۰۱	۲۰۰۱
...	۲۰۲	۵۳۲	۳۲۲	۶۲۲	۳۲۲
...	۲۲۲	۶۷۱	۷۶۱	۲۰۱	۶۷
...	۰	۶	۲۱	۷۱	۷
...	۶۱	۱۶۱	۸۱	۷	۵۲
...	۲۵۳۱	۱۳۲۱	۱۱۰۱۱	۰۱۷	۳۰۵
...	۲۲	۷	۸۲	۶۳	۲۲
...	۱۸۱۲	۱۲۸۱	۲۵۷۲	۶۳۷۲	۰۶۲۲
...	۲۰۳	۷۷۵	۲۳۲	۱۷۲	۱۳۲
...	۸۲۶	۷۷۶	۸۳۷	۳۵۵	۸۲۳
...	۰۳	۳۶	۶۷	۵۱	۰
...	۳۲۷	۱۶۳	۲۱۲	۳۲۱	۲۵
...	۰۲۷۱	۷۷۳۱	۲۲۲۱	۱۲۲	۶۲۲
...	۲۵۱۲	۶۱۲۲	۶۲۳۲	۷۷۲۲	۵۳۳۲
...	۲۶۲	۸۷۱	۱۵۲	۰۳۲	۳۱۳
...	۵۷۲۱	۵۷۲۱	۵۶۲۱	۵۵۲۱	۵۳۲۱

...
 ...
 ...

κ

κ

κ

است.

نوعه رقع اختلاف مقیاس شاخص ها با استفاده از روش تقسیم بر میانگین در جدول ذیل ارائه شده

$$X' = \text{میانگین متغیر}$$

$$X'' = \text{مقدار متغیر در منطقه}$$

$$Y = \text{مقادیر رقع اختلاف مقیاس شاخص}$$

در این معادله:

$$Y = \frac{X'}{X''}$$

روش باید از فرمول ذیل استفاده کرد:

این استفاده از این مقیاس می باشد. برای استفاده از این مقیاس می باید که رقع مقیاس می باشد که دست به دست می آید در این صورت مقیاس جدیدی به دست می آید که رقع مقیاس می باشد.

همان گونه که در این مقادیر هر مقیاس می باشد که تقسیم بر میانگین می باشد. در این صورت مقیاس جدیدی به دست می آید که رقع مقیاس می باشد.

۱- روش تقسیم بر میانگین

- روش های سطح سطح توسعه یافته

ردیف	استان	مقادیر شاخص های			شاخص	رتبه بندی
		X_1	X_2	X_3	ترکیبی	شاخص
۱	تهران	۱/۰۷	۱/۲۲	۱/۲۴	۲/۵۲	۱
۲	تهران	۱/۰۲	۱/۰۹	۱/۲۴	۲/۳۵	۲
۳	اصفهان	۱/۰۶	۱/۱۵	۱/۱۱	۳/۳۲	۳
۴	تهران	۱/۰۲	۱/۰۸	۱/۲۱	۳/۳۱	۴
۵	تهران	۱/۰۴	۱/۱۲	۱/۱۲	۳/۲۸	۵
۶	تهران	۱/۰۶	۱/۰۵	۱/۰۶	۳/۱۷	۶
۷	تهران	۱/۰۳	۱/۱۵	۱/۰۰	۳/۱۸	۷
۸	تهران	۱/۰۱	۱/۰۳	۱/۱۱	۳/۱۵	۸
۹	تهران	۰/۹۸	۰/۸۸	۱/۱۸	۳/۱۴	۹
۱۰	تهران	۱/۰۱	۱/۰۰	۱/۱۳	۳/۱۳	۱۰
۱۱	تهران	۰/۹۹	۱/۰۲	۱/۰۸	۳/۰۹	۱۱
۱۲	تهران	۱/۰۲	۱/۰۴	۰/۹۹	۳/۰۴	۱۲
۱۳	تهران	۱/۰۱	۰/۹۷	۱/۰۵	۳/۰۲	۱۳
۱۴	تهران	۱/۰۱	۱/۰۵	۰/۹۴	۳/۰۰	۱۴
۱۵	تهران	۰/۹۹	۰/۹۱	۱/۰۵	۲/۰۵	۱۵
۱۶	تهران	۰/۹۷	۱/۰۷	۰/۹۵	۲/۹۹	۱۶
۱۷	تهران	۱/۰۰	۰/۹۱	۱/۰۰	۲/۹۱	۱۷
۱۸	تهران	۱/۰۰	۰/۹۷	۰/۹۱	۲/۸۸	۱۸
۱۹	تهران	۰/۹۸	۰/۹۴	۰/۹۳	۲/۸۵	۱۹
۲۰	تهران	۰/۹۷	۰/۹۷	۰/۸۹	۲/۸۳	۲۰
۲۱	تهران	۰/۹۸	۰/۸۸	۰/۹۱	۲/۷۷	۲۱
۲۲	تهران	۰/۹۹	۰/۹۴	۰/۸۲	۲/۷۵	۲۲
۲۳	تهران	۰/۹۹	۰/۹۸	۰/۷۵	۲/۷۲	۲۳
۲۴	تهران	۰/۹۶	۰/۹۷	۰/۷۳	۲/۶۶	۲۴
۲۵	تهران	۰/۹۲	۰/۸۲	۰/۷۸	۲/۶۴	۲۵
۲۶	تهران	۰/۹۲	۰/۶۹	۰/۷۱	۲/۶۳	۲۶
میانگین		۱	۱	۱	۳	۱۳/۵
انحراف استاندارد		۰/۴	۰/۱۱	۰/۱۵	۰/۶	۰/۵۰
رتبه بندی		۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۲	۰/۰۰۸	۵۸/۵
CV (CV)		۰/۰۴	۰/۱۱	۰/۱۵	۰/۶	۰/۵۰

توجه: این مقادیر بر اساس روشی که در جدول ارائه شده است و مقادیر شاخص های ترکیبی که در جدول ارائه شده است

است. این روش برای مقایسه داده‌ها در سال‌های مختلف مناسب است.

این روش برای مقایسه داده‌ها در سال‌های مختلف مناسب است. در این روش، مقادیر مختلف را به یک مقیاس واحد تبدیل می‌کنیم.

$$X = \frac{X_i - \bar{X}}{s}$$

که در آن \bar{X} میانگین و s انحراف معیار است.

$$Y = \frac{Y_i - \bar{Y}}{s}$$

در این معادله:

$$Y = \frac{X_i - \bar{X}}{s}$$

که در آن \bar{X} میانگین و s انحراف معیار است. این روش برای مقایسه داده‌ها در سال‌های مختلف مناسب است.

این روش برای مقایسه داده‌ها در سال‌های مختلف مناسب است. در این روش، مقادیر مختلف را به یک مقیاس واحد تبدیل می‌کنیم.

این روش برای مقایسه داده‌ها در سال‌های مختلف مناسب است. در این روش، مقادیر مختلف را به یک مقیاس واحد تبدیل می‌کنیم.

این روش برای مقایسه داده‌ها در سال‌های مختلف مناسب است. در این روش، مقادیر مختلف را به یک مقیاس واحد تبدیل می‌کنیم.

این روش برای مقایسه داده‌ها در سال‌های مختلف مناسب است. در این روش، مقادیر مختلف را به یک مقیاس واحد تبدیل می‌کنیم.

این روش برای مقایسه داده‌ها در سال‌های مختلف مناسب است.

این روش برای مقایسه داده‌ها در سال‌های مختلف مناسب است. در این روش، مقادیر مختلف را به یک مقیاس واحد تبدیل می‌کنیم.

این روش برای مقایسه داده‌ها در سال‌های مختلف مناسب است. در این روش، مقادیر مختلف را به یک مقیاس واحد تبدیل می‌کنیم.

این روش برای مقایسه داده‌ها در سال‌های مختلف مناسب است. در این روش، مقادیر مختلف را به یک مقیاس واحد تبدیل می‌کنیم.

این روش برای مقایسه داده‌ها در سال‌های مختلف مناسب است. در این روش، مقادیر مختلف را به یک مقیاس واحد تبدیل می‌کنیم.

CV (CV)		۰/۰	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱
	مجموع	۰/۰	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱
	مجموع	۰/۰	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱
	مجموع	۰/۰	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱
	مجموع	۰/۰	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱
۱۶	مجموع	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱
۱۵	مجموع	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱
۱۴	مجموع	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱
۱۳	مجموع	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱
۱۲	مجموع	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱
۱۱	مجموع	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱
۱۰	مجموع	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱
۹	مجموع	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱
۸	مجموع	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱
۷	مجموع	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱
۶	مجموع	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱
۵	مجموع	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱
۴	مجموع	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱
۳	مجموع	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱
۲	مجموع	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱
۱	مجموع	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱
		X _۱	X _۲	X _۳		
		مجموع				
		مجموع				

مجموع هر یک از اینها را در جدول زیر بنویسید و در جدول زیر آن را بنویسید

ارائه شده است.

روش ضریب محرومیت ربع اجزای مقیاس شده و شاخص ترکیبی بر مبنای محاسبه و تالیف آن در جدول ذیل
 این طریق از طرفی، در مثال مورد استفاده در شاخص ترکیبی، روشی را که به شاخص ترکیبی با منظور آشنایی با منظور

ضریب محرومیت توسعه X_1 شاخص توسعه $X_1 = 1 - X_1$ - ضریب محرومیت

$$\text{مقدار واقعی و واقعی} - X_1 - \text{مقدار حد اکثر} - X_1 = \frac{\text{مقدار حد اقل} - X_1 - \text{مقدار حد اکثر} - X_1}{\text{مقدار حد اقل} - X_1 - \text{مقدار حد اکثر} - X_1} = \text{ضریب محرومیت} X_1 \quad \text{معادله (ii)}$$

$$\text{مقدار حد اقل} - X_1 - \text{مقدار واقعی} - X_1 = \frac{\text{مقدار حد اقل} - X_1 - \text{مقدار حد اکثر} - X_1}{\text{مقدار حد اقل} - X_1 - \text{مقدار حد اکثر} - X_1} = \text{ضریب محرومیت} X_1 \quad \text{معادله (i)}$$

این دو روشی به شرح ذیل می باشد :

معادله (i) برای محاسبه ضریب محرومیت مناطق دو روشی وجود دارد که نتایج هر دو یکسان است. معادله (ii) نیز

این روشی توسط UNDP برای محاسبه شاخص توسعه انسانی کشورهای مختلف مورد استفاده قرار می گیرد.

روش ضریب محرومیت

ردیف	استان	مجموعه سنجش (CV)			هستری بر اساس	هستری بر اساس
		X ₁	X ₂	X ₃		
۱	تهران	۱	۱	۱	۲	۱
۲	تهران	۱	۱	۱	۲/۴۴	۲
۳	تهران	۱	۱	۱	۲/۵۹	۳
۴	تهران	۱	۱	۱	۲/۴۴	۴
۵	تهران	۱	۱	۱	۲/۳۷	۵
۶	تهران	۱	۱	۱	۲/۳۰	۶
۷	تهران	۱	۱	۱	۱/۹۸	۷
۸	تهران	۱	۱	۱	۲/۱۶	۸
۹	تهران	۱	۱	۱	۱/۸۴	۹
۱۰	تهران	۱	۱	۱	۱/۹۷	۱۰
۱۱	تهران	۱	۱	۱	۱/۷۷	۱۱
۱۲	تهران	۱	۱	۱	۱/۸۴	۱۲
۱۳	تهران	۱	۱	۱	۱/۷۴	۱۳
۱۴	تهران	۱	۱	۱	۱/۶۹	۱۴
۱۵	تهران	۱	۱	۱	۱/۵۲	۱۵
۱۶	تهران	۱	۱	۱	۱/۵۰	۱۶
۱۷	تهران	۱	۱	۱	۱/۴۷	۱۷
۱۸	تهران	۱	۱	۱	۱/۴۱	۱۸
۱۹	تهران	۱	۱	۱	۱/۴۵	۱۹
۲۰	تهران	۱	۱	۱	۱/۶۱	۲۰
۲۱	تهران	۱	۱	۱	۱/۱۱	۲۱
۲۲	تهران	۱	۱	۱	۱/۱۷	۲۲
۲۳	تهران	۱	۱	۱	۱/۰۹	۲۳
۲۴	تهران	۱	۱	۱	۱/۸۱	۲۴
۲۵	تهران	۱	۱	۱	۱/۶۱	۲۵
۲۶	تهران	۱	۱	۱	۱/۰۰	۲۶
۲۷	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۷	۲۷
۲۸	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۲۸
۲۹	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۸	۲۹
۳۰	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۳۰
۳۱	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۳۱
۳۲	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۷	۳۲
۳۳	تهران	۱	۱	۱	۱/۰۷	۳۳
۳۴	تهران	۱	۱	۱	۱/۵۱	۳۴
۳۵	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۳۵
۳۶	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۳۶
۳۷	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۳۷
۳۸	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۳۸
۳۹	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۳۹
۴۰	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۴۰
۴۱	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۴۱
۴۲	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۴۲
۴۳	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۴۳
۴۴	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۴۴
۴۵	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۴۵
۴۶	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۴۶
۴۷	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۴۷
۴۸	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۴۸
۴۹	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۴۹
۵۰	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۵۰
۵۱	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۵۱
۵۲	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۵۲
۵۳	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۵۳
۵۴	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۵۴
۵۵	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۵۵
۵۶	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۵۶
۵۷	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۵۷
۵۸	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۵۸
۵۹	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۵۹
۶۰	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۶۰
۶۱	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۶۱
۶۲	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۶۲
۶۳	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۶۳
۶۴	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۶۴
۶۵	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۶۵
۶۶	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۶۶
۶۷	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۶۷
۶۸	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۶۸
۶۹	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۶۹
۷۰	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۷۰
۷۱	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۷۱
۷۲	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۷۲
۷۳	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۷۳
۷۴	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۷۴
۷۵	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۷۵
۷۶	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۷۶
۷۷	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۷۷
۷۸	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۷۸
۷۹	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۷۹
۸۰	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۸۰
۸۱	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۸۱
۸۲	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۸۲
۸۳	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۸۳
۸۴	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۸۴
۸۵	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۸۵
۸۶	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۸۶
۸۷	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۸۷
۸۸	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۸۸
۸۹	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۸۹
۹۰	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۹۰
۹۱	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۹۱
۹۲	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۹۲
۹۳	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۹۳
۹۴	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۹۴
۹۵	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۹۵
۹۶	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۹۶
۹۷	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۹۷
۹۸	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۹۸
۹۹	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۹۹
۱۰۰	تهران	۱	۱	۱	۱/۳۶	۱۰۰

مجموعه سنجش (CV) بر اساس روش آماری و محاسبه میانگین و انحراف معیار

روش‌های آماری برای مقایسه دو گروه

و حد پایین مقادیر مقایسه‌ها در هر دو گروه $X_{Min}^f =$

و حد بالا مقادیر مقایسه‌ها در هر دو گروه $X_{Max}^f =$

و حد پایین مقادیر مقایسه‌ها $X_{Min}^g =$

و حد بالا مقادیر مقایسه‌ها $X_{Max}^g =$

و شاخص آماری برای مقایسه $Y_g =$

$$Y_g = \frac{X_{Max}^f - X_{Min}^f}{X_{Max}^g - X_{Min}^g} * 100$$

این شاخص آماری برای مقایسه دو گروه استفاده می‌شود.

این شاخص آماری برای مقایسه دو گروه استفاده می‌شود.

این شاخص آماری برای مقایسه دو گروه استفاده می‌شود.

این شاخص آماری برای مقایسه دو گروه استفاده می‌شود.

۳-۴- شاخص آماری

این شاخص آماری برای مقایسه دو گروه استفاده می‌شود.

این شاخص آماری برای مقایسه دو گروه استفاده می‌شود.

این شاخص آماری برای مقایسه دو گروه استفاده می‌شود.

این شاخص آماری برای مقایسه دو گروه استفاده می‌شود.

این شاخص آماری برای مقایسه دو گروه استفاده می‌شود.

لغتنامه دومه استعلام اصول استعلام از این لغتنامه داشته باشد که در مورد دو به دو معنی که می آید در

۵۰۰ نفر		۷
۱۰۰ نفر		۶
۵۰ نفر	۵	۵
۲۵ نفر	۴	۴
۱۰ نفر	۱	۳

جدول اول درجه اهمیت

نظر آنرا همیشه در نظر داشته باشد.

۵/۴	۱	۵	۱
۱	$\frac{3}{1}$	۴	۲
۴	۱	۱	۳
$\frac{2}{1}$	$\frac{2}{1}$	۱	۴
میانگین	میانگین	میانگین	میانگین

« جدول دوم درجه اهمیت شاخص ها »

شماره:

۱. شکل از میان شاخص ها عدد آن میزان است؛

۲. شکل از میان شاخص ها عدد آن میزان است؛

این روش عبارتست از:

در هر مرحله از بررسی شاخص ها با یک نقطه به یک نقطه از شاخص ها دسترس داشته باشند؛

در هر مرحله از بررسی شاخص ها که کمترین تعداد شاخص ها با آن شاخص ها در مرحله بررسی است؛

با این روش می توانیم به بررسی تغییرات در یک متغیر خاص در صورت تغییر سایر متغیرها بپردازیم.

در هر سطحی که حاصل شود، بررسی تغییرات در یک متغیر خاص در صورت تغییر سایر متغیرها را می توانیم انجام دهیم.

؛ $X_{max}^f =$ حداکثر متغیر مشاهده شده در هر ستون است

؛ $X_{min}^f =$ حداقل متغیر مشاهده شده در هر ستون است

؛ $X_{max}^g =$ حداکثر متغیر مشاهده شده در هر ستون است

؛ $X_{min}^g =$ حداقل متغیر مشاهده شده در هر ستون است

در آن:

$$\left[\frac{X_{max}^f - X_{min}^f}{X_{max}^g - X_{min}^g} \right] = \left[\frac{X_{max}^f - X_{min}^f}{X_{max}^g - X_{min}^g} \right]$$

تغییرات در هر یک از این متغیرها را می توانیم به روش زیر بررسی کنیم:

از آنجا که ما همیشه به سمت راست و چپ متغیرها می بینیم (مثبت یا منفی) و (مثبت یا منفی) است با علامت

در هر یک از این متغیرها می توانیم به روش زیر بررسی کنیم؛ برای تشکیل این متغیرها

در هر یک از این متغیرها می توانیم به روش زیر بررسی کنیم؛ برای تشکیل این متغیرها

در هر یک از این متغیرها می توانیم به روش زیر بررسی کنیم؛ برای تشکیل این متغیرها

در هر یک از این متغیرها می توانیم به روش زیر بررسی کنیم؛ برای تشکیل این متغیرها

در هر یک از این متغیرها می توانیم به روش زیر بررسی کنیم؛ برای تشکیل این متغیرها

در هر یک از این متغیرها می توانیم به روش زیر بررسی کنیم؛ برای تشکیل این متغیرها

در هر یک از این متغیرها می توانیم به روش زیر بررسی کنیم؛ برای تشکیل این متغیرها

در هر یک از این متغیرها می توانیم به روش زیر بررسی کنیم؛ برای تشکیل این متغیرها

۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۰/۱۱	۰/۱۲	۰/۲۱	۰/۲۲	۰/۲۳	۰/۲۴	۰/۲۵	۰/۲۶
۰/۲۴	۰/۲۵	۰/۲۶	۰/۲۷	۰/۲۸	۰/۲۹	۰/۳۰	۰/۳۱
۰/۳۰	۰/۳۱	۰/۳۲	۰/۳۳	۰/۳۴	۰/۳۵	۰/۳۶	۰/۳۷
۰/۳۷	۰/۳۸	۰/۳۹	۰/۴۰	۰/۴۱	۰/۴۲	۰/۴۳	۰/۴۴
۰/۴۴	۰/۴۵	۰/۴۶	۰/۴۷	۰/۴۸	۰/۴۹	۰/۵۰	۰/۵۱
۰/۵۱	۰/۵۲	۰/۵۳	۰/۵۴	۰/۵۵	۰/۵۶	۰/۵۷	۰/۵۸
۰/۵۸	۰/۵۹	۰/۶۰	۰/۶۱	۰/۶۲	۰/۶۳	۰/۶۴	۰/۶۵
۰/۶۵	۰/۶۶	۰/۶۷	۰/۶۸	۰/۶۹	۰/۷۰	۰/۷۱	۰/۷۲
۰/۷۲	۰/۷۳	۰/۷۴	۰/۷۵	۰/۷۶	۰/۷۷	۰/۷۸	۰/۷۹
۰/۷۹	۰/۸۰	۰/۸۱	۰/۸۲	۰/۸۳	۰/۸۴	۰/۸۵	۰/۸۶
۰/۸۶	۰/۸۷	۰/۸۸	۰/۸۹	۰/۹۰	۰/۹۱	۰/۹۲	۰/۹۳
۰/۹۳	۰/۹۴	۰/۹۵	۰/۹۶	۰/۹۷	۰/۹۸	۰/۹۹	۱
جدول مجموع مواضع	۱۵۰۷۰	جدول مجموع مواضع	جدول مجموع مواضع	جدول مجموع مواضع	جدول مجموع مواضع	جدول مجموع مواضع	جدول مجموع مواضع

جدول ماتریس وزنی کداری لاجی ها (حاصل از مایزین درجه اهمیت)

۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱	$\frac{3}{1}$	$\frac{4}{1}$	$\frac{3}{1}$	$\frac{3}{1}$	$\frac{3}{1}$	$\frac{3}{1}$	$\frac{3}{1}$
۲	۱	$\frac{4}{1}$	$\frac{3}{1}$	$\frac{3}{1}$	$\frac{3}{1}$	$\frac{3}{1}$	$\frac{3}{1}$
$\frac{2}{1}$	$\frac{4}{1}$	۱	۲	۲	۲	۲	۲
۳	۵	۵	۱	۱	۱	۱	۱
$\frac{3}{1}$	$\frac{3}{1}$	$\frac{3}{1}$	$\frac{3}{1}$	$\frac{3}{1}$	$\frac{3}{1}$	$\frac{3}{1}$	$\frac{3}{1}$
$\frac{2}{1}$	۴	۴	۲	۲	۲	۲	۲
$\frac{2}{1}$	۵	۵	۲	۲	۲	۲	۲
۱	۵	۵	۲	۲	۲	۲	۲
جدول مجموع مواضع	۱۵۰۷۰	جدول مجموع مواضع	جدول مجموع مواضع	جدول مجموع مواضع	جدول مجموع مواضع	جدول مجموع مواضع	جدول مجموع مواضع

جدول ماتریس لاجی - ازجهت اهمیت درجه اهمیت

کلاس	گروہ	تعداد	مجموعی	مجموعی	مجموعی	مجموعی	مجموعی	مجموعی
1/49	A	1	0.37	0.85	1	1	0	0
1	B	0.9	0.19	0.55	0.4	0.15	0.95	0
0.85		0.11		0.29	0.7	0.29	0.05	0.85
0.79	D	0.11	0.25	0.49	0.4	0.15	0.11	0.79
0.71	E	0.9	0.5	0	0.9	0.1	0.4	0.71
0.6	F	0.1	0.25	0.22	0.22	0.12	0.8	0.6
0.5	G	0	1	0.38	0	0	1	0.5
0.4	H	0.14	0.37	1	0.54	0.12	0.57	0.4
0	I	0.9	0.19	0.85	0.45	0.9	0.99	0

جدول مجموعی کلاس و گروہ

کلاس	مجموعی	مجموعی
1/49	0.37	0.85
1	0.19	0.55
0.85	0.11	0.29
0.79	0.25	0.49
0.71	0.5	0
0.6	0.25	0.22
0.5	1	0.38
0.4	0.37	1
0	0.19	0.85
مجموعی کل	1.35	1.35

Σ = 1.35

$\Sigma = 1.35$

مجموعی کل

- ۴. Numerical Taxonomy Model
- ۵. Adurson
- ۶. Zygmunt Hellwing
- ۷. Worklaw

$$B_m(x_1, x_2, \dots, x_m)$$

$$B_{(x_1, x_2, \dots, x_m)}$$

$$B(x_1, x_2, \dots, x_m)$$

بردارها را به صورت زیر تعریف کرد:

توانیم بیان کنیم که هر یک از m شاخص هستند در نظر می گیریم ، بنابراین می توان

مراحل اول : تشکیل ماتریس داده ها :

برای روشن تر شدن مدل با استفاده از یک مثال ساختار کلی آن شرح داده می شود .
 مقایسه را که مورد استفاده در این برنامه ریزی باشد برای شناخت درجه توسعه یافتهگی یا نه
 یکی از روش های قدیم است که در این روش قادر به زیرمجموعه های کلمه و پیش می گوییم . تقسیم کرده ، یکی
 شده باشد شرح مطرح می شود در اقتصاد و در ۸۰٪ از مدرسه عالی اقتصاد عالی منطقه برای طبقه بندی درجه توسعه یافتهگی بین
 اینستایی نسبت داده شد و در سال ۱۹۶۸ میلادی به عنوان وسیله ای برای طبقه بندی درجه توسعه یافتهگی بین
 در سال ۱۹۵۰ میلادی توسط عددهای عددی در روش این کردید . این روش در سال ۱۷۴۳ میلادی پیشنهاد کردید .
 در این روش از این خاصیت از این روش برای اولین بار توسط آدورسون در
 یکی از روش های بنی درجه بندی از لحاظ از این روش برای توسعه یافتهگی ، روش آدورسون است .
 ۳-۶-۳ مدل آدورسون عددهای

جدول ۱: مشخصات فنی و فیزیکی تجهیزات اندازه‌گیری

ردیف	نوع تجهیز	مدل	تاریخ خرید	تاریخ بازرسی	وضعیت	ملاحظات
۱	دوربین مدار بسته	۹۹/۳۱	۱۳/۹۵	۹۹/۳۱	خوب	
۲	دوربین مدار بسته	۹۹/۳۲	۹۹/۳۲	۹۹/۳۲	خوب	
۳	دوربین مدار بسته	۹۹/۳۳	۹۹/۳۳	۹۹/۳۳	خوب	
۴	دوربین مدار بسته	۹۹/۳۴	۹۹/۳۴	۹۹/۳۴	خوب	
۵	دوربین مدار بسته	۹۹/۳۵	۹۹/۳۵	۹۹/۳۵	خوب	
۶	دوربین مدار بسته	۹۹/۳۶	۹۹/۳۶	۹۹/۳۶	خوب	
۷	دوربین مدار بسته	۹۹/۳۷	۹۹/۳۷	۹۹/۳۷	خوب	
۸	دوربین مدار بسته	۹۹/۳۸	۹۹/۳۸	۹۹/۳۸	خوب	
۹	دوربین مدار بسته	۹۹/۳۹	۹۹/۳۹	۹۹/۳۹	خوب	
۱۰	دوربین مدار بسته	۹۹/۴۰	۹۹/۴۰	۹۹/۴۰	خوب	
۱۱	دوربین مدار بسته	۹۹/۴۱	۹۹/۴۱	۹۹/۴۱	خوب	
۱۲	دوربین مدار بسته	۹۹/۴۲	۹۹/۴۲	۹۹/۴۲	خوب	
۱۳	دوربین مدار بسته	۹۹/۴۳	۹۹/۴۳	۹۹/۴۳	خوب	
۱۴	دوربین مدار بسته	۹۹/۴۴	۹۹/۴۴	۹۹/۴۴	خوب	
۱۵	دوربین مدار بسته	۹۹/۴۵	۹۹/۴۵	۹۹/۴۵	خوب	
۱۶	دوربین مدار بسته	۹۹/۴۶	۹۹/۴۶	۹۹/۴۶	خوب	
۱۷	دوربین مدار بسته	۹۹/۴۷	۹۹/۴۷	۹۹/۴۷	خوب	
۱۸	دوربین مدار بسته	۹۹/۴۸	۹۹/۴۸	۹۹/۴۸	خوب	
۱۹	دوربین مدار بسته	۹۹/۴۹	۹۹/۴۹	۹۹/۴۹	خوب	
۲۰	دوربین مدار بسته	۹۹/۵۰	۹۹/۵۰	۹۹/۵۰	خوب	

جدول ۱: مشخصات فنی و فیزیکی تجهیزات اندازه‌گیری (مجموعه داده‌ها) (تاریخ: ۱۳۸۵)

مجموعه داده‌ها: $X = \{x_{ij}\}$ که در آن m سطر و n ستون دارد.

در این جدول، X_{ij} نشان‌دهنده مقدار اندازه‌گیری در سطر i و ستون j است.

در ماتریس فوق، X نشانگر منطقه اول و X' نشانگر منطقه دوم است.

$$X = \begin{pmatrix} X_{11} & X_{12} & \dots & X_{1m} \\ X_{21} & X_{22} & \dots & X_{2m} \\ \vdots & \vdots & \ddots & \vdots \\ X_{n1} & X_{n2} & \dots & X_{nm} \end{pmatrix}$$

نمونه: $X = \begin{pmatrix} 1 & 2 & 3 & 4 \\ 5 & 6 & 7 & 8 \\ 9 & 10 & 11 & 12 \end{pmatrix}$

مجموعه داده‌ها: $X = \{x_{ij}\}$ که در آن m سطر و n ستون دارد.

$$\begin{pmatrix} z_{11} & z_{12} & \dots & z_{1n} \\ z_{21} & z_{22} & \dots & z_{2n} \\ \vdots & \vdots & \ddots & \vdots \\ z_{m1} & z_{m2} & \dots & z_{mn} \end{pmatrix} = Z$$

که در آن z_{ij} به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$(A) \quad \frac{S'}{X - X} = Z$$

معمولاً Z به صورت زیر تعریف می‌شود:

معمولاً Z به صورت زیر تعریف می‌شود:

معمولاً Z به صورت زیر تعریف می‌شود:

معمولاً Z به صورت زیر تعریف می‌شود:

معمولاً Z به صورت زیر تعریف می‌شود:

معمولاً Z به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$(A) \quad \frac{u}{\sum_{i=1}^n (X - X)^2} = S'$$

معمولاً Z به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$(1) \quad \frac{u}{\sum_{i=1}^n X} = X$$

بزرگترین مقدار را در جدول

$$D_{ab} = \sqrt{\sum (Z_{ij} - Z)^2} \quad (4)$$

نتیجه حاصل از این فرمول به صورت جدول زیر آورده شده است:

در این جدول، هر سطر و هر ستون نشان دهنده یک دسته از متغیرها است. هر سطر و هر ستون نشان دهنده یک دسته از متغیرها است.

در این جدول، هر سطر و هر ستون نشان دهنده یک دسته از متغیرها است. هر سطر و هر ستون نشان دهنده یک دسته از متغیرها است.

نتیجه حاصل از این فرمول به صورت جدول زیر آورده شده است:

$$Z \sim N(0,1)$$

نتیجه:

در این جدول، هر سطر و هر ستون نشان دهنده یک دسته از متغیرها است. هر سطر و هر ستون نشان دهنده یک دسته از متغیرها است.

در این جدول، هر سطر و هر ستون نشان دهنده یک دسته از متغیرها است. هر سطر و هر ستون نشان دهنده یک دسته از متغیرها است.

متغیر	۱/۸	۱/۲۴	۱/۸	۱/۲۴	۱/۸	۱/۲۴
۱/۴۵	-۱/۴۱	-۱/۳۹	-۱/۳۷	-۱/۳۵	-۱/۳۳	-۱/۳۱
-۱/۳۸	-۱/۳۶	-۱/۳۴	-۱/۳۲	-۱/۳۰	-۱/۲۸	-۱/۲۶
-۱/۲۹	-۱/۲۷	-۱/۲۵	-۱/۲۳	-۱/۲۱	-۱/۱۹	-۱/۱۷
-۱/۱۸	-۱/۱۶	-۱/۱۴	-۱/۱۲	-۱/۱۰	-۱/۸	-۱/۶
-۱/۵	-۱/۴	-۱/۳	-۱/۲	-۱/۱	۰	۱/۱
۱/۳۸	۱/۳۶	۱/۳۴	۱/۳۲	۱/۳۰	۱/۲۸	۱/۲۶
۱/۲۹	۱/۲۷	۱/۲۵	۱/۲۳	۱/۲۱	۱/۱۹	۱/۱۷
۱/۱۸	۱/۱۶	۱/۱۴	۱/۱۲	۱/۱۰	۱/۸	۱/۶
۱/۵	۱/۴	۱/۳	۱/۲	۱/۱	۰	۱/۱
متغیر	۱/۸	۱/۲۴	۱/۸	۱/۲۴	۱/۸	۱/۲۴
۱/۴۵	-۱/۴۱	-۱/۳۹	-۱/۳۷	-۱/۳۵	-۱/۳۳	-۱/۳۱
-۱/۳۸	-۱/۳۶	-۱/۳۴	-۱/۳۲	-۱/۳۰	-۱/۲۸	-۱/۲۶
-۱/۲۹	-۱/۲۷	-۱/۲۵	-۱/۲۳	-۱/۲۱	-۱/۱۹	-۱/۱۷
-۱/۱۸	-۱/۱۶	-۱/۱۴	-۱/۱۲	-۱/۱۰	-۱/۸	-۱/۶
-۱/۵	-۱/۴	-۱/۳	-۱/۲	-۱/۱	۰	۱/۱
۱/۳۸	۱/۳۶	۱/۳۴	۱/۳۲	۱/۳۰	۱/۲۸	۱/۲۶
۱/۲۹	۱/۲۷	۱/۲۵	۱/۲۳	۱/۲۱	۱/۱۹	۱/۱۷
۱/۱۸	۱/۱۶	۱/۱۴	۱/۱۲	۱/۱۰	۱/۸	۱/۶
۱/۵	۱/۴	۱/۳	۱/۲	۱/۱	۰	۱/۱

جدول نتایج حاصل از محاسبه ضریب همبستگی (با استفاده از فرمول (۴))

با توجه به آنکه در این روش، فاصله بین دو منطقه را می‌توان به صورت میانگین فاصله بین دو منطقه در نظر گرفت. در این روش، فاصله بین دو منطقه را می‌توان به صورت میانگین فاصله بین دو منطقه در نظر گرفت. در این روش، فاصله بین دو منطقه را می‌توان به صورت میانگین فاصله بین دو منطقه در نظر گرفت.

	$X(D) = 2/2743$				$D(-) = 4/7499$				$S(D) = 0/8987$				$D(+)= 0/3789$			
تاریخ	۱/۱۲۰۸۴	۰/۰۰۰	۳/۳۴۱۹	۳/۹۰۲۶۷	۲/۹۱۳۵۶	۳/۵۴۰۰۸	۱/۱۲۰۸۴	۳/۲۱۵۲۶	۳/۵۴۰۰۸	۳/۵۴۰۰۸	۳/۵۴۰۰۸	۳/۵۴۰۰۸	۳/۵۴۰۰۸	۳/۵۴۰۰۸	۳/۵۴۰۰۸	۳/۵۴۰۰۸
روز	۲/۳۵۴۹۵	۳/۳۴۱۹	۰/۰۰۰	۳/۲۳۰۳۸	۳/۵۲۰۷۹	۳/۸۱۳۶۶	۲/۳۵۴۹۵	۳/۷۵۸۹۹	۳/۸۱۳۶۶	۳/۸۱۳۶۶	۳/۸۱۳۶۶	۳/۸۱۳۶۶	۳/۸۱۳۶۶	۳/۸۱۳۶۶	۳/۸۱۳۶۶	۳/۸۱۳۶۶
ماه	۲/۲۶۴۵۰	۳/۹۰۲۶۷	۳/۲۳۰۳۸	۰/۰۰۰	۲/۲۶۴۵۰	۳/۱۹۲۸۵	۳/۷۶۱۰۷	۳/۹۹۲۳۷	۳/۱۹۲۸۵	۳/۱۹۲۸۵	۳/۱۹۲۸۵	۳/۱۹۲۸۵	۳/۱۹۲۸۵	۳/۱۹۲۸۵	۳/۱۹۲۸۵	۳/۱۹۲۸۵
سال	۲/۶۴۵۰	۲/۹۱۳۵۶	۳/۵۲۰۷۹	۲/۲۶۴۵۰	۰/۰۰۰	۳/۳۱۲۹۴	۳/۹۱۳۵۶	۵/۱۶۳۴۹	۳/۳۱۲۹۴	۳/۳۱۲۹۴	۳/۳۱۲۹۴	۳/۳۱۲۹۴	۳/۳۱۲۹۴	۳/۳۱۲۹۴	۳/۳۱۲۹۴	۳/۳۱۲۹۴
روز	۲/۹۵۲۴۰	۳/۵۴۰۰۸	۳/۸۱۳۶۶	۳/۱۹۲۸۵	۳/۳۱۲۹۴	۰/۰۰۰	۲/۹۵۲۴۰	۳/۲۶۸۰۹	۲/۹۵۲۴۰	۲/۹۵۲۴۰	۲/۹۵۲۴۰	۲/۹۵۲۴۰	۲/۹۵۲۴۰	۲/۹۵۲۴۰	۲/۹۵۲۴۰	۲/۹۵۲۴۰
ماه	۱/۱۲۰۸۴	۳/۳۵۴۹۵	۳/۷۶۱۰۷	۳/۹۱۳۵۶	۳/۸۱۳۶۶	۳/۵۴۰۰۸	۳/۸۵۲۴۰	۳/۸۵۲۴۰	۳/۸۵۲۴۰	۳/۸۵۲۴۰	۳/۸۵۲۴۰	۳/۸۵۲۴۰	۳/۸۵۲۴۰	۳/۸۵۲۴۰	۳/۸۵۲۴۰	۳/۸۵۲۴۰
سال	۳/۸۵۲۴۰	۳/۷۵۸۹۹	۳/۹۹۲۳۷	۵/۱۶۳۴۹	۳/۲۶۸۰۹	۳/۲۶۸۰۹	۳/۲۶۸۰۹	۳/۲۶۸۰۹	۳/۲۶۸۰۹	۳/۲۶۸۰۹	۳/۲۶۸۰۹	۳/۲۶۸۰۹	۳/۲۶۸۰۹	۳/۲۶۸۰۹	۳/۲۶۸۰۹	۳/۲۶۸۰۹
روز	۳/۸۵۲۴۰	۳/۷۵۸۹۹	۳/۹۹۲۳۷	۵/۱۶۳۴۹	۳/۲۶۸۰۹	۳/۲۶۸۰۹	۳/۲۶۸۰۹	۳/۲۶۸۰۹	۳/۲۶۸۰۹	۳/۲۶۸۰۹	۳/۲۶۸۰۹	۳/۲۶۸۰۹	۳/۲۶۸۰۹	۳/۲۶۸۰۹	۳/۲۶۸۰۹	۳/۲۶۸۰۹
ماه	۳/۸۵۲۴۰	۳/۷۵۸۹۹	۳/۹۹۲۳۷	۵/۱۶۳۴۹	۳/۲۶۸۰۹	۳/۲۶۸۰۹	۳/۲۶۸۰۹	۳/۲۶۸۰۹	۳/۲۶۸۰۹	۳/۲۶۸۰۹	۳/۲۶۸۰۹	۳/۲۶۸۰۹	۳/۲۶۸۰۹	۳/۲۶۸۰۹	۳/۲۶۸۰۹	۳/۲۶۸۰۹
سال	۳/۸۵۲۴۰	۳/۷۵۸۹۹	۳/۹۹۲۳۷	۵/۱۶۳۴۹	۳/۲۶۸۰۹	۳/۲۶۸۰۹	۳/۲۶۸۰۹	۳/۲۶۸۰۹	۳/۲۶۸۰۹	۳/۲۶۸۰۹	۳/۲۶۸۰۹	۳/۲۶۸۰۹	۳/۲۶۸۰۹	۳/۲۶۸۰۹	۳/۲۶۸۰۹	۳/۲۶۸۰۹

جدول فواصل مورکب بین مناطق استان ایلام ۱۳۷۵

$$D = \begin{pmatrix} D_{11} & D_{12} & D_{13} & D_{14} & D_{15} & D_{16} & D_{17} & D_{18} \\ D_{21} & D_{22} & D_{23} & D_{24} & D_{25} & D_{26} & D_{27} & D_{28} \\ D_{31} & D_{32} & D_{33} & D_{34} & D_{35} & D_{36} & D_{37} & D_{38} \\ D_{41} & D_{42} & D_{43} & D_{44} & D_{45} & D_{46} & D_{47} & D_{48} \\ D_{51} & D_{52} & D_{53} & D_{54} & D_{55} & D_{56} & D_{57} & D_{58} \\ D_{61} & D_{62} & D_{63} & D_{64} & D_{65} & D_{66} & D_{67} & D_{68} \\ D_{71} & D_{72} & D_{73} & D_{74} & D_{75} & D_{76} & D_{77} & D_{78} \\ D_{81} & D_{82} & D_{83} & D_{84} & D_{85} & D_{86} & D_{87} & D_{88} \end{pmatrix}$$

فواصل مورکب به دست آمده از این روش، فاصله بین مناطق استان ایلام ۱۳۷۵

$$D_{aa} = 0, \quad D_{bb} = 0, \quad D_{ab} = D_{ba}$$

و این نشان دهنده دو منطقه مورد ارزیابی از نظر فاصله مورکب هستند به طوری که:

در صورتی که در این منطقه به دلیل کمبود آب و خاک حاصلخیز و کمبود نیروی انسانی و سرمایه در دسترس، کشاورزی به صورت سنتز و نیمه سنتز در می آید. در این منطقه به دلیل کمبود آب و خاک حاصلخیز و کمبود نیروی انسانی و سرمایه در دسترس، کشاورزی به صورت سنتز و نیمه سنتز در می آید. در این منطقه به دلیل کمبود آب و خاک حاصلخیز و کمبود نیروی انسانی و سرمایه در دسترس، کشاورزی به صورت سنتز و نیمه سنتز در می آید.

منابع:

- ۱- ...
- ۲- ...
- ۳- ...
- ۴- ...
- ۵- ...
- ۶- ...
- ۷- ...
- ۸- ...
- ۹- ...
- ۱۰- ...

جواب بود:

این منطقه همیشه توسط C^0 پوشیده می شود و هر چند C^0 بیشتر باشد یا کمتر این منطقه همیشه با C^0 همپوشانی دارد. این منطقه است C^0 و همیشه C^0 را شامل می شود.

در این رابطه:

$$C^0 = \sqrt{\sum (Z^0 - Z^1)^2} \quad (5)$$

در این رابطه C^0 و C^1 هر دو از فرمول زیر محاسبه می شود:

این منطقه از فاصله منطقه C^0 است که عبارت از مجموع C^0 با C^1 است و C^0 با C^1 با هم همپوشانی دارند. این منطقه از فاصله منطقه C^0 است که عبارت از مجموع C^0 با C^1 است و C^0 با C^1 با هم همپوشانی دارند. این منطقه از فاصله منطقه C^0 است که عبارت از مجموع C^0 با C^1 است و C^0 با C^1 با هم همپوشانی دارند.

در این رابطه C^0 و C^1 هر دو از فرمول زیر محاسبه می شود: اگر تمام مناطق در مرحله قبل در یک گروه مشکلی قرار بگیرند، در این صورت داده های مربوط به این مناطق در مرحله بعدی نیز مشکلی خواهند داشت. این مناطق در مرحله بعدی نیز مشکلی خواهند داشت.

در این رابطه C^0 و C^1 هر دو از فرمول زیر محاسبه می شود: در این رابطه C^0 و C^1 هر دو از فرمول زیر محاسبه می شود: در این رابطه C^0 و C^1 هر دو از فرمول زیر محاسبه می شود.

$$S_{io} = \sqrt{\frac{N}{\sum_{i=1}^n (C_{io} - \bar{C}_{io})^2}} \quad (10)$$

$$\bar{C}_{io} = \frac{\sum_{i=1}^n C_{io}}{n} \quad (9)$$

در C_{io} میانگین و S_{io} انحراف معیار بوده و عبارتند از:

$$C_o = \bar{C}_{io} + 2S_{io} \quad (8)$$

$$F = \frac{C_o}{C_{io}} \quad (7)$$

مشخص می گردد:

برای تعیین سرمشی توسط روشی پانچگانه با توجه به درجه تطبیق از مناطق از یک طرف برای هر یک از مناطق از طرف دیگر از طریق رابطه زیر محاسبه می شود:

سرمشی توسعه	۱/۴۵۷۵۴
پایه	۳/۴۹۳۷۶
پایه	۴/۷۹۹۶۰
پایه	۵/۲۳۵۷۳
پایه	۵/۳۱۵۹۴
پایه	۵/۶۱۸۷۶
پایه	۶/۰۴۳۹۳
پایه	۶/۰۴۳۹۳

جدول سرمشی توسعه استان بزرگ ۱۳۸۵

فصل ششم تحلیل نظام سکونتگاهی و ساماندهی آن

مقدمه:

در فصل قبل الگوهای مربوط به مکانیابی بناگاههای تولیدی و خدماتی از نقطه نظر تئوریک و کاربردی مورد بررسی قرار گرفتند. در این فصل به تحلیل و تبیین نظام سکونتگاهی و تحلیل فضایی آنها پرداخته شده و الگوهای ساماندهی مورد بحث و بررسی قرار گرفتند. به منظور آشنایی با اصول بکارگیری برخی از مدل‌های فوق سعی گردیده است تا از مثال‌های عملی در هر یک از موارد فوق استفاده شود.

کاربرد تجزیه و تحلیل فضایی در برنامه‌ریزی منطقه‌ای:
تجزیه و تحلیل در برنامه‌ریزی منطقه‌ای و تبیین کارکردهای شهری و برنامه‌ریزی برای توسعه روستایی نیازمند طی مراحل است که این فرآیند بشرح ذیل است.

تجزیه و تحلیل فضایی
در برنامه‌ریزی منطقه‌ای

دهند. اینگونه سوالات عبارتند از:

- ۱- کدامیک از سکونتگاهها در منطقه دارای کارکردها و ناخیه خدماتی مناسب بوده و می‌توانند با سرمایه‌گذارهای مختصر و قوی‌تر کردن کارکردهای آن بعنوان مکانهای مرکزی عمل کنند؟
- ۲- کدامیک از سکونتگاهها از نظر کارکردی، تاآرامد بوده اما می‌توان با سرمایه‌گذارهای استراتژیک در زمینه خدمات و تسهیلاتی که در حال حاضر وجود ندارد به قوی‌تری کردن زیرساختها و ارتباط فضایی با سطوح بالاتر و پایین‌تر امکان ارائه خدمات مناسب‌تر برای ناحیه تحت نفوذ آن را بوجود آورد؟
- ۳- کدامیک از سکونتگاهها فاقد خدمات و تسهیلات و زیرساختهای مهم بوده، و دارای پتانسیل لازم برای رشد اقتصادی نیز نبوده، بنابراین باید در اولویت پایین قرار گیرد؟
- ۴- کدامیک از مراکز دارای پتانسیلهای رشد اقتصادی و قدرت تنوع بخشی به فعالیتها بوده و می‌توان با اجرای مجموعه‌ای از پروژه‌ها آنرا به سطح بالاتر از سیستم سکونتگاهی رساند تا کارکرد بهتری را در ناحیه ارائه دهد؟
- ۵- چگونه می‌توان ارتباط مراکز فاقد پتانسیل را با مکانهای مرکزی دارای پتانسیل و کارکرد بهتر مستحکم‌تر کرد؟
- ۶- چگونه می‌توان امکان دسترسی مردمی که در نواحی خاشیهای و پیرامونی زندگی می‌کنند را به خدمات، تسهیلات و زیرساختهای موجود در مراکز و نقاط شهری فراهم کرد؟
- ۷- چگونه ممکن است با سازماندهی بهینه نظام سکونتگاهی بتوان خدمات و تسهیلات موجود در منطقه را بطور کارا توزیع و آنرا به شیوه آسانتری برای همه مردم قابل دسترسی‌تر کرد؟
- ۸- چگونه می‌توان دست به تغییر در الگوی سکونتگاهی موجود در منطقه زد تا به پیش توسعه اقتصادی در سطحی وسیع‌تر کمک کند؟
- ۹- چگونه می‌توان ارتباط بین سکونتگاهها را قوی‌تر کرد تا به پیش فرایند توسعه در منطقه کمک نمود؟

اینها تنها بخشی از موضوعاتی است که تحلیل فضایی اطلاعات گردآوری شده می‌تواند

- ۱- جمع آوری اطلاعات^۱
- ۲- سازماندهی^۲
- ۳- تجزیه و تحلیل مقدماتی^۳
- ۴- ارائه اطلاعات در قالب نقشه‌ها، نمودارها، جدول و روشهای دیگر گرافیکی.

سه مرحله اول از مراحل فوق به معرفی، تفسیر و بکارگیری اطلاعات جمع آوری شده برای نظام سکونتگاهی و تجزیه و تحلیل روابط فضایی آنها اختصاص دارد. در مرحله چهارم، این اطلاعات گردآوری شده در قالب نقشه‌ها، نمودارها، جدول و سایر روشهای گرافیکی خلاصه شده و بصورت قابل فهم ارائه می‌گردند. نقشه‌ها و اطلاعات فوق در تجزیه و تحلیل و تعیین دسترسی سکونتگاهها و مرتبی که در اقصی نقاط منطقه زندگی می‌کنند به کارکردهای مختلف، مورد استفاده قرار می‌گیرند. اینگونه تجزیه و تحلیل‌ها در شناسایی شکافها و کمبودهای کارکردی در زمینه خدمات مختلف، تسهیلات، زیرساختها و فعالیتهای تولیدی و در شناسایی نواحی خدماتی سکونتگاههای موجود بکار گرفته می‌شوند. در بعضی موارد برنامه‌ریزان منطقی‌های علاقه‌مند هستند تا به شناسایی نواحی حاشیهای و پیرامونی نیز بپردازند و شناخت لازم از مناطقی که فاقد مکانهای مرکزی برای ارائه خدمات یا دارای ضعف خدماتی و مشکل ارتباطی بین سکونتگاهها هستند را بدست آورند.

اینگونه اطلاعات و تحلیل‌ها، با کمک مطالعات اقتصادی و فنی، تحلیل‌های بخشی، با تجزیه و تحلیل تقاضا و بدست آوردن اطلاعات جزئی‌تر در رابطه با نظام سکونتگاهی به تدوین استراتژیهای سرمایه‌گذاری و توسعه منطقی کمک کرده و امکان تهیه پروژه‌های خاص، به‌ویژه در زمینه سکونتگاههای ناحیه‌ای را فراهم می‌کند.

اطلاعات فضایی در برنامه‌ریزی منطقی به این دلیل در قالب نقشه‌های مختلف ارائه می‌شوند که برنامه‌ریزان بتوانند به سوالاتی که بشرح ذیل ارائه شده‌اند پاسخ منطقی و قانع‌کننده‌ای را ارائه

- 1- Data Collection
- 2- Organization
- 3- Preliminary Analysis

تصمیم‌گیری در مورد روند آینده برای برنامه‌ریزان و سیاستگذاران تسهیل گردد. روشهای گرافیکی نمایش داده‌ها و تکنیک‌های آماری زیادی وجود دارد که می‌توانند در برنامه‌ریزی منطقه‌ای مورد استفاده قرار گیرند. بسیاری از این روشها را می‌توان در کتابهای آماری و یا در کتابهای کار توپوگرافیکی بدست آورد. دیکسنس^۱ یکی از افرادی است که به معرفی و تشریح برخی این روشهای نمایش اطلاعات پرداخته است. بعضی از این روشها عبارتند از:

- ۱- نمودارهای آماری:
- اینگونه نمودارها برای نشان دادن روابط بین مقادیر کمی در مواردی که توزیع فضایی آنها چندان اهمیت نداشته باشد مورد استفاده قرار می‌گیرند. نمودارهای آماری مهم در این زمینه عبارتند از:
- ۱- نمودار خطی
- ۲- نمودار میله‌ای یا ستونی
- ۳- نمودار دایره‌ای
- ۴- نمودار پراکندگی یا توزیعی

همچنین نمودارهای آماری برای بیان تقسیمات و اجزاء ویژگیهای پدیده مورد نظر (که معمولاً بصورت درصدی یا مقادیر مطلق هستند) نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۲- نقشه‌های آماری:

نقشه‌های آماری برای نمایش توزیع فضایی ویژگیها و پدیده‌های اجتماعی، اقتصادی، جمعیت، فعالیتها، منابع و سایر عواملی که بر سطوح و کمیت‌های متفاوت در بخشهای مختلف منطقه وجود دارد مورد استفاده قرار می‌گیرد. زمانیکه بخواهیم تفاوت بین سطوح و ویژگیهای مختلف بین پدیده‌ها را بدون توجه به میزان کمیت آنها نشان دهیم، می‌توان از انواع نشانه‌ها، علائم، حروف، هاشور و غیره به منظور نشان دادن مکان آنها استفاده کرد.

1- Dickinson, G. C. (1973) "Statistical Mapping and the Presentation of Statistics, Edward Arnold, London.

راهبردهای مفید را در پیش روی برنامه‌ریزان قرار دهد. البته باید تأکید کرد که اینگونه اطلاعات و تجزیه و تحلیل‌ها برای ارائه راه‌حلها کافی نیستند بلکه برای تدوین استراتژیها و برنامه‌های اجرایی نیاز به اطلاعات جزئی‌تر در منطقه و نیازهای اساسی مردم دارد که باید تهیه شوند. اینگونه اطلاعات تکمیلی، برنامه‌ریزان و سیاستگذاران را کمک می‌کنند تا قضاوت و تصمیمات درستی در این زمینه انجام دهند.

ابزارهای مورد استفاده در تجزیه و تحلیل نظام سکونتگاهی:

نقشه‌های کاربردی:

تجربیات بدست آمده در حوزه برنامه‌ریزی منطقه‌ای نشان می‌دهند که یکی از اهداف مهم برنامه‌ریزان منطقه‌ای ارائه اطلاعات و تحلیل آنها به شیوه‌ای است که فهم آن برای دیگران آسانتر و قابل مشاهده باشد. اینگونه نمایش اطلاعات بویژه در مواقعی که برنامه‌ریزان بخواهند، سایر سیاستگذاران یا رهبران محلی و مدیران دولتی که تسلط زیادی به انواع تکنیک‌های پیشرفته آماری ندارند، را مشارکت دهند بسیار مهم می‌باشد. در حالیکه این نقشه‌ها امکان تصمیم‌گیری با اطمینان بیشتر را برای اینگونه افراد فراهم می‌کند. در اینگونه موارد دو گروه نقشه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشند.

۱- نقشه‌های توپوگرافی که نشان دهنده سیمای فیزیکی منطقه از قبیل رودخانه‌ها، جنگلها، زمین‌های کشاورزی، نوع خاک، آب و هوا، جاده‌ها و عوارض زمین می‌باشند.

۲- نقشه‌های موضوعی که نشان دهنده مجموعه‌ای از فعالیتها، ویژگیها و سیمای اجتماعی اقتصادی منطقه، نظیر توزیع جمعیت، مکان فعالیتها، جریان کالاها و خدمات و غیره می‌باشند.

البته در کنار اینگونه نقشه‌ها، اشکال دیگر نمایش اطلاعات و داده‌ها نظیر، جدول، نمودارها و روشهای دیگر گرافیکی نیز باید بکار گرفته شوند. در بسیاری از موارد پس از اینکه ویژگیهای منطقه‌ای، نظام سکونتگاهی و تجزیه و تحلیل روابط آنها تکمیل گردید، بیان فضایی این تجزیه و تحلیل‌ها و اطلاعات از طریق نقشه‌ها بصورت کارآمد ارائه می‌گردد، تا تفسیر وضع موجود و

برای درک مطالب بستگی دارد. برخی از نمودارها کاربرد عمومی تری دارند و برخی دیگر برای اهداف خاصی مورد استفاده قرار می‌گیرند. بکارگیری ابزار مناسب در این زمینه به توانایی محقق و برنامه‌ریز بستگی دارد که بتواند روش‌های کارآمد و در عین حال ساده جهت نمایش داده‌ها استفاده کند.

تحلیل ارتباط فضایی در نظام سکونتگاهی:

یک منطقه تنها یک نظام سکونتگاهی پراکنده و بی‌ارتباط نیست، بلکه شبکه‌ای بهم پیوسته از روابط اجتماعی، اقتصادی و فیزیکی است. این فرآیند ارتباطی از طریق روابط بین نقاط روستایی و شبکه شهری شکل می‌گیرد. از طریق چنین شبکه‌ای است که نقاط روستایی به خدمات، تسهیلات، زیرساختها و فعالیتهای اقتصادی نقاط شهری دست می‌یابند. بنابراین برنامه‌ریزان منطقه‌ای و سیاستگذاران باید در جهت افزایش کارایی اینگونه فرآیندهای ارتباطی و سطحی که این نقاط باید در آن سطح بهم دیگر مرتبط شوند را مدنظر قرار داده تا شبکه‌های طراحی شده برای ارتباط فضایی، زمینه‌های مساعدی را برای بخش توسعه در نواحی مختلف فراهم آورد.

نقش ارتباط فضایی در توسعه منطقه‌ای:

توسعه منطقه‌ای از طریق رشد و تنوع کارکردی سکونتگاهها و ایجاد ارتباط قویتر بین آنها بوقوع می‌پیوندد. در بعضی مواقع گسترش ارتباطات فیزیکی نظیر جاده، راه آهن و غیره به سرعت رشد و تنوع فعالیتها در مراکز جمعیتی شتاب بیشتری بخشیده و از سوی دیگر به شکل‌گیری یا رشد نقاط مرکزی جدید کمک می‌کند. مراکزی که ارتباط خود را با روستاهای اطراف بیشتر گسترش دهد بصورت نقاط مرکزی بروز می‌کنند. گسترش بیشتر ارتباط این نقاط با نواحی اطراف موجب بسط شبکه ارتباطی بالا دست نیز می‌گردد و این فرآیند باعث شکل‌گیری بازارها و افزایش تقاضا برای حمل و نقل بیشتر و سرعت به منظور برخورداری از خدمات سایر نقاط گردیده و نظام حمل و نقل را گسترش می‌دهد. ارتباط نزدیکتر بین روستاها، شهرهای کوچک، متوسط و بزرگ سرعت مبادله را افزایش داده و هزینه‌های ارتباطی را کاهش می‌دهد و از این طریق فرآیند توسعه در یک

چنانچه بخواهیم مقادیر و کمیت پدیده‌های مورد نظر را همراه با توزیع فضایی آنها نشان دهیم شیوه‌هایی بشرح ذیل وجود دارد که می‌توان از آن‌ها کمک گرفت. این روشها عبارتند از:

الف) برای نمایش توزیع مقادیر در نقاط خاص:

۱- علائم واحد تکراری: نظیر رسم عکس کوچک از یک گاو بطوریکه هر یک نشان دهنده ۱۰۰ رأس گاو باشد. با تکرار آنها در مکانهای مختلف می‌توان هم به توزیع آنها و هم به تعدادشان در هر منطقه پی برد.

۲- ستونهای نسبی: این ستونها نشان دهنده سطوح یا مقادیر متفاوت از یک پدیده در هر مکان می‌باشد.

۳- مربع‌ها، دایره‌ها، مکعبها و غیره: که هر یک علائمی برای نشان دادن مقادیر یا نسبت‌های متفاوت هستند.

۴- استفاده از سطوح متفاوتی از علائم: نظیر دایره‌هایی با اندازه‌های متفاوت که هر یک نشان دهنده مقدار یا درصد خاصی از پدیده مورد نظر است.

۵- نمودارهای آماری که می‌توانند کمیتها را نیز بر روی نقشه نشان دهند.

ب) برای نمایش توزیع کمی یک پدیده در منطقه:

۱- نقاط: تراکم نقاط دهنده مقادیر کمی یک پدیده در آن ناحیه است.

۲- هاشورزنی: در این روش، مقادیر پدیده بوسیله هاشور نمایش داده می‌شوند. هرچه هاشور تیره‌تر باشد نشان دهنده بالا بودن تعداد یا درصد پدیده فوق است.

۳- خطوط همتراز: محدوده هر خط هم سطح بودن ناحیه فوق در رابطه با پدیده مورد نظر را نشان می‌دهد.

ج) برای نمایش توزیع مقادیر یک پدیده در طول یک خط (نظیر راه، رودخانه یا راه آهن) نیز این زمینه از خطوطی با عرض متفاوت استفاده می‌گردد که هر یک نشان دهنده نسبت خاصی از موضوع مورد نظر است.

استفاده از انواع نقشه، جدول یا نمودار به نوع اطلاعات و داده‌ها، هدف محقق و توانایی مخاطب

فرصتهای مهاجرت و امکان اشتغال در فعالیتهای غیرکشاورزی و بسط محدودههای خدماتی می‌گردد. ارتباط مزایع با بازار باعث ایجاد بازارهای جدید در مناطق روستایی، گسترش ارتباط بین روستاها، اتصال مناطق تولید کشاورزی با مراکز توزیع و فروش می‌گردد. عدم دسترسی نقاط روستایی به نقاط مرکزی باعث تحرک اجتماعی پایین، محلی شدن فعالیتهای کشاورزی و پایین بودن سطح تجارت می‌گردد.

۲- ارتباط اقتصادی:

ارتباط اقتصادی بین مناطق نیز به یکپارچگی فضایی کمک می‌کند. اشکال مهم ارتباطات اقتصادی عبارتند از: شبکه‌های بازار که از طریق جریان کالا و مواد اولیه بین سکونتگاهها، جریان درآمد و سرمایه و ارتباطات پیشین و پسین بین مراکز کشاورزی و صنعتی که در جریان تولید ایجاد می‌گردد. گسترش بازار اولین قدم در تجاری کردن فعالیتهای کشاورزی، ایجاد تنوع در محصول و بسط نظام مبادلات فضایی است. از آنجا که نقاط شهری عمده‌ترین کانالی است که روستائیان کالاها و خدمات مورد نیاز خود را تأمین و محصول خود را در آن بفروش می‌رسانند، بنابراین وجود ارتباط فضایی و سلسله مراتبی و تشکیل شبکه‌های بازار اثرات مهمی بر بخش منافع فعالیتهای تجاری در زندگی روستائیان خواهد داشت. اینگونه روابط نه تنها باعث آگاهی روستائیان از وضعیت بازار و رساندن به موقع آن به دست مصرف کننده در بهترین شرایط می‌گردد، بلکه باعث می‌شود تا روستائیان محصولات خود را با اسناداردها و بسته‌بندیهای مناسب و بازار پسند عرضه کرده و کیفیت محصول را نیز افزایش دهند.

۳- حرکات جمعیتی:

مهاجرت کوتاه مدت و دائمی از ویژگیهای عمومی توسعه و شکل مهمی از روابط شهری - روستایی است. مهاجرت موقت و مسافرت برای کار بیش از سایر اشکال مناسبات به پیوندهای ارتباطی و شبکه حمل و نقل بین مناطق شهری - روستایی و به مکان فعالیتهای صنعتی در شهرهای متوسط و کوچک بستگی دارد. بسیاری از مهاجرت‌های دائمی به عوامل زیاد اقتصادی و اجتماعی شامل دسترسی به فرصتهای شغلی در شهرها و تفاوت درآمد و دستمزد، خدمات عمومی و

سلسله مراتب وسیع تر بخش شده و زمینه توسعه منطقه‌ای را فراهم می‌کند. تجزیه و تحلیل نظام سکونتگاهی و تبیین روابط بین نقاط روستایی و شهری در قالب یک شبکه منطقه‌ای، اطلاعات عمیق تری برای سؤالات ذیل ارائه می‌دهد.

- ۱- الگوی مبادلات نقاط روستایی با مراکز شهری چگونه است؟
- ۲- مهاجران نیروی کار از نقاط روستایی به مراکز شهری از چه روندی برخوردار است؟
- ۳- الگوی جریان تولیدات کشاورزی از مناطق روستایی به مراکز تقاضا چگونه است؟
- ۴- کدام نوعی مواد خام بهتری برای فعالیتهای صنعتی ارائه می‌دهد؟
- ۵- کشاورزان روستاهای ناحیه برای تأمین نهادههای کشاورزی از قبیل، کود بذر، ابزار کشاورزی، اعتبارات و غیره به کدام مراکز مراجعه می‌کنند؟
- ۶- چه تغییری در شبکه جاده‌ای می‌تواند بازارها و مبادلات روستایی را تسهیل کند؟
- ۷- آیا منابع موجود منطقه می‌تواند پتانسیل بیشتری برای گسترش فعالیتهای دیگر در منطقه ایجاد کند؟

- ۸- چه نوع فعالیتهای جدیدی می‌توان با توجه به پتانسیلهای منطقه ایجاد کرد؟
 - ۹- الگوی اشتغال نیروی کار در فصول غیرکشاورزی در منطقه چگونه است؟
- اینگونه تجزیه و تحلیل‌ها می‌تواند روابط فضایی و شبکه ارتباطی بین سکونتگاهها را نشان داده و خلاصه‌های ارتباطی را نیز مشخص کند از سوی دیگر با تحلیل ابعاد مختلف اجتماعی - اقتصادی مناطق نیز می‌توان به روابط بین بخشهای مختلف و خلاصه‌های موجود دست یافت و از این طریق مجموعه کاملی از زنجیره ارتباط بین کارکردها را در مناطق توسعه یافته پیدا کرد. این زنجیره‌های ارتباطی عبارتند از:

- ۱- ارتباط فیزیکی:
- بهم پیوستگی فضایی جوامع نتیجه ارتباط فیزیکی آنها بوده که توسط شبکه‌های حمل و نقلی که توسط انسان و یا بطور طبیعی شکل می‌گیرند ایجاد می‌شود. جاده‌ها، کانالهای آبی، شبکه‌های راه آهن و غیره باعث کاهش مدت زمان سفر، پایین آمدن هزینه حمل و نقل، گسترش بازار، افزایش

غیره بخورد جذب می‌کنند. رشد بازار - شهرها در بسیاری از کشورها تأثیر عمده‌ای بر روابط اجتماعی روستاها داشته است. زیرا مردم بطور مرتب و روزانه به اینگونه مراکز مراجعه کرده و بدلیل ارتباط تنگاتنگی با افراد سایر روستاها و مناطق، زمینه تبادل اجتماعی و فرهنگی و انتقال تجربیات بین افراد فراهم شده و از این طریق با سنتها و آداب اجتماعی همدیگر آشنا می‌شوند. با گسترش مبادلات و رشد کشاورزی تجاری، بتدریج بازارهای هفتگی به بازارهای دائمی و وسیع تبدیل شده و زمینه‌های مبادلات اجتماعی را گسترش می‌دهند.

۶- مبادله خدماتی:

افزایش پیوندهای فیزیکی، اقتصادی و تکنولوژیکی بین نقاط مرکزی، برای گسترش مبادلات خدماتی در یک منطقه در حال توسعه از اهمیت بالایی برخوردار است. مراکز شهری و روستایی برای توزیع خدمات اجتماعی و تجاری و افزایش دسترسی روستاییان به خدمات شهری باید ارتباط تنگاتنگی را با همدیگر برقرار کنند. تقریباً همه خدمات نیازمند حداقلی از جمعیت هستند. این آستانه جمعیتی برای حمایت و سودآور کردن ارائه خدمات فوق لازم و ضروری می‌باشد. هر یک از خدمات براساس آستانه جمعیتی است که مکان فعالیت خود را پیدا می‌کند. به همین دلیل سلسله مراتب خدماتی براساس اندازه و تراکم جمعیت در هر سطح شکل می‌گیرد و خدمات مختلف نیز در هر یک از این سلسله مراتب فعالیت خدماتی خود را آغاز می‌کنند. در این سلسله مراتب نیز هر یک از خدمات دارای حوزه نفوذ خاصی می‌باشند و فاصله‌های که مردم حاضر به مسافرت و خرید یا استفاده از خدمات فوق می‌باشند، حوزه نفوذ این مراکز خدماتی را تعیین می‌کنند. هر چقدر منطقه نفوذ وسیع‌تر و تراکم جمعیت بیشتر باشد خدمات با کارایی بالاتر و سود بیشتر قابل ارائه خواهند بود. در مقابل در مناطقی که جمعیت در سکونتگاههای کوچک و پراکنده زندگی می‌کنند تواناییهای مالی، نهادی و تکنولوژیکی ضعیفی برای ارائه خدمات با کارایی مناسب وجود دارد. به همین دلیل است که مناطق توسعه نیافته باید حتماً براساس یک نظام سلسله مراتبی جهت تسهیل ارائه خدمات در سطوح مختلف معجزه شوند.

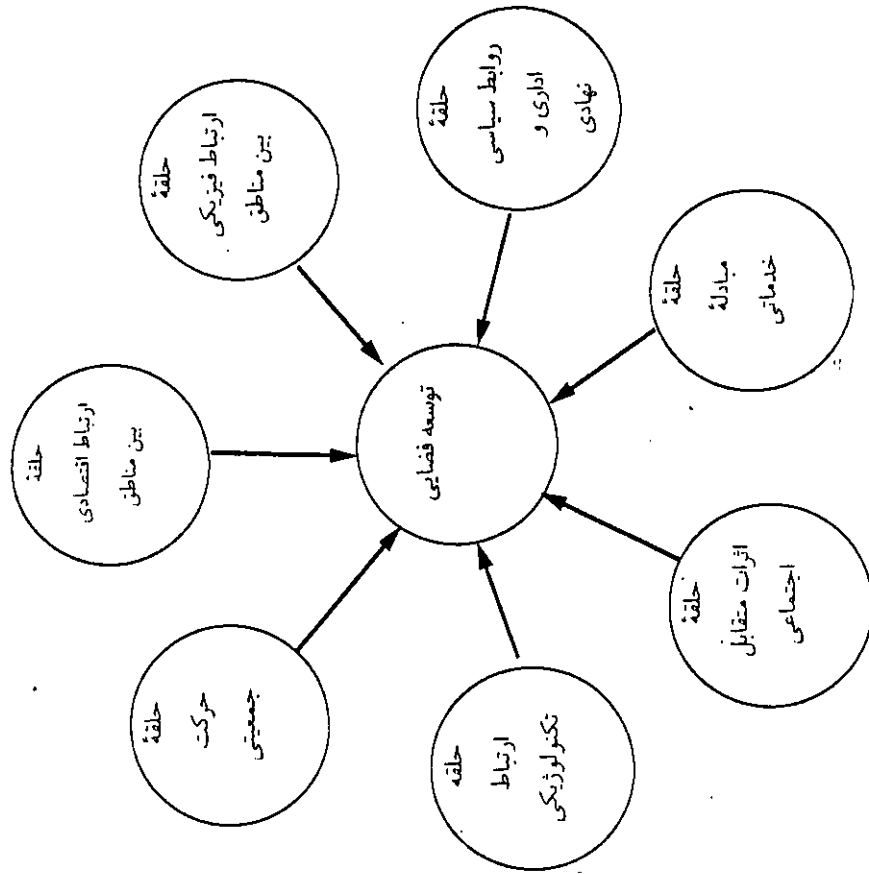
فرصتهای آموزشی بین شهرها و روستاها و همچنین به فاصله بین نقاط شهری و روستایی، هزینه‌های حمل و نقل و راحتی و غیره بستگی دارد.

۴- ارتباط تکنولوژیکی:

مناطق در حال توسعه نیاز به تکنولوژیهای متنوعی دارند که اولاً باید با ظرفیتهای اجتماعی، اقتصادی، تکنیکی و اداری این مناطق متناسب بوده و ثانیاً تناسبی با اندازه و سطح توسعه آن نیز داشته باشد. از سوی دیگر تکنولوژی بکار گرفته شده برای مناطق باید از یکپارچگی فضایی و کارکردی برخوردار باشد. زیرا تنها یک نوآوری تکنولوژیکی قادر به ایجاد توسعه در منطقه نخواهد بود. مگر اینکه این نوآوری متناسب با نیاز و شرایط محلی بوده و با تکنولوژی بالا دست و پایین دست مرتبط و با داده‌های محلی تناسب داشته باشد. بویژه اینکه پیوندهای فضایی برای تکنولوژیهای صنعتی سرمایه بر از اهمیت بالایی برخوردار است. برای اثر گذاری بر فرآیند توسعه، تکنولوژیهای سرمایه‌های باید در صنایعی که دارای پیوندهای پیشین و پسین در فرآیند تولید هستند بکار گرفته شوند. در چنین روشی است که تکنولوژی، در فرآیند یک چرخه کامل پیوند صنعتی بکار گرفته شده و ارتباط تکنولوژیکی و صنعتی را در منطقه درونزا می‌کند و باعث مستحکم شدن روابط صنعتی در منطقه می‌گردد.

۵- اثرات متقابل اجتماعی:

شهرهای کوچک و شهرهای تجاری و خدماتی قبل از اینکه دارای کارکردهای اقتصادی باشند، بیخون تقام مرکزی، حجم وسیعی از ارتباطات و پیوندهای اجتماعی بین سکونتگاهها و بین مکانیهای مرکزی و روستاهای اطراف ایجاد می‌کنند. مراکز خرید و فروش (بازار) نقش‌های اجتماعی زیادی در مناطق روستایی بازی می‌کنند. اشکال و فراوانی فعالیتهای اقتصادی اغلب بطور تنگاتنگ با وقایع اجتماعی مرتبط می‌شوند. بازارهای سنتی مکان سهمی برای روابط متقابل اجتماعی بحساب می‌آیند. بازارها معمولاً برای انواع بازیها و تفریحات مورد استفاده قرار می‌گیرند. به همین دلیل آنها تسهیلات وسیعی نظیر رستورانها، مساجد، سینماها، قهوه خانه‌ها و غیره را در خود جای داده و افراد روستایی را به تنها برای مبادله کالا و خدمات بلکه برای گذران اوقات فراغت و سرگرمی و



شکل (۵-۵) زنجیره توسعه فضایی

تحلیل نظام سکونتگاهی:

تحلیل‌های جمعیتی پایه و اساس نظام سکونتگاهی را تشکیل می‌دهد. هرچند که تحلیل حلقه‌های ارتباطی بین مناطق و تبیین خلاءهای ارتباطی اطلاعات مفیدی را درباره الگوهای

۷- ارتباط سیاسی، اداری و سازمانی:

نظام‌های فضایی بهم پیوسته بوده و از طریق مجموعه‌ای از پیوندهای سیاسی و اداری، بودجه عمومی، روابط اداری، نفوذ قدرتهای غیررسمی و وابستگی درونی بین سازمانهای تخصصی شکل می‌گیرند. ارتباط بین نهادهای دولتی، نه تنها باعث گسترش خدمات، تسهیلات و منابع مالی در یک شبکه فضایی می‌گردد، بلکه این روابط بعنوان کاتالهای برای کسب حمایت سیاسی برای انجام فعالیتها به منظور دستیابی به توسعه یکپارچه ضروری است. همانطوریکه آیف و اسمن در مطالعه خود در مورد توسعه روستایی در آسیا نتیجه گرفتند، سازماندهی برای توسعه روستایی باید بصورت سیستمی از نهادها که کارکردهای مختلفی را در بخش روستایی ارائه می‌دهند در نظر گرفته شوند، بطوریکه پیوند بین نهادها بصورت افقی با سایر نهادها در همان سطح و بصورت عمودی بین نهادهای محلی و ساختارهای منطقه‌ای و ملی ایجاد گردد تا توسعه مورد نظر در یک ساختار هماهنگ و به هم پیوسته تحقق یابد.

با رشد مراکز شهری، مکانهای مرکزی جدید بوجود آمده، حلقه‌های ارتباطی سیاسی و اداری تغییر یافته و کارکردها به درون هر مرکز منتقل می‌یابند. تعداد کارکردهای اجتماعی ارائه شده توسط دولت با رشد اجتماعات افزایش یافته و خدمات بهداشتی، آموزشی، امنیتی، رفاهی و غیره معمولاً در مناطق روستایی گسترش فزاینده می‌یابند و دولت خدمات سطوح بالاتر را از طریق شهرهای کوچک و میانی به مناطق روستایی ارائه می‌دهد.

تحلیل این حلقه‌های ارتباطی می‌تواند اطلاعاتی وسیع تر در اختیار برنامه‌ریزان و سیاستگذاران قرار دهد و آنها را در ساماندهی ارائه خدمات در قالب نظام فضایی و سلسله مراتبی یاری دهد. حلقه‌های مربوط به زنجیره توسعه فضایی در شکل (۶-۱) ارائه شده است.

- 1- Uphoff Norman and Milton, J. Esman (1974) Local Organization for Rural Development: Analysis of the Asian Experience, Ithaca, Cornell University, Center for International Studies, p. 11.

افزایش ظرفیتها در نیازمندترین مناطق منجر شود. علاوه بر اینها دستیابی به اینگونه اطلاعات کمک می‌کنند تا تصمیم‌گیری درباره انتخاب مکان برای سرمایه‌گذاران جدید و طبقه بندی خدمات و تسهیلات به منظور استفاده بهینه از پتانسیلهای موجود در بین سکونتگاههای یک منطقه فراهم گردد.

تجزیه و تحلیل مورفولوژیکی و جمعیتی:

این روش در سطح بسیار وسیعی در کشورهای در حال توسعه به منظور تحلیل نظامهای سکونتگاهی مورد استفاده قرار می‌گیرد. ابتدائی‌ترین دلیل برای این کار دسترسی آسان و عمومی به اطلاعات جمعیتی در این کشورهاست. همانطوریکه قبلاً نیز اشاره گردید، رهیافت مورفولوژیکی تلاش می‌کند تا جوامع شهری و روستایی را بر مبنای تعریفی که اساس آنرا حداقل جمعیت و ویژگیهای فیزیکی و ظاهری این جوامع نشان می‌دهند از هم تفکیک کند. تحلیل‌های جمعیتی نیز بر اساس اندازه جمعیت، نظامهای سکونتگاهی و سلسله مراتب آنها را تعیین و از هم تفکیک می‌کند. هرچند که این روش تجزیه و تحلیل، اطلاعات بسیار محدودی درباره ویژگیهای اجتماعی و اقتصادی جوامع ارائه می‌دهد، اما اطلاعات اولیه‌ای را در زمینه الگوهای زیستگاهی ارائه می‌نماید که می‌توانند با تجزیه و تحلیل‌های کارکردی بدی تکمیل گردند.

در این سطح از بررسی، بعنوان مثال با استفاده از تعاریف شهر و روستا، بر مبنای تعداد جمعیت نقاط شهری از مناطق روستایی تفکیک می‌گردند. فرضاً اگر براساس تعریف شهر تقاطعی که دارای بیش از پنج هزار نفر جمعیت باشند شهر محسوب می‌گردند، در این صورت، به راحتی از طریق تعداد جمعیت نقاط شهری و روستایی از هم متمایز شده و درصد جمعیت شهری و روستایی نیز مشخص می‌گردند. علاوه بر آن می‌توان تعداد نقاط شهری و روستایی و سلسله مراتب آنها را نیز بدست آورد یا طبقه‌بندی را برای نظام سکونتگاهی منطقه ارائه داد.

بعلاوه، تحلیل‌های مورفولوژیکی و جمعیتی به منظور کمک به برنامه‌ریزان در جهت تشخیص آسانتر مراکز شهری و روستایی و ارائه بینش عمیق‌تر در مورد سکونتگاههای انسانی، طبقه‌بندی و

برنامه‌ریزی منطقه‌ای و ساماندهی و اصلاح روابط بین آنها ارائه می‌دهد. اما بینش زیادی در مورد ویژگیهای جمعیتی این واحدها و فعالیتهای اجتماعی، اقتصادی که نقش عمده در توسعه محلی و منطقه‌ای آنها می‌کنند ارائه نمی‌دهد. منبع عمده اطلاعات در این زمینه‌ها در بسیاری از کشورها، سرشماریها و پیمایشهای جمعیتی است که معمولاً کمتر در مقیاس واحدهای کوچک و محلی ارائه می‌شوند. اینگونه اطلاعات معمولاً در سطح واحدهای اداری بزرگتر نظیر استان یا شهرستان ارائه می‌گردند که هر یک سکونتگاههای متعدد و مختلفی با ویژگیهای متفاوت را در برمی‌گیرند.

جزئیاتدانان، جمعیت‌شناسان و برنامه‌ریزان منطقه‌ای معمولاً برای تجزیه و تحلیل نظامهای سکونتگاهی از روشهای ذیل استفاده می‌کنند:

۱- طبقه بندی ریخت‌شناسی (مورفولوژیکی): بر مبنای این طبقه بندی سعی می‌گردد جوامع شهری و روستایی براساس ویژگیهای جمعیتی و فیزیکی از هم تفکیک گردند.

۲- طبقه بندی جمعیتی: براساس این روش سکونتگاههای یک کشور یا منطقه از نقطه نظر تعداد و تراکم جمعیت، به شهرهای متروپول، شهرهای متوسط، کوچک، روستاها و دهکده‌ها تقسیم می‌گردند.

۳- طبقه بندی کارکردی: در این روش سعی می‌گردد تا سکونتگاههای مختلف براساس نوع، ترکیب و یا تنوع فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی شان طبقه بندی شوند.

برنامه‌ریزان منطقه‌ای عمدتاً تجزیه و تحلیل‌های خود را براساس کارکردهای اجتماعی، اقتصادی جوامع و نقاط مورد مطالعه بنا نهاده و سعی می‌کنند به بررسی الگوهای توسعه اجتماعی، اقتصادی مناطق مورد نظر از دیدگاه کارکردهای اجتماعی و اقتصادی آنها بپردازند. به همین دلیل در این قسمت به بررسی روشهای تحلیل ویژگیهای جمعیتی و کارکردی جوامع و مناطق پرداخته می‌شود. این روشها مجموعاً برنامه‌ریزان منطقه‌ای و سیاستگذاران را کمک می‌کنند تا دریابند که چگونگی الگوی سکونتگاهی و سطح توسعه در درون یک منطقه به همدیگر وابسته‌اند و به آنها کمک می‌کنند تا بدانند که تا چه حد مردم نقاط مختلف یا بخشهایی از یک منطقه به خدمات، تسهیلات، زیرساختها و نهادهاى مختلف دسترسی دارند و چه مناطقی از کمبود آنها رنج می‌برند. اینگونه

ارائه نمی‌دهند و یا فاقد تفسیر و توضیح رضایت بخش در زمینه سلسله مراتب سکونتگاهی در منطقه هستند. به همین دلیل در تحلیل‌های منطقه‌ای، برنامه‌ریزان و متفکرین توسعه منطقه‌ای از مجموعه‌ای از روشها نظیر مقیاس گاتمن^۱، اسکالوگرام^۲، تحلیل مرکزیت وزنی^۳ و توزیع فراوانی^۴ استفاده می‌کنند.

مقیاس گاتمن:

مقیاس گاتمن یکی از تکنیک‌های تجزیه و تحلیل ویژگیهای یک پدیده است. در تحلیل‌های منطقه‌ای این پدیده‌ها شامل کارکردهای نظیر خدمات، تسهیلات، زیرساختها، نهادها و فعالیتهای اقتصادی است که به سکونتگاهها یا نقاط، در یک نظام فضایی مرکزیت می‌بخشد.

به منظور ساختن مقیاس گاتمن، اندازه‌گیریها باید یک بعدی و ترتیبی باشند. مقولات نیز می‌توانند به دو بخش "بلی" یا "خیر" یا "دارد" یا "ندارد" تقسیم شوند. علاوه بر این، مقیاس باید حالت تجسمی داشته باشد بطوریکه مقولات براساس درجه پیچیدگی بصورت ترتیبی قرار گیرند. به این صورت که هر مقوله سطح بالا مقولات سطح پایین را نیز شامل شود. بعنوان مثال در یک مقیاس کامل سلسله مراتب سکونتگاهی، انتظار می‌رود هر مرکز کلیه کارکردها، خدمات و تسهیلات مراکز سطح پایین‌تر از خود را دارا باشد. اما در مقابل انتظار نمی‌رود که کارکردها و خدمات سطح بالاتر از خود را نیز داشته باشد. بر این مبنا هر انحراف از الگوی مورد انتظار یک خطا محسوب می‌شود. عبارت دیگر چنانچه یک کارکرد در سطح بالا وجود نداشته باشد اما در سطح پایین تر حضور یابد در این صورت تناسب بین سطوح و نوع کارکرد وجود نخواهد داشت. براساس این مقیاس، در چنین مواردی احتمالاً خطای آماری اتفاق افتاده است که برای اطمینان از صحت اطلاعات و رفع اینگونه

1- Guttman Scale

2- Scalogram

3- Threshold Analysis

4- Weighted Centrality Index

5- Frequency Distribution

سلسله مراتب شهری ارائه می‌دهند که امکان تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی برای تعداد وسیعی از اینگونه سکونتگاهها را در فضای ملی یک کشور فراهم می‌کند. به همین منظور روشهای آماری نیز در این زمینه‌ها ابداع گردیده است که شاخص برتری شهری^۱ یکی از اینگونه تکنیکهاست که براساس آن نسبت جمعیت بزرگترین شهر به مجموع جمعیت سه شهر بعدی بدست می‌آید. فرمول این شاخص به شرح ذیل است.

$$Pr = \frac{P_1}{P_2 + P_3 + P_4}$$

در این معادله:

P_1 = جمعیت بزرگترین شهر

P_2 = جمعیت دومین شهر بزرگ

P_3 = جمعیت سومین شهر بزرگ

P_4 = جمعیت چهارمین شهر بزرگ

بعنوان مثال اگر Pr برابر با $1/5$ بدست آید، این شاخص نشان می‌دهد که بزرگترین شهر به اندازه $1/5$ برابر سه شهر بزرگ دیگر، جمعیت دارد. از طریق محاسبه شاخص برتری شهری برای چند دهه می‌توان تراکم جمعیت در چند شهر و یا توزیع بهینه جمعیت در شهرهای مختلف را در پهنه سرزمین بدست آورد. البته شاخص برتری شهری را می‌توان برای شهرهای دیگر نیز نظیر نسبت دومین شهر به سه شهر بعدی و غیره بدست آورد و از این طریق تمرکز جمعیت شهری را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.

تجزیه و تحلیل کارکردی نظامهای سکونتگاهی:

هرچند که تحلیل‌های مورفولوژیکی و اندازه جمعیت اطلاعات مفیدی درباره نظام سکونتگاهی یک منطقه ارائه می‌دهد، اما اینگونه بررسیها بیش عمیق تری در رابطه با ویژگیهای کارکردی جوامع

می‌کند تا با استفاده از اطلاعات کیفی به تحلیل توسعه منطقی‌های بپردازند و این روش زمانی مفید است که داده‌های کمی در دسترس نبوده و یا جمع‌آوری آنها از نظر اقتصادی قابل توجه نباشد. روشهای مقیاس، تفاوت‌های کیفی بین واحدهای مختلف مورد مطالعه اعمه از واحدهای اداری، سکونتگاهها، نواحی و یا مناطق را نشان می‌دهند.

تحلیل مقیاس هم بصورت دستی و هم با استفاده از نرم افزارهای کامپیوتری قابل انجام می‌باشد. برای اینکار ابتدا باید اطلاعات مربوط به خدمات و تسهیلات مختلف گردآوری شود. این اطلاعات می‌تواند در زمینه‌های ذیل جمع‌آوری گردد.

۱- تسهیلات و خدمات عمومی: شامل، تلفن، اداره پست، ایستگاه رادیو و تلویزیون، چاپخانه، اداره پلیس، آتش نشانی، سیستم فاضلاب، برق، آب، خیابان اسفالت شده، پیاده رو سنگ فرش شده، بزرگراه و غیره

۲- خدمات حمل و نقل: شامل، اتوبوس، تاکسی، قطار، قایق موتوری، هواپیما، ترمینال اتوبوس، ایستگاه قطار، فرودگاه، بندر و غیره

۳- تأسیسات تجاری: شامل، انبارها، بازار، داروخانه، ایستگاه گاز، تعمیرگاه، نانواخانه، بانک، آسیاب، فروشگاه لوازم خانگی، فروشگاه مواد شیمیایی کشاورزی، کارخانجات، نجاری، آهنگری و جوشکاری و غیره

۴- خدمات بهداشتی: شامل، بیمارستان یا کلینیک عمومی و خصوصی، مرکز بهداشت، مرکز تنظیم خانواده، کلینیک‌های چشم پزشکی، دندانپزشکی، آزمایشگاه، خانه بهداشت روستایی، پزشکی، پرستار، بهار، ماه، دندانپزشکی، داروساز و غیره

۵- تسهیلات تفریحی: شامل سالنهای تئاتر، سینما، استادیوم و سالنهای ورزشی، باشگاه، کتابخانه، قراوت خانه و غیره

۶- خدمات ترویجی: شامل، مراکز ترویج کشاورزی، تنظیم خانواده، جنگل و مرتع، شبلات و دام، مراکز خدمات اجتماعی، واحدهای دامپزشکی و مبارزه با آفات و غیره

۷- نهادهای اجتماعی: شامل، انجمن‌های محلی، شوراهای مسجد، تعاونیهای تولید و مصرف، مراکز

خطاها لازم است بررسیهای بیشتری انجام گیرد تا نسبت به رفع اینگونه اشتباهات اقدام و یا توضیحات قانع کننده‌ای ارائه گردد. بدیهی است که مناطقی بسیار کمی را می‌توان یافت که سکونتگاههای آن از یک سلسله مراتب کارکردی کامل برخوردار باشند. زیرا فاصله سکونتگاهها و عوامل دیگر موجبات وجود یا عدم وجود غیر منتظره یک کارکرد یا خدمات و تسهیلات را در سطوح متفاوت سلسله مراتبی فراهم می‌آورند. در چنین مواقعی باید تکنیک‌های دیگری بکار گرفته شود تا مشخص گردد که آیا وجود یا عدم وجود یک کارکرد در یک جامعه یا نقطه خاص باعث فرصتهای جدید برای سرمایه‌گذاران یا بعضی می‌گردد یا موافقی را در این راه ایجاد می‌کند.

مقیاس، گانمن بطور نسبی وسیله ساده و مناسبی هم برای تعیین تجمع کارکردی سکونتگاهها و هم توزیع کارکردها و خدمات در بین سکونتگاههای یک منطقه است. اما همانطوریکه مشخص خواهد شد این مقیاس تنها بطور تقریبی تصویری از کارکردهای سکونتگاهی ارائه می‌دهد که باید با استفاده از سایر روشهای تکمیلی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل عمیق تر قرار گیرد. فرض کنید که سطح توسعه سکونتگاهها بوسیله تعدادی از کارکردها و خدماتی که در آنها وجود دارد مشخص شده است. با استفاده از این کارکردها و خدمات می‌توان سطح نسبی توسعه و سلسله مراتب کلیه سکونتگاهها را از طریق منظم کردن سطح خدمات بوسیله مقیاس گانمن مشخص کرد.

از طریق ترکیب مقیاس گانمن با سایر روشها می‌توان سکونتگاههای یک منطقه را براساس سطح توسعه و سلسله مراتب شان طبقه بندی و بوسیله نقشه‌های مختلف نمایش داد. همانطوریکه قبلاً نیز اشاره گردید برای استفاده از مقیاس گانمن کافی است تا اطلاعات مربوط به خدمات و تسهیلات مختلف برای کلیه سکونتگاهها، در قالب وجود یا عدم وجود جمع‌آوری گردد. اگر چنین اطلاعاتی در منابع آماری مرکز آمار برای منطقه مورد مطالعه وجود نداشته باشد می‌توان از طریق فرمها و پرسشنامه‌های اطلاعاتی، اینگونه آمارها را به صورت یک پیمایش ساده جمع‌آوری کرد. وجود نقشه‌های مختلف نیز در اینگونه تحلیل‌های منطقه‌ای کمک شایانی به محقق می‌کند این نقشه‌ها توزیع سکونتگاهها و فاصله آنها را نسبت به هم نشان می‌دهد.

نکته قابل ذکر در تحلیل مقیاس این است که این تکنیک، برنامهریزان و سیاستگذاران را کمک

تأمین اعتبار، اتحادیه‌های صنفی و کارگری، سازمان زنان، نهادهای فرهنگی، کلوب جوانان و غیره

۸- نهادهای آموزشی: شامل مهدکودک، آمادگی، مدارس ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان مدارس فنی و حرفه‌ای، مراکز تربیت معلم، دانشکده و دانشگاه، مراکز آموزش خصوصی و غیره

۹- خدمات حرفه‌ای: وکلا، مهندسين، حسابداران، معماران، بیمه‌انکاران، معلمان، و خدمات حرفه‌ای دیگر

۱۰- خدمات پرستنی: شامل، آرایشگاه، خیاطی، کفاشی، هتل، رستوران، قهوه خانه، عکاسی، حمام، خشکشویی و غیره

اطلاعات مربوط به خدمات، تسهیلات و کارکردهای فوق را براساس جدول (۶-۱) جمع آوری کرده و برای این کار می‌توان آنرا در قالب کدهای وجود دارد (+) و وجود ندارد (-) تنظیم نمود. در مرحله بعد باید سکونتگاه‌های مورد مطالعه بر مبنای مجموع خدمات از کمترین به بیشترین مرتب گردند (جدول ۶-۶). سپس می‌توان درصد کارکرد و خدمات هر سکونتگاه نسبت به توسعه یافته‌ترین سکونتگاه را محاسبه کرد. این محاسبات وضعیت هر محل سکونتگاهی را نسبت به پیشرفته‌ترین سکونتگاه که دارای خدمات و کارکردهای گسترده‌تری می‌باشد، نشان می‌دهد. در مرحله نهایی می‌توان بر مبنای مجموع خدمات موجود در هر سکونتگاه، آنها را در چند گروه طبقه بندی کرد. و سپس آنها را بر روی نقشه منطقه پیاده نمود. در نقشه بدست آمده معمولاً نقاطی که از مرکزیت بیشتری برخوردار هستند دارای سطح برخورداري بالایی از نظر خدمات و تسهیلات نیز می‌باشند.

جدول (۱۱-۱) مقیاس تئوری براساس ترکیب خدمات و کارکردهای موجود

نوع خدمات تسهیلات و کارکرد موجود

ردیف	کد	۱-۱	۲-۱	۳-۱	۴-۱	۵-۱	۶-۱	۷-۱	۸-۱	۹-۱	۱۰-۱	۱۱-۱	۱۲-۱	۱۳-۱	۱۴-۱	۱۵-۱	۱۶-۱	۱۷-۱	۱۸-۱	۱۹-۱	۲۰-۱	۲۱-۱	۲۲-۱	۲۳-۱	۲۴-۱	۲۵-۱	۲۶-۱
۱	۱۰۰	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
۲	۱۰۱	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
۳	۱۰۲	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
۴	۱۰۳	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
۵	۱۰۴	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
۶	۱۰۵	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
۷	۱۰۶	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
۸	۱۰۷	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
۹	۱۰۸	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
۱۰	۱۰۹	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
۱۱	۱۱۰	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
۱۲	۱۱۱	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
۱۳	۱۱۲	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
۱۴	۱۱۳	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
۱۵	۱۱۴	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
۱۶	۱۱۵	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
۱۷	۱۱۶	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
۱۸	۱۱۷	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
۱۹	۱۱۸	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
۲۰	۱۱۹	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
۲۱	۱۲۰	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
۲۲	۱۲۱	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
۲۳	۱۲۲	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
۲۴	۱۲۳	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
۲۵	۱۲۴	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
۲۶	۱۲۵	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+

اگرچه مقیاس گاتمن، روش ساده‌ای برای تعیین سطح برخورداری نقاط روستایی و غیره می‌باشد، اما از وقت بالایی برخوردار نبوده و به همین دلیل در موقع استفاده از این روش، باید سعی کرد از تکنیک‌های تکمیلی دیگری نیز کمک گرفت تا سطح توسعه از وقت بالایی برخوردار گردد.

اسکالوگرام^۱:

اسکالوگرام یک روش گرافیکی است که بطور موفقیت‌آمیزی در برخی کشورها، بویژه در تایلند، سریلانکا، هندوستان و اندونزی به منظور تعیین سلسله مراتب سکونتگاهی و سنجش سطح برخورداری نقاط شهری و روستایی مورد استفاده قرار می‌گیرد. اجرای این روش در مطالعات منطقه‌ای و برنامه‌ریزی توسعه روستایی بسیار ساده می‌باشد و همین ویژگی، استفاده از این روش را در بین برنامه‌ریزان عمومیت داده است. برای تشکیل یک اسکالوگرام تنها اطلاعات ذیل مورد نیاز می‌باشد:

- ۱- لیست کلیه سکونتگاههای موجود در یک منطقه (شامل دهکده‌ها، روستاها، شهرهای کوچک، متوسط و بزرگ)
 - ۲- تعداد جمعیت هر سکونتگاه
 - ۳- نقشه محل سکونتگاهها
 - ۴- لیستی که نشان دهنده وجود یا عدم وجود کارکردهای خدماتی، نهاده‌ها، تسهیلات، زیرساختها، فعالیتهای اقتصادی و غیره در هر یک از سکونتگاهها باشد.
- برای ساختن یک اسکالوگرام مراحل ذیل باید طی شود:
- ۱- جدول ماتریسی تهیه شود که در اولین ستون در سمت راست آن لیست سکونتگاهها برحسب تعداد جمعیت به ترتیب نزولی نوشته شود.
 - ۲- در سمت بالای جدول ماتریس نوع خدمات یا کارکردها برحسب تعداد فراوانی بصورت نزولی از

جدول (۹-۱۲) مرتب کردن سکونتگاهها بر اساس سطح برخورداری

کد سکونتگاه	رتبه از نظر سطح برخورداری	مجموع خدمات	درصد کارکرد و خدمات نوسه هر سکونتگاه نسبت به یافته‌ترین سکونتگاه	طبق بندی سکونتگاهها
۲۶	۱	۲۶	۳۷/۵	طبق بندی سکونتگاهها
۲۴	۲	۲۷	۳۷/۵	طبق بندی سکونتگاهها
۱۳	۳	۲۸	۳۵	طبق بندی سکونتگاهها
۲۵	۴	۳۰	۳۷/۵	طبق بندی سکونتگاهها
۵	۵	۳۱	۳۸/۷	طبق بندی سکونتگاهها
۲۱	۶	۳۲	۴۰	طبق بندی سکونتگاهها
۲۰	۷	۳۳	۴۱/۲	طبق بندی سکونتگاهها
۱۵	۸	۳۴	۴۱/۵	طبق بندی سکونتگاهها
۵	۹	۳۵	۴۳/۷	طبق بندی سکونتگاهها
۱۸	۱۰	۳۶	۴۵	طبق بندی سکونتگاهها
۱۷	۱۱	۳۸	۴۷/۵	طبق بندی سکونتگاهها
۵	۱۲	۳۹	۴۸/۷	طبق بندی سکونتگاهها
۱۶	۱۳	۴۱	۵۱/۲	طبق بندی سکونتگاهها
۱۴	۱۴	۴۳	۵۳/۷	طبق بندی سکونتگاهها
۱۴	۱۵	۴۷	۵۸/۷	طبق بندی سکونتگاهها
۱۹	۱۶	۴۸	۶۰	طبق بندی سکونتگاهها
۱۰	۱۷	۴۹	۶۱/۲۵	طبق بندی سکونتگاهها
۵	۱۸	۵۰	۶۲/۵	طبق بندی سکونتگاهها
۵	۱۹	۵۱	۶۳/۷	طبق بندی سکونتگاهها
۵	۲۰	۵۳	۶۶/۲	طبق بندی سکونتگاهها
۵	۲۱	۵۷	۷۱/۲	طبق بندی سکونتگاهها
۲۳	۲۲	۶۱	۷۶/۲	طبق بندی سکونتگاهها
۲۲	۲۳	۶۵	۸۱/۲	طبق بندی سکونتگاهها
۲۲	۲۴	۷۲	۹۰	طبق بندی سکونتگاهها
۱۲	۲۵	۷۴	۹۷/۵	طبق بندی سکونتگاهها
۱۱	۲۶	۸۰	۱۰۰	طبق بندی سکونتگاهها

جدول ۳-۱۱: نموداری از جدول اسکالوگرام

ردیف	نوع فعالیت	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	مجموع	
۱	تولید	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۲	خدمات	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۳	تولید	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۴	خدمات	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۵	تولید	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۶	خدمات	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۷	تولید	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۸	خدمات	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۹	تولید	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۱۰	خدمات	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۱۱	تولید	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۱۲	خدمات	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۱۳	تولید	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۱۴	خدمات	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۱۵	تولید	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۱۶	خدمات	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۱۷	تولید	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۱۸	خدمات	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۱۹	تولید	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۲۰	خدمات	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۲۱	تولید	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۲۲	خدمات	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۲۳	تولید	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۲۴	خدمات	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۲۵	تولید	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۲۶	خدمات	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۲۷	تولید	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۲۸	خدمات	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۲۹	تولید	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۳۰	خدمات	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۳۱	تولید	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۳۲	خدمات	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۳۳	تولید	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۳۴	خدمات	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۳۵	تولید	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۳۶	خدمات	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۳۷	تولید	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۳۸	خدمات	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۳۹	تولید	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۴۰	خدمات	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۴۱	تولید	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۴۲	خدمات	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۴۳	تولید	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۴۴	خدمات	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۴۵	تولید	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۴۶	خدمات	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۴۷	تولید	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۴۸	خدمات	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۴۹	تولید	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۵۰	خدمات	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰

راست به چپ نوشته شود.

۳- خطوط عمودی و افقی ماتریس را ترسیم کنید تا برای هر کارکرد در هر سکونتگاه یک چهارخانه تشکیل شود.

۴- وجود هر کارکرد یا خدمات را در جلو هر سکونتگاه با قرار دادن علامت x یا علامت * در داخل چهارخانه مورد نظر مشخص کنید.

۵- پس از وارد کردن کلیه اطلاعات در جدول ماتریس، ستونها و سطرها را مجدداً به شیوه‌ای مرتب و جابجا کنید که تعداد مربع‌های (چهارخانه‌های) خالی در قسمت بالایی سمت راست جدول به حداقل برسد. برای اینکار باید یکبار سکونتگاهها را بر اساس مجموع کارکردها جابجا کنید بطوریکه سکونتگاههای دارای بیشترین کارکرد در بالا و نقاط دارای کمترین کارکرد در پایین قرار گیرد و یکبار دیگر نیز کارکردها را بر اساس مجموع هر کارکرد مرتب کنید، بطوریکه کارکردهایی که دارای بیشترین تعداد باشند در سمت راست جدول و کارکردهایی که دارای کمترین تعداد می‌باشند در سمت چپ قرار گیرند.

۶- اسکالوگرام زمانی کامل خواهد بود که هیچگونه تغییر و جابجایی در سکونتگاهها و یا کارکردها (سطرها و ستونها) باعث کاهش در مربع‌های خالی در منطقه مورد نظر (قسمت بالایی سمت راست جدول) نگردد.

۷- ترتیب نهایی بدست آمده برای سکونتگاهها در این ماتریس نشان دهنده سلسله مراتب نقاط سکونتگاهی در منطقه مورد مطالعه خواهد بود.

در روش اسکالوگرام، تعداد و نوع خدمات و کارکردهایی که در تجربه و تحلیل لحاظ می‌گردند از منطقه‌ای به منطقه دیگر متفاوت خواهد بود. این روش با توجه به اینکه بیانی تصویری و قابل رؤیت از برخورداری سکونتگاهها از خدمات مختلف ارائه می‌دهد، بنابراین ابزار مناسبی برای تحلیل سلسله مراتبی سکونتگاهها و الگوی توسعه منطقه‌ای است. این روش بویژه در مواقعی که داده‌ها بصورت کیفی بوده و امکان بکارگیری تکنیک‌های آماری وجود ندارد، بهتر از سایر روشها می‌تواند به تحلیل موضوع بپردازد.

$$C = \text{وزن کارکرد } t$$

$$t = \text{مقدار کل مرکزیت هر کارکرد که عبارتست از } ۱۰۰$$

$$T = \text{مجموع فراوانی هر کارکرد}$$

۶- وزنهای محاسبه شده برای هر کارکرد را در یک ردیف در پایین جدول ثبت کنید.

۷- جدول دیگری مانند جدول (۶-۵) تهیه کرده و وزنهای محاسبه شده برای هر کارکرد را در آن وارد کنید. سپس مجموع وزنهای را در سطر و ستون بدست آورید. مقادیر بدست آمده شاخص مرکزیت هر سکونتگاه را نشان می دهد.

این روش در عین حال خطاهای موجود در کارکردهای ارائه شده در سکونتگاههای سطوح پایین را نیز به وضوح نشان می دهد. مراحل اجرای این روش در جداول (۶-۴) و (۶-۵) ارائه شده است.

پس از محاسبه شاخص مرکزیت و شناسایی نقاط سکونتگاهی مرکزی می توان آنها را بر روی نقشه پیاده کرده و پراکنندگی فضایی نقاط مرکزی و حوزه نفوذ آنها را نیز مشخص کرد.

شناختن مرکزیت وزنی^۱:

یکی دیگر از تکنیک‌های تعیین مرکزیت سکونتگاهها، روش شاخص مرکزیت وزنی است. این شاخص نه تنها پیچیدگی کارکردی را از نظر تعداد کارکردها اندازه گیری می کند، بلکه فراوانی آنها را نیز در هر نقطه مشخص می کند. در این روش به کارکردها بر مبنای محکوس تعداد فراوانی شان وزن داده می شود. بنابراین به یک مدرسه فنی و حرفه‌ای یا یک بیمارستان عمومی که تنها در جاهای خاصی وجود دارد وزن بیشتری نسبت به مدرسه ابتدایی یا خانه بهداشت که در جاهای زیادی وجود دارد تعلق می گیرد. بنابراین شاخص مرکزیت یک نقطه، مجموع وزنهای کارکردهای موجود در آن نقطه است. هر چه میزان این شاخص بیشتر باشد سهم کارکردی آن نقطه بیشتر خواهد بود.^۲ مراحل محاسبه شاخص وزنی مرکزیت پشرح ذیل است.

۱- ابتدا جدول ماتریسی تهیه کنید که در آن کارکردها در ستونها و نقاط سکونتگاهی در ردیف‌ها قرار گیرد.

۲- کارکردها را به شیوه‌ای مرتب کنید که از بیشترین به کمترین ردیف شوند.

۳- نقاط سکونتگاهی را نیز بر مبنای دارا بودن بیشترین کارکرد به کمترین کارکرد مرتب کنید. (جدول ۶-۴).

۴- ردیف‌ها و ستونهاى جدول ماتریس را جمع کنید.

۵- با فرض اینکه مجموع تعداد کارکردها دارای میزان مرکزیت ۱۰۰ می باشد، وزن یا ضریب مکانی^۳ کارکردی را با استفاده از فرمول ذیل محاسبه کنید:

$$C = \frac{1}{T}$$

1- Weighted Centrality Index

2- Evans Hugh (1982) "Urban Functions in Rural Development The Case of the Porosi Region in Bolivia" Washington, U. S. Agency for International Development, pp. 37-38.

3- Location Coefficient

در سال ۱۳۶۰ هیئتی متشکل از کارشناسان وزارت کشور، سازمان برنامه و بودجه، سازمان نقشه برداری و مرکز آمار، پیشنهادی مبنی بر تقسیم کشور به ۹ کلان منطقه را نمودند که منطقه بندری و آلبانی و نامگذاری شد. بعداً این منطقه بندری از سوی گروهی از کارشناسان وزارت مسکن، شهرسازی، به عنوان منطقه بندری «برنامه ریزی فضایی» نامیده شد.

در جدول شماره ۵-۷ چگونگی تقسیم بندی مناطق ۹ گانه وزارت کشور ارائه شده است چنانچه ملاحظه می شود در این تقسیم بندی، در مقایسه با تقسیم بندیهای پیشین، دامنه تغییرات کمتر اما از نظر وسعت دامنه تغییرات ۱ به ۱/۱ است.

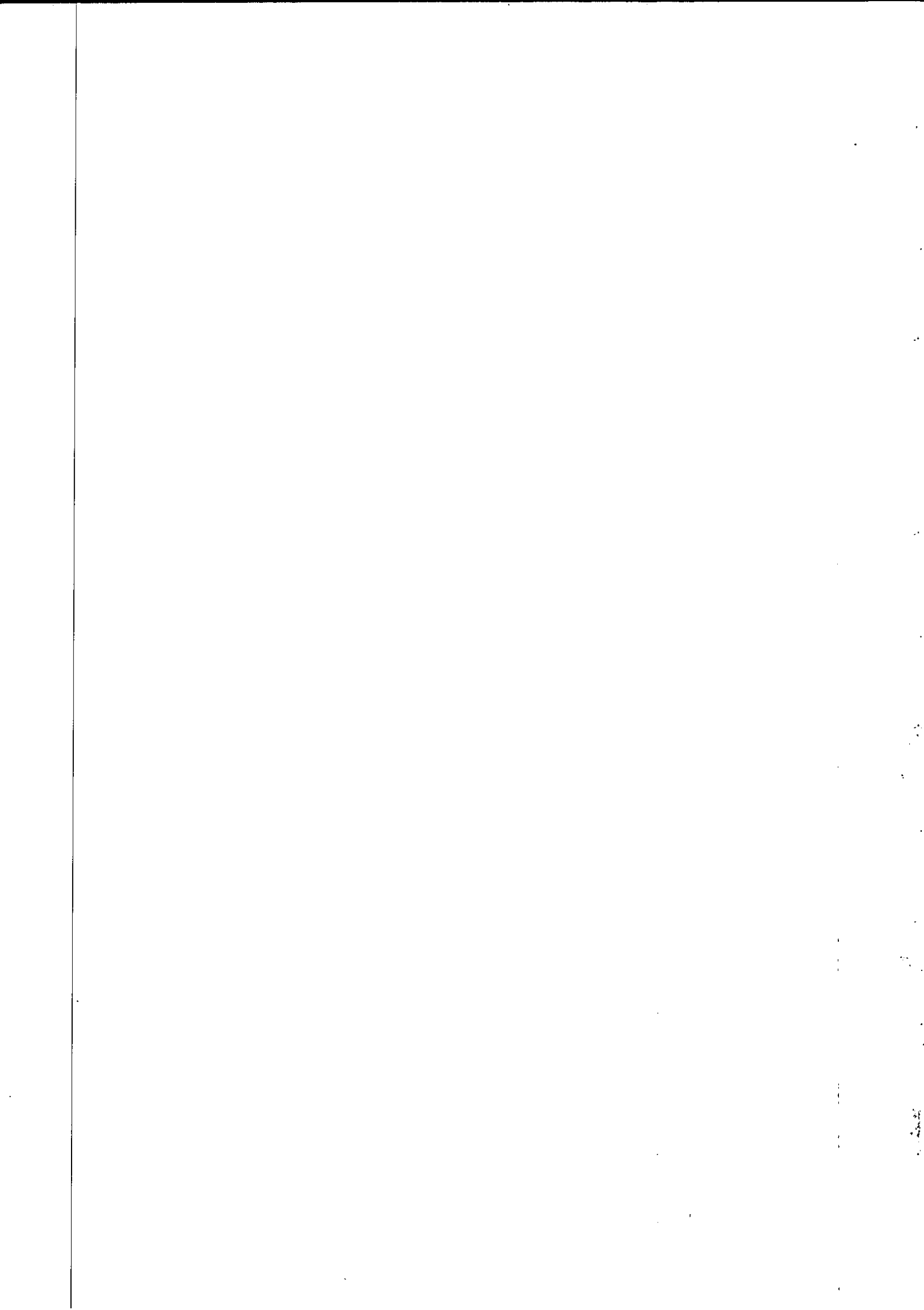
جدول ۵-۶ مساحت و جمعیت در مناطق هفت گانه آستر انرژی بلندمدت

آمایش سرزمین (هستیزان)

مساحت کیلومترمربع	جمعیت	کلان منطقه (استانها)
۹۱۲۲۱۹	۱۲۵۸۰۹۵	استان مرکزی، تهران، مرکزی، قم
۶۱۲۶۱۵	۶۲۷۰۹۲	۱- خوزستان و مازندران
۱۰۲۲۴۰۴	۶۷۸۹۷۱	۲- آذربایجان، آذربایجان شرقی و غربی و اردبیل
۱۱۸۵۶۱۵	۷۸۱۲۲۹	۳- زنجان، همدان، باختران، لرستان، کردستان، ایلام و زنجان
۱۱۰۶۲۴۹	۶۶۸۶۲۲	۴- مرکز استانها و چهارمحال و بختیاری
۶۶۵۲۲۰	۴۲۶۶۷۷۲	۵- خوزستان، خوزستان
۴۰۷۲۲۰۵	۶۵۶۹۰۰۸	۶- شرق، خراسان و سیستان
۶۶۱۸۲۱۰	۱۰۶۲۴۸۸۸	۷- جنوب، هرمزگان، بوشهر، یزد، سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویراحمد، فارس، و کرمان
۱۶۲۲۹۸۸۷	۶۰۵۵۶۸۸	ایران

طرح جامع آب ایران (جاماب) به منظور بررسی امکانات آب و خاک سرزمین برای مصارف مختلف و براساس معیار حوزه های آبریز، ایران را به ۸ منطقه تقسیم کرده است. حوزه های تشکیل دهنده (منطقه) طرح جامع آب به شرح زیر است:

- ۱- حوزه خوزستان و غرب
- ۲- حوزه آذربایجان
- ۳- حوزه اصفهان
- ۴- حوزه شمال و سیفیدرود
- ۵- حوزه فارس و جنوب
- ۶- حوزه شمال شرقی
- ۷- حوزه مرکزی
- ۸- حوزه جنوب شرقی



ادامه جدول (۶-۹) خدمات، تسهیلات و زیرساختهای پیشنهادی برای سطوح مختلف سکونتگاهها در یک منطقه

کارکردهای عمومی	روستا	مراکز خدمات روستایی	شهرهای میانی (شهرکها)	شهرهای منطقه‌ای
تسهیلات تفریحی و ورزشی	- زمین ورزشی - سطح شده	- زمین ورزشی آسفالت - سالن اجتماعات چند منظوره	- چمن ورزشی - سالن ورزشی - رستوران - سینما - سالن اجتماعات	- استادیوم ورزش - سالن سرپوشیده ورزش - سینما - هتل - رستوران - آمفی تئاتر - شهر بازی
خدمات آموزشی	- مدرسه ابتدایی - کلاس نهفت - سرادآموزی	- مدرسه ابتدایی - کلاس نهفت سرادآموزی - مدرسه راهنمایی	- مدرسه ابتدایی - مدرسه راهنمایی - دبیرستان - مدرسه فنی و حرفه‌ای و هنرستان - دفتر نهفت سرادآموزی	- مدارس ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان - هنرستان و مدارس فنی و حرفه‌ای - مراکز تربیت معلم - دانشگاه - دانشگاه منطقه‌ای - اداره نهفت سرادآموزی - مرکز تحقیقات صنایع و کشاورزی - درمانگاه
خدمات بهداشتی	- گروه بیمار بهداشتی	- خانه بهداشت - مطب پزشک عمومی - ماماای روستایی	- درمانگاه - بیمارستان عمومی - پزشک عمومی، متخصص و دندانپزشک - داروخانه - آزمایشگاه - مجتمع بهداشتی	- بیمارستان عمومی - بیمارستان نیمه تخصصی و تخصصی - پزشک عمومی، متخصص، جراح - دندانپزشک - داروخانه - آزمایشگاه

فصل هفتم مکانیسم‌های اقتصاد منطقه‌ای

مقدمه:
همانطوریکه در مقدمه کتاب نیز عمیقاً مورد بررسی قرار گرفت، برخی از تئوریهای توسعه منطقه‌ای ریشه در اقتصاد منطقه‌ای دارند. این بخش از علم نیز از شاخه‌های جوان علم اقتصاد محسوب می‌شود. اگر چه اقتصاد منطقه‌ای در مقایسه با شعبه اصلی اقتصاد از ادبیات وسیعی برخوردار نمی‌باشد، اما تئوریها، مدلها و الگوهای موجود در آن از ارزش و اعتبار قابل توجهی برخوردار هستند. هر چند که بررسی و تحلیل نظریات و مدلهای اقتصاد منطقه‌ای نیازمند مطالعه‌ای مستقل می‌باشد، اما در این فصل سعی گردیده است تا برخی از مدلها و الگوهای مرتبط با برنامه‌ریزی منطقه‌ای مورد بحث قرار گیرد. برای آگاهی بیشتر در این حوزه از تئوریها و الگوها خوانندگان عزیز می‌توانند به منابع اقتصاد منطقه‌ای مراجعه کنند.

